

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دو فصلنامه علمی-ترویجی
پژوهشنامه موعود

با استناد به نامه شماره ۱۵۷۲۸ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی حوزه‌های علمیه مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۲۷ دو فصلنامه پژوهشنامه موعود از شماره یک به رتبه علمی-ترویجی ارتقا یافت.
بر اساس ماده واحده جلسه ۶۲۵ مورخ ۱۳۸۷/۰۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، نشریات دارای امتیاز حوزوی اعتبار یکسان با مجلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارد.

سال هفتم، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۴

صاحب امتیاز:

پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا؛
مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم
مدیر مسئول:
حجت الاسلام و المسلمین مجتبی کلباسی
سر دبیر:

حجت الاسلام و المسلمین مهدی یوسفیان
مدیر اجرایی و دبیر تحریریه:
حجت الاسلام و المسلمین سید علی کاظمی

ویراستار:

محمد رضا مجیری

مترجم انگلیسی:

حجت الاسلام و المسلمین حمید سعادت

اعضاء هیأت تحریریه (به ترتیب الفبا):

الهی نژاد، حسین (استاد تمام پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی)

بهروزی لک، غلامرضا (استاد دانشگاه باقرالعلوم قم)

سلیمانی بهبهانی، عبدالرحیم (استاد حوزه علمیه قم)

شاکری زواردی، روح الله (دانشیار دانشگاه تهران پردیس فارابی)

صفری فروشانی، نعمت الله (استاد جامعه المصطفی العالمیه)

عرفان، امیرمحسن (استادیار دانشگاه معارف اسلامی قم)

کلباسی، مجتبی (استاد حوزه علمیه قم)

مروجی طبسی، نجم الدین (استاد حوزه علمیه قم)

یوسفیان، مهدی (فاضل حوزوی، مدیر پژوهشکده مهدویت موعودگرایی انتظار پویا)



آدرس نشریه: قم، خیابان شهدا (صفائیه) کوی ۲۲ (آمار) بن بست شهید علیان، پلاک ۲۴، تلفن:

۰۲۵۳۷۸۴۱۴۱۰؛ دوزنگار: ۰۲۵۳۷۷۳۷۱۶؛ صندوق پستی: ۳۷۱۳۵۱۹

پست الکترونیکی: mouoodmag@gmail.com

وب سایت نشریه: www.mouoodmag.ir

کانال مجازی: @mahdaviatmag

شماره شاپا: ۲۴۱-۲۷۱۷

قیمت: ۴,۰۰۰,۰۰۰ ریال

راهنمای تدوین و نگارش مقالات

راهنمای تهیه و تنظیم مقاله

دو فصلنامه پژوهشنامه موعود زیر نظر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا می‌باشد و به منظور تبیین، بسط، ارتقای سطح دانش و آگاهی، نقد و نظر، آشنایی با مفاهیم جدید در حوزه مهدویت و موعودگرایی تأسیس شده است. این دو فصلنامه تلاش دارد آخرین دستاوردهای علمی متخصصان و اندیشمندان معارف مهدویت و موعودگرایی را به مخاطبان خود عرضه کند. مقاله‌های دریافتی پس از گذراندن مراحل ارزیابی منتشر می‌شود و در اختیار علاقمندان مباحث مهدویت و موعودگرایی قرار می‌گیرد.

الف) شرایط عمومی

۱. مقاله می‌باید با مباحث مهدویت و موعودگرایی ارتباط داشته باشد؛
۲. مقاله به تبیین و بسط مباحث مهدویت، ارتقای سطح آگاهی و دانش، نقد و نظر و آشنایی مخاطبان با مفاهیم جدید مهدویت و موعودگرایی بپردازد؛
۳. حجم کل مقاله حداقل ۳۶۰۰ کلمه و حداکثر ۷۰۰۰ کلمه باشد؛
۴. فونت متن مقاله B Mitra با شماره ۱۴ و حاشیه ۱۰ باشد و فونت آیات و روایات B Mitra با شماره ۱۴ و پرننگ و در محیط Word ارائه شود؛
۵. در صورت نیاز، ترجمه آیات و روایات و کلمات عربی و انگلیسی و توضیح مفاهیم در پاورقی آورده شود.
۶. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام، نام خانوادگی، مرتبه و جایگاه علمی/تحصیلات، نشانی کامل پستی و نیز پست الکترونیکی به همراه شماره تماس، همراه مقاله ارسال شود؛

ب) نحوه تنظیم مقاله

- نظم و ترتیب منطقی مباحث به صورت ذیل رعایت شود.
۱. چکیده: چکیده مقاله حداکثر ۱۵۰ کلمه که حاوی بیان مسئله، هدف، روش، و یافته پژوهش باشد.
 ۲. واژگان کلیدی: شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی پر تکرار، مرتبط با محتوا، که ایفاکننده نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.
 ۳. مقدمه: مقدمه مقاله معمولاً به تعریف مسئله، پیشینه پژوهش، ضرورت و اهمیت پژوهش، جنبه نوآوری، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی ساختار کلی مقاله بر اساس سؤالات اصلی و فرعی مطرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله می‌پردازد.
 ۴. بدنه اصلی: بدنه اصلی، محتوای ترویجی بوده و می‌بایست موارد ذیل مورد نظر قرار گیرد:
 - تبیین و بسط مباحث مهدویت و موعودگرایی؛
 - ارتقای سطح دانش و آگاهی مهدویت و موعودگرایی؛
 - نقد نظر در زمینه مباحث مهدویت و موعودگرایی؛
 - آشنایی مخاطبان با مفاهیم جدید مهدویت و موعودگرایی.
 ۵. نتیجه‌گیری: نتیجه مقاله گویای یافته‌های تفصیلی تحقیق است و به صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌شود و پاسخ اجمالی به سؤالات اصلی و فرعی مقاله داده می‌شود، لذا می‌بایست از ذکر بیان مسئله،

جمع‌بندی، مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استطرادی در این قسمت خودداری شود؛

۶. **ارجاعات:** ارجاع به صورت یاورقی و به صورت ذیل آورده شود:

- **قرآن:** بقره: ۵۰.
- **کتاب:** نام خانوادگی نویسنده، نام کتاب، شماره جلد و شماره صفحه. به عنوان نمونه: صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۲. ذکر شود.
- **مجله:** نام خانوادگی نویسنده، عنوان مقاله، شماره صفحه.
- **صفحه اینترنتی:** نام خانوادگی نویسنده، آدرس کامل صفحه.
- ۷. **ارجاع پایانی (فهرست منابع):** کتاب‌شناختی کامل منابع و مأخذ تحقیق در انتهای مقاله بر اساس شیوه‌های ذیل آورده شود:
- **کتاب:** نام خانوادگی، نام، **عنوان کتاب** (پررنگ)، مترجم / محقق / مصحح، ناشر، تعداد جلد، نوبت چاپ، مکان چاپ، سال چاپ؛
- **مجله:** نام خانوادگی، نام، **عنوان مقاله** (پررنگ)، نام نشریه، شماره نشریه، تاریخ نشر؛
- **صفحه اینترنتی:** نام خانوادگی و نام، عنوان مطلب، نام سایت، آدرس صفحه به صورت کامل؛
- **نرم افزار:** نام نرم افزار، شماره نسخه، مرکز تولید و پشتیبانی.

ج) تذکرات

- مطالب مقاله مبین آرای نویسنده یا نویسندگان آن است و بازتاب دیدگاه فصلنامه نیست؛
- تمامی مسئولیت مقاله بر عهده نویسنده یا نویسندگان آن می‌باشد؛
- مقاله همزمان به جای دیگر ارسال نشده و به چاپ نرسیده باشد؛
- فصلنامه در ویرایش مقاله (به صورتی که به اصل مطلب صدمه نزند) آزاد است؛
- مقاله دریافتی در صورت تایید یا رد، بازگردانده نمی‌شود؛
- چاپ و نشر مقاله پس از گذراندن مراحل ارزیابی و پذیرش ضوابط فصلنامه امکان پذیر است؛
- نقل و اقتباس از مطالب فصلنامه به شرط ذکر دقیق و کامل منبع بلا مانع است.

د) شیوه‌های ارسال مقاله

۱. **حضوری:** مراجعه به دفتر مجلات واقع در مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم
۲. **غیر حضوری (ارسال لوح فشرده و فایل الکترونیکی):**
 - از طریق صندوق پستی به شماره: ۳۷۱۳۵/۱۱۹؛
 - از طریق سایت به آدرس: www.mouoodmag.ir؛
 - از طریق رایانامه به آدرس: mouoodmag@gmail.com؛
 - از طریق فضای مجازی به آدرس: [@mahdaviatmag](http://mahdaviatmag).

فهرست مقالات

- ۵.....
تحلیلی بر اشارات قرآنی آیت الله بهجت رحمته الله علیه در آموزه های مهدویت
سعید توسلی خواه
- تحلیل راهبردهای مواجهه با فتنه های آخرالزمانی در زندگی مؤمنان با تأکید بر دیدگاه آیت الله بهجت رحمته الله علیه
۳۵.....
حجت حیدری چراتی-مرضیه عیوضی
- تحلیل مولفه های تاثیرگذار بر «دعا برای ظهور حضرت حجت عجل الله فرجه» از منظر آیت الله بهجت رحمته الله علیه ۶۳
علی ربانی فروتقه
- پژوهشی در گونه های نگرش به اماکن مهدوی از منظر آیت الله بهجت رحمته الله علیه ۹۱
محمد غلامی
- خوانشی بر اندیشه آیت الله بهجت رحمته الله علیه پیرامون چگونگی غیبت و راهکار برون رفت آفات و بلیات آن . ۱۱۷
محسن رحیمی جعفری
- بررسی تکالیف فردی و اجتماعی مؤمنان در قبال حضرت حجت عجل الله فرجه از دیدگاه آیت الله بهجت رحمته الله علیه ۱۴۷
حجت الله رجبی
- واکاوی آینده پژوهی با رویکرد آیت الله بهجت رحمته الله علیه به آموزه مهدویت ۱۶۹
پرستو مصباحی جمشید
- ترجمه چکیده مقالات عربی-انگلیسی ۲۰۱

تحلیلی بر اشارات قرآنی آیت‌الله بهجت علیه السلام در آموزه های مهدویت

سعید توسلی خواه^۱

چکیده

مهدویت یکی از آموزه‌های بنیادین اسلام است که در قرآن و سخنان اهل بیت علیهم السلام جایگاه ویژه‌ای دارد. آیت‌الله محمدتقی بهجت علیه السلام به عنوان عارف و فقیه برجسته معاصر، نگاهی سلوکی و باطنی به مهدویت در پرتو آیات قرآن ارائه کرده است. پژوهش حاضر با رویکرد تحلیلی توصیفی و هدف تحلیل ویژگی‌های نگاه قرآنی سلوکی ایشان به مهدویت انجام شده و به بررسی نحوه بهره‌گیری او از آیات قرآن در تبیین مباحثی چون غیبت، ظهور، وظایف منتظران و مراتب تشریف پرداخته است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که آیت‌الله بهجت علیه السلام با رویکردی متفاوت از تفاسیر لفظ محور، به پیوند آیات با سلوک فردی و تربیت معنوی منتظران توجه دارد. تأکید بر عدیل بودن قرآن و امام، توجه به آیات صبر، تقوا، تضرع و عبودیت به عنوان عناصر اساسی انتظار، و نگاه به ظهور به مثابه فرآیندی باطنی از ویژگی‌های این دیدگاه است. اشارات قرآنی او الگویی عملی و اخلاقی برای زیست منتظرانه ارائه می‌دهد که می‌تواند راهنمای مؤمنان در عصر غیبت باشد.

کلیدواژگان: مهدویت، آیت‌الله بهجت علیه السلام، قرآن کریم، تفسیر باطنی، سلوک منتظرانه.

۱. دکترای مبانی نظری اسلام دانشگاه قم و پژوهشگر مرکز تخصصی مهدویت، ایران: saeedtavasoli@chmail.ir.

مقدمه

موضوع مهدویت و امام زمان عجل الله تعالی فرجه یکی از مسائل بنیادین در آموزه‌های اسلامی است که در قرآن،^۱ احادیث و آثار علمای گذشته، جایگاه ویژه‌ای دارد. خصوصاً در دوران غیبت، آموزه‌های مهدوی به عنوان راهنمایی برای حرکت جامعه انسانی به سوی تحقق حقیقت و عدالت جهانی اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند.^۲ شناخت و فهم دقیق این آموزه‌ها، نه تنها به غنای معرفتی مسلمانان می‌انجامد، بلکه به آنان فرصت می‌دهد تا معنای وظایف منتظرانه را در زندگی فردی و اجتماعی خود تجربه کنند.

در قرآن کریم، آیات متعددی به نقش امام در هدایت بشر، وضعیت دوران غیبت و اوصاف ظهور، تکالیف منتظران و ارتباط ایشان با امت اشاره دارند. فهم عمیق این آیات می‌تواند راهگشای بسیاری از مسائل فکری و معنوی مؤمنان باشد؛ زیرا قرآن غالباً معانی خود را در نسبت با نیازهای فردی و اجتماعی انسان بیان کرده است. همچنین، عارفان و علمای دین به مفاهیم مهدوی در آیات قرآن، همواره توجه ویژه و اثرگذار داشته‌اند.^۳

یکی از معاصرترین عالمان عرفان و فقه که به این نگاه قرآنی مقید بوده، آیت‌الله محمدتقی

۱. در جلد پنجم کتاب معجم احادیث الامام المهدی، مجموعاً ۲۶۶ آیه و همچنین در کتاب الامام المهدی فی القرآن و السنه نوشته سعید ابومعاش حدود ۳۰۰ آیه به عنوان آیات مهدویت ذکر شده است. همچنین کتاب‌های تفسیری زیادی در موضوع مهدویت و قرآن به رشته تحریر درآمده است. برای اطلاع بیشتر، ر.ک: معجم مهدویت در تفاسیر شیعه و اهل سنت.

۲. در حال حاضر کتاب‌های زیادی در رشته‌های مختلف سیاسی اجتماعی تربیتی اعتقادی آینده‌پژوهی بر اساس تأثیرات مهدویت در این حوزه‌ها به رشته تحریر در آمده است؛ برای نمونه به انتشارات مرکز تخصصی مهدویت، جمکران، بنیاد فرهنگی مهدی موعود رجوع شود؛ مانند: درسنامه مهدویت (آینده جهان و جهانی شدن) نوشته رحیم کارگر؛ سبک زندگی منتظرانه، نوشته حسن ملایی.

۳. کتاب‌هایی مانند: البرهان فی تفسیر القرآن (هاشمی بحرانی)، نور الثقلین (حویزی)، کافی (کلینی) باب الغیبه،

بحار الانوار در جلد‌های ۵۱-۵۳ روایات بسیاری در تفسیر مهدوی آیات قرآن نقل کرده‌اند.

همچنین ابن عربی، در فتوحات مکیه، به ویژه در باب ۳۶۶، از «خاتم اولیاء» سخن گفته و با زبانی رمزگونه، مفاهیمی مرتبط با وجود ولی کامل و غایب در عالم را تفسیر کرده است. قیصری در شرح فصوص الحکم، ذیل مباحث ولایت، به حقیقت مهدوی اشاره می‌کند. صدرالدین شیرازی (ملاصدرا) در تفصیل آیات مربوط به خلقت و خلافت، مباحث مهدویت را به صورت باطنی تفسیر کرده است.

بهجت علیه السلام است. وی قرآن را نه تنها کتابی برای استنباط و روایت، بلکه منشأ حجت و معرفت قرآنی می‌داند که در آن می‌توان از دل آیات، روح مهدویت و روش انتظار را دریافت کرد. در بیانات او، آیات بسیاری به عنوان منابعی برای تبیین مفاهیم غیبت، ظهور، ویژگی امام و وظایف منتظران مورد استفاده قرار گرفته است. نگاه وی به دیدگاه مهدوی، فراتر از مباحث نظری است و تأکید ویژه‌ای بر بُعد عملی و اخلاقی این باور دارد.

دیدگاه آیت‌الله بهجت علیه السلام، به نوعی جمع میان معرفت قرآنی، تجربه عرفانی، و سلوک واقعی منتظرانه است. آموزه‌های او نشان می‌دهد که مهدویت نه شعاری عقلی یا علمی، بلکه به مثابه راهی برای تهذیب نفس، اصلاح فردی، حرکت اجتماعی و ابزاری برای زندگی وفادارانه در دوران غیبت است.

سؤال اصلی این پژوهش این است که آیت‌الله بهجت علیه السلام کدام آیات قرآنی را در بحث‌های مهدویت به کار برده و برداشت او از این آیات چه کیفیت مهدوی و سلوکی‌ای داشته است؟ پاسخ به این پرسش کمک می‌کند تا شیوه فهم و کاربرد نظری وی از قرآن در موضوع مهدویت روشن شود و رابطه میان مفاهیم قرآنی و تجربه عرفانی سلوکی او تبیین گردد.

این مقاله با هدف تحلیل نگاه قرآنی و سلوکی آیت‌الله بهجت علیه السلام به مهدویت و امام زمان علیه السلام تدوین شده است و برای تحقق این هدف از روش تحقیق کیفی و توصیفی تحلیلی استفاده شده است. در گام نخست، همه آیات قرآنی مورد استناد او در موضوع مهدویت و ظهور، جمع‌آوری شده و ترجمه و شرح مختصری از آن‌ها به دست آمده است. سپس، برداشت‌های عرفانی و معنوی وی در توضیح این آیات بررسی شده است. منبع اصلی این پژوهش، کتاب «مجموعه بیانات و اشارات آیت‌الله بهجت علیه السلام درباره حضرت ولی عصر علیه السلام» است که شامل سخنان و یادداشت‌های او در ارتباط با آموزه‌های مهدوی می‌باشد. با این وجود بسط، تشریح و دسته‌بندی بیانات قرآنی ایشان سابقه و پیشینه‌ای ندارد. سعی شده است در این مقاله، این کمبود مورد توجه قرار گیرد.

چارچوب نظری: تفسیر باطنی و ویژگی‌های نگاه قرآنی آیت‌الله بهجت علیه السلام

در بررسی اشارات قرآنی آیت‌الله بهجت علیه السلام، درک چارچوب تفسیری او ضرورت دارد. تفکر وی در

فهم قرآن، با نگاه کلاسیک لفظ محور تفاوت دارد. برداشت‌هایش ممکن است به ظاهر تأویل یا عرفان شهودی باشند؛ اما از نظر اصول علمی، در چارچوب تفسیر باطنی صحیح قرار می‌گیرند. تفسیر اشاری یا باطنی، ناظر به برداشت‌هایی از آیات قرآن است که از سطح ظاهری آیه عبور کرده و با تکیه بر اشارات باطنی و دلالت‌های معنوی، به فهمی عمیق‌تر از حقیقت وحی می‌رسد. در تعریف دقیق‌تر، تفسیر اشاری به «اشارات مخفی» در آیات اطلاق می‌شود که با عبور از ظواهر قرآن و استناد به دلالت‌های غیرصریح. بدون مخالفت با ظاهر. نکته‌ای معنوی و معرفتی را از آیه استخراج می‌کند؛ حتی اگر به صراحت در الفاظ آن ذکر نشده باشد. این نوع تفسیر، بر پایه شهود عرفانی یا دریافت باطنی پدید می‌آید، نه صرف تکیه بر قواعد لفظی و نحوی.^۱

مباحث تفصیلی پیرامون انواع تفسیر باطنی، گسترده و نیازمند بررسی مستقل است؛ اما برای تحلیل دیدگاه آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه، تأکید بر یکی از اقسام معتبر تفسیر باطنی، یعنی تفسیر مبتنی بر «فحوی عام آیات» و «انطباق مصادیق در طول زمان» ضروری است. این نوع تفسیر به معنای کشف درونی معنا در آیه‌ای است که برای مورد خاصی نازل شده، ولی با توجه به مناسبت معنایی، بر موارد مشابه در طول تاریخ تطبیق داده می‌شود؛ روشی که مورد قبول بیشتر مفسران است و از اقسام «تفسیر باطنی صحیح» به شمار می‌آید.^۲

از منظر روایات نیز قرآن محدود به لایه ظاهری معنا نیست. امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند:

کتابُ الله على أربعة أشياء: على العبارة، والإشارة، واللطائف، والحقائق. فالعبارة للعوام، والإشارة للخواص، واللطائف للأولياء، والحقائق للأنبياء؛^۳ کتاب خداوند بر چهار چیز است: عبارت [ظاهر]، اشاره، لطایف و حقایق. عبارت برای عموم مردم است، اشاره برای خواص، لطایف برای اولیا، و حقایق برای پیامبران.

این روایات نشان می‌دهد که بهره‌مندی از قرآن در سطوح مختلف معنا امکان‌پذیر است و فهم

۱. رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ج ۲، ص ۲۴۲.

۲. همان، ص ۲۶۰.

۳. شهید اول، الدرة الباهرة، ص ۳۰.

اشاری و باطنی، بخشی از سنت تفسیری اسلامی است. بر همین اساس، اشارات آیت‌الله بهجت رحمته را می‌توان در قلمرو «اشاره» و «لطائف» قرار داد؛ یعنی لایه‌ای از فهم قرآنی که از ظاهر عبور می‌کند؛ اما همچنان با ظاهر آیه ناسازگار نیست.

بیشتر اشارات قرآنی آیت‌الله بهجت رحمته در موضوع مهدویت، در همین چارچوب قابل تحلیل هستند. او بدون ادعای تفسیر لفظی یا اجتهادی، با کشف هدف معنوی آیه و تطبیق آن بر مصادیق دوران غیبت، به تبیینی سلوکی و کاربردی از آیات می‌پردازد؛ نگاهی که بیشتر رنگ عرفانی سلوکی دارد تا تفسیری به معنای فنی کلمه. با این حال، از آنجا که در روش تفسیری متداول امروز، بطن و تأویل نیز در چارچوب تفسیر جای می‌گیرد، می‌توان این نوع برداشت‌های معنوی را جزئی از دایره تفاسیر قرآنی دانست.^۱

برای آنکه یک برداشت باطنی در چارچوب مقبول علمی قرار گیرد، معیارهایی پیشنهاد شده است؛ از جمله:

- تناسب معنایی ظاهر و باطن آیه؛
- عدم مخالفت با محکّمات و مبانی عقلانی؛
- رعایت وحدت سیاق و دقت در برداشت‌های ذوقی.^۲

با اتکای بر همین معیارها می‌توان گفت: برداشت‌های قرآنی آیت‌الله بهجت رحمته، نه تنها در چارچوب تفسیر اشاره‌ای صحیح قرار می‌گیرند، بلکه با سلوک معنوی شیعه در مواجهه با غیبت و انتظار، پیوندی عمیق برقرار می‌سازند.

ویژگی بی‌نظیر این دیدگاه آن است که قرآن به چشم منبعی کاربردی و تربیتی دیده می‌شود،

۱. برخی معتقدند برداشت‌های ذوقی یا شهودی، اگر صرفاً به لوازم معنوی کلام توجه داشته باشند و بر مفاهیم خارج از دلالت لفظی استوار باشند، در حقیقت «تفسیر» محسوب نمی‌شوند؛ بلکه باید آن‌ها را در زمره تأویل یا اشارت قرار داد؛ اما به نظر می‌رسد در تفسیرهای معاصر، چنین مرزی چندان قطعی نیست. تفاسیری که در آن‌ها «باطن» با ظاهر سازگار است و به بیان هدف آیه کمک می‌کنند و همچنین با محکّمات قرآن و دلایل عقلانی نیز تعارضی ندارند، می‌توانند در حوزه تفسیر باطنی صحیح قرار گیرند. (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ج ۲، ص ۲۶۹).

۲. همان، ص ۲۷۲.

نه صرفاً متن مطالعاتی؛ بلکه آیینی که می‌تواند برای تربیت منتظر، برپایی صبر، تقویت امید، تزکیه نفس و آماده‌سازی قلب برای درک ظهور مورد استفاده قرار گیرد. این نوع کاربرد عملی و اخلاقی مهدویت، رویکرد عرفانی وی را عیان می‌سازد.

تحلیل نمونه آیات در بیانات آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه

با این چارچوب نظری، در ادامه مقاله، نمونه آیات قرآنی که آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه به آن‌ها در زمینه مهدویت استناد کرده‌اند بررسی خواهد شد. این تحلیل، ضمن اخذ ترجمه و متن آیه، برداشت عرفانی او را تبیین می‌کند و نشان می‌دهد چگونه خوانش باطنی از قرآن می‌تواند به فهم عملی مهدویت در زندگی منتظر بینجامد.

اثبات وجود امام زمان علیه السلام در قرآن

در نگاه آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه، قرآن کریم نام امام معصوم را به صراحت نمی‌آورد؛ ولی برای اهل باطن، آئینه ظهور حقیقت حجت خداست. تحلیل عرفانی ایشان از برخی آیات قرآن، نشان می‌دهد که نه تنها حضور امام زمان در عالم مستمر است، بلکه قرآن نیز این حضور را به زبان رمزی و معرفتی تأیید می‌کند. در این میان، دو نمونه بارز از نگاه او، سوره «قدر» و «حروف مقطعه» است.

۱. سوره قدر و استمرار وجود ولی خدا

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ... تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحُ فِيهَا يَأْتِنُ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ﴾

آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه فرمود:

می‌گوییم: آن کسی که الآن هم تشریف دارد؛ امام عصر علیه السلام، به منزله این است که عمر حضرت رسول صلی الله علیه و آله تا به حال طولانی است. ... براهین دیگری برای این مطلب لازم نیست. با اینکه به براهین هم که مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم اصلاً

شواهد لازم نیست. همین‌ها کافی است: سوره قدر^۱ و ... الی ماشاء الله [ادله وجود دارد].^۲

در تحلیل سلوکی، شب قدر فراتر از یک شب تاریخی، یک حقیقت باطنی و دائمی است. آنچه در سوره قدر توصیف شده، نه یک رخداد گذشته، بلکه فرایندی است همیشگی: تنزل امر الاهی بر قلب ولیّ مطلق خدا. بنابراین، حضور دائمی «ولیّ امر»، امری حتمی است. در نبود او، شب قدر معنا ندارد، چون فرشتگان بی مقصد نمی‌مانند؛ از این رو، بقای شب قدر دلیل بر بقای امام است. برای اهل سلوک، شب قدر، نماد لحظه شهود حقیقت است و حامل این حقیقت، امام حیّ می‌باشد. اوست که «محل نزول ملائکه و روح» است؛ یعنی قلبی که وسع هدایت همه امر خدا را دارد. بدین ترتیب، حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه از منظر عرفانی، همان جان زنده هستی است که بی‌او، اتصال زمین و آسمان ممکن نیست.

۲. حروف مقطعه و وجود امام غایب

حروف مقطعه در آغاز برخی سوره‌های قرآن، نزد بسیاری از مفسران از رموز قرآن شمرده شده است. آیت الله بهجت رحمته الله به نحوی خاص به آن‌ها می‌نگریست و در بیاناتی متذکر می‌شد:

از جمله دلایل لزوم حجت و عالم مطلق در هر عصر، وجود «کهیصص»، «الم» و «الر» در قرآن است. آیا کسی می‌تواند همه اینها را بفهمد؟ ... این خود علامت این است که قرآن مجملاتی دارد که مفسّر و شارحش غیر آدم‌های عادی هستند. این‌ها باید با خود مبدأ وحی بالواسطه یا بلا واسطه اتصال داشته باشند. این یکی از حجج است بر اینکه این رمزهای قرآن شارح می‌خواهد.^۳

۱. در حالی که شب قدر در هر سال تکرار می‌شود و بنا بر آیات سوره قدر، نزول ملائکه در شب قدر، امری مستمر است و تنها مختص به زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله نبوده است، سؤال این است که ملائکه و روح در شب قدر بر چه کسی نازل می‌شوند؟ معلوم می‌شود که در هر زمان، باید ولیّ کاملی باشد که محل نزول فرشتگان قرار گیرد. این نحوه استدلال به سوره قدر برای بیان حقانیت تشیع، در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله بیان شده است؛ ر.ک: کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۴۹.
۲. بهجت، مجموعه بیانات و اشارات، ص ۹۷-۹۸.
۳. همان، ص ۱۰۰.

تحلیل عرفانی این نگاه آن است که حروف مقطعه، زبان رمزی نازل شده بر قلب ولی الهی اند. اگر این زبان رمز، بدون مفسر زنده در میان مردم باشد، معنایش مخفی می ماند. همان گونه که قرآن باطن دارد، باطن این حروف نیز در جان امام است.

برای سالک، این حروف به معارفی اشاره دارند که تنها با اتصال به ولی خدا کشف می شود. غیبت امام، به معنای غیبت این رموز نیست؛ بلکه رمزگشایی از آن ها فقط برای کسی ممکن است که با امام غایب ارتباط قلبی و شهودی یافته باشد. بنابراین، وجود رمزی و سربسته این حروف، به خودی خود نشانه ای است از ضرورت وجود امام حاضر، هرچند غایب، است.

بنابراین از نگاه عرفانی آیت الله بهجت رحمته الله علیه، قرآن کریم - به ویژه در سوره قدر و حروف مقطعه - بر حضور دائمی ولی خدا دلالت دارد. نزول امر الاهی در شب قدر، و حروف مقطعه در ابتدای سوره ها، بدون وجود حجت الهی، بی معنا می شود؛ از این رو، قرآن خود، گواهی بر استمرار حضور امام معصوم در هر زمان، و در عصر ما، بر وجود حضرت بقیة الله رحمته الله علیه است.

قرآن دلیل استمرار حضور عترت

در حدیث شریف ثقلین^۱ که از معتبرترین احادیث شیعه و اهل سنت است، رسول خدا صلی الله علیه و آله دو میراث سنگین و هدایت گر را همزمان معرفی می کند: قرآن و عترت، و تأکید می فرماید که این دو، تا قیامت، هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند.

از منظر عرفانی، این انفکاک ناپذیری، صرفاً یک رابطه تعلیم و تفسیر نیست؛ بلکه نسبتی تکوینی است؛ یعنی همان گونه که قرآن، ذکر دائم و نور الاهی است، عترت نیز مظهر دائمی و جاری آن نور در بستر زمان است.

آیت الله بهجت رحمته الله علیه می فرمود:

[حدیث ثقلین] دلیل قطعی است بر اینکه امام زمان رحمته الله علیه حتی موجود الی زمان

۱. «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابِ اللَّهِ وَعِزَّتِي، أَهْلِ بَيْتِي، مَا إِنَّ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا، وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْصَ» (کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۱۵).

ظهوره، نه اینکه بعد موجود و متولد می‌شود.^۱

اگر قرآن در میان ما حاضر است و حجت هدایت است، پس به حکم این حدیث، عترت نیز باید حاضر و زنده باشد. در غیر این صورت، سنت نبوی نقض می‌شود و سخن رسول اکرم ﷺ، به خلف منجر می‌گردد که از آن منزّه است.

حدیث ثقلین، در منظومه عرفانی و سلوکی، به معنای اتحاد انفکاک‌ناپذیر نور هدایت است. قرآن، هدایت مکتوب است و عترت، هدایت مجسم. اگر یکی از این دو از میان برود، آن دیگری نیز کارایی کامل نخواهد داشت؛ بنابراین حضور امام حئی، نه فقط یک عقیده روایی یا سیاسی؛ بلکه یک ضرورت وجودی برای تداوم هدایت قرآن است.

در نگاه آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه، سالک راه خدا باید بداند: «در هر زمان، هدایت قرآن با امام زمان رحمته‌الله علیه است. اگر او را نیابی، راه را گم می‌کنی؛ حتی اگر قرآن بخوانی.»

غیبت امام زمان رحمته‌الله علیه و موانع ظهور

در فرهنگ و تفکر شیعه، غیبت به معنای فقدان نیست؛ بلکه به معنای پنهانی حضور است؛ یعنی امام هست، ولی در پرده خفا قرار دارد.^۲ این حجاب نه از سوی او، بلکه ناشی از عدم آمادگی مردمان برای دیدار با ولی حق است. آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه با زبانی ساده اما دقیق، از این معانی پرده برمی‌داشتند.

آمادگی برای ظهور در پرتو آیه ۴۴ سوره اسراء

خداوند در آیه ۴۴ سوره اسراء می‌فرماید:

تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا

۱. بهجت، مجموعه بیانات و اشارات، ص ۵۹۶.

۲. امام صادق رحمته‌الله علیه در بیان تشبیه حضرت حجت رحمته‌الله علیه به حضرت یوسف رحمته‌الله علیه: «أَنْ يَكُونَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَفْعَلُ بِحُجَّتِهِ مَا فَعَلَ يُوسُفَ أَنْ يَكُونَ يَسِيرٌ فِي أَشْوَاقِهِمْ وَ يَطَّأُ بُسْطَهُمْ وَ هُمْ لَا يَعْرِفُونَهُ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَعْرِفَهُمْ بِنَفْسِهِ كَمَا أَدْنَى لِيُوسُفَ» (ابن بابویه، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۴۱)؛ «و الله إن صاحب هذا الأمر ليحضر الموسم كل سنة يرى الناس فيعرفهم ويرونه ولا يعرفونه» (قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۰۵).

تَفَقَّهُوْنَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا؛

آسمان‌های هفت‌گانه و زمین و هر که در آن‌هاست، او را تسبیح می‌گویند. و هیچ چیزی نیست مگر آنکه با ستایش او تسبیح می‌گوید؛ ولی شما تسبیح آن‌ها را نمی‌فهمید. بی‌گمان او بردبار و آمرزنده است.

این آیه شریفه، دریچه‌ای به سوی نوعی شناخت فرازمانی و فراحسی از جهان هستی می‌گشاید؛ جهانی که سراسر در حال تسبیح و اطاعت است؛ اما انسان در اثر انس با محسوسات و غفلت از باطن وجود، از فهم این تسبیح و هماهنگی عظیم بی‌بهره مانده است. در نگاه عرفانی، این آیه تنها ناظر به یک حقیقت طبیعی نیست؛ بلکه پرده از واقعیتی وجودی بر می‌دارد: هر موجودی در هستی به نوعی در خدمت تدبیر الهی و مسیر تحقق اراده اوست، از جمله تحقق وعده الهی در ظهور ولی حق.

آیت‌الله بهجت رحمته‌الله در بیانی سلوکی، با اشاره به همین آیه به حقیقتی ژرف‌تر اشاره می‌فرماید:

در و دیوار شاهدان ظهورند، هر چیزی زبانی دارد؛ ولی ما زبان آن‌ها را نمی‌فهمیم.^۱ این جمله در بطن خود حاکی از این حقیقت است که عالم به سوی ظهور در حرکت است و همه ذرات هستی با زبان وجودی خود، این مسیر را هموار می‌کنند. تنها انسان است که باید به آن هماهنگی برسد.

از نگاه آیت‌الله بهجت رحمته‌الله، آمادگی برای ظهور، نه صرفاً آمادگی سیاسی یا اجتماعی، بلکه یک آمادگی وجودی و درونی است؛ نوعی همسویی با تسبیح هستی. او با استناد به سیره امام حسن عسکری علیه‌السلام که تلاش می‌کرد مردم را برای دوران غیبت آماده کند،^۲ بر این نکته تأکید دارد که غیبت و ظهور، رخدادهایی صرفاً تاریخی نیستند؛ بلکه عرصه‌هایی تربیتی برای سنجش و رشد

۱. بهجت، مجموعه بیانات و اشارات، ص ۱۲۵ (با اندکی تغییر) «شاهد این عده در و دیوار است. هر چیزی یک زبانی دارد. ما زبان در و دیوار را بلد نیستیم». «وَلَكِنَّ لَا تَفْقَهُوْنَ تَسْبِيحَهُمْ»؛ و لکن شما تسبیح آن‌ها را نمی‌فهمید».
۲. حضرت امام حسن عسکری علیه‌السلام خیلی سعی بر این داشتند که مردم را برای غیبت آماده کنند. حتی گاهی بین خود و مراجعین پرده می‌انداختند تا مردم به ندیدن امام عادت کنند. خود غیبت صغری هم همین جهت آماده‌سازی را دارد. باید شیعه برای این زمان سخت آماده شود» (بهجت، مجموعه بیانات و اشارات، ص ۱۲۵).

انسان‌اند. به همین جهت است که به باور او، حتی دوران غیبت صغرا، بخشی از این تربیت و آمادگی‌تدریجی بود.

آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه در ادامه می‌فرماید: «تعبیر ظهور اصغر^۱ هم ممکن است تعبیر از مقدمات ظهور تا استقرار آن باشد». این تعبیر، ناظر به درکی فرایندی و لایه‌لایه از مفهوم ظهور است؛ بدین معنا که ظهور حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالیه یکباره و دفعی رخ نمی‌دهد؛ بلکه تحقق آن مسبوق به مقدماتی تدریجی، تربیتی و وجودی است. از منظر عرفانی سلوکی آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه این فرایند از آمادگی درونی دل‌ها و صفای جان‌ها آغاز می‌شود و به ظهور ظاهری می‌انجامد.

در این چارچوب، آیاتی مانند آیه ۴۴ سوره اسراء که از تسبیح ذرات هستی و ناآگاهی انسان از آن سخن می‌گوید، از منظر او معنایی فراتر از توصیف طبیعی دارند. این آیه در واقع هشدار تربیتی برای انسان منتظر است:

آیا تو که مدعی انتظار ظهوری، قلب و عمل خود را با آهنگ هستی هماهنگ کرده‌ای؟ جهانی که در حال تسبیح است، به سوی تحقق وعده الهی حرکت می‌کند؛ آیا تو نیز در این مسیر، فعال و هم‌صدا هستی یا از آن عقب مانده‌ای؟ بدین‌سان، ظهور اصغر در نگاه آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه نه صرفاً مرحله‌ای از زمان، بلکه مرحله‌ای از تحول باطنی و آمادگی روحی بشر است؛ مرحله‌ای که اگر محقق شود، ظهور کبرا نیز تحقق خواهد یافت.

این فهم از آیه، همچنین رابطه‌ای عمیق میان عرفان انتظار و علم حضور برقرار می‌سازد: هرچه انسان از حجاب‌های غفلت و معصیت‌رهایی یابد، گوش دل او نیز به تسبیح موجودات باز می‌شود و ظهور، دیگر تنها یک وعده‌ی آینده نخواهد بود؛ بلکه حقیقتی جاری و حاضر در جان او می‌شود.

۱. تعبیر «ظهور اصغر» در منابع روایی شیعه سابقه شناخته شده‌ای ندارد و به نظر می‌رسد مفهومی نوپدید و غیرمشهور باشد. این اصطلاح، برخلاف تعبیر رایج «غیبت صغرا» که در سنت حدیثی و کلامی جایگاه مشخصی دارد، مبنای روایی مستقیمی ندارد و بیشتر به عنوان یک برداشت تحلیلی یا تمثیلی به کار رفته است. آیت‌الله بهجت در بیانی عرفانی به این اصطلاح اشاره کرده‌اند، و مشابه آن نیز در آثار معاصری مانند کتاب عصر ظهور، تألیف علی کورانی مطرح شده است.

فقدان آمادگی برای ظهور در پرتو آیات ۱۵۵ تا ۱۵۷ سوره شعرا

خداوند در سوره شعرا در داستان حضرت صالح و قوم ثمود چنین می‌فرماید:

قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿١٥٥﴾ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ
عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٥٦﴾ فَعَقَرُوهَا فَاصْبَحُوا نَدِيمِينَ ﴿١٥٧﴾

[صالح] گفت: این ماده شتری است که نوشیدن آبش نوبتی است؛ یک روز نوبت او و روز دیگر نوبت شماست. (۱۵۵) و به بدی به او نزدیک نشوید، که شما را عذاب روزی سخت فرا خواهد گرفت. (۱۵۶) پس آن شتر را پی کردند [کشتند] و صبحگاهان پشیمان شدند. (۱۵۷)

این آیات نشان می‌دهد که قوم ثمود با وجود مشاهده نشانه‌ای آشکار از جانب خداوند (ناقه) و آگاهی از عواقب آن، باز هم بر طغیان خود اصرار ورزیدند و رحمت الهی را با دست خود از میان بردند. در نگاه عرفانی، ناقه نه صرفاً یک حیوان معجزه‌آسا، بلکه نماد یک نعمت الهی، واسطه فیض و نشانه‌ای از حضور ربوبی در میان مردم است.

آیت‌الله بهجت رحمته‌الله با برداشتی عمیق و سلوکی از این ماجرا، درباره وضعیت امت اسلامی در عصر غیبت هشدار می‌دهد:

قرآن چه موجودی است که در مراتب مختلفه نزول، حکایت از شنیدنی‌ها و دیدنی‌ها می‌کند. عدیل قرآن (عترت) هم حکایت از نعمت‌های عالم می‌کند... ولی ما از غمخوار، هادی، حامی و ناصرهای خود قدردانی نمی‌کنیم و واسطه خیر را پی می‌کنیم؛ ... فَعَقَرُوهَا، ناقه را پی کردند و ائمه را که ولی نعمت‌های ما و مجاری فیض هستند، نمی‌توانیم مشاهده کنیم. امام زمان را هم اگر بباید، با او همان معامله را می‌کنیم که با آباء طاهرینش کردیم. آیا می‌شود امام زمان چهارصد میلیون یاور داشته باشد و ظهور نکند؟^۱

در این بیان، آیت‌الله بهجت رحمته‌الله درک مردم از قرآن و عترت را معیاری برای سنجش آمادگی ظهور می‌داند. ناقه در آیه، همسنگ امام در دوران حضور است؛ همان‌گونه که قوم ثمود آن را انکار و

۱. بهجت، مجموعه بیانات و اشارات، ص ۱۷۲.

قربانی کردند، امت نیز در طول تاریخ نسبت به ائمه اطهار بی‌مهتری کرده است. او به صراحت می‌فرماید که اگر امام زمان امروز نیز ظهور کند، با او همان می‌کنیم که با آبابی طاهرین او کردیم؛ زیرا تغییری در حقیقت روحی و اخلاقی امت پدید نیامده است.

تعبیر تأمل‌برانگیز وی که می‌پرسد: «آیا می‌شود امام زمان عجل الله فرجه چهارصد میلیون یاور داشته باشد و ظهور نکند؟» در واقع نوعی پرسش چالشی و انتقادی از ادعاهای ظاهری مردم است. او در حقیقت می‌فرماید: یاوری حقیقی به معنای ولایت‌پذیری واقعی است، نه صرف محبت زبانی یا شعاری.

در نتیجه، این آیات و تحلیل ایشان در امتداد بحث آمادگی برای ظهور، نشان می‌دهد که حجت خدا در غیبت نیست؛ بلکه ما در حجابیم. همان طور که قوم ثمود خودشان نعمت الاهی را از میان برداشتند، ما نیز با فقدان شکر و معرفت نسبت به نعمت امامت، راه ظهور را بسته‌ایم.

وظایف منتظران

اصلاح نفس و آمادگی برای ظهور

قرآن کریم در آیه سوم سوره طلاق به یکی از سنت‌های قطعی الاهی در زندگی انسان مؤمن اشاره می‌فرماید:

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا، وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ؛

و هر کس از خدا پروا کند، خدا برای او راه گشایشی قرار می‌دهد، و او را از جایی که گمان نمی‌برد، روزی می‌دهد... و هر کس بر خدا توکل کند، خدا او را کفایت می‌کند.^۱

در پرتو این آیه، آیت‌الله بهجت رحمته الله تقوا و توکل را دو رکن اصلی اصلاح فرد و جامعه می‌داند. او در باب آمادگی برای ظهور می‌فرماید:

۱. سوره طلاق: ۳.

ما خودمان حاضر نیستیم خودمان را اصلاح کنیم. اگر خودمان را اصلاح کنیم، به تدریج همه بشر اصلاح می‌شوند... با خدا بساز، کار را درست می‌کند. چرا در خلوت و جلوت، دلت هر چه می‌خواهد می‌کنی؟ مگر نمی‌فرماید: «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا»^۱؟

این بیان، نه تنها دعوت به اصلاح فردی است، بلکه بازتابی از یک منطق قرآنی در باب «تربیت منتظر» است: اصلاح جهان از اصلاح دل آغاز می‌شود، و هر کس که در مسیر بندگی صادق باشد، در تحقق فرج سهم دارد.

از منظر آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه، تقوا در این آیه تنها به معنای پرهیز از گناه نیست؛ بلکه به معنای نظم درونی، مراقبت دائمی، و عبودیت قلبی است. وقتی دل انسان تابع امر خدا باشد، عمل او نیز در مسیر الهی قرار می‌گیرد. اصلاح نفس، زمینه‌ساز اصلاح جامعه می‌شود؛ و جامعه‌ای که در آن دل‌ها مهذب است، آماده‌ترین بستر برای ظهور حجت خدا است.

او با بهره‌گیری از آیه سوم سوره طلاق، انتظار را به «سلوک فردی در دل عصر غیبت» پیوند می‌زند. از نظر او کسی که در خلوت و جلوت مراقب دل خود نباشد و اراده‌اش را به هوای نفس می‌سپارد، اگر هم دعا برای ظهور کند، دعایش بی‌اثر خواهد بود.

بنابراین، راه اصلاح عالم و زمینه‌سازی برای ظهور، با تقوا، توکل، و مبارزه جدی با نفس آغاز می‌شود.^۲ این آموزه، دعوتی است به بازگشت به خود، و نشان می‌دهد که منتظر واقعی، همان اصلاح‌گری است که خود را بسازد، تا جهان را بسازد.

احیای انسان‌ها، مقدمه‌ای برای آمادگی ظهور

خداوند متعال در آیه ۳۲ سوره مائده پس از بیان داستان فرزندان آدم و قتل ناحق، چنین

۱. بهجت، مجموعه بیانات و اشارات، ص ۱۹۳.

۲. قال الإمام الصادق عليه السلام «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ، وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ، فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ، فَجِدُّوا وَ انْتَظِرُوا، هَنِيئًا لَكُمْ أَيُّهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۰۰).

می‌فرماید:

مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا؛

هر کس انسانی را بدون [ارتکاب] قتل یا فساد در زمین بکشد، چنان است که گویی همه مردم را کشته است، و هر کس انسانی را احیا کند، چنان است که گویی همه مردم را احیا کرده است.

در نگاه ابتدایی، این آیه به اهمیت بی‌مانند جان انسان در شریعت الاهی اشاره دارد؛ اما در تفسیر عرفانی سلوکی که آیت‌الله بهجت رحمته‌الله ارائه می‌دهد، «احیای نفس» تنها به معنای نجات از مرگ جسمانی نیست؛ بلکه احیای معنوی و نجات از ضلالت و گمراهی در دین است. به تعبیر او این نوع احیا، در واقع نجات دادن انسانی است از مرگ حقیقی که همان مرگ قلب و سقوط در ظلمات غفلت و گناه است.^۱

آیت‌الله بهجت رحمته‌الله با تکیه بر همین معنا، مسئولیت بزرگ اجتماعی و معنوی مؤمنان را یادآور می‌شود:

این راه اصلاح را نباید کالعدم و نشدنی حساب کنیم؛ وگرنه پشیمان می‌شویم از اینکه می‌توانستیم عادل و صالح فراهم کنیم و نکردیم... در وسع ما بود و قدرت داشتیم که دنیا را به امن و امان و عدالت وادار کنیم و نکردیم. انوشیروان از مزدک پرسید: قاتل را می‌کشی؟ گفت: نه. گفت: اگر او را نکشی ممکن است صد نفر دیگر را بکشد. او را و صد هزار تابع او را در یک روز در یک مجلس کشت.^۲

این بیان او حاکی از یک فهم مسئولانه و ژرف از آمادگی برای ظهور است. در منظومه فکری آیت‌الله بهجت رحمته‌الله، ظهور، زمانی رخ می‌دهد که مؤمنان اهل احیای نفوس باشند؛ یعنی به جای انفعال و بی‌تفاوتی، به تربیت انسان‌های عادل و صالح بپردازند و جامعه را در مسیر هدایت الاهی

۱. «أَيُّهَا أَحَبُّ إِلَيْكَ؟ رَجُلٌ يَرُومُ قَتْلَ مِسْكِينٍ قَدْ ضَعُفَ، تُنْفِذُهُ مِنْ يَدِهِ؟ أَوْ نَاصِبٌ يُرِيدُ إِضْلَالَ مِسْكِينٍ [مُؤْمِنٍ] مِنْ ضَعْفَاءِ شِيعَتِنَا تَفْتَحُ عَلَيْهِ مَا يَمْتَنِعُ [الْمُسْكِينُ] بِهِ مِنْهُ وَيُفْجِمُهُ وَيُكْسِرُهُ بِحُجَجِ اللَّهِ تَعَالَى؟» (دشتی، فرهنگ سخنان امام حسین، ۲۸۱).

۲. بهجت، مجموعه بیانات و اشارات، ص ۱۹۲.

سامان دهند. با این نگاه، غیبت، نه فقدان امام، بلکه فقدان احیا در نفوس مؤمنان است.^۱ نکته مهم دیگر در کلام او اشاره به قصه تاریخی گفت‌وگوی انوشیروان و مزدک است که آن را به مثابه تمثیلی برای ضرورت اقدام در برابر ریشه‌های فساد و ضلالت بیان می‌کند. او با نقل این داستان، تلویحاً بیان می‌کند که بی‌عملی در برابر گمراهی‌ها، موجب گسترش فساد می‌شود و کسی که می‌توانست مانع گمراهی شود ولی نشد، در واقع در مسئولیت آن شریک است. از این منظر، آیه ۳۲ سوره مائده، نه فقط هشدار نسبت به حرمت خون انسان، بلکه دعوتی است به احیای معنوی انسان‌ها، به ساختن انسان‌های منتظر، و به مسئولیت‌پذیری در قبال تحقق جامعه‌ای عادل و آماده برای ظهور. جامعه‌ای که از احیا غافل باشد، در واقع در مسیر غیبت باقی می‌ماند؛ اما جامعه‌ای که مؤمنانش جان‌ها را به نور ایمان و معرفت زنده کنند، راه ظهور را هموار می‌سازد.

ضرورت ناظر درونی و آمادگی پیشینی برای هدایت

خداوند متعال در آیه ۱۵۷ سوره انعام می‌فرماید:

أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْكِتَابُ لَكُنَّا أَهْدَىٰ مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَهَدَىٰ وَرَحْمَةً فَمَن أَظْلَمُ مِمَّن كَذَّبَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجْزِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ؛

یا [مبادا] بگویند: اگر بر ما کتاب نازل می‌شد، قطعاً از آنان راه یافته‌تر می‌بودیم. پس، دلیل روشن و هدایت و رحمتی از پروردگارتان برایتان آمد. پس چه کسی ستمکارتر است از آن‌که آیات خدا را تکذیب کند و از آن روی بگرداند؟ به زودی کسانی را که از آیات ما روی بر می‌گردانند، به کیفر روی‌گردانی‌شان، به عذابی

۱. قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ: «فَضَّلَ كَافِلُ يَتِيمٍ آلَ مُحَمَّدٍ الْمُتَّقِعِ عَنْ مَوَالِيهِ النَّاشِبِ فِي ثُبَّةِ الْجَهْلِ يُخْرِجُهُ مِنْ جَهْلِهِ وَ يُرْضِعُهُ لَهُ مَا اشْتَبَهَ عَلَيْهِ عَلَى فَضْلِ كَافِلِ يَتِيمٍ يُطْعِمُهُ وَيَشْقِيهِ كَفَضْلِ الشَّمْسِ عَلَى الشُّهَاءِ» (طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۱۶). رسول الله: «أَشَدُّ مِنْ يَتِيمِ الْيَتِيمِ الَّذِي انْقَطَعَ عَنْ أَبِيهِ، يَتِيمٌ انْقَطَعَ عَنْ إِمَامِهِ وَلَا يَقْدِرُ عَلَى الْوُصُولِ إِلَيْهِ، وَلَا يَدْرِي كَيْفَ حُكْمُهُ فِيمَا يُبْتَلَى بِهِ مِنْ شُرَائِعِ دِينِهِ. أَلَا فَمَنْ كَانَ مِنْ شِعْبَتِنَا عَالِمًا بِعُلُومِنَا وَ هَذَا الْجَاهِلُ بِشَرِيعَتِنَا الْمُتَّقِعُ عَنْ مُشَاهَدَتِنَا يَتِيمٌ فِي حِجْرِهِ، أَلَا فَمَنْ هَدَاهُ وَ أَرشَدَهُ وَ عَلَّمَهُ شَرِيعَتَنَا كَانَ مَعَنَا فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۲).

سخت گرفتار خواهیم کرد.

در این آیه، ادعای توجیه‌گرانه برخی انسان‌ها پیش از دریافت کتاب آسمانی، باطل شمرده می‌شود: آن‌ها پیش‌تر می‌گفتند اگر کتابی از آسمان داشتیم، از همه هدایت‌یافته‌تر می‌شدیم؛ اما اکنون که حجت و هدایت نازل شده، از آن روی گردانند. این آیه به شکلی دقیق، به روان‌شناسی تأخیر و ادعای دینداری در شرایط فرضی اشاره دارد.

در نگاه سلوکی آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه، همین وضعیت - یعنی بهانه‌جویی برای سستی در هدایت و عمل به وظیفه - یکی از آفات دوران غیبت است. او در بیانی تربیتی فرموده است: «در هر فعل و ترک، محتاج به دستگیری هستیم. باید ناظر و محافظ بر احوال خود داشته باشیم. قهراً خودمان باید ناظر را فراهم کنیم، و در عصر غیبت ناظری جز احتیاط نداریم»^۱. او با بهره‌گیری از این آیه شریف نکات عمیقی را متذکر می‌شود:

۱. ادعای مشروط‌هدایت، آفت منتظران غافل

آیه ۱۵۷ به صراحت از گروهی پرده بر می‌دارد که گویی طالب هدایتند، اما تنها در شرایط خاص و آینده‌نگرانه. در تطبیق با دوران غیبت، می‌توان گفت برخی منتظران نیز گرفتار همین خطا هستند؛ می‌گویند: «وقتی امام زمان بیاید، اصلاح می‌شویم» یا «فعلاً نمی‌توان درست زیست؛ چون امام نیست». آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه این منطوق را مردود می‌داند؛ به باور او انسان باید خود ناظری بر رفتار خویش ایجاد کند؛ به ویژه در غیبت امام معصوم.

۲. احتیاط، ناظری معنوی در عصر غیبت

در نگاه عرفانی، احتیاط، نوعی مراقبت دائمی قلب از فراموشی ولی خدا است. وقتی امام دیده نمی‌شود، دیده شدن از سوی او و در پیشگاه خدا بودن را نباید فراموش کرد. آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه بر این باور بود که انسان مؤمن باید در نبود امام ظاهر، رفتار و حالات خود را به‌گونه‌ای سامان دهد که گویی در محضر اوست.

۱. بهجت، مجموعه بیانات و اشارات، ص ۲۰۸.

۳. نفی حجت تراشی

آیه تأکید دارد که وقتی حجت الاهی نازل شد (کتاب، پیامبر، یا امام)، دیگر جای توجیه و «اگر» گفتن نیست. در دوران غیبت نیز، حضور امام زمان عجل الله فرجه در عالم تکوین برقرار است، حتی اگر در عالم شهود از دیدگان پنهان باشد؛ بنابراین آیت الله بهجت رحمته الله، با تحلیل های عرفانی آیه ۱۵۷ سوره انعام، هشدار می دهد که نباید هدایت را به شرایط فرضی آینده منوط ساخت، و نمی توان ظهور امام و نزول هدایت را دستاویزی برای تعلل معنوی قرار داد. به جای آن، باید در همین اکنون و با آنچه در دسترس ماست (قرآن، عقل، وجدان، علمای ربانی)، ناظری برای خویش باشیم، و این ناظر، هم در حوزه ی شریعت، و هم در حوزه سلوک، چیزی جز احتیاط^۱ همراه با حضور قلبی نیست.

تضرع در دوران غیبت؛ راهکاری برای بیداری دل ها

قرآن کریم در آیه ۴۳ سوره انعام به یکی از سنت های الاهی در تربیت انسان اشاره می فرماید:

فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛

پس چرا هنگامی که سختی ما به آن ها رسید، تضرع نکردند؟ بلکه دل هایشان سخت شد و شیطان آنچه را می کردند در چشمشان آراست.

این آیه شریفه، سنتی الاهی را در رابطه با بلایای معنوی و ظاهری تبیین می کند؛ بدین معنا که بلا، عامل بیدارباش برای قلب انسان است و تضرع، واکنش مورد انتظار خداوند از بنده مؤمن در برابر آن است. در صورتی که دل انسان در برابر ابتلائات سخت شود و از تضرع و خشوع بازماند، دروازه های هدایت بسته خواهد شد و زمینه برای نفوذ شیطان فراهم می شود، تا گمراهی را در چشم انسان زیبا جلوه دهد.

در همین راستا، آیت الله بهجت رحمته الله با نگاهی سلوکی و تربیتی، این آیه را در چارچوب وظایف

۱. قال صادق عليه السلام: «خُذْ بِالْاِحْتِيَاظِ فِي جَمِيعِ مَا تَجِدُ اِلَيْهِ سَبِيلاً» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۶۰)؛ قال امیرالمؤمنین عليه السلام: «أَخْوَكُ دِينَكَ، فَاحْتِظْ لِدِينِكَ بِمَا شِئْتَ» (مفید، أمالی، ص ۲۸۳).

منتظران در عصر غیبت تفسیر کرده است. او در بیانی ژرف و هشداردهنده می‌فرماید:

نوکرهای امام زمان عجل الله فرجه باید به وظیفه خود عمل کنند... و توسلات را هم داشته باشند. خداوند سبحان می‌فرماید: «فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا»؛ یعنی خدا بلا را می‌فرستد تا عبد تضرع کند، و مطلوب خدا همان ابتهال و تضرع است.^۱

همچنین با اشاره به آیه فوق می‌فرمود:

آیا نباید در فکر باشیم و با تضرع و زاری برای ظهور و فرج مسلمان‌ها و مصلح حقیقی، حضرت حجت عجل الله فرجه دعا کنیم؟^۲

بر این اساس، تضرع و توسل از منظر آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه صرفاً حالت‌های احساسی یا مناسکی نیستند، بلکه جوهره سلوک منتظرانه‌اند. دوران غیبت خود نوعی «بأس» و ابتلاء الهی است؛ ابتلائی که نه برای مجازات، بلکه برای تربیت و بازگشت انسان به ولی خدا طراحی شده است. در چنین شرایطی، دعا برای فرج امام زمان عجل الله فرجه^۳ در حقیقت شکلی از مشارکت بنده در طرح الهی برای ظهور است، و خود این تضرع، راهی برای نرم کردن قساوت دل و رهایی از غفلت و بی‌تفاوتی است.

آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه با تأکید بر لزوم «عمل به وظیفه» بدون انتظار نتیجه فوری، بیان می‌دارد که منتظر واقعی، کسی است که در هر شرایطی به وظیفه خود عمل می‌کند. در چنین سلوکی، دعا و توسل نه تنها ابزار ارتباط با امام، بلکه عامل استمرار حیات ایمانی در فضای قحطی معنوی دوران غیبت است.

در مجموع، با تأمل در آیه ۴۳ سوره انعام و تحلیل سلوکی آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه، می‌توان نتیجه

۱. بهجت، مجموعه بیانات و اشارات، ص ۲۰۲.

۲. همان، ص ۲۳۲.

۳. حضرت امام صادق عجل الله فرجه فرمودند: «... وقتی عذاب و سختی بر بنی اسرائیل طول کشید، به درگاه خداوند چهل روز گریه و ناله کردند؛ پس خداوند، به موسی و هارون وحی فرستاد که بنی اسرائیل را خلاص کنند و از صد و هفتاد سال صرف نظر کرد.» حضرت امام صادق عجل الله فرجه افزودند: «شما نیز همین‌طور. اگر این کار را بکنید، خداوند برای ما گشایش می‌کند؛ ولی اگر چنین نباشید، این امر تا آخرین حد خواهد رسید» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۱-۱۳۲).

گرفت که تضرع، تنها یک واکنش عاطفی نیست؛ بلکه راهبردی معرفتی و سلوکی برای در امان ماندن از قساوت قلب در دوران غیبت است. منتظران باید همان‌گونه که در حوزه‌های علمی، اخلاقی و اجتماعی فعالند، در عرصه تضرع و توسل نیز کوشا باشند؛ زیرا دلِ غافل از تضرع، به قساوت مبتلا می‌شود، و قلبِ قسی، نه‌تنها از ظهور محروم می‌ماند، بلکه از درک حضور نیز باز می‌ماند.

بندگی خدا؛ نقشه راه منتظر واقعی

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛

و جنیان و آدمیان را نیافریدم، جز برای آنکه مرا عبادت کنند.^۱

این آیه، عصاره فلسفه خلقت انسان و جن را بیان می‌کند؛ غایتی که همه شئون زندگی انسان را در بر می‌گیرد. «عبادت» در این آیه، به معنای صرفاً نماز و روزه نیست؛ بلکه به معنای بندگی مستمر و آگاهانه است.

آیت‌الله بهجت رحمته‌الله در شرحی سلوکی از این آیه تأکید می‌کند:

باید بدانیم که این یک کلمه «إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»، معنایش این است که هر چه هست و نیست در همین عبودیت خداست... تمام نتیجه و سعادت در این است که موفق باشیم به عزم ثابت مستمر بر ترک معصیت در اعتقادات و عملیات... و همین را هم از... وصی وقت بخواهیم که از خدا بخواهند که ما موفق شویم... هر یک از ما که به انبیا و اوصیا و وصی وقت - صلوات الله علیهم - شبیه‌تر باشیم به هدف خلقت خود نزدیک‌تر و واصلیم.^۲

از این منظر، منتظر حقیقی کسی است که نخست، دل خود را مهذب ساخته و با عبودیتی خالص، آماده حضور در محضر امام است. او در بندگی خدا، خود را بر صراط مستقیم می‌سپارد؛

۱. سوره ذاریات: ۵۶.

۲. بهجت، مجموعه بیانات و اشارات، ص ۱۷۸-۱۷۹.

همان‌گونه که قرآن فرموده است: «أَنْ اَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»^۱. در همین راستا، آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه با تعبیر دقیق خود می‌فرماید: «حق میل به یمین و یسار نداریم»^۲ که اشاره‌ای روشن به ترک اختیار نفسانی و تسلیم مطلق در برابر اراده الهی دارد. تا هنگامی که دل مؤمنان بر این صراط ثابت نشود، ظهور نیز در معنای حقیقی خود تجلی نمی‌یابد.

به علاوه، او مسیر تحقق، این عبودیت را صرفاً در مجاهدت فردی نمی‌داند؛ بلکه توسل به اولیای الهی، به ویژه امام زمان علیه‌السلام را شرط نیل به بندگی کامل می‌شمارد. از این منظر، انتظار، خود نوعی سلوک عبادی و تربیتی است؛ نه فقط صبر بر فراق، بلکه مشارکت فعال در مسیر بندگی و تزکیه، با توسل به حجت غایب برای حضور در محضر او.

بنابراین می‌توان گفت: عبودیت، بنیان تمام وظایف منتظران است. به تعبیر آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه، «همه چیز در همین یک کلمه است: إِلَّا لِيَعْبُدُونِ». ظهور در نگاه سلوکی نه یک حادثه بیرونی، بلکه پدیدار شدن حقیقتی در درون دل‌های بندگان آماده است و منتظر حقیقی کسی است که هر لحظه، آماده اطاعت بی چون و چراست؛ خواه امر به حرکت باشد، خواه به توقف.

احیای رابطه عمیق و مداوم با قرآن کریم

از منظر عرفانی و سلوکی آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه، یکی از اساسی‌ترین وظایف منتظران امام زمان علیه‌السلام احیای رابطه عمیق و مداوم با قرآن کریم است. وی با استناد به حدیث ثقلین که پیوندی ناگسستنی میان «کتاب خدا» و «عترت» برقرار می‌سازد، تصریح می‌کند که در عصر غیبت امام، قرآن به مثابه «عدیل» آن حضرت، هدایت‌گر حاضر در میان انسان‌ها است. در بیانی هشداردهنده، او می‌فرماید:

آیا قرآن هم غیبت کرده است؟ اگر امام زمان غایب است، عدل او که هست... از همین جا معلوم است که درباره او راست می‌گوییم یا نه!^۳

۱. یس: ۶۱.

۲. بهجت، مجموعه بیانات و اشارات، ص ۱۷۸.

۳. همان، ص ۳۵۷.

این بیان دربردارنده یک معیار است: راستی سنجی ادعای انتظار و محبت به امام، با نوع مواجهه ما با قرآن سنجیده می‌شود. اگر قرآن در زندگی ما مهجور، مهمل، و بی‌اثر مانده باشد، آن‌گاه ادعای شوق دیدار امام، صادق نخواهد بود. به تعبیر سلوکی، چنین انسانی نه تنها از امام، که از «امامتِ نوری قرآن» نیز در غیبت است.

آیت‌الله بهجت رحمته‌الله، نگاه به مصحف را نه تنها عبادت می‌داند؛ بلکه آن را در حکم نظر به وجود امام می‌خواند؛ زیرا امام و قرآن هر دو مجرای واحد هدایت الهی‌اند. این نگاه، منتظر را به «بازیابی هدایت» در عصر غیبت فرا می‌خواند؛ عصری که در آن، چشم ظاهر از دیدار حجت‌الاهی محروم است، اما چشم دل می‌تواند از آیات هدایت در قرآن بهره‌مند شود و برای ظهور، خود را تربیت کند. از این منظر، بی‌توجهی به قرآن، نشانه‌ای از غیبت مضاعف است؛ یعنی نه تنها حجت ظاهر از چشم‌ها پنهان است؛ بلکه حجت مکتوب نیز در عمل کنار گذاشته شده است؛ لذا احیای قرآن، آغاز حضور امام در جان فرد منتظر است و راه سلوک در عصر غیبت، از انس با کلام وحی می‌گذرد.

ظهور: تحقق وعده و غربال ایمان

با گذر از دوران غیبت و وظایف منتظران، پرسشی بنیادین پیش روی انسان مؤمن قرار می‌گیرد: ظهور چگونه رخ می‌دهد و مواجهه‌ی انسان‌ها با آن چگونه خواهد بود؟ از منظر قرآن و سنت اهل بیت علیهم‌السلام، ظهور امام مهدی علیه‌السلام صرفاً رویدادی تاریخی یا سیاسی نیست؛ بلکه پرده‌برداری از حقیقت پنهانی است که همگان را مخاطب قرار می‌دهد، اما نه اینکه همگان آن را با دل می‌پذیرند.

در این بخش، دو بُعد از ظهور از منظر قرآنی آیت‌الله بهجت رحمته‌الله مورد تحلیل قرار می‌گیرد: نخست، چگونگی ندای فراگیر و اعجازگونه امام عصر علیه‌السلام در لحظه ظهور، که همچون ندای توحیدی حضرت ابراهیم به گوش تمام جهانیان می‌رسد؛ و دوم، واکنش انسان‌ها در مواجهه با این ندا.

ندای ظهور امام به مثابه ندای فطرت

در آیه ۲۷ سوره حج، خداوند فرمانی فرا زمانی به حضرت ابراهیم علیه السلام صادر می‌کند که بازتابی از دعوتی فطری در سراسر هستی است:

وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ؛
و در میان مردم، برای حج بانگ بزن؛ تا پیاده و بر هر شتر لاغری، از هر راه دوری
به سوی تو آیند.

در این آیه، ندای حج نه تنها خطاب به مردم زمان حضرت ابراهیم علیه السلام است؛ بلکه به گونه‌ای فطرت انسان را مورد خطاب قرار می‌دهد. دعوتی که تنها گوش‌های ظاهری آن را نمی‌شنوند؛ بلکه قلب‌های آماده و جان‌های لیبیک‌گو، آن را در می‌یابند.
آیت‌الله بهجت رحمته الله با بینشی عرفانی، پیوندی ژرف میان این ندا و ندای ظهور برقرار می‌سازد. او می‌فرماید:

روایتی هم هست که حضرت حجت علیه السلام هنگام ظهور چنین می‌فرماید: «ألا يا أهل العالم، قُتِلَ جَدِّي الْحُسَيْنَ عَطْشَانًا»^۱ چطور با اهل عالم صحبت می‌کند؟... این اعجاز است. مثل همان أَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ است که نه فقط به اهل آن زمان، بلکه به ذریات‌شان هم رسید.^۲

این بیان، برداشتی عمیق از یک سنت الاهی را آشکار می‌سازد: ظهور، ادامه همان ندای ازلی حج است؛ ندایی که از دل فطرت انسان‌ها بر می‌خیزد و تنها جان‌هایی که با صفا، تقوا، و آمادگی سلوکی پرورش یافته‌اند، قادر به لیبیک گفتن آن هستند.

در نگاه آیت‌الله بهجت رحمته الله، انتشار صدای امام زمان علیه السلام در لحظه ظهور، رخدادی رسانه‌ای یا طبیعی نیست؛ بلکه یک «اعجاز» الاهی است که به زبان فطرت و باطن سخن می‌گوید؛ چنانکه خود می‌فرماید: «چطور با اهل عالم صحبت می‌کند؟... این اعجاز است.»^۳

۱. یزدی حایری، إلزام الناصب، ج ۲، ص ۲۳۳.

۲. بهجت، مجموعه بیانات و اشارات، ص ۲۸۳.

۳. همان، ص ۲۸۴.

از همین رو آمادگی برای لبیک به ندای ظهور، نه با ابزار؛ بلکه با تزکیه، بیداری دل، و تهذیب جان^۱ حاصل می‌شود؛ همان‌گونه که برخی در پاسخ به ندای ابراهیم خلیل لبیک نگفتند، در هنگام ظهور نیز تنها کسانی لبیک خواهند گفت که در سلوک بندگی، گوش دل را از آلودگی‌ها پاک کرده‌اند. به بیان دیگر، لبیک، گفتاری صرف نیست؛ بلکه سلوکی پیوسته است. آنکه در زندگی روزمره به ندای خداوند پاسخ می‌دهد، در لحظه ظهور نیز از اجابت‌کنندگان خواهد بود.

در مجموع بر اساس آیه ۲۷ سوره حج و تأملات عرفانی آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه، ظهور امام زمان عجل الله فرجه یک رخداد ظاهری محدود به ابزارهای شنیداری نیست؛ بلکه ادامه دعوتی ازلی و باطنی است که ریشه در عالم فطرت دارد. او با تکیه بر این حقیقت، ظهور را نه یک حادثه آینده، بلکه حقیقتی جاری در عالم هستی می‌داند که تنها پاک‌دلان می‌توانند آن را بشنوند و درک کنند. آمادگی برای ظهور، در نگاه او، به معنای بازکردن گوش دل و پالایش درون است تا در لحظه ندای امام، بتوان با جان و عمل لبیک گفت.

اکراه در ایمان به حضرت در هنگام ظهور؛ نشانه خشکاندن سرچشمه درون

خداوند متعال در آیه ۳۸ سوره نحل پرده از یکی از عمیق‌ترین آشکال انکار بر می‌دارد؛ انکاری که نه از روی جهل یا خطای ظاهری، بلکه ریشه در لجاجت و انکار درونی دارد:

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ بَلَىٰ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ؛

و با سخت‌ترین سوگندهای خود به خدا قسم خوردند که هرگز کسی را که می‌میرد، خدا بر نمی‌انگیزد. بله [چنین خواهد کرد]، وعده‌ای بر او حق است؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

این آیه، بیانگر نوعی از بی‌ایمانی است که با زبان سوگند و اطمینان ابراز می‌شود؛ اما در حقیقت، نشانه عدم تسلیم قلبی به وعده‌های الهی است. چنین افرادی نه تنها قیامت و حیات پس از

۱. قال الإمام الصادق عليه السلام: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۰۰).

مرگ را انکار می‌کنند، بلکه نسبت به اصل تحقق وعده‌های خداوند نیز دچار شک و ستیزند. در همین زمینه، آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه با تکیه بر همین مضمون، مخاطب را در برابر خطر یک نوع ناباوری باطنی در زمان ظهور حضرت حجت رحمته‌الله‌علیه هشدار می‌دهد. وی می‌فرماید:

انسان با خود، کاری می‌کند که هیچ دشمنی با او نمی‌کند؛ و آن اینکه سرچشمه صلاح را تا روز قیامت خشک می‌کند؛ از این رو، معلوم نیست که همه باطناً به حضرت حجت در وقت ظهور ایمان بیاورند؛ عده‌ای از روی اکراه ایمان می‌آورند.^۱ این سخن آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه، ناظر به حقیقتی بسیار دقیق در سلوک مهدوی است: ایمان آوردن به امام زمان رحمته‌الله‌علیه در هنگام ظهور، امری تضمین‌شده نیست. آن‌کس که در طول عمر خود سرچشمه ایمان و فطرت خویش را با گناه، غفلت، و لجاجت خشک کرده باشد، حتی در روزی که حجت خدا با تمام روشنی و وضوح ظاهر می‌شود نیز یا ایمان نمی‌آورد یا ایمانش از نوع اکراهی و سطحی خواهد بود.

«ایمان اکراهی» یعنی تصدیق ظاهری بدون تسلیم باطنی. چنین ایمانی نه نجات‌بخش است، نه ثمره انتظار. آیه ۳۸ سوره نحل نیز دقیقاً به همین نکته اشاره دارد: انکار حقیقت وعده‌های الهی، ریشه در قساوت دل و بی‌خبری از سنت‌های الهی دارد.

بنابراین، یکی از وظایف اصلی منتظران در عصر غیبت، حفظ و صیانت از چشمه ایمان در باطن خویش است. در این نگاه، انتظار تنها با دعا و آرزو تحقق نمی‌یابد؛ بلکه نیازمند سلوک باطنی، تهذیب نفس و مراقبت دائمی از فطرت الهی انسان است. کسی که دل خود را از آلودگی‌ها پالایش نکند و نور یقین را در آن زنده نگه ندارد، هنگام ظهور، یا قدرت درک حقیقت را ندارد یا از روی اضطراب و نه از سر عشق، ایمان می‌آورد.

در جمع‌بندی می‌توان گفت از منظر آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه، ظهور حضرت حجت رحمته‌الله‌علیه نه نقطه آغاز ایمان، بلکه لحظه آشکار شدن ثمره ایمان باطنی انسان‌ها است. آن‌کس که در دوران غیبت، دل خود را زنده نگاه دارد و با عمل و معرفت، ایمان خویش را پرورش دهد، در هنگام ظهور، لبیک‌گو

۱. بهجت، مجموعه بیانات و اشارات، ص ۲۸۷.

خواهد بود. اما آنکه سرچشمه ایمان را خشک کرده باشد، در مواجهه با حجت خدا، یا انکار می‌کند، یا از روی اکراه تصدیق می‌نماید. این هشدار قرآنی، دعوتی است به پالایش مستمر دل، تا ظهور نه یک تهدید، بلکه فرصت ملاقات با حقیقتی باشد که از مدت‌ها پیش، در جان ما زنده بوده است.

مراتب تشریف و دیدار امام

دیدار و تشریف به محضر حضرت ولی‌عصر علیه السلام دارای مراتبی است؛ از تشریف ظاهری و دیدار حسی، تا شهود باطنی و فهم حضوری. آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه با رویکردی سلوکی و معرفتی، یکی از مراتب مهم این دیدار را نگاه عاشقانه و مؤمنانه به قرآن کریم می‌داند؛ قرآنی که به تصریح احادیث، «عدیل» امام زمان علیه السلام است. او می‌فرماید:

این از اسرار اهل بیت علیهم السلام و اهل ایمان است که اگر این شریک اوست، او - عجل‌الله تعالی فرجه الشریف - را که نمی‌بینی، به شریک و عدل او نگاه کن.^۱

از این منظر، کسی که از فیض دیدار ظاهری با امام محروم است، می‌تواند از راه نظر مؤمنانه و توجه قلبی به قرآن، به نوعی از تشریف معنوی و ارتباط حضوری با حضرت دست یابد. این نگاه، صرفاً نگاه فیزیکی به خطوط قرآن نیست؛ بلکه نگاهی است همراه با حضور قلب، محبت، و معرفت نسبت به پیوند میان قرآن و امام. آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه ادامه می‌دهد:

و اهلش استفاده‌هایی از این [نگاه کردن] می‌برند که وارد شده است: «النظرُ إلى المصحفِ عِبَادَةٌ؛ نگاه کردن به قرآن عبادت است.»^۲ [یعنی مجرد نگاه کردن به قرآن، حتی اگر بدون تلاوت باشد، عبادت است.] مصحف، عدیل خود حضرت حجت علیه السلام است؛ نظر به مصحف، نظر به امام زمان علیه السلام است؛ عدیل نظر به امام

۱. بهجت، مجموعه بیانات و اشارات، ص ۳۵۵.

۲. اربلی، کشف الغمة، ج ۲، ص ۲۶۸.

زمان رَضِيَ اللهُ عَنْهُ است.^۱

در این بیان، تشرف نه یک اتفاق خارق العاده و نادر، بلکه یک تجربه روزمره و ممکن برای اهل دل معرفی می شود؛ تجربه ای که از طریق نگاه عاشقانه به قرآن حاصل می گردد. او تأکید می کند: من خیال می کنم که اگر کسی امام زمان رَضِيَ اللهُ عَنْهُ را ببیند - ولو یک لحظه - می فهمد که بقیه قابل اعتنا نیست؛ قابل نگاه کردن نیست، مگر به نحوی که منافی با یاد خدا نباشد. همچنین اگر کسی بفهمد نظر به مصحف بکند - چون [مصحف] عدیل صاحب الزمان رَضِيَ اللهُ عَنْهُ است - مثل این است که صاحب الزمان رَضِيَ اللهُ عَنْهُ را دیده است.^۲

بر این اساس، دیدار حقیقی، پیش از آنکه اتفاقی ظاهری باشد، تجربه ای باطنی است که در سایه معرفت و محبت به قرآن و حجت خدا حاصل می شود؛ بنابراین، چشم سر ممکن است از دیدار محروم باشد، اما چشم دل اگر با قرآن پیوند داشته باشد، در حقیقت در حال تشرف است. در نهایت، آیت الله بهجت رحمته الله با زبانی ساده اما پرمعنا یادآور می شود:

[قرآن] عدیل آن حضرت رَضِيَ اللهُ عَنْهُ است. این هایی که عاشق امام زمان رَضِيَ اللهُ عَنْهُ هستند، بدانند که این [عمل به] اختیار خودشان است. همین قرآن، عدیل آن حضرت است، عدیل اوست، شریک اوست، مثل او است. چه بسا همین سبب شود که اگر عاشقانه کسی مطالعه بکند، گمان کنم که دیگر این مطالب از بین برود.

از این رو مراتب تشرف به امام، محدود به رؤیت جسمانی نیست؛ بلکه با معرفت به قرآن و انس عاشقانه با آن نیز حاصل می شود. آنکه اهل قرآن است، به گونه ای در محضر امام نیز هست؛ و آن که با قرآن انس ندارد، از زمینه ی اصلی دیدار با امام نیز محروم است.

۱. بهجت، مجموعه بیانات و اشارات، ص ۳۵۵.

۲. همان، ص ۳۵۶.

نتیجه‌گیری

نگاه قرآنی آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه به مهدویت، الگویی متمایز از تفسیر و تأمل در آیات است که ویژگی اصلی آن، عبور از رویکرد صرفاً لغوی و نظری و تأکید بر حضور باطنی و سلوکی امام در زندگی مؤمنان است. وی آیات قرآن را نه فقط در مقام اثبات اعتقادی مهدویت، بلکه به مثابه نقشه‌ای عملی برای تربیت دل‌منتظران و بیداری روحی در عصر غیبت به کار می‌گیرد.

ویژگی محوری نگاه او، ارتباط زنده و مستمر میان قرآن و امام زمان عجل‌الله‌فرجه است؛ به گونه‌ای که قرآن را عدیل حضرت معرفی می‌کنند و «نظر به مصحف» را معادل «نظر به امام» می‌دانند. در این منظومه، آیاتی که به تقوا، صبر، توکل و تضرع اشاره دارند، به اصول راهبردی سلوک منتظرانه تبدیل می‌شوند؛ زیرا به باور ایشان، آمادگی برای ظهور در گرو آمادگی دل و تزکیه باطن است.

همچنین او غیبت را «غیبت ما از آمادگی» می‌داند و ظهور را نه رخدادی صرفاً خارجی؛ بلکه تجلی حقیقت در دل‌های آماده می‌بیند؛ بنابراین فهم آیات قرآن در نگاه آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه، همواره با تربیت قلبی، اصلاح نفس و حضور عملی در مسیر عبودیت گره خورده است. ویژگی ممتاز این رویکرد، کاربردی کردن معانی قرآن در زیست منتظرانه و ارائه یک روش سلوکی اخلاقی برای عصر غیبت است.

نتیجه پژوهش نشان داد اشارات قرآنی آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه در موضوع مهدویت در پنج محور، قابل دسته‌بندی است: ۱. اثبات وجود امام زمان عجل‌الله‌فرجه و حجیت دائمی ولی خدا در قرآن؛ ۲. تبیین حقیقت غیبت و موانع ظهور؛ ۳. بیان وظایف و مسیرهای تربیتی منتظران در آیات؛ ۴. ظهور به عنوان غربال ایمان و فرآیندی باطنی که مقدمات آن در سلوک فردی شکل می‌گیرد؛ ۵. نگاه و مطالعه قرآن یکی از مراتب تشریف و دیدار امام زمان عجل‌الله‌فرجه است.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، مصحح: غفاری، علی اکبر، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۵ق.
۲. ابومعاش، سعید، الإمام المهدي عليه السلام في القرآن و السنة، مشهد: آستانة الرضوية المقدسة، ۱۳۸۸.
۳. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة، تبریز: بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
۴. بهجت، محمدتقی، حضرت حجت، قم: مرکز تنظیم و نشر آثار آیت الله العظمی بهجت، ۱۴۰۲ق.
۵. دشتی، محمد، فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۹۰.
۶. رضایی اصفهانی، محمدعلی، منطق تفسیر قرآن، قم: جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۹۲.
۷. شهید اول، محمد بن مکی، الدرّة الباهرة، محقق / مترجم: مسعودی، عبد الهادی، قم: زائر، ۱۳۷۹، چ ۱.
۸. طباطبائی سید محسن و دیگران، معجم مهدویت در تفاسیر شیعه و اهل سنت، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۹، چاپ اول.
۹. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج، مصحح: موسوی خراسان، محمدباقر، مشهد: المرتضی، ۱۳۶۱ش، چ ۱.
۱۰. قمی، عباس، سفینة البحار، قم: اسوه، ۱۴۱۴ق.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۱۲. الکوثرانی العاملی، علی، معجم أحاديث الإمام المهدي علیه السلام، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق.
۱۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، مصحح: جمعی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث

العربی، ۱۴۰۳ق.

۱۴. مفید، محمد بن محمد، **أمالی**، مصحح: استاد ولی، حسین وغفاری علی اکبر، قم: کنگره

شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

۱۵. نعمانی، محمد بن ابراهیم، **الغیبة**، محقق: غفاری، علی اکبر، تهران: مكتبة الصدوق،

۱۳۹۷ق.

۱۶. یزدی حایری، علی، **إلزام الناصب**، محقق، مصحح: عاشور، علی، بیروت: أعلمی، ۱۴۲۲ق.

تحلیل راهبردهای مواجهه با فتنه‌های آخرالزمانی در زندگی مؤمنان با تأکید بر دیدگاه

آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه

حجت‌حیدری چراتی^۱

مرضیه عیوضی^۲

چکیده

آخرالزمان در ادبیات دینی به عنوان دوره‌ای پر از فتنه‌ها و آزمون‌های بزرگ معرفی شده است؛ دوره‌ای که زندگی مؤمنان با چالش‌های اخلاقی، اجتماعی، و معنوی فراوان مواجه می‌شود. در این میان، یافتن راه‌هایی برای حفظ ایمان، کاهش آسیب‌ها و عبور از این دوران بحرانی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه با نگاهی عمیق به آموزه‌های دینی، راهکارهایی ارائه می‌دهد که در برگیرنده توصیه‌هایی برای تقویت بنیه ایمانی و اخلاق فردی و همچنین ایجاد ثبات و انسجام اجتماعی است؛ از این رو در مقاله حاضر با روش توصیفی تحلیلی و استفاده از روش SWOT (شناسایی قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها)، تکیه بر جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای، بر آنیم به بررسی راه‌های خلاصی از فتنه‌ها و یا محدود کردن و کاستن آسیب‌های آخرالزمان در زندگی مؤمنان در نگاه آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه بپردازیم.

نتایج این بررسی، نشان می‌دهد که مهم‌ترین عوامل توصیه‌شده از نگاه آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه، مقابله با فتنه‌های آخرالزمان شامل خودسازی معنوی، توجه به نیایش و ارتباط با خداوند، و پایبندی به اصول اخلاقی و شریعت است. از سویی دیگر، تأکید بر خودسازی فردی، تقویت معنویت اجتماعی، انسجام مؤمنان و مشارکت در امور خیر، به عنوان قوت‌ها و فرصت‌های راهبردی، ظرفیت بالایی در کاهش آسیب‌های آخرالزمانی دارند. در مقابل، چالش‌هایی نظیر فقدان راهکارهای نهادی، تهدیدهای

heydarihcharati@gmail.com

۱. پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا.

۲. کارشناسی ارشد دانش اجتماعی مسلمین (دانشگاه تهران). me.eyvazi@yahoo.com

فرهنگی و ضعف آموزش رسمی دینی نیز به عنوان موانع و تهدیدهای موجود، تحلیل شده‌اند.
کلیدواژگان: آخرالزمان، فتنه‌های آخرالزمانی، مهدویت، آیت‌الله بهجت علیه السلام، آسیب‌ها، راهکارها.

مقدمه

آخرالزمان در آموزه‌های اسلامی، مرحله‌ای پیچیده و پر آشوب از تاریخ بشر معرفی شده است که در آن، زندگی انسان‌ها با فتنه‌ها و چالش‌های متعدد اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... روبه‌رو می‌شود. بی‌شک این دوره، آزمونی بزرگ برای مؤمنان است که در آن، حفظ ایمان و پایداری بر اصول اخلاقی و دینی، بسیار دشوار می‌نماید؛^۱ از جمله، فتنه‌های آخرالزمانی از یک سو موجب انحرافات فکری و اخلاقی می‌شوند و از سوی دیگر، ساختارهای اجتماعی، جوامع را تهدید می‌کنند.^۲ با توجه به این وضعیت، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های عالمان دینی، ارائه راهکارهایی برای کاهش آسیب‌ها و عبور از این بحران‌ها است. آیت‌الله محمدتقی بهجت، از عارفان بزرگ معاصر، با تکیه بر معارف قرآنی و روایی، دیدگاه‌های ژرفی در این زمینه ارائه کرده است. حضرت آیت‌الله بهجت علیه السلام بارها تأکید می‌کرد که بر اساس روایات متعددی، در دوران آخرالزمان بسیاری از مردم از مسیر حق منحرف و گرفتار فتنه‌های گمراه‌کننده می‌شوند؛ فتنه‌هایی که ایمان افراد را تهدید کرده، موجب ضلالت و هلاکت آنان می‌شود. برای نمونه، امیرالمؤمنین علیه السلام در توصیف وضعیت آخرالزمان می‌فرماید: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رِسْمُهُ وَ مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا إِسْمُهُ...»^۳. وی بر اهمیت خودسازی معنوی، تقویت ارتباط با خداوند و پایبندی به شریعت تأکید

۱. بهجت، در محضر بهجت، ص ۱۱۰-۱۱۰.

۲. جعفری، تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی، ج ۷، ص ۴۵-۵۵.

۳. «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رِسْمُهُ وَ مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا إِسْمُهُ مَسْجِدُهُمْ يَوْمَئِذٍ عَامِرَةٌ مِنَ الْبِنَاءِ خَالِيَةٌ مِنَ الْهَدْيِ». (شریف رضی، نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷، ص ۴۹۷)؛ «إذا رأيتم الرايات السود قد أقبلت من خراسان فأتوها ولو حبواً على الثلج، فإن فيها خليفة الله المهدي؛ زمانی که دیدید پرچم‌های سیاه از خراسان حرکت کرده‌اند، به سوی آن‌ها بروید، حتی اگر سینه‌خیز بر برف باشد؛ زیرا در آن‌ها خلیفه خدا، مهدی حضور دارد.» (نعیم بن حماد، الفتن، ص ۲۵۱)؛ «سیاتی علی امتی زمان یفترون من العلماء كما یفتز الغنم من الذئب؛ فإذا كان كذلك، أيسر الله عليهم سيفاً لا يرفعه عنهم إلى يوم القيامة؛ زمانی بر امت من فرا می‌رسد که مردم از علما فرار می‌کنند؛ همان‌گونه که گوسفند از گرگ می‌گریزد. هنگامی که...»

داشته، انسجام اجتماعی و گسترش معنویت در جامعه را از عوامل کلیدی کاهش آسیب‌های آخرالزمانی می‌داند.^۱ هدف اصلی این مطالعه، ارائه راهبردهایی عملی برای زندگی فردی و اجتماعی مؤمنان است که نه تنها به عبور از بحران‌های آخرالزمانی کمک می‌کند، بلکه به ساختن جامعه‌ای پایدار و معنوی نیز منجر می‌شود. پژوهش حاضر با هدف واکاوی راهکارهای آیت‌الله محمدتقی بهجت رحمته‌الله در مواجهه با فتنه‌های آخرالزمان، درصد بهره‌گیری از روش تحلیل راهبردی SWOT است. این روش با تفکیک عوامل درونی (قوت‌ها و ضعف‌ها) و عوامل بیرونی (فرصت‌ها و تهدیدها)، به تحلیل جامع‌تر و کاربردی‌تر موضوع کمک می‌کند. می‌توان ضمن شناسایی ظرفیت‌های موجود در اندیشه وی، چالش‌های احتمالی و راه‌های بهره‌گیری مؤثر از این آموزه‌ها را نیز بررسی کرد. این نوشتار به روش توصیفی تحلیلی و با بهره‌گیری از شیوه گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای انجام شده است. در فرایند نگارش مقاله، منابع معتبر مکتوب، شامل آثار مرتبط با اندیشه‌های آیت‌الله بهجت رحمته‌الله، متون دینی و پژوهش‌های پیشین در حوزه مباحث آخرالزمانی، مورد استفاده قرار گرفته‌اند، تا با تحلیلی جامع، راهکارهای مقابله با فتنه‌ها استخراج و تبیین شوند. سؤال اصلی این پژوهش، بررسی و تحلیل راه‌های خلاصی از فتنه‌ها یا محدود کردن و کاستن آسیب‌های آخرالزمان در زندگی مؤمنان در نگاه آیت‌الله بهجت رحمته‌الله است. همچنین در این نوشتار، در پی پاسخ به این سؤالات فرعی هستیم: چه اصولی از خودسازی معنوی در کلام آیت‌الله بهجت رحمته‌الله به عنوان راه‌حلی برای مقابله با فتنه‌ها بیان شده است؟ راهبردهای پیشنهادی آیت‌الله بهجت رحمته‌الله برای افزایش معنویت در جامعه چیست؟

آنچه به عنوان فرضیه در این پژوهش مطرح شده این‌گونه است: فرضیه اصلی، راه‌های خلاصی از فتنه‌ها و کاهش آسیب‌های آخرالزمانی در زندگی مؤمنان از دیدگاه آیت‌الله بهجت رحمته‌الله، بر اصول خودسازی معنوی، تقویت ارتباط با خداوند و گسترش معنویت در جامعه استوار است و

چنین شود، خداوند شمشیری بر آنان مسلط می‌کند که تا روز قیامت، آن را از ایشان برنمی‌دارد.» (محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۰۹)

۱. بهجت، در محضر بهجت، ج ۱، ص ۲۳۵.

می‌تواند به پایداری فردی و اجتماعی در برابر بحران‌ها منجر شود. در فرضیات فرعی این‌گونه آمده است:

آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه در کلام خود بر اصولی نظیر تقوا، تزکیه نفس و توجه به نیایش و ذکر به عنوان راه‌حل‌های اساسی برای مقابله با فتنه‌های آخرالزمان تأکید کرده‌اند. گسترش معنویت در جامعه، از طریق تقویت اخلاق فردی و اجتماعی و ایجاد انسجام میان مؤمنان، می‌تواند به کاهش بحران‌ها و فتنه‌های اجتماعی کمک کند. راهبردهای پیشنهادی آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه شامل آموزش و ارتقای آگاهی دینی، مشارکت در امور خیر و ایجاد شبکه‌های حمایتی معنوی است که نقش مهمی در کاهش آسیب‌های اجتماعی آخرالزمان دارد.

ضرورت انجام این نوشتار در این دوره، بدین سبب می‌باشد که موضوع فتنه‌ها و آسیب‌های آخرالزمان، یکی از مسائل محوری در متون دینی و آموزه‌های اسلامی است که همواره توجه علما و اندیشمندان را به خود جلب کرده است. در عصر حاضر، با افزایش چالش‌های معنوی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... در جوامع بشری، ضرورت بازنگری و بهره‌گیری از دیدگاه‌های علمای برجسته برای مواجهه با این مسائل بیشتر احساس می‌شود. آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه به عنوان یکی از عرفا و فقهای برجسته معاصر، با توجه به مقبولیت عمومی و جایگاه ویژه‌ای که در میان اقشار مختلف جامعه شامل افراد عام و نخبگان داشت، دیدگاه‌های عمیق و کاربردی و در عین حال دارای ادبیاتی ساده و قابل فهم و عاری از پیچیدگی‌ها و ثقیل بودن مطالب، در خصوص آمادگی برای مقابله با فتنه‌های آخرالزمان و کاهش آسیب‌های آن ارائه داده است. تحلیل و تبیین این دیدگاه‌ها، نه تنها به فهم بهتر آموزه‌های دینی کمک می‌کند، بلکه راهکارهایی عملی برای زندگی فردی و اجتماعی در مواجهه با بحران‌های معنوی و اجتماعی ارائه می‌دهد. این تحقیق، با تحلیل دیدگاه‌های آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه، علاوه بر توسعه دانش نظری در این حوزه، راهکارهایی عملی و کاربردی برای زندگی دینی مؤمنان ارائه می‌دهد.

مفاهیم نظری

تعریف واژه‌های مورد تحقیق در نوشتار حاضر برای روشن شدن بحث، یکی از ملزومات مقاله

است؛ بدین منظور، ما نیز کلماتی را که پایه و اساس مقاله هستند و در روشن شدن منظور محقق نقش دارند، در جملاتی مختصر معرفی خواهیم کرد که عبارتند از: فتنه، آخرالزمان، مهدویت.

فتنه: در اصل واژه‌ای عربی از باب «فَتَنَ-يَفْتِنُ» به معنای آزمون، امتحان، ابتلا و محنت است. در لغت، به هر امری گفته می‌شود که با خود، اضطراب، تشویش و ناهماهنگی به همراه داشته باشد.^۱ در اصطلاح، فتنه، حالتی از غبارآلودگی و اختلاط است که در آن، حق و باطل به راحتی از هم تشخیص داده نمی‌شوند و تنها پس از فرو نشستن آن، می‌توان صفوف و مواضع واقعی افراد را شناخت. در این پژوهش، مقصود از فتنه، همان شبهات و تشکیک‌هایی است که با هدف تضعیف عقاید دینی القا شده، به طور مستمر از سوی رسانه‌های خارجی یا جریان‌های فکری منتشر می‌گردند؛ فتنه‌هایی که جنبه دینی، فکری و اعتقادی دارند.^۲

آخرالزمان: واژه‌ای قرآنی نیست؛ هرچند آیاتی چون ۱۲۸ و ۱۳۷ سوره اعراف به آینده جوامع انسانی، پیروزی حق بر باطل و خلافت صالحان اشاره دارند. در روایات اسلامی، این اصطلاح دو معنا دارد: یکی فاصله بعثت پیامبر اکرم ﷺ تا قیامت، و دیگری دوران ظهور امام دوازدهم عجل الله فرجه. پیامبر اکرم ﷺ پیامبر آخرالزمان خوانده شده و در بسیاری از احادیث، آخرالزمان، همان عصر ظهور مهدی موعود عجل الله فرجه دانسته شده است. منابع شیعی، ویژگی‌هایی چون فتنه‌ها و آزمون‌های دشوار، ظهور منجی، جدال حق و باطل و سرانجام، غلبه حق و برپایی عصر طلایی جهان را برای آن برشمرده‌اند. در این نوشتار، مقصود از آخرالزمان، بیشتر مقطع پیش از ظهور و دوران فزونی فتنه‌های اعتقادی و اجتماعی است؛ هرچند هر دو معنای عام و خاص آن مدنظر قرار دارد.^۳

مهدویت: از ریشه «هدی» به معنای هدایت است و «مهدی» یعنی هدایت‌شده از سوی خدا.

۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی؛ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان‌العرب، ۱۴۱۸: ۱۷۸.

۲. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۹، ص ۲۳؛ عسکری، ابوهلال، الفرق اللغویة، ص ۲۴۴؛ خامنه‌ای، سیدعلی، وظایف در شرایط فتنه، ص ۱۰۹.

۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۹، ص ۲۸۶؛ اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة، ص ۱۹۹؛ حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۴۹۱؛ اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة، ج ۳، ص ۲۶۵-۲۶۷؛ ترمذی، محمد بن عیسی، صحیح ترمذی، ج ۲، ص ۴۶؛ قمی، تفسیرالقمی، ج ۲، ص ۳۰۷.

مهدویت در اصطلاح، باور به ظهور منجی در آخرالزمان است؛ عقیده‌ای که در میان ادیان مختلف وجود دارد. در اسلام نیز اصل این باور، پذیرفته شده و شیعه دوازده‌امامی، مصداق آن را حجت بن الحسن علیه السلام امام دوازدهم می‌داند که در غیبت به سر می‌برند و در آینده، ظهور خواهند کرد. مهدویت، دو کارکرد دارد: یکی ناظر به شخص امام مهدی علیه السلام و ویژگی‌های خاص ایشان، و دیگری مربوط به آموزه‌ها و منظومه اعتقادی و اجتماعی منتسب به آن حضرت.^۱ این نوشتار با تأکید بر کارکرد دوم، مهدویت را به مثابه یک نظام فکری و اعتقادی در شیعه بررسی می‌کند.

۱. آخرالزمان از دیدگاه آیت‌الله بهجت علیه السلام

درباره چیستی آخرالزمان، دیدگاه‌های گوناگونی مطرح است. در سنت غربی، گاه در چارچوب فلسفه تاریخ و گاه در بستر پیشگویی‌های دینی بررسی می‌شود. در مسیحیت، «مکاشفه یوحنا» از فتنه‌ها، جنگ آزماگدون و بازگشت مسیح سخن می‌گوید و آگوستین در شهر خدا تاریخ بشر را کشمکش میان خیر و شر می‌داند که سرانجام با پیروزی خیر پایان می‌یابد. در دوران معاصر نیز نظریه «پایان تاریخ» فوکویاما شکل سکولار این برداشت را ارائه می‌دهد.^۲

در مقابل، آیت‌الله بهجت علیه السلام، آخرالزمان را محدود به یک نقطه زمانی یا سیاسی نمی‌داند؛ بلکه آغاز آن را از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و متناسب با ایمان یا انحراف جوامع، شدت‌گیرنده می‌داند. به باور او، این دوران با فتنه‌ها، انحرافات عقیدتی و ظلم‌های گسترده تا ظهور موعود علیه السلام ادامه دارد. دیدگاه او تلفیقی از رویکرد عرفانی، فقهی و اخلاقی بود؛ به این معنا که آخرالزمان وضعیتی است با نشانه‌های مشخص در روایات اسلامی که تشخیص حق از باطل در آن دشوار می‌شود و تنها تمسک کامل به قرآن و اهل بیت علیهم السلام راه نجات مؤمنان خواهد بود. فتنه‌های این عصر، هم فردی و هم اجتماعی-جهانی هستند و هدفشان تزلزل در ایمان انسان‌ها است.^۳

۱. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ج ۳، ص ۵۰۴؛ دهخدا، لغت‌نامه، ص ۱۷۶؛

۲. کتاب مقدس، مکاشفه یوحنا، فصل‌های ۱۹ تا ۲۲، ترجمه انجمن کتاب مقدس ایران؛ فوکویاما، فرانسیس، پایان تاریخ و آخرین انسان، مترجم: عباس مخبر؛ آگوستین قدیس، شهر خدا، ترجمه: ابراهیم احمدیان.

۳. بهجت، در محضر بهجت؛ ر.ک: همو، حضرت حجت، ص ۲۵۲-۲۶۲.

در تحلیل نگاه آیت‌الله بهجت رحمته‌الله چند نکته مهم را می‌توان برجسته کرد که عبارتند از:

۱-۱ آخرالزمان به عنوان یک فرایند مستمر و وابسته به شرایط ایمان

در نگرش آیت‌الله بهجت رحمته‌الله، آخرالزمان، نه صرفاً یک مقطع تاریخی ثابت، بلکه فرایندی پیوسته و وابسته به شرایط دینی و معنوی جوامع است؛ بدین معنا که تحقق نشانه‌ها و بحران‌های آخرالزمانی، تابعی از میزان ایمان یا انحراف جمعی است. بنابراین، تقویت ایمان هرچند وقوع اصل آخرالزمان را منتفی نمی‌سازد، می‌تواند از بروز گسترده فتنه‌ها، انحطاط اخلاقی و آشفتگی‌های اجتماعی بکاهد. از این منظر، آخرالزمان، وضعیتی دینامیک و تحول‌پذیر است که شدت یا ضعف آن، متناسب با کیفیت باورها و رفتارهای مردم تغییر می‌کند و نه صرفاً واقع‌ای جبری و حتمی در یک برهه تاریخی معین.

۱-۲. ترکیب نگاه عارفانه، فقهی و اخلاقی

آیت‌الله بهجت رحمته‌الله در موضوع مهدویت و آخرالزمان، مجموعه‌ای از سه رویکرد را در نظر داشت: الف. نگاه عارفانه (تأکید بر سلوک معنوی و ارتباط قلبی با امام زمان علیه‌السلام): آیت‌الله محمدتقی بهجت رحمته‌الله دعا را سلاح مؤمن می‌دانست:

ائمه ما دعاها را در اختیار ما گذاشته‌اند، تا ما را غرق در نور ببینند... ما الآن به حسب ظاهر، سلاحی بالاتر از دعا نداریم^۱ و دعای ما یقیناً مؤثر است؛ حتی اگر اثرش بالفعل نباشد، فرج را جلوتر می‌اندازد.^۲

ب. نگاه فقهی: آیت‌الله محمدتقی بهجت رحمته‌الله پابندی به واجبات و ترک محرمات را شرط انتظار واقعی می‌دانست و هشدار می‌داد:

تا آنجا که ممکن است، باید احکام شرعیه عملی شود؛ حتی آن احکامی که متوقف بر اذن امام علیه‌السلام است... این طور نیست که بگوییم وقتی امام و نایب خاص امام

۱. «الدعا سلاح المؤمن» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۶۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۲۹۴).

۲. بهجت، حضرت حجت، ص ۲۲۶.

نیست، هرکس مال هر کسی را می‌خواهد، بخورد و دیگر هیچ ضابطی وجود ندارد.^۱
 ج. نگاه اخلاقی: آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه تهذیب نفس و مراقبه قلبی را لازمه یاری امام زمان علیه‌السلام می‌شمرد:

برای حفظ ارتباط با حضرت حجت علیه‌السلام باید مراقبت دائم داشت، تا میزان این ارتباط قلبی و تغییرات آن حس شود... میزان ارتباط نیز درجات دقیقی دارد و هر قدر انسان مراقبه بیشتری داشته باشد، دماسنج قلبش دقیق‌تر خواهد بود.^۲
 در نتیجه، وی انتظار را تنها یک باور اعتقادی نمی‌دانست؛ بلکه یک راهنمایی عملی می‌دید که باید در سه بُعد عرفانی، فقهی و اخلاقی تحقق یابد.

۳-۱. دشواری تشخیص حق از باطل

در آموزه‌های دینی، یکی از ویژگی‌های آخرالزمان، دشواری تشخیص حق از باطل است؛ زیرا انسان‌ها در معرض شبهات و جریان‌های گمراه‌کننده قرار می‌گیرند. در این شرایط، تنها راه نجات، تمسک به قرآن و عترت دانسته شده است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: «در فتنه‌ها چونان شتر دوساله باشید که نه پشتی برای سواری دارد و نه پستانی برای دوشیدن».^۳ همچنین امام صادق علیه‌السلام توصیه کردند: «هرگاه فتنه‌ها شما را فراگرفت، بر شما باد به قرآن و ولایت اهل بیت».^۴
 آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه نیز قاعده اصلی در مواجهه با فتنه‌ها را «احتیاط عملی و توقف نظری» می‌دانست و می‌فرمود: «انسان باید در موارد شبهه، توقف کند تا خدا وظیفه‌اش را روشن نماید».^۵
 نیز بر اصل «تمسکوا بالامر الاول» تأکید داشت. به باور وی، با توجه به شدت فتنه‌ها و خروج

۱. همان، ص ۱۶۳.

۲. همان، ص ۶۳-۶۴.

۳. شریف رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱.

۴. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۹۸.

۵. امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «شما را چه می‌شود اگر باقی بمانید تا زمانی از عمرتان که امامتان را نمی‌شناسید؟» گفته شد: «در چنین شرایطی چگونه عمل کنیم؟» فرمودند: «به همان دستورات اول ما تمسک کنید، تا اینکه [امر جدید ما] بر شما آشکار شود» (صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۸-۳۴۹).

بسیاری از ایمان، مؤمنان باید پیوسته دعا کنند که فرج، با عافیت همراه باشد و بتوانند تا پایان در حفظ ایمان باقی بمانند.^۱

۱-۴. تقسیم بندی نگاه آیت الله بهجت رحمته الله علیه به آخرالزمان

دیدگاه آیت الله بهجت رحمته الله علیه درباره آخرالزمان را می توان به دو بخش اثباتی (فرصت رشد معنوی و آمادگی برای ظهور) و سلبی (دشواری های دوران آخرالزمان و افزایش فتنه ها) تقسیم کرد. این تقسیم بندی، نشان دهنده نگاه جامع و متوازن او به این مقطع حساس است.

نگاه اثباتی: از منظر آیت الله بهجت رحمته الله علیه، آخرالزمان تنها دوران فتنه و سختی نیست، بلکه فرصتی برای پالایش انسان ها و نمایان شدن ایمان حقیقی آنان است. انتظار فرج در این نگاه، حالتی منفعلانه نیست؛ بلکه وظیفه ای مستمر و عملی است که باید در همه شؤون زندگی نمود یابد. وی می فرمود:

اگر ما خود را اصلاح کنیم، به امام زمان عجل الله تعالی فرجه نزدیک تر می شویم. کسی که انتظار ظهور حضرت را دارد، باید در عمل نشان دهد که در مسیر رضایت ایشان قدم بر می دارد.^۲

تقویت ارتباط با امام عصر عجل الله تعالی فرجه از طریق دعا، توسل و عمل به وظایف شرعی، راه نجات از فتنه ها دانسته می شود.

نگاه سلبی: در این نگاه، آخرالزمان دوران گسترش فتنه ها، انحرافات فکری و مهجور ماندن دین است. دینداری دشوار می شود و بسیاری به واسطه تبلیغات ضد دینی و مکاتب الحادی مانند نیپیلیسم و سکولاریسم، دچار شک و گمراهی می شوند. آیت الله بهجت رحمته الله علیه چنین هشدار می داد:

در آخرالزمان، تشخیص حق از باطل آن قدر سخت می شود که اگر کسی از خدا کمک نگیرد، گمراه خواهد شد. تنها راه نجات، تمسک به قرآن و اهل بیت علیهم السلام است.^۳

او ظلم و فساد گسترده در سطح فردی، اجتماعی و جهانی را از نشانه های این دوران می دانست.

۱. بهجت، حضرت حجت، ص ۶۴-۶۵.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۱۵.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۴۷.

۴-۱-۱. ابعاد فردی، اجتماعی و جهانی فتنه‌های آخرالزمان

آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه فتنه‌های آخرالزمان را در سه سطح مطرح می‌کند:

فردی: در آخرالزمان، افراد، با ضعف ایمان و تردیدهای اعتقادی مواجه می‌شوند و این، نتیجه نفوذ شبهات، تبلیغات ضد دینی و مکاتب مادی‌گرایانه است. آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه تأکید داشت کسانی که ارتباط قوی با قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام ندارند، بیشتر در معرض خطرند و می‌فرمود:

اگر کسی خودش را حفظ نکند، دینش را حفظ نکند... مثل کسی است که در دریا بدون کشتی نجات باشد؛ بالاخره غرق می‌شود.^۱

حتی دینداران هم بدون بصیرت کافی ممکن است منحرف شوند.

اجتماعی: به باور آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه در آخر الزمان، ارزش‌های دینی در سطح جامعه کمرنگ، و فساد اخلاقی و ظلم، فراگیر می‌شود، فتنه‌ها به خانه‌ها نفوذ می‌کنند و دین‌داری دشوار می‌گردد. وی در پاسخ به راه نجات، می‌فرمود: «تشخیص تکلیف؛ هر کسی باید تکلیف خودش را تشخیص بدهد. این همان نجات است.» همچنین تأکید داشت: «انسان باید در تشخیص وظیفه و عمل به وظیفه یک دفتر داشته باشد... و این دفتر، دفتر شرع است».^۲

جهانی: از منظر آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه، در آخرالزمان، فساد و بی‌عدالتی مرزها را در می‌نوردد و جهانی می‌شود. او هشدار می‌داد: «کل جهان را فساد و ظلم گرفته‌است و هیچ کسی را در هیچ جای دنیا پیدا نمی‌کنید که بگوید: وضعیت الآن دنیا خوب است».^۳ همچنین با اشاره به روایات می‌فرمود: «خیلی از اهل ایمان و عقیده، در اثر ابتلائات بر می‌گردند. خدا کند ایمان ما تا آن وقت باقی بماند».^۴ دیدگاه او تصویری چندلایه از آخرالزمان ارائه می‌دهد که هم فردی، هم اجتماعی و

۱. همان، ص ۲۵۳.

۲. حضرت حجت، ص ۳۹۲.

۳. نجفی، علی، آیین بندگی در کلام آیت‌الله بهجت، ص ۴۴؛ روزنامه جوان، «شیعه منتظر صلح جهانی؛ ولی غایت غرب، جنگ طلبی است» کد خبر: ۱۲۸۲۸۹۹، ۲۸ بهمن ۱۴۰۳.

۴. ر.ک: صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۷۸-۳۸۵؛ حضرت حجت، ص ۲۵۷.

هم جهانی است؛ نگاهی هشداردهنده، اما در عین حال، الهام‌بخش و راه‌گشا برای مؤمنان.^۱

فهم صحیح انتظار از دیدگاه آیت‌الله بهجت^{علیه السلام}؛ راهی برای عبور از فتنه‌های آخرالزمان

در شرایط دشوار آخرالزمان، یکی از راه‌های اصلی حفظ ایمان، فهم درست و عملی از انتظار است. از نگاه آیت‌الله بهجت^{علیه السلام}، انتظار صرفاً یک آرزو یا حالت درونی نیست؛ بلکه تعهدی عملی و تکلیف‌مدار برای مقابله با فتنه‌ها و انحرافات است.

او انتظار را مفهومی پویا و سازنده می‌داند که باید در همه ابعاد زندگی جلوه داشته باشد. بر همین اساس، انتظار حقیقی با عمل، خودسازی و آمادگی مستمر، پیوند خورده است. در روایات نیز انتظار به عمل گره خورده است؛ چنانکه آمده است: «أَفْضَلُ أَعْمَالٍ شِيعَتِنَا إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ».^۲ این تعبیر نشان می‌دهد که انتظار، تنها یک حالت قلبی نیست؛ بلکه برترین عمل مؤمنانه است و باید با تلاش و رفتار صالح همراه باشد. در این راستا، می‌توان دیدگاه ایشان را در دو محور تحلیل کرد:

محور اول: انتظار، آمادگی دائمی و عملی برای ظهور

آیت‌الله بهجت^{علیه السلام}، انتظار را آمادگی دائمی و عملی برای ظهور امام عصر^{علیه السلام} می‌انگاشت. فرد منتظر باید ایمان خود را تقویت، واجبات دینی را انجام، رفتار فردی و اجتماعی خود را اصلاح، و ارزش‌های دینی را در جامعه ترویج کند.

الف. انتظار عملی نه صرفاً آرزو: انتظار نباید حالت انفعالی داشته باشد؛ بلکه باید با عمل صالح، خودسازی و رعایت دستورات الهی همراه باشد. منتظر واقعی در تمام شئون زندگی، اخلاق، دیانت و تعهد اجتماعی را به نمایش می‌گذارد و در اصلاح جامعه، نقش‌آفرین است. در دوران غیبت و گسترش فتنه‌های فکری و اخلاقی، تنها کسانی که بر مبانی دینی استوارند، از آزمون‌ها

۱. در اینجا به دلیل خارج شدن از بحث اصلی صرفاً به برخی از این دیدگاهها اشاره می‌شود: ۱. رویکرد آخرالزمانی فاجعه‌محور (Catastrophic Eschatology) همانند برخی حوزه‌های الهیاتی مسیحیت؛ ۲. رویکرد منفعلانه و تقدیری (Fatalistic Eschatology) همانند انجمن حجّتیّه و...؛ ۳. رویکرد توطئه‌محور و بدبینانه (Conspiratorial Eschatology)؛ ۴. رویکرد بیش‌ازحد خشن و انتقام‌جویانه (Apocalyptic Violence).

۲. خراز قمی، کفایة الأثر، ص ۲۸۰.

سربلند بیرون می‌آیند. آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه تأکید داشت که دعا و توسل نیز بخشی از تحقق انتظار است و منتظر باید با خداوند و اهل بیت علیهم‌السلام ارتباطی عمیق داشته باشد.^۱

ب. آمادگی برای یاری امام: انتظار واقعی، به معنای آمادگی عملی برای همراهی با امام زمان عجل‌الله‌تعالیه است. فرد باید ارزش‌های الهی و اخلاقی را در زندگی پیاده کند، تا در صورت ظهور، در رکاب حضرت حاضر باشد. این آمادگی، فراتر از دعا است و شامل پرورش نفس، تقویت ایمان و التزام عملی به آموزه‌های دینی است. در روایات، یاران امام زمان عجل‌الله‌تعالیه به عنوان باتقوا، شجاع و آگاه معرفی شده‌اند که در برابر ظلم، ایستادگی می‌کنند.^۲ آیت‌الله مکارم شیرازی نیز بیان می‌کند که انتظار فرج، مسئولیتی سنگین است که از فرد می‌طلبد در اصلاح جامعه، امر به معروف و نهی از منکر مشارکت داشته باشد.^۳ انتظار، نه یک آرزو، بلکه سبک زندگی و مسیر عملی برای کمال معنوی و اجتماعی است که زمینه‌ساز ظهور و نصرت امام می‌شود.

محور دوم: انتظار، یک راهبرد اجتماعی برای حفظ دین در دوران فتنه

آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه، انتظار را تنها یک مسأله فردی نمی‌دانست؛ بلکه آن را یک راهبرد اجتماعی برای حفظ دین در دوران فتنه و سختی‌های آخرالزمان تلقی می‌کرد.^۴ در دوران غیبت، جامعه منتظر باید در برابر فتنه‌ها مقاوم باشد و نگذارد ارزش‌های دینی، کمرنگ شود.

نقش تقوا و بصیرت در دوران غیبت: آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه، تأکید داشت که منتظر واقعی باید هم در عرصه فردی، به تقوا و خودسازی پایبند باشد و هم در سطح اجتماعی، از بصیرت و هوشیاری برخوردار گردد، تا بتواند در برابر هجمه‌های فرهنگی، اعتقادی و فکری آخرالزمان مقاومت کند و دچار انحراف نشود.^۵

ضرورت حفظ ارزش‌های اسلامی در جامعه: او هشدار می‌داد که یکی از اهداف دشمنان،

۱. بهجت، در محضر بهجت، ج ۲، ص ۲۰۵.

۲. همان، ص ۱۱۲.

۳. رک: مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی عجل‌الله‌تعالیه، ص ۱۴۵.

۴. بهجت، در محضر بهجت، ج ۱، ص ۱۲۰.

۵. همان، ج ۲، ص ۲۱۱.

حذف تدریجی ارزش‌های اسلامی از جامعه است؛ بنابراین، جامعه منتظر باید برای حفظ دین تلاش کند. در این جهت می‌فرمود:

در دوران غیبت، باید آن قدر خود را به امام زمان علیه السلام نزدیک کنیم که گویا در محضر او هستیم. فتنه‌ها زیاد است؛ اما منتظر واقعی، کسی است که در دریای طوفان زده دنیا، کشتی نجات خود را گم نکند.^۱

در جوامع امروزی، برخی می‌کوشند ارزش‌های دینی را کمرنگ کنند؛ اما گروه‌هایی که برای احیای اخلاق و دین در جامعه می‌کوشند، نمونه‌ای از منتظران واقعی هستند.

کارکردهای ویژگی‌های انتظار در مواجهه و رهایی از فتنه‌های آخرالزمان

از دیدگاه آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه، انتظار حقیقی با ویژگی‌هایی چون شناخت امام، عمل به دستورات دینی، و انس با دعا و توسل، مؤمن را در برابر فتنه‌های سخت آخرالزمانی مقاوم می‌کند. بنابراین، این ویژگی‌ها تنها فضائل فردی نیستند؛ بلکه به عنوان راهبردهایی برای حفظ دین و سلامت معنوی در برابر فتنه‌های آخرالزمان عمل می‌کنند.

ویژگی‌های انتظار از دیدگاه آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه

انتظار واقعی از نظر آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه شامل چند بعد کلیدی است:

الف. شناخت امام زمان علیه السلام: منتظر باید امام خود را نه صرفاً از نظر تاریخی، بلکه به عنوان راهبری حقیقی زندگی بشناسد.

ب. عمل به وظایف دینی: انتظار بدون پایبندی به واجبات و ترک محرمات بی‌معناست؛ تقوا و انجام تکالیف شرعی، سپر معنوی در برابر فتنه‌ها است.

ج. انس با دعا و توسل: دعا برای تعجیل در ظهور و حفظ ارتباط قلبی با امام زمان علیه السلام از نشانه‌های انتظار حقیقی است.

آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه بارها تأکید می‌کرد که در دوران آخرالزمان، دین‌داری مانند نگه داشتن آتش

۱. همان، ص ۲۱۵.

در کف دست است و ایمان باید چنان قوی باشد که در برابر فتنه‌ها مقاوم بماند. او انتظار را نه یک تحلیل نظری، بلکه دعوتی عملی برای زندگی بر اساس آموزه‌های دینی و عرفانی می‌دانستند و معتقد بودند که آمادگی برای ظهور باید در زندگی فردی و اجتماعی مؤمنان، مستمر باشد.^۱

۱-۲ تاکید بر خودسازی فردی و جمعی در مقابل فتنه‌ها

فتنه‌ها، به‌ویژه در عصر حاضر و در دوره‌های پر التهاب تاریخی، همواره به عنوان یکی از چالش‌های بزرگ جوامع انسانی مطرح بوده‌اند. این مفهوم در ادبیات دینی اسلام نیز جایگاه ویژه‌ای دارد و به معنای آزمون‌ها و بحران‌هایی است که می‌توانند ایمان، اخلاق و پایداری فرد و جامعه را به چالش بکشند. از منظر آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه، خودسازی فردی و جمعی، به‌ویژه در عصر غیبت و در راستای مهدویت، راهکار اصلی برای مقابله با فتنه‌ها و آماده‌سازی برای ظهور امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌ش است.

خودسازی فردی: خودسازی فردی، فرآیندی درونی است که با تقویت ایمان، اخلاق و آگاهی، انسان را در برابر فتنه‌ها و بحران‌ها مقاوم می‌سازد. آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه تأکید داشت که منتظر واقعی امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌ش باید در تمام لحظات زندگی خود احساس کند که امام ناظر بر اعمال اوست: «در عصر غیبت، باید طوری عمل کنیم که گویی امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌ش ما را می‌بیند و شاهد اعمال ماست».^۲ این خودسازی، شامل تقوا، دوری از گناه، پایبندی به ارزش‌های الهی و عمل به واجبات است.^۳ دعا برای تعجیل در ظهور، نشانه‌ای از ایمان ثابت و ارتباط روحی با امام زمان است و غفلت از آن، مصداق کفران نعمت است. به گفته آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه، دعا و تلاش برای اصلاح نفس و عمل صالح، نمایانگر ثبات ایمان و آمادگی برای یاری امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌ش است.

خودسازی جمعی: خودسازی جمعی، به معنای تقویت همبستگی، همکاری و ارتقای سطح فرهنگی و معنوی جامعه است. آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه معتقد بود که اصلاح جامعه، از اصلاح افراد آغاز

۱. همان، ج ۲، ص ۲۰۵-۲۱۲.

۲. همان، ج ۱، ص ۹۸.

۳. جمعی از نویسندگان، بشارت از حضرت حجت، ص ۶۸.

می‌شود و هدایت مردم به سوی امام زمان علیه السلام ارزش والایی دارد و مصداق زنده کردن انسان‌ها است.^۱ او خود با تمام وجود، دیگران را به سوی امامشان دعوت می‌کرد و می‌فرمود: «اگر یک نفر خود را اصلاح کند، جامعه‌ای می‌سازد که برای ظهور آماده باشد».^۲ به این ترتیب، انتظار فرج از دیدگاه او تنها دعا برای ظهور نیست؛ بلکه تلاش برای ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر عدل، تقوا و آمادگی جمعی نیز محسوب می‌شود. خودسازی فردی و جمعی، در هم تنیده‌اند و هر یک، مکمل دیگری برای تحقق جامعه مهدوی و عبور موفق از فتنه‌های آخرالزمان است.

تأثیر خودسازی در مقابله با فتنه‌ها در آخرالزمان: در نگاه آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه، خودسازی فردی و جمعی، به طور مستقیم بر مقاومت در برابر فتنه‌های آخرالزمان تأثیر دارد. او بر چند محور اساسی تأکید داشت:

الف. تقویت ایمان و تقوا: بدون ایمان قوی، مقاومت در برابر فتنه‌های آخرالزمان ممکن نیست. یکی از نمونه‌های برجسته از تأکید آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه بر لزوم تقویت ایمان و تقوا در زندگی فردی، سخن او درباره ضرورت مراقبه و اجتناب از گناه است. وی می‌فرماید:

اگر انسان به گناه، آلوده نباشد و مراقب اعمال خود باشد، بسیاری از مشکلات و سختی‌ها برطرف می‌شود. ایمان قوی و تقوا، سپر انسان در برابر فتنه‌ها و سختی‌های دنیا و آخرت است.^۳

این بیان نشان می‌دهد که از نظر آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه، تقوا نه تنها یک ضرورت اخلاقی است، بلکه یک راهکار عملی برای ایجاد آرامش و مقاومت در برابر مشکلات زندگی و زمینه‌سازی برای آمادگی معنوی در دوران غیبت محسوب می‌شود.

ب. آمادگی معنوی و اخلاقی: خودسازی افراد به آماده‌سازی جامعه برای ظهور کمک می‌کند. یکی از نمونه‌های تأکید آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه بر آمادگی معنوی و اخلاقی، توصیه ایشان به تهذیب

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۱۰.

۲. جمعی از نویسندگان، بشارت از حضرت حجت، ص ۷۲.

۳. همان، ج ۲، ص ۴۵.

نفس و حفظ رابطه معنوی با خداوند است. او می‌فرماید:

بزرگ‌ترین وظیفه در عصر غیبت، آمادگی معنوی و اخلاقی است. کسی که از گناه اجتناب کند و به یاد خداوند باشد، همواره در زمره منتظران واقعی است. این آمادگی معنوی انسان را از افتادن در فتنه‌های آخرالزمان حفظ می‌کند.^۱

این سخن، بیانگر آن است که از دیدگاه آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه، آمادگی معنوی و اخلاقی، نه تنها برای مقابله با فتنه‌ها ضروری است، بلکه شرط اساسی برای حضور در دوران ظهور امام زمان علیه السلام و بهره‌مندی از برکات آن دوران محسوب می‌شود.

ج. پیوند با امام زمان علیه السلام: او معتقد بود که ارتباط معنوی با امام عصر علیه السلام از طریق دعا، تهذیب نفس و عمل به دستورات دینی امکان‌پذیر است. از منظر آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه، تأکید بر خودسازی فردی و جمعی، کلید مقابله با فتنه‌ها و آماده‌سازی برای ظهور امام زمان علیه السلام است. این خودسازی باید با تقوا، دعا، دوری از گناه و تلاش برای اصلاح جامعه همراه باشد.^۲ در نهایت، او انتظار را نه تنها یک حالت روحی، بلکه یک حرکت عملی برای ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر عدالت و معنویت می‌دانست.

۲. راهکارها

آیت‌الله محمدتقی بهجت رحمته‌الله علیه به عنوان یکی از علمای برجسته جهان تشیع، راهکارهایی ژرف و جامع برای مقابله با فتنه‌ها و کاهش آسیب‌های آخرالزمانی ارائه کرده است. این توصیه‌ها، ریشه در آموزه‌های اصیل اسلامی و تجارب معنوی او دارد که می‌تواند نه تنها به عنوان الگویی برای فرد مؤمن، بلکه به عنوان راهبردی برای جوامع اسلامی مورد استفاده قرار گیرد.

۲-۱. همبستگی میان مؤمنان

یکی از نکات کلیدی در رهنمودهای آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه، تأکید بر اتحاد و همبستگی میان

۱. همان، ج ۱، ص ۱۱۲.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۰۵ و ۲۱۰.

مؤمنان است. او معتقد بود که همبستگی میان مؤمنان، عامل اصلی در پیشگیری از تفرقه و آسیب‌های ناشی از فتنه‌ها است.

• **ارتباط صمیمی و حضور در جمع‌های مؤمنانه:** آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه بر اهمیت مشارکت فعال در اجتماعات دینی تأکید داشت. این امر سبب تقویت روحیه جمعی، ایجاد شبکه حمایتی و مصونیت در برابر تأثیرات منفی فتنه‌ها می‌شود. او به درستی اشاره کرده است که «مساجد سنگر هستند؛ پس سنگرها را حفظ کنید».^۱ این دیدگاه، نشان‌دهنده اهمیت نهادهای اجتماعی دینی در حفظ هویت جمعی مؤمنان است؛ برای نمونه در مراسم‌های جمعی دعا و نیایش همچون اعتکاف، آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه می‌فرمود:

ان‌شالله آقایانی مشرف و موفق به اعتکاف می‌شوند، باید متذکر باشند که بالاترین دعا و مهم‌ترین دعا، تعجیل فرج است ... حفظ از فتن قبل از ظهور. باید از خدا بخواهند که ظالم‌ها را به ظالم‌ها مشغول کند و مسلمان‌ها و مؤمنین را از این فتن نجات دهد. باید به حضرت ولی عصر علیه السلام توسل کرد و درخواست نمود که این فتنه‌ها را به خود ظالمین بازگرداند.^۲

• **یاری رساندن در مشکلات:** حمایت از یکدیگر در شرایط دشوار، نه تنها سبب کاهش آسیب‌های فردی و اجتماعی می‌شود، بلکه اعتماد متقابل و انسجام اجتماعی را تقویت می‌کند. به فرموده وی: «اگر مؤمنان به یاری همدیگر بشتابند، بسیاری از مشکلات حل خواهد شد».^۳ در جای دیگر می‌فرماید:

با اینکه اندوه و شادی مؤمن به دیگر مؤمنان سرایت می‌کند، چرا ما با این همه بلاها و مصائب که بر اهل ایمان وارد می‌گردد، بی‌تفاوت هستیم؟ یا ما ایمان

۱. بهجت، فرهنگ اسلامی، ص ۴۲.

۲. جمعی از نویسندگان، بشارت از حضرت حجت، ص ۲۳۳.

۳. بهجت، رحمت واسعه، ص ۸۷.

نداریم یا آن‌ها، و یا قلب‌ها قسی شده است.^۱

سعدی می‌گوید: بنی آدم اعضای یک پیکرند / که در آفرینش ز یک گوهرند / چو عضوی به درد آورد روزگار / دگر عضوها را نماند قرار. مرحوم حاج شیخ عباس قمی در سفینة البحار روایتی نقل می‌فرماید که گویی این شعر، اقتباس از آن است. رسول خدا ﷺ فرمودند:

همانا مؤمنان در مهربانی و عطوفتشان، همچون یک پیکرند؛ هرگاه عضوی از این پیکر به درد آید، دیگر اعضا با تب و شب‌بیداری، با آن همراهی می‌کنند.^۲

۲-۲. گسترش معنویت در جامعه

گسترش معنویت در جامعه یکی دیگر از ارکان مهم در نگاه آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه برای مقابله با فتنه‌های آخرالزمانی است. این محور، بر اهمیت تربیت فردی و اجتماعی برای ایجاد جامعه‌ای متعالی تأکید دارد.

• **تزکیه نفس و عبادت:** از منظر آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه، اصلاح فردی، اولین گام برای ایجاد تغییرات مثبت در جامعه است. او می‌فرمود: «اگر خودمان را اصلاح کنیم، جامعه اصلاح خواهد شد».^۳ این دیدگاه نشان می‌دهد که معنویت فردی، زیربنای معنویت جمعی است. آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه بر این باور بود که تزکیه نفس، فرایندی است که فرد را از آلودگی‌های روحی و اخلاقی، پاک کرده، او را برای رسیدن به کمال آماده می‌نماید. او تأکید داشت که بدون تزکیه نفس، عبادات به نتیجه مطلوب نخواهند رسید و تغییر واقعی در فرد و جامعه رخ نمی‌دهد. به بیان دیگر، اصلاح جامعه بدون اصلاح افراد، ناممکن است. عبادات نیز در نگاه او تنها انجام ظاهری مناسب نبود؛ بلکه فرصتی برای ارتباط حقیقی با خداوند و دریافت برکات معنوی تلقی می‌شد. وی می‌فرمود: «عبادت، پلی است برای عبور از دنیا به آخرت و رسیدن به لقاءالله».^۴ این نگاه، نشان‌دهنده عمق

۱. در روایت است که ظهور ولی عصر عجله‌الله تعالی فرجه‌ه «بَعْدَ قَسْوَةِ الْقُلُوبِ؛ یعنی بعد از قساوت دل‌ها» خواهد بود (ر.ک: کمال الدین،

ج ۲، ص ۵۱۶؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۱).

۲. قمی، سفینة البحار، ج ۱، ص ۵۶.

۳. بهجت، پنجاهای آسمانی، ص ۵۴.

۴. بهجت، سرچشمه حیات، ص ۷۸.

معنویت و هدفمندی عبادات در زندگی روزمره است. او همچنین به مداومت در عبادات و بهره‌گیری از آن به عنوان وسیله‌ای برای استقامت در برابر فتنه‌ها اشاره داشت. از دیدگاه آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه، عبادات، انسان را به خودآگاهی و خداشناسی نزدیک کرده، او را در برابر انحرافات محافظت می‌نماید. این رویکرد، نه تنها بر اصلاح فردی تأکید دارد، بلکه به عنوان راهی برای ایجاد تغییرات مثبت در جامعه نیز معرفی می‌شود.

• **فرهنگ دعا و توسل:** آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه به‌ویژه بر قدرت دعا و توسل در دفع بلا و افزایش خیر تأکید داشت. دعا و توسل به عنوان ابزارهای معنوی، می‌توانند به تقویت پیوندهای الهی و کاهش استرس‌های ناشی از فتنه‌ها کمک کنند.^۱ او تأکید داشت که دعا و ارتباط با اهل بیت علیهم‌السلام نه تنها باعث دفع مشکلات فردی می‌شود، بلکه به اتحاد و تقویت ایمان جمعی نیز کمک می‌کند. در نگاه او، دعا نوعی تکیه‌گاه روحی است که در زمان بحران، فرد و جامعه را به سوی پایداری و آرامش سوق می‌دهد. توسل به اهل بیت علیهم‌السلام علاوه بر افزایش امید و اعتماد به نصرت الهی، باعث تقویت هویت دینی و انسجام معنوی در میان مؤمنان می‌شود.

۲-۳. مشارکت در امور خیر

مشارکت در امور خیر، نه تنها باعث افزایش برکت در زندگی فردی و اجتماعی می‌شود، بلکه به عنوان سپری در برابر فتنه‌ها عمل می‌کند.

• **انفاق و صدقه:** او مکرراً بر اهمیت انفاق و صدقه تأکید داشت و آن را وسیله‌ای برای دفع بلا می‌دانست. به فرموده او: «صدقه، بلاهای مادی و معنوی را از بین می‌برد».^۲ این دیدگاه نشان می‌دهد که اعمال خیرخواهانه، علاوه بر تأثیرات مادی، نقش معنوی مهمی در کاهش اثرات فتنه‌ها دارند. صدقه و انفاق، از مهم‌ترین شیوه‌های مبارزه با خودخواهی و افزایش روحیه همدلی در جامعه مهدوی است. به تعبیر آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه، این اعمال نه تنها از شدت بلا می‌کاهد، بلکه بستری برای تربیت انسان‌هایی مسئولیت‌پذیر و آماده برای پذیرش حکومت مهدوی فراهم

۱. همان، ذخایر معنوی، ص ۱۱۲.

۲. بهجت، سفینه نجات، ص ۶۷.

می‌کند؛ به همین دلیل، او بر نظم و استمرار در این اعمال تأکید داشت.

• **فعالیت‌های گروهی و خیریه‌ای:** ساخت مساجد، مدارس دینی و کمک به مستضعفان، از دیگر توصیه‌های آیت‌الله بهجت علیه السلام برای تقویت همبستگی اجتماعی و ایجاد جامعه‌ای مقاوم در برابر فتنه‌ها است.^۱ فعالیت‌های گروهی خیریه‌ای علاوه بر کمک مستقیم به نیازمندان، به افزایش اعتماد و تعامل میان افراد جامعه نیز می‌انجامد. این تعاملات اجتماعی، زمینه‌ساز شکل‌گیری شبکه‌ای از حمایت‌های معنوی و مادی می‌شود که در برابر آسیب‌های فتنه‌های آخرالزمانی مقاوم است. او معتقد بود که مشارکت در چنین اموری، باعث ارتقای روحیه جمعی و تعهد به ارزش‌های الهی خواهد شد. جامعه مهدوی، بر پایه همین انسجام و همبستگی می‌تواند به الگویی برای دیگر جوامع تبدیل شود. مشارکت در امور خیر همچنین زمینه‌ساز ترویج ارزش‌های اسلامی است که در نهایت، بستری برای ایجاد عدالت اجتماعی فراهم می‌کند. این امر، به تحقق جامعه‌ای منسجم و آماده برای پذیرش حکومت مهدوی کمک می‌کند؛ جامعه‌ای که اعضای آن در برابر فتنه‌ها مقاوم و در مسیر حق ثابت قدم باشند.

در آخر، راهکارهای ارائه شده از سوی آیت‌الله بهجت علیه السلام بر اساس درک عمیق از شرایط اجتماعی و روحیات انسانی است. او با تأکید بر اتحاد، معنویت و مشارکت در امور خیر، چارچوبی عملی و جامع برای مقابله با فتنه‌ها و کاهش آسیب‌های آخرالزمانی ارائه داده است. این توصیه‌ها نه تنها به حفظ ایمان و استحکام فردی کمک می‌کند، بلکه باعث شکل‌گیری جامعه‌ای منسجم و مقاوم می‌شود. اجرای این راهکارها، نیازمند شناخت دقیق از تعالیم اسلامی و عزم جدی در عمل به آن‌ها است. در این مسیر، تعالیم علمای بزرگ مانند آیت‌الله بهجت علیه السلام، به عنوان نقشه راهی روشن برای هدایت مؤمنان عمل می‌کند.

۱. همان، گنجینه حکمت، ص ۲۳۵.

تحلیل نهایی به روش SWOT

۱. قوت‌ها: (عوامل درونی مثبت – Strengths)

عنوان قوت	شرح
پایه‌گذاری بر خودسازی و تقوا	آیت‌الله بهجت <small>رحمته‌الله علیه</small> ، خودسازی را اصل بنیادین مقابله با فتنه‌ها می‌داند. این راهکار به فرد کمک می‌کند از درون، قوی شود.
تأکید بر پیوند فردی با خداوند	تقویت ارتباط معنوی از طریق عبادت و ذکر، باعث افزایش پایداری درونی در شرایط بحرانی آخرالزمان می‌شود.
معنویت اجتماعی و نقش مساجد و هیئات	استفاده از ساختارهای دینی به عنوان بسترهای مقاومت اجتماعی، یک نقطه قوت بومی و فرهنگی مهم است.
ترویج روحیه تعاون و انجام اعمال خیر	توجه به انفاق، صدقه و کمک گروهی، موجب افزایش انسجام اجتماعی در برابر تهدیدها می‌شود.

۲. ضعف‌ها: (عوامل درونی منفی – Weaknesses)

عنوان ضعف	شرح
فقدان راهکارهای نهادی و ساختاری	بیشتر راهکارها فردی یا معنوی‌اند و برنامه عملیاتی یا نهادی در سطح حکومت و ساختار اجتماعی کلان، ارائه نمی‌شود.
تأکید زیاد بر فرد به جای نظام اجتماعی کلان	تمرکز بر تقوای فردی، ممکن است از توجه به اصلاح نهادها، رسانه‌ها و آموزش عمومی غافل بماند.
نبود الگوی عملیاتی برای نسل جدید	در فضای پیچیده امروز، مخاطب نیاز به نمونه‌های عینی‌تر و برنامه‌ریزی شده دارد که در دیدگاه آیت‌الله بهجت <small>رحمته‌الله علیه</small> کمتر نمود یافته است.
احتمال تفسیرهای سلیقه‌ای	چون توصیه‌ها به زبان عرفانی یا اخلاقی‌اند، ممکن است افراد برداشت‌های شخصی و نادرست داشته باشند.

۳. فرصت‌ها: (عوامل بیرونی مثبت – Opportunities)

عنوان فرصت	شرح
گرایش فزاینده نسل جوان به معنویت و دین	اقبال به معنویت و آموزه‌های اخلاقی، زمینه مناسبی برای ترویج راهکارهای آیت‌الله بهجت <small>علیه السلام</small> فراهم کرده است.
گسترش رسانه‌های دینی و شبکه‌های تبلیغی	این ابزارها می‌توانند پیام‌های معنوی و راهکارهای مقابله با فتنه را به صورت گسترده و جذاب منتشر کنند.
وجود الگوهای هم‌راستا در سایر علما	علمای دیگر هم بر خودسازی و مقاومت دینی تأکید دارند. هم‌افزایی می‌تواند به تقویت این گفتمان کمک کند.
ظرفیت جوامع ایمانی و هیئات مردمی	نهادهای مذهبی مردمی بستری مؤثر برای گسترش فرهنگ مقاومت دینی در برابر فتنه‌ها هستند.

۴. تهدیدها: (عوامل بیرونی منفی – Threats)

عنوان تهدید	شرح
تهاجم فرهنگی و ناتوی رسانه‌ای	دشمنان با ابزارهای رسانه‌ای، سعی در تضعیف ایمان و ترویج شبهه دارند که در تضاد با آموزه‌های دینی آیت‌الله بهجت <small>علیه السلام</small> است.
افزایش فردگرایی و سبک زندگی مادی‌گرا	سبک زندگی مدرن با ارزش‌های دینی، ناسازگار است و مخاطب را از مسیر تزکیه و معنویت دور می‌سازد.
تحریف مفاهیم معنوی و سوءاستفاده از معنویت	برخی گروه‌های انحرافی، از مفاهیم عرفانی برای فریب مردم استفاده می‌کنند که ممکن است به اسم آموزه‌های دینی باشد.
ضعف آموزش رسمی دینی در مدارس و دانشگاه‌ها	نظام آموزشی کشور در تربیت معنوی و اخلاقی دانش‌آموزان و دانشجویان ضعیف عمل می‌کند.

این مقاله نشان می‌دهد که دیدگاه آیت‌الله بهجت علیه السلام ظرفیت بالایی برای ارائه راهکارهای فردی و اجتماعی در مقابله با فتنه‌های آخرالزمان دارد. قوت‌های معنوی و فرصت‌های فرهنگی زیادی وجود دارد که در صورت بهره‌برداری صحیح، می‌تواند جامعه‌ای مقاوم، مؤمن و مهدوی شکل

دهد. در عین حال، برای تکمیل این الگو باید ضعف‌های ساختاری مانند نبود برنامه‌ریزی کلان و تهدیدهای فرهنگی مدرن نیز مدنظر قرار گیرد. بر اساس این تحلیل، پیشنهاد می‌شود:

الف. این آموزه‌ها با ادبیات قابل فهم برای نسل جدید بازتولید شوند؛

ب. از ظرفیت نهادهای فرهنگی و آموزشی برای نهادینه‌سازی این راهکارها استفاده گردد؛

ج. نگاه فردمحور با برنامه‌های اجتماعی، حکومتی و ساختاری تلفیق شود.

نتیجه‌گیری

آخرازمان، دوره‌ای سرشار از فتنه و دشواری است که در آموزه‌های اسلامی مورد توجه ویژه قرار گرفته است. آیت‌الله محمدتقی بهجت رحمته‌الله علیه با بینشی عمیق، راهکارهایی عملی برای حفظ ایمان فردی و ایجاد جامعه‌ای مقاوم در برابر چالش‌های این دوران ارائه کرده است. آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه خودسازی فردی را پایه اصلاح جامعه می‌دانست و بر عبادت، تقوا و مداومت بر ذکر الهی تأکید داشت. از نظر وی، ارتباط مستمر با خدا و پایبندی به ارزش‌های الهی، فرد را از دام فتنه‌ها و انحرافات حفظ می‌کند و استقامت روحی و روانی ایجاد می‌نماید.

او اتحاد میان مؤمنان را عاملی کلیدی برای تقویت هویت دینی و بازدارندگی در برابر فتنه‌ها می‌دانست. مساجد، هیئات مذهبی و اجتماعات دینی، نقشی محوری در شکل‌گیری این همبستگی دارند. جامعه‌ای متشکل از افراد متحد و همدل، مقاومت بیشتری در برابر تهاجم فرهنگی و اجتماعی خواهد داشت. معنویت فردی و اجتماعی، زیربنای جامعه مهدوی است. آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه بر تزکیه نفس، عبادت، دعا و توسل تأکید داشت و این‌ها را ابزارهایی برای تقویت پیوندهای الهی و استقامت جامعه در برابر فتنه‌ها می‌دانست. مشارکت در امور خیر، انفاق و فعالیت‌های خیریه علاوه بر رفع نیازهای مادی، باعث ارتقای ارزش‌های انسانی و تقویت همبستگی اجتماعی می‌شود و زمینه تحقق عدالت و معنویت جمعی را فراهم می‌آورد. رویکرد آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه، تلفیقی از خودسازی فردی و معنویت اجتماعی است که نه تنها فرد را در برابر فتنه‌ها حفظ می‌کند، بلکه زمینه ایجاد جامعه‌ای مهدوی، پایدار، متحد و عدالت‌محور را فراهم می‌آورد. چنین جامعه‌ای الگویی برای سایر جوامع اسلامی خواهد بود و بستری برای ظهور و

استقرار حکومت مهدوی فراهم می‌کند.

در جمع‌بندی می‌توان گفت بهره‌گیری از روش SWOT در تحلیل اندیشه‌های آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه، این امکان را فراهم ساخت تا ابعاد مختلف راهکارهای این عالم کم‌نظیر، اعم از نقاط قوت معنوی و فرصت‌های اجتماعی، در کنار آسیب‌ها و تهدیدهای بیرونی، به صورت منظم و راهبردی شناسایی شود. این تحلیل می‌تواند بستری برای تدوین برنامه‌هایی جامع در مسیر تحقق جامعه‌ای مهدوی فراهم کند. آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه با تأکید بر خودسازی، معنویت و تعاون اجتماعی، الگویی عملی و جامع برای مقابله با فتنه‌های آخرالزمان ارائه داده است. اجرای این راهکارها، نیازمند شناخت دقیق از آموزه‌های اسلامی و تعهد به عمل به آن‌ها است. در این مسیر، تعالیم علمای برجسته‌ای مانند آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه می‌تواند نقشه راهی روشن برای هدایت مؤمنان و جامعه اسلامی باشد.

جدول ماتریس SWOT

تهدیدها (T)	فرصت‌ها (O)	داخلی / خارجی
<p>راهبردهای ST</p> <p>- استفاده از معنویت اجتماعی برای مقابله با تهاجم فرهنگی</p> <p>- تقویت مساجد برای مقابله با فردگرایی مدرن</p>	<p>راهبردهای SO</p> <p>- توسعه آموزش معنویت در بستر هیئات و رسانه‌ها</p> <p>- الگوسازی از شخصیت آیت‌الله بهجت <small>رحمته‌الله علیه</small> در برنامه‌های تربیتی</p>	<p>قوت‌ها (S)</p>
<p>راهبردهای WT</p> <p>- طراحی دوره‌های تربیت مربی عرفان اصیل برای مقابله با انحرافات</p> <p>- تلفیق برنامه‌ریزی ساختاری با اخلاق فردی برای کاهش ضعف‌های فردمحور</p>	<p>راهبردهای WO</p> <p>- جبران نبود راهکار نهادی با تدوین فرهنگی مبتنی بر آموزه‌های بهجت</p> <p>- آموزش‌های رسمی با ادبیات روز برای مقابله با برداشت‌های سلیقه‌ای</p>	<p>ضعف‌ها (W)</p>

پیشنهادات کاربردی بر اساس تحلیل SWOT

با توجه به تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید در دیدگاه آیت‌الله بهجت علیه السلام درباره فتنه‌های آخرالزمان، اقدامات عملی زیر قابل توصیه است:

۱. نهادینه‌سازی خودسازی فردی: آموزش‌های اخلاقی، تهذیبی و دینی در نظام آموزشی از مدارس تا دانشگاه‌ها گنجانده، و از الگوهای عملی و شخصیت‌محور مانند آیت‌الله بهجت علیه السلام بهره گرفته شود.
۲. توانمندسازی نهادهای مردمی: مساجد، هیئات، گروه‌های جهادی و خیریه‌ها به عنوان بستر تقویت همبستگی، تعاون و معنویت اجتماعی تقویت و برنامه‌های هماهنگ مهدوی در آن‌ها اجرا شود.
۳. تولید محتوای نسل جوان: با استفاده از رسانه‌های نوین (شبکه‌های اجتماعی، مستند، فیلم کوتاه، پادکست) آموزه‌های آیت‌الله بهجت علیه السلام به زبان روز منتقل شود.
۴. سیاست‌گذاری فرهنگی مبتنی بر مقاومت معنوی: برنامه‌های فرهنگی برای مقابله با تهدیدها و انحرافات آخرالزمانی طراحی شود و همکاری حوزه، دانشگاه و رسانه در آن لحاظ گردد.
۵. حفظ و ترویج عرفان ناب شیعی: آموزه‌های عرفانی اصیل آیت‌الله بهجت علیه السلام به صورت علمی، کاربردی و عقلانی در مراکز آموزشی و تبلیغی بازتولید و ترویج شود.

منابع

۱. آگوستین قدیس، شهر خدا، ترجمه: ابراهیم احمدیان، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۴۰۱.
۲. ابن منظور، لسان العرب، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، کمال الدین و تمام النعمة، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق، ج ۲.
۴. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الامة، قم: المجمع العالمی لاهل البيت علیهم السلام، ۱۴۳۳ق.
۵. _____، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱.
۶. العسکری، ابوهلال، الفروق اللغویه، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ دوم، بی تا.
۷. بهجت، محمدتقی، در محضر بهجت، گردآورنده: محمدحسین رخشاد، قم: معارف، ۱۳۹۰.
۸. _____، در محضر بهجت، جلد ۱، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۶.
۹. _____، در محضر بهجت، جلد ۱، قم: مؤسسه فرهنگی سماء، ۱۳۸۸.
۱۰. _____، در محضر بهجت، جلد ۲، قم: مؤسسه فرهنگی سماء، ۱۳۹۰.
۱۱. _____، فرهنگ اسلامی، قم: معارف، ۱۳۸۹.
۱۲. _____، رحمت واسعه، تهران: دلیل، ۱۳۹۰.
۱۳. _____، پنندهای آسمانی، قم: مشعر، ۱۳۹۲.
۱۴. _____، سرچشمه حیات، قم: آل یاسین، ۱۳۹۱.
۱۵. _____، ذخایر معنوی، قم: پیام حق، ۱۳۸۸.
۱۶. _____، سفینه نجات، تهران: عطر ولایت، ۱۳۹۱.
۱۷. _____، گنجینه حکمت، قم: آل یاسین، ۱۳۹۰.
۱۸. _____، حضرت حجت، قم: مؤسسه نشر آثار آیت الله بهجت علیه السلام، ۱۳۸۹.
۱۹. ترمذی، محمد بن عیسی، صحیح ترمذی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۳ق.

۲۰. جعفری، محمدتقی، **تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۲.
۲۱. جمعی از نویسندگان، **بشارت از حضرت حجت**، قم: واژه پرداز اندیشه، ۱۴۰۲.
۲۲. حاکم نیشابوری، **المستدرک علی الصحیحین**، بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۴.
۲۳. خامنه‌ای، سیدعلی، **وظایف در شرایط فتنه**، تهران: مؤسسه فرهنگی قدرو لایت، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۲۴. دهخدا، علی‌اکبر، **لغت‌نامه**، تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۸۵.
۲۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات ألفاظ قرآن**، تهران: دارالعلم، ۱۴۰۴ق.
۲۶. شریف رضی، محمدبن حسین، **نهج البلاغه**، تحقیق: صبحی صالح، بیروت: دارالهجره، ۱۴۰۶ق.
۲۷. شریف رضی، محمدبن حسین، **نهج البلاغه**، تحقیق: صبحی صالح، قم: دارالهجره، ۱۴۱۴ق.
۲۸. فوکویاما، فرانسیس، **پایان تاریخ و آخرین انسان**، ترجمه: عباس مخبر، تهران: نی، چاپ سوم، ۱۳۷۹.
۲۹. قمی، علی‌بن ابراهیم، **تفسیرالقمی**، ۱۳۸۷ق.
۳۰. قمی، عباس، **سفینه البحار**، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
۳۱. **کتاب مقدس**، مکاشفه یوحنا، ترجمه انجمن کتاب مقدس ایران.
۳۲. ابن خزّاز قمی، علی بن محمد، **کفاية الأثر**، تحقیق: سید عبدالعزیز طباطبایی، قم: آل البيت (ع)، چاپ اول، ۱۴۰۱ق.
۳۳. مجلسی، محمدباقر، **بحار الأنوار**، تحقیق: محمدباقر بهبودی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۳۴. معین، محمد، **فرهنگ فارسی**، تهران: امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۶۲.
۳۵. مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۳۰ق.
۳۶. مفید، شیخ مفید، **الارشاد**، تهران: دفتر فرهنگ نشر اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۸۳ش.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر، **حکومت جهانی مهدی** (عجل الله تعالی فرجه)، تهران: نسل جوان، ۱۳۸۷.

۳۸. نعیم بن حماد، **الفتن**، تحقیق: جمال الدین فالح آل احمد، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۳۹. نجفی، علی، **آیین بندگی در کلام آیت الله بهجت**، تهران: دارالهدی، ۱۳۸۸.
۴۰. روزنامه جوان، «شیعه منتظر صلح جهانی ولی غایت غرب جنگ طلبی است»، کد خبر: ۱۲۸۲۸۹۹، تاریخ انتشار: ۲۸ بهمن ۱۴۰۳. لینک کوتاه:

<https://www.javanonline.ir/005Njv>.

۴۱. بهجت، م. ت. (۱۴۰۱) **مطلب شانزدهم: انتظار فرج**. وبسایت رسمی آیت الله بهجت. https://bahjat.ir/fa/content/606?utm_source=chatgpt.com بازبایی شده از
۴۲. بهجت، م. ت. (۱۳۹۹). **ایجاد زمینه های ظهور در بیان آیت الله بهجت**. سایت تسنیم. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1399/04/11/2295642> بازبایی شده از
۴۳. بهجت، م. ت. (۱۴۰۱). **بیانات منتظران حقیقی و نقش دعا و توسل**. سایت اهل بیت. <https://ahlolbait.com/content/6685> بازبایی شده از

تحلیل مولفه‌های تاثیرگذار بر «دعا برای ظهور حضرت حجت» از

منظر آیت‌الله بهجت^ع

علی ربانی فروتنقه^۱

چکیده

از منظر آیت‌الله بهجت^ع، مهم‌ترین، عمومی‌ترین و محبوب‌ترین دعا، «دعا برای ظهور» است. بر اساس دیدگاه ایشان، دعا برای تعجیل فرج در پدیده ظهور با لحاظ شرایط موثر است. میزان این تاثیرگذاری به گونه‌ای است که «می‌توان با دعا، ظهور را جلو انداخت». برای نتیجه بخش بودن دعا، باید شرایط دعا و موانع استجاب آن در نظر گرفته شود؛ از این رو مولفه‌هایی هستند که بر اصل دعا کردن اثرگذار هستند و در متون دینی به آنها پرداخته شده است. اما جای این سوال وجود دارد که چه مولفه‌هایی بر دعا با رویکرد خاص یعنی «دعای برای ظهور» اثرگذار هستند؟ و از منظر آیت‌الله بهجت^ع این موارد کدامند؟ در این نوشتار این مولفه‌ها از کلام ایشان کشف شده است و با تقسیم به افزایشده تاثیر و کاهشده اثر، به آنها اشاره می‌شود. با روش کتابخانه‌ای در مرحله اول نظرات ایشان در این خصوص جمع آوری شده است. مولفه‌هایی مانند: «تکلیف مداری»، «توبه و استغفار» و «اخلاص و صدق نیت» از موارد افزایشده تاثیر و مولفه‌هایی مثل: «گناه»، «قساوت قلب» و «دوستی با دشمنان دین» از موارد کاهشده تاثیر هستند. عمده کار علمی که این پژوهش را از سایر پژوهش‌ها ممتاز کرده است، تحلیل کلام آیت‌الله بهجت^ع در این خصوص است.

عبارات کلیدی: آیت‌الله بهجت^ع، دعا برای ظهور، انجام واجبات، ترک محرمات، توجه به امام

مقدمه:

آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه یکی از بزرگان دین است که در بین اقشار مختلف جامعه جایگاه معنوی ویژه‌ای دارد. تقوا و پرهیزگاری ایشان در کنار علم و مرجعیت علمی، عامل عمده توجه قلوب مومنین به آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه است. حضرت امام خمینی در مورد ایشان می‌فرماید: «جناب آقای بهجت دارای مقامات معنوی بسیار ممتازی است ...»^۱ از منظر آیت‌الله بهاء‌الدینی «ایشان ثروتمندترین مرد دنیا - از نظر معنوی - هستند.»^۲

در بین توصیه‌های آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه سفارش به «دعا کردن» شیوع دارد. دعا به عنوان یک عنصر کلیدی در تعالی و رشد معنوی انسان اثر بخش بوده و در کلام ایشان از واژگان پر تکرار به شمار می‌آید و در رتبه سفارش به نماز قرار دارد. واژگان نماز و دعا با عباراتی مثل «دوران غیبت» و یا «زمان ظهور» که به امام زمان علیه‌السلام اختصاص دارد هم‌آوردی ندارد و قابل مقایسه نیست. حجم دو برابری داشتن واژگان مربوط به حضرت مهدی علیه‌السلام در کلمات و گفتار ایشان از توجه ایشان به وظایف دوران غیبت و تلاش برای تحقق ظهور حضرت حکایت دارد.

تلقی ناصوابی که در مورد شخصیت آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه وجود دارد این است که ایشان را فردی گوشه‌گیر و منزوی از جامعه و مسائل اجتماعی می‌دانند در حالی که گفتار و توصیه‌های ایشان این تلقی را باطل کرده و نشان می‌دهد؛ دو توصیه «توجه به امام حجت» و «در پی اصلاح جامعه بودن» که بارزترین مصداق اجتماعی بودن است، در کلام ایشان موج می‌زند و با منزوی بودن قابل جمع نیست. علاوه بر گفتار و کلمات، تلاش برای زنده نگه داشتن یاد حضرت مهدی علیه‌السلام سیره عملی ایشان بوده است. تاثیر گذاری بر جامعه شیعه و جهت دهی افکار عمومی به حضرت حجت سیره عملی ایشان بوده و بر جامعیت نگاه اجتماعی ایشان دلالت دارد.

مرکز تنظیم و نشر آثار آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه کتاب ارزشمند «حضرت حجت» را گردآوری نموده است که مجموعه بیانات و اشارات ایشان پیرامون حضرت مهدی علیه‌السلام است و در این زمینه کار

۱. کتاب حضرت حجت، ص ۳۱.

۲. همان.

ارزشمندی را به جامعه علمی ارائه کرده است. این کتاب، کمک شایانی به تغییر نگرش و تلقی‌های ناصواب از آیت‌الله بهجت علیه السلام دارد و برای بررسی دیدگاه ایشان نسبت به حضرت حجت علیه السلام کتاب منبع شمرده می‌شود. کلید واژه «دعای فرج» بیش از چهل مرتبه در این کتاب آمده است و از توجه آیت‌الله بهجت علیه السلام به دعا برای فرج حکایت دارد.

از جمله پرسش‌های مطرح در مورد دیدگاه آیت‌الله بهجت علیه السلام نسبت به حضرت حجت علیه السلام این است که از منظر ایشان ضرورت دعا برای ظهور چگونه است؟ و دعا چه میزان تاثیر گذاری بر ظهور و فرج دارد؟ و چه مولفه‌هایی در این تاثیر گذاری دخالت دارند؟ این نوشتار در مقام پاسخ به این پرسش‌ها است. تحلیل بیانات و اشارات آیت‌الله بهجت علیه السلام و سیره عملی ایشان به حل مساله کمک می‌کند از این رو مقاله پیش رو فعالیت علمی جدیدی در این زمینه است که فراتر از جمع آوری بیانات بوده و با روش کتابخانه‌ای به تحلیل کلام آیت‌الله بهجت علیه السلام در کشف مساله می‌پردازد.

ضرورت دعا برای فرج و ظهور از منظر آیت‌الله بهجت علیه السلام

رابطه بین «فرج» و «ظهور» عموم و خصوص مطلق است. واژه فرج به معنای مطلق گشایش و ظهور، فرج خاصی است که اعظم گشایش‌ها است. در کلام آیت‌الله بهجت علیه السلام هر دو واژه به کار رفته است و با قرائن می‌توان فهمید که مقصود ایشان در موارد به کار رفته چیست. ضرورت دعا از منظر ایشان با هر دو واژه مطرح است اما در نظر ایشان دعا برای ظهور جایگاه بالاتری از دعا برای فرج به معنای مطلق گشایش دارد. در این مختصر به ضرورت دعا برای ظهور توجه شده است.

مهم‌ترین دعا

دعا با محوریت ارتباط با خدا و شوق به معبود، مطلوبیت ذاتی دارد.^۱ خداوند متعال به بندگان اذن داده است که با حال ابتهال رو به سوی او از حضرتش خیر طلب کنند و با او نجوا نمایند.^۲ دعا نزدیک‌ترین حالت بنده به معبود است. پروردگار عالم تضمین نموده است که دعا و درخواست

۱. «الدُّعَاءُ: الرِّغْبَةُ إِلَى اللَّهِ» ازدی، کتاب المَاء، ج ۲، ص ۴۵۵.

۲. «الرَّغْبَةُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِيمَا عِنْدَهُ مِنَ الْخَيْرِ وَالْإِبْتِهَالُ إِلَيْهِ بِالسُّؤَالِ» زبیدی، تاج العروس، ج ۱۹، ص ۴۰۵.

دعاکننده را اجابت کند به شرط اینکه او نیز ایمان آورده و به فرامینش عمل نماید. آیه شریفه ۱۸۶ سوره مبارکه بقره گویای این حقایق است چرا که خداوند متعال خطاب به رسولش می‌فرماید:

«وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ؛ و چون بندگانم درباره من از تو پرسند، همانا من [به ایشان] نزدیکم؛ دعای دعاکننده را - آنگاه که مرا بخواند - پاسخ می‌دهم، پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان آورند، باشد که ره یابند.»

مطلوب بودن ذاتی دعا و توجه و اهمیت آن از منظر آیات قرآن و تضمین اجابت از ناحیه خداوند، این انگیزه را در انسان ایجاد می‌کند تا در پی کشف مهم‌ترین دعا و ابراز آن به درگاه پروردگار برآید.

ادعیه به حسب مضمون، درجه‌بندی می‌شوند؛ از این رو در بین ادعیه، دعایی اهمیت بیشتری دارد که مضمون عالی‌تری داشته باشد. در واقع، نوع خواسته‌ای که با پروردگار مطرح می‌شود تعیین‌کننده ارزش دعا است. گاهی بنده به مشکلات معیشتی در دنیا نظر دارد و با رازق از روزی سخن می‌گوید و درخواست گشایش دارد و گاهی همتش بالاتر رفته، در پی درجات بهشتی است. اما گاهی به دنبال رضایت الهی بوده، دنیا و آخرت را برای کسب رضوان او که بزرگتر است، طلب می‌کند. مسلماً درجه هر یک از این دعاها و خواسته‌ها یکسان نیست و ارزش یکسانی ندارند.

از منظر آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه مهم‌ترین دعا، دعایی است که بنده به جای اینکه خود و خواسته‌هایش را ببیند، نظر به حجت خدا و ولی خدا داشته و برای او دعا کند؛ از این رو مهم‌ترین دعا در نزد ایشان، دعا برای ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌فرجه است. در بیانات ایشان چنین آمده است: «بالاترین دعا و مهم‌ترین دعا تعجیل فرج است.»^۱

ضرورت دعا برای ظهور و تعجیل فرج در نگاه ایشان از این جهت که بالاترین دعا و مهم‌ترین دعا است، واضح است؛ اما اگر دلیل برتری و اهمیت آن کشف و معرفی شود، ضرورتش دوچندان می‌شود. دعا برای ظهور از این جهت که دعاکننده از خود و خواسته‌های خود با سلسله مراتبش

۱. کتاب حضرت حجت، ص ۲۳۳.

عبور کرده و در پی تحقق بخشیدن به اهداف ولی خدا است، عالی ترین جایگاه را در نزد پروردگار می یابد از این رو ضرورت دعا کردن با بالاترین درجه آن یعنی دعا برای ظهور آشکار می شود.

دعا برای همه بشریت

دایره شمول یک دعا نقش تعیین کننده ای در ضرورت آن دارد. دعای فردی و شخصی صرفاً برای انسان گرفتار ضرورت دارد تا بتواند از این طریق به آرامش رسیده و در نهایت، مشکل شخصی او بر طرف شود؛ اما دعایی که از حالت شخصی بیرون آمده و جنبه گروهی پیدا کند، ضرورتش بیشتر شده و برای این گروه و لو اندک باشند، ضرورت پیدا می کند. فراتر از دعای گروهی، دعای اجتماعی است که افراد یک جامعه را در بر می گیرد. تاثیرات دعای اجتماعی بر تک تک افراد آن جامعه اثربخش بوده از این رو از اهمیت بالاتری برخوردار است.

از آنچه بیان شد مشخص می شود اگر دعایی دایره شمول آن فراتر از افراد یک جامعه بوده و بر جوامع مختلف بشری تاثیرگذار باشد، ضرورت پرداختن به آن به میزان عمومیت آن است و هرچه افراد بیشتری را شامل شود، ضرورت بیشتری پیدا می کند.

ضرورت دعای برای ظهور فردی که قرار است با تشکیل حکومت جهانی، عالم را پر از عدل و داد کند و بر کل انسانهای جهان و نسل های قبل و بعد از آنها اثربخشی داشته باشد، از عمومیتش مشخص می شود. در نظر آیت الله بهجت رحمته الله علیه این عمومیت برای دعا برای ظهور حضرت مهدی وجود دارد. از جمله بیانات ایشان است که:

«دعا برای قائد اعظم که ولی مطلق و منجی عصر است، دعا برای همه بشریت است.»^۱
دعا برای ظهور از منظر آیت الله بهجت رحمته الله علیه نفع جهانی داشته و همه بشریت از آن نفع می برند. چون دعا برای قائد اعظمی است که جهانی می اندیشد و بالاترین آرزویش نجات بشریت است. در سایه ولایت مطلقه ای که حضرت دارند، نجات بخشی در سطح گسترده ای انجام می شود از این رو امام زمان رحمته الله علیه منجی عصر و نجات بخش همه بشریت است.

۱. کتاب حضرت حجت، ص ۲۲۲.

محبوب‌ترین دعا نزد حضرت

در توقیع شریفی که از امام عصر ع نقل شده، توصیه به زیاد دعا کردن برای تعجیل فرج شده است. حضرت در این توقیع می‌فرماید:

«وَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ^۱؛ برای تعجیل ظهور زیاد دعا کنید که فرج شما در زیاد دعا کردن برای ظهور است.»

آیت‌الله بهجت ر در تحلیل بخش دوم این جمله دو احتمال مطرح کرده‌اند. احتمال اول اینکه اسم اشاره «ذالک» به نزدیک‌ترین کلمه یعنی فرج برگردد، یعنی فرج شما در ظهور حضرت است. احتمال دوم اینکه «ذالک» اشاره به دعا باشد، یعنی فرج شما در دعا کردن است. دعا در نظر ایشان موضوعیت داشته می‌فرماید:

«احتمال می‌دهم آنچه در روایت آمده (فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ) معنایش همین باشد که اگر موفق به انجام این ادعیه شدید باید بدانید خود این، مرتبه‌ای از فرج است.»^۲

احتمال سومی هم مطرح است. بر اساس احتمال سوم «ذالک» به کل جمله قبل اشاره دارد. گویا جمله دوم تعلیل جمله قبلی است؛ لذا با فاء تفریح آمده است و معنایش این است که فرج شما در زیاد دعا کردن برای ظهور است و زیاد دعا کردن برای ظهور در فرج و گشایش موضوعیت دارد. توقیع بر اساس احتمال سوم ترجمه شده است.

محبوبیت دعا کردن برای ظهور از این تاکید امام عصر بر زیاد دعا کردن برای ظهور قابل برداشت است. از این رو در کلام آیت‌الله بهجت ر این جمله آمده است که:

«هیچ چیز نزد امام عصر ع محبوب‌تر از دعا برای فرج او نیست.»^۳

اصل محبوبیت دعا برای ظهور از توقیع برداشت می‌شود، اما برتری این محبوبیت بر سایر محبوب‌ها در نزد امام زمان ع نیازمند دلیل دیگری است. در نگاه اول، از این جمله آیت‌الله

۱. صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۵۸.

۲. کتاب حضرت حجت، ص ۲۲۳.

۳. همان، ص ۲۲۲.

بهجت علیه السلام برداشت می‌شود که دعا برای ظهور نه تنها محبوب حضرت است بلکه هیچ عمل دیگری بر آن ترجیح و برتری ندارد؛ اما به نظر می‌رسد ایشان در مقام مقایسه بین ادعیه هستند و مقصود ایشان این است که در بین ادعیه، هیچ دعایی به پای دعا برای ظهور نمی‌رسد و دعا برای ظهور بر سایر ادعیه برتری دارد و در نزد امام زمان علیه السلام محبوب‌ترین دعا، دعا برای ظهور است. برتری دعا برای ظهور بر سایر ادعیه واضح است، چرا که دعا برای غایت و هدفی که برترین اهداف است و همه گشایش‌ها با آن محقق می‌شود ضرورتش بر کسی پوشیده نیست.

میزان تاثیرگذاری دعا بر ظهور و فرج از منظر ایشان

از بیانات آیت‌الله بهجت علیه السلام برداشت می‌شود که دعا در ظهور حضرت حجت علیه السلام اثر بخش است؛ اما این اثر بخشی مشروط بوده و میزان تاثیرگذاری به تحقق شرایط بستگی دارد. در این بخش، علاوه بر پرداختن به نوع و میزان تاثیرگذاری به مشروط بودن آن توجه شده است.

جلو افتادن ظهور با دعا

در کلام آیت‌الله بهجت علیه السلام به این جمله تصریح شده است که: «می‌توان با دعا ظهور را جلو انداخت.»^۱ از منظر ایشان دعا در تحقق زمان ظهور، نقش آفرین است. تحلیل نقش آفرینی انسان‌ها در تاخیر و تقدیم ظهور در بین محققین مهدویت انجام شده است.^۲ اصل تاثیر انسان‌ها بر ظهور مخالفی ندارد، اما میزان این تاثیر مورد اختلاف است. تا جامعه بشری پذیرش تحمل حکومت عدل مهدوی را نداشته باشد، ظهور اتفاق نمی‌افتد. به هر مقدار که انسان‌ها در تاخیر ظهور موثرند، به همان میزان در تقدیم ظهور نقش آفرینی دارند و این نقش آفرینی به عملکرد آنان مربوط است. تا انسان‌ها نخواهند و عملی انجام ندهند، پدیده ظهور اتفاق نمی‌افتد. یکی از اعمالی که تاثیر مستقیم در جلو انداختن ظهور دارد، خواستن و طالب ظهور بودن است.

۱. کتاب حضرت حجت، ص ۲۲۵.

۲. رک: مقاله: الهی نژاد، حسین، «بررسی و تحلیل نقش مردم در تحقق شرایط ظهور»، پژوهش‌های عقلی نوین، ش ۱۵

مقاله: صمدی، قنبرعلی، «نقش مردم در تعجیل ظهور»، مشرق موعود، ش ۴.

«دعا برای ظهور» بهترین شیوه خواستن ظهور است. این نوع خاص از خواستن که در پیشگاه پروردگار انجام می‌شود، اقرار دارد که تا اراده الهی به ظهور تعلق نگیرد ظهور اتفاق نمی‌افتد. علت تامه ظهور با اراده الهی تحقق می‌پذیرد و درخواست انسانها در ظهور علت ناقصه است. از منظر آیت‌الله بهجت رحمته، بالاترین سلاحی که در حال حاضر یعنی زمان غیبت کبری داریم، دعا است و تاثیر دعا در ظهور زیاد است. تحلیل ایشان این است که:

«ما الان به حسب ظاهر سلاحی بالاتر از دعا نداریم و دعای ما یقیناً موثر است حتی اگر هم فرض کنید که اثرش بالفعل نباشد، تاثیرش این است که فرج یک مقداری جلوتر می‌افتد.»^۱

بر اساس روایات، دعا سلاح مومن است و تاثیر دعا به گونه‌ای است که تقدیر الهی را تغییر می‌دهد. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که:

«إِنَّ الدُّعَاءَ يُرَدُّ الْقَضَاءَ وَ قَدْ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ وَ قَدْ أُبْرِمَ إِيمَانًا؛ دعا تقدیری که از آسمان نازل شده و به شدت محکم شده است را برمی‌گرداند.»

با این پشتوانه روایی می‌توان ادعا کرد که تاثیرگذاری دعا بسیار زیاد است و دعا یقیناً تاثیر دارد. به حسب فرمایش آیت‌الله بهجت رحمته، تاثیر دعای ما در ظهور اگر فعلی نباشد یعنی شرایط فراهم نباشد تا در زمان ما ظهور اتفاق بیفتد، تاثیرش در جلو انداختن ظهور و نزدیک کردن زمان ظهور است. این تقدیم زمان ظهور می‌تواند اندک باشد اما در هر صورت نمی‌توان تاثیر دعا بر ظهور را انکار کرد. نکته قابل توجه این که وظیفه ما منحصر در دعا کردن نیست از این رو باید به سایر عوامل در تاخیر و تقدیم ظهور نیز توجه کرد.

مشروط بودن تاثیر

دعا شرایطی دارد که تاثیرگذاری دعا به این شرایط بستگی دارد. برای دعا برای ظهور نیز نمی‌توان این شرایط را نادیده گرفت و به صورت مطلق حکم کرد؛ از این رو وقتی از آیت‌الله

۱. کتاب حضرت حجت، ص ۲۲۶، کتاب بشارت از حضرت حجت، ص ۲۳۷

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۶۹ ح ۳

بهبخت ﷺ سوال می‌شود:

هر دعایی که انسان برای تعجیل فرج می‌کند، چقدر ظهور را نزدیک‌تر می‌کند؟ ایشان در پاسخ می‌فرمایند: «تا قلب چطور باشد.»^۱

یکی از مهم‌ترین شرایط برای استجابات دعا از منظر ایشان این است که دعاکننده با چگونه قلبی، رو به درگاه پروردگار کرده است و از او تقاضای ظهور حجتش را دارد؟ شاید برای امور مادی و زندگی شخصی نیاز به این شرط نباشد و هر کسی با هر قلبی از خداوند متعال چیزی طلب کند، حاجتش برآورده شود اما برای امر ارزشمند ظهور، قلب دعا کننده باید با خواسته‌ای که مطرح می‌کند تناسب داشته باشد و توان تحمل چنین امر مهمی را داشته باشد.

کتاب‌هایی که مباحث کلی دعا را مطرح می‌کنند به موضوعاتی مانند شرایط دعا، موانع استجابات دعا و آداب دعا توجه دارند. یکی از بهترین کتاب‌ها در این زمینه کتاب «عدة الداعی و نجاح الساعی» است که بر پایه روایات به طرح موضوعات موثر بر دعا پرداخته است. با الگوگیری از این کتاب و تقسیم‌بندی برگرفته از روایات، می‌توان به الگویی برای بررسی شرایط و موانع استجابات «دعا برای ظهور» از منظر آیت‌الله بهجت ﷺ رسید؛ بر همین اساس به مولفه‌های تاثیرگذار بر دعا برای ظهور به تفصیل در بخش بعدی پرداخته می‌شود.

مولفه‌های تاثیرگذار بر دعا برای ظهور از نظرگاه آیت‌الله بهجت ﷺ

به طور طبیعی دو نوع تاثیرگذاری بر دعا برای ظهور وجود دارد. برخی از مولفه‌ها تاثیر مثبت داشته و باعث افزایش راندمان اثر بخشی می‌شوند، اما برخی دیگر نقش منفی داشته و تاثیرگذاری کاهنده دارند. آیت‌الله بهجت ﷺ به هر دو نوع مولفه‌ها نظر داشته و تاکید بیشتری روی مولفه‌های مثبت دارند؛ از این رو آمار مولفه‌های مثبت بیشتر از مولفه‌های منفی در کلام ایشان است.

دعا و پذیرش آن از جانب خداوند متعال دارای شرایطی است که در استجابات دعا اثر بخش است. در کنار این شرایط موانعی برای استجابات وجود دارد که تا این موانع بر طرف نشود دعا به

۱. کتاب حضرت حجت، ص ۳۸۵.

اجابت نمی‌رسد. در تقسیم بندی انجام شده مولفه‌های مثبت، نقش شرایط دعا و مولفه‌های منفی، نقش موانع استجاب دعا را دارند.

حضرت آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه به صورت کلی به تاثیر مولفه‌هایی بر چگونگی دعا اشاره داشته می‌فرماید: «باید بدانیم که برای رفع این همه بلا، چه باید بکنیم و چگونه باید دعا کنیم و متوسل شویم و شرایط و موانع دعا چیست؟»^۱

مولفه‌های مثبت و افزایشده تاثیر

در روایات، شرایطی برای دعا کردن و اثربخش بودن مطلق دعا بیان شده است اما از آنجا که درصد بیان آراء و نظرات آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه هستیم، به شمارش و جمع‌آوری آنها نمی‌پردازیم. در این بخش تلاش می‌شود، مولفه‌هایی که اثر بخشی بیشتری دارند در اولویت قرار داده شده و در شمارش، اول ذکر شوند.

تکلیف مداری و عمل‌گرایی

انجام واجبات و ترک محرمات شاه کلید توصیه‌های عمومی آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه است. تکلیف مداری در نگاه ایشان بسیار پر رنگ است و در واقع شرط اول قرار گرفتن در دایره بندگی خداوند، پذیرش تکلیف و عمل به وظیفه شرعی و دینی است. این نگاه که انسان مکلف آفریده شده و در نظام آفرینش وظیفه‌ای بر گردن او نهاده شده است از مقومات جهان بینی توحیدی در نگاه آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه است.

پشت پرده تکلیف مداری از منظر آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه این است که بر اساس فطرت و به اقتضای برخورداری انسان از نعمت عقل و وجه تمایزی که با سایر مخلوقات دارد، بر عهده انسان مسئولیتی عظیم نهاده شده است که او را به پرستش معبود وادار می‌کند. نقش دین و شریعت در این پرستش نقش کشفی است؛ یعنی دین و شریعت آمده است تا به انسان در کشف این مسئولیت کمک کند. از این رواج نگاه آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه واجبات و محرمات شرعی و دینی محوریت داشته و

۱. کتاب بشارت از حضرت حجت، ص ۲۹۰.

برای انجام واجبات و ترک محرمات پیش نیازی وجود ندارد. به حکم عقل، انسان مکلف به انجام و ترک است لذا انجام واجبات و ترک محرمات احتیاج به استدلال ندارد. به نظر می‌رسد تاکید ایشان بر این توصیه و بدون مقدمه پرداختن به آن و سفارش کردن آن به افراد مختلف بر همین اساس باشد.

نقش امام در این جهان بینی توحیدی نقش راهبردی است تا آنجا که بدون عنایت و دستگیری او هیچ تکلیفی ادا نمی‌شود و هیچ هدایتی شکل نمی‌گیرد و اساساً تکلیف شرعی بدون نظر و رضایت امام، معنی و مفهوم پیدا نمی‌کند. از بیانات آیت‌الله بهجت رحمته‌الله برداشت می‌شود که در دوران غیبت برای کسب رضایت امام باید تکلیف مدار بود. ایشان می‌فرمایند:

«در زمان غیبت، ما باید به همین رساله‌های عملیه صحیحه عمل کنیم. حضرت به عمل به همین از ما راضی است.»^۱

عمل به تکلیف در زمان غیبت از مهم‌ترین دغدغه‌های آیت‌الله بهجت رحمته‌الله است. در زمانی که امام غایب است و دسترسی به او برای دریافت تکالیف شرعی و دینی در حوزه فردی و اجتماعی امکان‌پذیر نیست، تقلید از مجتهد جامع‌الشرایط رهگشا است و از منظر ایشان مکفی است و رضایت امام زمان عجل‌الله‌تعالیه را در پی دارد.

دعای کسی که تکلیف مدار نیست اگر چه خالی از اثر نیست اما مسلماً تأثیر دعای انسان تکلیف مدار را ندارد. از جمله شرایط برای استجاب دعا این است که فرد دعا کننده به وظیفه خود در قبال درخواستی که با دعا مطرح می‌کند، عمل کرده و کوتاهی و قصوری نداشته باشد. کلام امیر المومنین علیه‌السلام در نهج البلاغه گویای این مطلب است که کسی که دعا می‌کند اما تلاش و عملی برای رسیدن به خواسته‌اش ندارد همانند کمانداری است که کمانش زه ندارد. حضرت امیر علیه‌السلام در نهج البلاغه می‌فرمایند:

«الدَّاعِي بِلَا عَمَلٍ كَالرَّامِي بِلَا وَتَرٍ، درخواست کننده (از خدا) بی‌طاعت و بندگی

۱. کتاب حضرت حجت، ص ۶۲.

مانند تیراندازی است که کمان او بی‌زه باشد.»^۱

هر چند «داعی» را غالباً به معنای دعوت کننده گرفته‌اند و این حکمت مولا را به معنای دعوت کننده‌ای که خودش به قولش عمل نمی‌کند تفسیر کرده‌اند؛ اما معنای دیگر «داعی» دعا کننده است. کمانی که زه ندارد نمی‌تواند تاثیری در مقابله با دشمن داشته باشد و کمانداری که از این کمان استفاده می‌کند نقش آفرینی در پیشبرد اهداف نبرد ندارد.

کسی که برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه دعا می‌کند اما تکلیف مدار نیست و در عمل به وظیفه‌اش در زمان غیبت امام کوتاهی دارد، نمی‌تواند موثر در ظهور واقع شود؛ اما کسی که تکلیف مدار است و مجاهدانه در مسیر زمینه سازی برای ظهور تلاش می‌کند، دعای او اثر بخش بوده و او را در پیشبرد اهدافش کمک می‌کند.

حضرت آیت الله بهجت رحمته الله به این نکته اشاره دارند و می‌فرمایند:

«کسی با او (حضرت صاحب الزمان) دوست تر است که بعد از اتیان (انجام) واجبات و ترک محرمات و طاعت خدا در واجبات و محرمات، برای او و فرجش بیشتر دعا کند.»^۲

محور اصلی عمل به تکلیف در دوره غیبت کبری تبعیت از ولی فقیه و مرجعیت شیعه است. از منظر آیت الله بهجت رحمته الله تکلیف مداری در عمل به رساله عملیه یعنی همان دفتر شرع است. در نظر ایشان جایگاه تکلیف مداری قبل از دعا کردن برای فرج است و کسی می‌تواند ادعای دوستی به حضرت داشته باشد که ابتدا به تکلیف خود از نظر شرعی و عرفی و اجتماعی عمل کند و در این صورت است که دعای او برای فرج اثربخش خواهد بود.

توبه و استغفار

یکی از شرایط دعا در نظر آیت الله بهجت رحمته الله توبه و استغفار است. ایشان در این زمینه می‌فرمایند:

۱. نهج البلاغه، ترجمه، فیض الاسلام، حکمت ۳۳۷.

۲. کتاب بشارت از حضرت حجت، ص ۲۹۶.

«از شروط استجابیت دعا توبه از معاصی است.»^۱

شخص آلوده به گناهان وقتی دست به دعا بر می‌دارد، اگر چه آغوش پر مهر خداوند به روی او گشوده شده، اما همانند فردی است که با ظرف آلوده، طلب آب گوارا برای سیراب شدن می‌کند. برای بهره بردن از رحمت الاهی اول باید ظرف وجودی خود را از آلودگی‌ها پاک کرد. نقش توبه و استغفار، پاک‌سازی است؛ از این رو قبل از دعا کردن باید با توبه پاک شد تا زمینه استجابیت دعا فراهم شود. جنس توبه با جنس دعا یکی است، یعنی استغفار، خود نوعی دعا است؛ بنابراین دعا خودش پاک‌کنندگی دارد و با اذکار استغفار و دعا می‌توان پاک نیز شد.

ارتباط توبه با «دعا برای تعجیل فرج» از منظر ایشان چنین بیان شده است:

«باید دعا را با شرایط آن کرد و توبه از گناهان از جمله شرایط دعاست. چنانکه فرموده‌اند: [دعاء التائب مستجاب] نه اینکه برای تعجیل فرج دعا کنیم و کارهایمان برای تبعید (دور کردن) و تأجیل (به تاخیر انداختن) فرج آن حضرت باشد.»^۲

دور شدن از امام با دعا برای ظهور تناسب ندارد. کسی که برای تعجیل فرج دعا می‌کند باید به شرط اول استجابیت دعا که توبه است، ملتزم باشد. کسی که در عمل، خلاف مسیر ظهور حرکت می‌کند و عمل او ظهور را به تاخیر می‌اندازد، دعا و طلب او برای تعجیل ظهور لغو است. نقش توبه در این مقام، فراهم‌سازی تقرب فرد به امام و هم‌جهت کردن توبه‌کننده با اهداف امام در مسیر ظهور است.

یکی از نقش‌های مهم توبه و استغفار در مسیر حرکت به سوی ظهور، رفع و دفع بلا از جامعه شیعه است. آیت‌الله بهجت رحمته‌الله به این نکته اشاره کرده‌اند و می‌فرمایند:

«اگر ظهور حضرت حجت نزدیک باشد، باید هرکس خود را برای آن روز مهیا سازد، از جمله اینکه از گناهان توبه کند. همین توبه باعث می‌شود که این همه بلاهایی

۱. کتاب حضرت حجت، ص ۲۳۲.

۲. کتاب بشارت از حضرت حجت، ص ۲۶۵.

که بر سر شیعه آمده است، که واقعا بی سابقه است و بلاهای دیگری که تا قبل از ظهور آن حضرت می‌آید، از سر شیعه رفع و دفع گردد.^۱

در این عبارت، یکی از آمادگی‌ها برای ظهور، توبه از گناهان بیان شده است. غالبا به توبه و استغفار به صورت عملی فردی نگاه شده و توبه عمومی و جمعی کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ اما چه بسا مقصود ایشان از تاثیر دعا بر دفع و رفع بلا، توبه جمعی و عمومی باشد، چون اگر قرار است توبه، اثر عمومی داشته باشد و از جامعه شیعه بلا را بردارد و مانع از رسیدن بلا به جامعه شود، خود توبه نیز باید جمعی باشد.

اخلاص و صدق نیت

شرط عبودیت و بندگی اخلاص است و تمامی آثاری که از جانب پروردگار بر اعمال عبادی بار می‌شود، برای عمل خالص است. قادر مطلق برای خود در عبادت بندگان شریک نمی‌پذیرد و اگر شخصی غیر خدا را در عبادت خود شریک کند، خداوند از حق خود صرف نظر کرده و آن عمل را به شریکش می‌بخشد.

دعا برای ظهور، عملی عبادی است؛ مگر نه این است که پیامبر فرموده‌اند: «الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ، دعا مغز عبادت است.»^۲ و از بالاترین دعاها، دعا برای ظهور است پس دعا برای ظهور از جمله عبادات و لب عبادت است. با این بیان، اهمیت و جایگاه اخلاص در دعا برای ظهور فهمیده می‌شود.

از منظر آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه، تاثیرگذاری دعا برای فرج در رفع گرفتاری‌ها، مشروط به خلوص و صدق نیت در کنار عوامل دیگر است. بیان ایشان در این زمینه چنین است:

«راه خلاص از گرفتاری‌ها منحصر است به دعا در خلوات برای فرج ولی عصر. نه دعای همیشگی و لقلقه زبان و صرف گفتن [عَجَلِ فَرْجِهِ] بلکه دعای با خلوص و

۱. کتاب حضرت حجت، ص ۱۸۴.

۲. کتاب عدة الداعی و نجاح الساعی، ص ۴۰.

صدق نیت و همراه با توبه.^۱

دعا کننده در خلوت بهتر می تواند بر نیت خود تمرکز کند و در صادق بودن خود تامل نماید. گاهی از روی عادت عبارات دعا برای فرج بر زبان جاری می شود و توجهی به مضمون درخواست نیست؛ در چنین شرایطی انتظار تاثیر از این دعا که لقلقه زبان است، نباید داشت.

صادق بودن در نیت و اخلاص در دعا برای ظهور به این است که ظهور حجت خدا صرفاً برای بهره مندی شخصی از دستاوردهای حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه و رسیدن به تمکّن و موقعیت اجتماعی درخواست نشود، بلکه اضطرار به حجت درک شود و ظهور برای برپایی عدالت جهانی و رهایی مستضعفان جهان از زیر ستم مستکبران طلب شود.

دروود و صلوات فرستادن بر پیامبر و اهل بیت

از جمله آدابی که برای قبل و بعد از دعا کردن سفارش شده است، درود و صلوات فرستادن بر پیامبر و اهل بیت ایشان است. ارزش نام بردن از حبیب خدا در محضر پروردگار به قدری است که درهای آسمان به واسطه صلوات فرستادن گشوده می شود. امام صادق ع می فرماید:

«لَا يَزَالُ الدُّعَاءُ مَحْجُوباً حَتَّى يُصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ؛ دعا پیوسته در حجاب و پوشش است تا این که صلوات بر پیامبر ص و آلش فرستاده می شود.»^۲

از مولفه های تاثیرگذار بر استجاب مطلق دعا و دعای برای ظهور، صلوات است. صلوات خود دعای مستجاب است، چرا که تقاضای ارتقاء درجه برای پیامبر و اهل بیت ایشان ع و سفارش قرآنی است، از این رو هر خواسته ای که در بین دو صلوات قرار گیرد، خداوند متعال کریم تر است از اینکه طرفین چیزی را پذیرفته و وسط آن را رها کند.^۳

وقتی از آیت الله بهجت ع سوال می شود که برای تشریف به محضر امام زمان چه باید کرد؟ ایشان در پاسخ می فرمایند:

۱. کتاب بشارت از حضرت حجت، ص ۲۷۴.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲؛ ص ۴۹۱.

۳. ر.ک: الکافی، ج ۲، ص ۴۹۴ بر اساس سفارش امام صادق ع.

«زیاد صلوات اهدای وجود مقدسش نمایید، مقرون به دعای تعجیل فرجش...»^۱

بر اساس این سفارش، قرین شدن صلوات با دعا برای ظهور در تقرب به وجود مقدس حجت خدا، تأثیری اساسی دارد. از منظر ایشان هدیه دادن صلوات به حضرت مهدی عجل الله فرجه آنقدر ارزشمند است که به هدیه دهنده، توجه ویژه می‌شود و اگر این کار در کنار دعای برای ظهور انجام شود ارزش آن دوچندان می‌شود. صلوات فرستادن بر پیامبر و اهل بیت علیهم السلام در زمانی که در کنار دعا برای ظهور قرار گیرد تأثیری شگرف بر آن می‌گذارد. به واسطه صلوات درهای رحمت الاهی گشوده شده و دعا برای ظهور به اجابت نزدیک می‌شود و هر چه این کار تکرار شود و افراد بیشتری به این امر ملتزم شوند، اثربخشی آن بیشتر می‌شود. بر این اساس ذکر شریف صلوات با «عجل فرجه» موضوعیت پیدا می‌کند.

حضرت آیت الله بهجت رحمته الله نقل می‌کنند؛ شخصی به یکی از فضلا رجوع می‌کند و از وی تقاضا می‌کند نذری کرده تا از گرفتاری نجات پیدا کند و ایشان اجابت می‌کند. بعد از رفع گرفتاری وقتی برای ادای نذر می‌آید، آن فاضل می‌گوید: نیازی به پرداخت هزینه نیست چون خودم نذر را ادا کردم؛ یک صلوات بود انجام دادم. آیت الله بهجت رحمته الله در ادامه می‌فرمایند:

«بله، صلوات به نظر ما کوچک می‌آید ولی خیلی بزرگ است. مگر حضرت رسول فرمود که: [مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مَرَّةً لَمْ يَبْقَ لَهُ مِنْ ذُنُوبِهِ ذَرَّةٌ] (یعنی هرکس بر من یک بار صلوات بفرستد، ذره‌ای از گناهانش باقی نمی‌ماند.)»^۲

گرفتاری‌های عظیم به واسطه صلوات برطرف می‌شود و چه گرفتاری عظیم‌تر از غیبت ولی خدا. پس برای پایان یافتن این گرفتاری و دعا برای ظهور باید از این اکسیر استفاده کرد. اگر یک صلوات آنقدر ظرفیت دارد که تمام گناهان دعا کننده را محو و نابود می‌کند، مسلماً تأثیری فوق تصور بر دعا برای ظهور دارد و موجبات تقرب داعی را فراهم آورده و از جامعه شیعه رفع گرفتاری می‌کند.

۱. کتاب بشارت از حضرت حجت، ص ۳۶۵.

۲. همان، ص ۳۶۹.

تلاش برای بقای ایمان و ثبات قدم در عقیده و عدم انکار حضرت تا زمان ظهور

توصیه به دعای غریق در بین سفارشات آیت الله بهجت رحمته فراوان دیده می شود.^۱ شاخص اصلی درخواست در این دعا، ثبات قدم در مسیر دین داری است. شخصی که در زمان غیبت به سر می برد و دستش از دامن ولی خدا کوتاه است، دائماً باید خود را همانند فردی که در حال غرق شدن است، ببیند و پیوسته برای ثبات قدم خود دعا کند و با دعا خود را در حریم امن الهی قرار دهد. طبق سفارش امام صادق علیه السلام متن دقیق دعای غریق این چنین است:

«يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّثْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ؛ ای خدا، ای بخشنده، ای مهربان، ای گرداننده دلها، دلم را بر دینم استوار کن.»^۲

از منظر آیت الله بهجت رحمته برای نفع بردن از دعا برای ظهور باید از خدا بخواهیم که تا زمان ظهور ثابت قدم بمانیم و گرنه دعای ما برای ظهور اثری برای خود ما نخواهد داشت. ایشان به این نکته اشاره داشته و می فرمایند:

«وقتی که دعا می کنید برای فرج امام زمان، یک دعای دیگر هم بکنید: [واجعل لنا فی ذالک الخیرة] (یعنی برای ما در آن خیر قرار بده) چرا که اگر ما قبل از ظهور (از ایمان) برگردیم، دیگر ظهور به درد ما نمی خورد.»^۳

اهمیت تلاش برای ثابت قدم ماندن، از دعا برای ظهور بیشتر است؛ ایشان در این زمینه می فرمایند:

«مهمتر از دعا برای تعجیل فرج حضرت مهدی علیه السلام، دعا برای بقای ایمان و ثبات قدم در عقیده و عدم انکار حضرت تا ظهور او می باشد.»^۴

کسی می تواند با دعا برای ظهور تاثیرگذار در ظهور باشد که از مولفه های اثربخش که بیان شد در دعایش بهره برده باشد، به عنوان نمونه: در ادعایش برای طلب ظهور صادق باشد، اهل توبه

۱. ر.ک: کتاب حضرت حجت، صص ۲۸۲-۲۸۶.

۲. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۲.

۳. کتاب بشارت از حضرت حجت، ص ۲۸۶.

۴. کتاب در محضر بهجت، ج ۲، ص ۱۰۱ و کتاب حضرت حجت، ص ۲۳۷.

و استغفار بوده و به تکالیف شرعی خود عمل کند و از ذکر شریف صلوات برای استجابت استفاده کند. همه این موارد در راستای تلاش او در محافظت از ایمان و ثبات قدم در عقیده است. از این رو مرحله تلاش برای ثبات قدم، قبل از دعا برای ظهور است و از نظر جایگاه و اهمیت مقدم است. دعا برای ظهور توفیقی از ناحیه خداوند است و کمک می‌کند تا منتظر به ثبات ایمانی برسد. با دعا، اعتقاد شخص نسبت به حجت خدا تقویت می‌شود و نشانه‌اش این است که هنوز پای اعتقاد خود استوار ایستاده است. آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه در این خصوص فرموده‌اند:

«دعا برای تعجیل فرج، نشان دهنده این است که دعا کننده هنوز بر ایمان خود ثابت و استوار است.»^۱

اعلام آمادگی و مهیا بودن

تاکید و سفارش امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه بر زیاد دعا کردن برای فرج^۲ برای این است که گفتمان جهانی برای درخواست ظهور ایجاد شود و منتظران به آمادگی لازم برای درک ظهور برسند. حرکت به سوی ظهور از طریق دعا بدون آمادگی و مهیا بودن معنی ندارد، از این رو از مولفه‌های موثر بر دعا برای ظهور، اعلام آمادگی برای پذیرش ظهور و عدالت مهدوی است.

از نظر آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه حکمت تاکید امام عصر عجل‌الله تعالی فرجه بر دعا کردن ما برای ظهور این است که ما در پیشگاه خداوند اعلام آمادگی کنیم و نشان دهیم که خواستار ظهوریم و برای پذیرش آن آماده‌ایم و این آمادگی را به آسمانیان نشان دهیم. ایشان می‌فرمایند:

«نمی‌دانم چه رمزی است که این همه سفارش دارد که ما دعا کنیم و این امر از ناحیه ما واقع شود. گویا می‌خواهد خواست ما را به بالا نشان دهد. خود او که در همه شرایط به وظیفه خود عمل می‌کند و برای ما و راحتی بشر فکری می‌کند.»^۳

دعا برای ظهور یعنی ما آماده‌ایم؛ یعنی ما طالب ظهوریم و برای رسیدن آن لحظه شماری

۱. کتاب حضرت حجت، ص ۶۸.

۲. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۵۸.

۳. کتاب بشارت از حضرت حجت، صص ۲۷۵-۲۷۶.

می‌کنیم. دعا برای ظهور، یعنی ما با تمام قوا اعلام می‌کنیم که برای نبرد با دشمنان و پنجه در پنجه افکندن با آنان آماده‌ایم. به تعبیر آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه: «اگر ظهور حضرت حجت نزدیک باشد، باید هرکس خود را برای آن روز مهیا سازد.»^۱

توجه دائمی به حضرت حجت رحمته‌الله علیه

ادعیه و زیارات مهدوی که دعا برای ظهور را مطرح می‌کنند، تاکید فراوانی دارند که دستاوردهای ظهور به دست با کفایت امام مهدی رحمته‌الله علیه به عنوان ید قدرت الاهی محقق می‌شود. غالب عبارات برای نیل به این دستاوردها با عنایت ویژه حضرت، درخواست می‌شود. تعابیری مثل: «أَظْهَرُ بِهِ الْعَدْلَ»، «أَقِمَّ بِهِ الْحَقَّ»، «أَدْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ» و «أَظْهَرُ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ» که روی واژه «به» تاکید می‌شود، نمونه‌هایی از این توجه هستند.

دعا برای ظهور بدون توجه به کسی که به دست او ظهور اتفاق می‌افتد بی‌معنی است. توجه ویژه به حضرت حجت رحمته‌الله علیه در ادعیه انتظار بدین سبب است که امر ظهور به دست با کفایت امام مهدی رحمته‌الله علیه انجام می‌شود و در دوران غیبت نیز که ما برای ظهور دعا می‌کنیم، امور به حضرت به عنوان امام جامعه سپرده شده است.

در لسان آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه که از حضرت مهدی رحمته‌الله علیه به عنوان «عین الله الناظرة» یاد می‌شود، این معنی نهفته است که همه امور در منظر حضرت حجت رحمته‌الله علیه اتفاق می‌افتد و حضرت، آگاه بر امور هستند. بین کسی که چنین اعتقادی دارد و کسی که این عقیده را ندارد تفاوت بسیار است. بیان ایشان در این زمینه چنین است:

«چقدر فرق است بین کسی که او را عین الله الناظرة (یعنی چشم بینای خدا) و این مجلس ما را در محضر او می‌داند و یقین دارد که حدود و اندازه همه کلمات و ... نزد آن حضرت از واضحات است و کسی که چنین فکر نمی‌کند.»^۲

دعا کننده برای ظهور باید این‌گونه یقین داشته باشد، یعنی باید همیشه حضرت را ناظر بر گفتار

۱. کتاب حضرت حجت، ص ۱۸۴.

۲. کتاب بشارت از حضرت حجت، ص ۱۳۷.

و کردار خویش بداند و توجه داشته باشد، همه این کلماتی که بر زبان جاری می‌کند، در هر مکانی که حضور دارد در محضر ولی عصر قرار دارد. توجه دائمی به حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه یعنی اینکه حضرت را «عین الله ناظره» بداند.

توجه به قرآن به عنوان عدل امام

تضمین های قرآنی در ادعیه ظهور فراوان است. از این رو دعا برای ظهور با اندیشه قرآنی شکل می‌گیرد. دعا کننده برای ظهور با قرآن مانوس است و با عباراتی از دعا که برگرفته از قرآن است آشنا است. از منظر آیت الله بهجت رحمته الله جایگاه مصحف شریف، قرآن کریم چنین است:

«مصحف عدیل خود حضرت حجت است و نظر به مصحف نظر به امام زمان عجل الله تعالی فرجه است.»^۱
کسی که برای ظهور دعا می‌کند، به همان میزان که به خود امام زمان عجل الله تعالی فرجه توجه دارد باید به عدل امام، یعنی مصحف شریف توجه کند. بر اساس حدیث ثقلین برای گمراه نشدن باید به هر دو ثقل که از هم جدا نیستند تمسک کرد. این حقیقت این گونه در کلام آیت الله بهجت رحمته الله بیان شده است:

«تا وقتی که قرآن هست، عامل به قرآن و حامل و مجری و مفسر و عدیل قرآن هم با او هست. چه حاضر باشد و یا غایب از انظار.»^۲

غیبت امام مانع نیست که به ثقلین تمسک نشود. وظیفه ما تا قیامت توجه دائمی به امام و تمسک دائمی به مصحف به عنوان عدل امام تعیین شده است. دعا برای ظهور تاثیرپذیر از این حقیقت است و برای رسیدن به ظهور باید این توجه و تمسک به حد اعلا و بالاترین درجه برسد. از منظر آیت الله بهجت رحمته الله فرقی بین قرآن و امام زمان عجل الله تعالی فرجه نیست:

«[قرآن] عدیل آن حضرت است. این هایی که عاشق امام زمان هستند، بدانند این [توجه به قرآن به] اختیار خودشان است. همین قرآن عدیل آن حضرت است.»

۱. همان، ص ۴۲۳.

۲. همان، ص ۱۰۹.

عدیل اوست، شریک اوست، مثل اوست.»^۱

مقدم کردن دعا برای ظهور بر حاجات شخصی

عمومیت دعا برای ظهور اقتضا دارد که به حسب اهمیت، در صدر خواسته‌های مومنانه قرار بگیرد. دعا برای عاقبت بخیری شخصی و نجات از گرفتاری‌های فردی لازم است اما درجه اهمیت آن به عاقبت به خیر شدن عمومی و دعا برای نجات نوع بشر نمی‌رسد. سفارش آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه در بهترین موقعیت‌های دعایی مثل اعتکاف به اهل ایمان چنین است:

«آقایان که مشرف و موفق به اعتکاف می‌شوند، باید متذکر باشند که بالاترین دعا و مهم‌ترین دعا تعجیل فرج است، که مسلمان‌ها بلکه بشر در نجات خواهد بود... بعد هم اگر کسی حوائج شخصییه خصوصیه‌ای دارد، مانعی ندارد [پس از آن بخواهد].»^۲

مصلحت دنیا و آخرت در این است که برای ظهور منجی دعا شود. عقل حکم می‌کند، اگر حاجتی عمومیت دارد و مصلحت جامعه بشری در تحقق آن است، بر حاجت‌های فردی مقدم شود. این نکته در بیانات ایشان بیان شده است:

«قاعدش این است که کسی که حوائج خودش را می‌خواهد، آن را متاخر قرار بدهد و آن حاجت عظمای همه (یعنی فرج حضرت) را جلو بیندازد.»^۳

پرهیز از روزمرگی و لقلقه زبان شدن دعا

یکی از آسیب‌های دعا برای ظهور این است که فردی از روی عادت و بدون توجه به اینکه چه درخواستی از خداوند دارد برای ظهور دعا کند. روزمرگی آسیبی است که دعا را کم‌اثر و گاهی بی‌اثر می‌کند. دعایی که صرفاً لقلقه‌ی زبان باشد و التفات و توجه قلبی نداشته باشد، در شأن دعا برای ظهور نیست. آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه به این آسیب توجه داشته می‌فرماید:

«راه خلاص از گرفتاری‌ها منحصر است به دعا در خلوات برای فرج ولی عصر. نه

۱. کتاب حضرت حجت، ص ۳۵۶.

۲. همان، ص ۲۳۳.

۳. همان، ص ۲۴۱.

دعای همیشگی و لقلقه زبان و صرف گفتن [عَجَل فَرْجَه] بلکه دعای با خلوص و صدق نیت و همراه با توبه.^۱

مجموع موارد بیان شده با هم در دعا برای ظهور موثر است و نقش تک تک آنان در اثر بخش بودن دعا اهمیت دارد که به حسب فرمایشات ایشان بیان شد. قطعاً موارد دیگری وجود دارد که در این تحقیق، ظرفیت پرداختن به آنها وجود ندارد. مواردی هم وجود دارد که نقش کاهندگی و کم کردن اثر دعا را دارند که به صورت مختصر در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

مولفه‌های منفی و کاهنده تاثیر

آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه با وجود اینکه بر اثر بخشی دعا برای ظهور تاکید دارند، دعای حقیقی را اندک می‌شمارند چرا که مولفه‌هایی در نظر ایشان وجود دارد که در کاهش اثر بخشی موثرند. ایشان می‌فرمایند:

«اگر بدانیم دعای ما اثر دارد و باز دعا نکنیم مقصریم. ولی خدا می‌داند اهل دعا چه کسانی هستند! خیال می‌کردیم این کار از هر کس برمی‌آید و کار عجزه (افراد عاجز و ناتوان) است ولی معلوم شد کار هر کس نیست؛ بلکه لقلقه زبان زیاد است و از هر کس برمی‌آید، اما دعای حقیقی با شرایط دعا و اجابت آن بسیار اندک است.»^۲

مولفه‌های منفی را می‌توان همانند «پرهیز از روزمرگی و لقلقه‌ی زبان شدن» به بخش اول با زبان پرهیز کردن از آنها بیان کرد، اما به خاطر توجه بیشتر به آنها به شکل جداگانه بیان شده.

گناه

در تفکر ایمانی، گناه، دنباله و پیامدهای سوء دارد، از این رو به آن «ذنب» گفته می‌شود. عواقب گناه فردی کمتر از عواقب گناه اجتماعی است، اما در هر صورت «گناه» اثرگذار در ظهور است و در تاخیر آن نقش دارد. حضرت آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه عواقب گناهان اجتماعی را این‌گونه بیان می‌کنند:

۱. کتاب بشارت از حضرت حجت، ص ۲۷۴.

۲. کتاب حضرت حجت، ص ۲۴۴.

«گناهان شخصی که در خلوت انجام می‌گیرد و ربطی به امور اجتماعی ندارد، استحقاق جهنم را دارد، الا بتوبه مناسبه للحال (یعنی مگر اینکه بعد از آن توبه‌ای متناسب با آن گناه انجام گیرد) [با این حال] عواقب گناهان اجتماعی که موجب تغییرات در جامعه و اختلال نظام و انحلال آن و یا تحریم حلال و ترک واجب و یا مصادره اموال، هتک حرمت و قتل نفوس زکیه و ریختن خون مسلمانان و حکم به ناحب و ... می‌شود، چگونه خواهد بود؟»^۱

کمترین اثر گناهان اجتماعی، اختلال نظام و تغییر جامعه است. این اختلال جامعه را از عدالت و پذیرش آن دور می‌کند و از حرکت به سمت خیر و صلاح باز می‌دارد. پر شدن زمین از ظلم و جور در آستانه ظهور به معنای این است که تقاضا برای رسیدن به عدل و قسط به حسب فراگیری ظلم شدت می‌یابد و بستر برای پذیرش عدالت مهدوی فراهم می‌شود نه اینکه سوء برداشت شود که باید به ظلم و جور دامن زد و با گناهان اجتماعی به ظلم و جور افزود.

دعا برای ظهور یعنی تنفر از ظلم اجتماعی و ظلم به نفس؛ از این رو «گناه» چه در مقیاس اجتماعی و آشکارا و چه به صورت فردی و در خلوت، درخواست ظهور را کاهش می‌دهد. گناهکار اگر از کردار خویش پشیمان شود و به سمت اصلاح خویش قدم بردارد و توبه کند، دعا برای ظهور او معنی پیدا می‌کند، در غیر این صورت گناهکار در وقت ارتکاب گناه اگر موفق به مطرح کردن درخواست ظهور هم بشود، درخواست او لغو و بیهوده است و اثری ندارد و اساسا دعای او شنیده نمی‌شود و بالا نمی‌رود.

بی‌مبالاتی در انجام واجبات و ترک محرمات

بی‌مبالات کسی است که در انجام وظیفه شرعی کوتاهی می‌کند و بی‌مبالاتی نقطه مقابل عملگرایی و تکلیف‌مداری است؛ از این رو به صورت طبیعی نکاتی که در اولین مولفه‌های مثبت و افزایشده تاثیر گفته شد، دلیلی بر نقش کاهنده بودن بی‌مبالاتی در دعا برای ظهور است. آیت‌الله بهجت رحمته‌الله در این زمینه می‌فرماید:

۱. همان، ص ۱۱۴.

«ترک واجبات و ارتکاب محرمات حجاب و نقاب دیدار ما از آن حضرت است.»^۱

فاصله‌ای که به وسیله ترک واجب و ارتکاب حرام بین بی‌مبالات و حجت خدا ایجاد می‌شود مانعی بزرگ برای دیدار شخصی است تا چه رسد به دیدار اجتماعی و پدیده ظهور که فاصله بیشتری ایجاد می‌کند و ظهور را دورتر می‌کند.

قساوت قلب

از منظر آیت‌الله بهجت رحمته‌الله یکی از آسیب‌های دوران غیبت، سخت دل شدن است. بی‌تفاوتی در اثر قساوت قلب ایجاد می‌شود. بی‌تفاوتی نسبت به سرنوشت اهل ایمان در دعای ما اثر دارد و دعا برای ظهور را کم اثر می‌کند. بی‌تفاوت بودن و دعا نکردن در کلام ایشان اینگونه با قساوت قلب ارتباط داده شده است:

«چرا ما با این همه بلاها و مصائب که بر اهل ایمان وارد می‌گردد، بی‌تفاوت هستیم؟! یا ما ایمان نداریم یا آن‌ها، و یا قلب‌ها قسی شده است. در روایت است که ظهور قائم آل محمد بعد قسوة القلوب (یعنی بعد از قساوت دل‌ها) خواهد بود.»^۲

نتیجه دیگر قساوت قلب این است که دعا کردن بدون حزن و اندوه است و قلب، تاثیر لازم را ندارد. آیت‌الله بهجت رحمته‌الله معتقد است علت کم اثر شدن دعای ما این است که تاثیر قلبی ما کم است. کلام ایشان در این زمینه چنین است:

«دعای با حال حزن و اندوه و تاثیر قلبی از مردم واقع نمی‌شود؛ اگر می‌شد قطعاً وضع این‌طور نبود!»

ایشان به کسی که در حال رفتن به مسجد مقدس جمکران بود فرمودند: «در سجده با قلب صاف بگوئید: «اللهم عجل لولیک الفرج»^۳ از این توصیه برداشت می‌شود، اگر قلب صاف نباشد و

۱. کتاب بشارت از حضرت حجت، ص ۴۰۳.

۲. کتاب حضرت حجت، ص ۲۶۴.

۳. همان، ص ۲۴۴.

گرفتار قساوت باشد، دعا کردن برای ظهور کم اثر است.

دوستی با دشمنان خدا و پناه بردن به آنها

یکی از مولفه‌هایی که بر دعا برای ظهور اثر منفی دارد و باعث می‌شود دعا بی‌اثر شود این است که اهل ایمان ولایت طاغوت را بپذیرند و یا با او پیوند دوستی ببندند. این پیوند با اندیشه توحیدی در تضاد است. نجات اهل ایمان در دعای برای ظهور است و پناه بردن به دشمن برخلاف این‌گونه نجات‌بخشی است. آیت‌الله بهجت رحمته با تعجب از پناه بردن به دشمن می‌فرماید:

«مبادا راه را گم کنیم؛ به خدا پناه می‌بریم! تمام بلاها از اهل کفر است؛ باز هم برای

نجات به آن‌ها پناه می‌بریم، به دشمن‌های خدا پناه می‌بریم!»^۱

گرفتاری مسلمانان دنیا به خاطر این است که به پیام‌های قرآنی نسبت به دشمنی با دشمنان خدا عمل نمی‌کنند و این کار سبب می‌شود دعای آنان برای نجات یافتن و رفع گرفتاری و تحقق ظهور کم اثر شود. آیت‌الله بهجت رحمته به این نکته این‌گونه اشاره می‌کنند:

«با این وضع چه باید کرد؟ هرچه به ما فرمودند: لا تتخذوا الکافرین اولیاء (یعنی

کافران را دوست و سرپرست خود نگیرید) گوش نکردیم. حالا با این اوضاع و

گرفتاری و بلاها که بر سر ما مسلمانان می‌آید، چه باید بکنیم؟»^۲

تا زمانی که خودمان را از زیر یوغ کافران خارج نکنیم دعا برای ظهور بی‌معنی است. انتظار پویا، نفی سلطه کفر و استکبار و مقابله با ظلم و طاغوت است؛ از این رو یکی از مهم‌ترین وظایف برای تغییر وضع جهان این است که مسلمانان با یکدیگر متحد شده و با این اتحاد، دمار از روزگار مستکبران در آورند و خود را از زیر سلطه طاغوت خارج سازند.

۱. همان، ص ۲۴۳.

۲. همان، ص ۲۱۲.

نتیجه گیری

از منظر آیت الله بهجت رحمته الله علیه مهم ترین و بالاترین دعا، دعای برای ظهور است. در نزد ایشان دعا برای ظهور، دعا برای همه بشریت است و محبوب ترین دعا در نزد امام عصر عجل الله فرجه شمرده می شود. میزان تاثیرگذاری دعا بر ظهور در نظر معظم له این چنین است: می توان با دعا ظهور را جلو انداخت اما این تاثیرگذاری بدون در نظر گرفتن شرایط نیست و مشروط است. یک شرط مهم برای استجاب دعا از منظر ایشان این است که دعاکننده با چگونه قلبی رو به درگاه پروردگار کرده است و از او تقاضای ظهور حجتش را دارد؟

از تتبع در کلام آیت الله بهجت رحمته الله علیه استفاده می شود، مولفه های تاثیرگذار بر دعای برای ظهور در نظر ایشان عبارتند از:

- ۱- تکلیف مداری و عمل گرایی ۲- توبه و استغفار ۳- اخلاص و صدق نیت ۴-
- درود و صلوات فرستادن ۵- تلاش برای بقاء ایمان و ثبات قدم در عقیده و عدم انکار حضرت تا زمان ظهور ۶- اعلام آمادگی و مهیا بودن ۷- توجه دائمی به حضرت ۸- توجه به قرآن به عنوان عدل امام ۹- مقدم کردن دعا برای ظهور بر حاجات شخصی ۱۰- پرهیز از روزمرگی و لقلقه زبان شدن دعا.

موارد ذکر شده مولفه هایی هستند که تاثیر مثبت بر دعا برای ظهور داشته و به منزله شرایط استجاب دعا به حساب می آیند. مولفه های دیگری وجود دارند که تاثیر منفی داشته و سبب کاهش آثار دعا برای ظهور می شود. این موارد در کلام آیت الله بهجت رحمته الله علیه عبارتند از:

- ۱- گناه ۲- بی مبالاتی در انجام واجبات و ترک محرمات ۳- قساوت قلب ۴-
- دوستی با دشمنان خدا و پناه بردن به آنها.

از تحلیل مولفه های مثبت و منفی بیان شده این نتیجه گرفته می شود؛ در نزد ایشان موارد ذکر شده تاثیر مستقیم بر دعا برای ظهور حضرت حجت دارد و دعای صرف بدون در نظر گرفتن این شرایط، منجر به ظهور و جلو انداختن ظهور نمی شود و برای تاثیر گذاری دعا بر ظهور باید به این مولفه ها توجه شود.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن فارس، احمد، **معجم المقاییس اللغة**، مكتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ق، اول.
۲. ابن فهد، احمد بن محمد، **عدة الداعی و نجاح الساعی**، دار الكتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق، اول.
۳. آزدی، عبدالله بن محمد، **كتاب الماء**، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل - دانشگاه علوم پزشکی تهران ایران
۴. رخشاد محمد حسین، **در محضر بهجت**، مجموعه بیانات حضرت استاد، ۳ جلد، موسسه فرهنگی سما، ۱۴۰۰ش، اول.
۵. صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی، **کمال الدین و تمام النعمة**، اسلامیه، تهران، ۱۳۹۵ق، دوم.
۶. صمدی، قنبرعلی، مقاله: «**نقش مردم در تعجیل ظهور**»، مشرق موعود، سال اول، زمستان ۱۳۸۶ شماره ۴.
۷. فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی، **ترجمه نهج البلاغه**، موسسه نشر فیض الاسلام، تهران، ۱۳۷۹ش، پنجم.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب، **الكافی**، دار الكتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ق، چهارم.
۹. مجلسی، محمد باقر، **بحار الأنوار (ط - بیروت)**، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق، دوم.
۱۰. مرکز تنظیم و نشر اثار آیت الله بهجت رحمته، **بشارات از حضرت حجت**، مجموعه بیانات و اشارات آیت الله بهجت رحمته پیرامون حضرت ولی عصر، انتشارات مرکز نشر، قم، ۱۴۰۲ش، اول.
۱۱. مرکز تنظیم و نشر اثار آیت الله بهجت رحمته، **حضرت حجت**، مجموعه بیانات و اشارات آیت الله بهجت رحمته پیرامون حضرت ولی عصر، انتشارات مرکز نشر، قم، ۱۴۰۲ش، چهاردهم.
۱۲. موسوی اصفهانی، محمد تقی، **مکیال المکارم فی فوائد الدعا للقائم**، موسسه امام مهدی، قم، ۱۴۲۸ق، پنجم.

۱۳. الهی نژاد، حسین، مقاله: «بررسی و تحلیل نقش مردم در تحقق شرایط ظهور»، پژوهش‌های عقلی نوین، ش ۱۵.
۱۴. واسطی زبیدی حنفی، محب‌الدین، سید محمد مرتضی حسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، ۲۰ جلد، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۱۴ هـ ق.

پژوهشی در گونه‌های نگرش به اماکن مهدوی از منظر آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه

محمد غلامی^۱

چکیده

آموزه مهدویت در اعتقاد و رفتار شیعیان جایگاهی ویژه دارد و اماکن منسوب به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه به عنوان نمادهای ملموس این باور، در تقویت هویت فرهنگی و اجتماعی منتظران، نقشی کلیدی ایفا می‌کنند. این پژوهش به بررسی نگرش آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه درباره اماکن مهدوی و تأثیر آن بر فهم مهدویت در جامعه می‌پردازد. با روش کیفی-تحلیلی و استفاده از منابع مکتوب و مصاحبه با کارشناسان، دیدگاه‌های وی در این زمینه استخراج و تحلیل شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه اماکن مهدوی مانند مسجد جمکران، مسجد سهله و سرداب مقدس را به عنوان مجاری ارتباط با امام زمان عجل الله تعالی فرجه‌ه و کانون‌های تربیت معنوی می‌دانست. وی بر زیارت مستمر این مکان‌ها، انجام اعمال خاص و توجه به کرامات آن‌ها تأکید داشت و معتقد بود این اماکن نه تنها محل عبادت، بلکه پایگاه‌هایی برای وحدت، آموزش معارف مهدوی و تزکیه نفوس هستند. نگرش آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه ترکیبی از ابعاد عرفانی، فقهی و اجتماعی بود که می‌تواند الگویی برای زیست مهدوی در عصر غیبت ارائه دهد.

کلیدواژگان: آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه، اماکن مهدوی، مسجد جمکران، مسجد سهله، مهدویت،

ارتباط با امام زمان عجل الله تعالی فرجه‌ه.

مقدمه

آموزه مهدویت در باور و سبک زندگی شیعیان و منتظران، از جایگاهی بی بدیل برخوردار است. اماکن منسوب به حضرت مهدی علیه السلام به عنوان نمادهای ملموس این اعتقاد، در شکل‌گیری و استمرار روحیه معنوی دلدادگان آن حضرت، نقشی اساسی ایفا می‌کنند. این مکان‌های مقدس، سهمی کلیدی در تقویت هویت فرهنگی و اجتماعی انسان منتظر دارند و در واقع، عاملی مؤثر در پویایی و نشاط جامعه مهدوی محسوب می‌شوند.

اماکن مهدوی که به امام دوازدهم شیعیان علیه السلام منسوب هستند، از جایگاهی والا در باورهای شیعه برخوردارند و با برگزاری برنامه‌های فرهنگی، آموزشی و عبادی، بستری برای گسترش فرهنگ انتظار و آشنایی با معارف مهدویت فراهم می‌کنند. این مکان‌ها محل تجمع ارادتمندان هستند و به عنوان نمادهای زنده امیدبخشی و پیوند معنوی با امام غایب، در تعمیق ایمان جامعه تأثیرگذارند. شناخت این اماکن، دارای برکات فراوانی است و عالمانی مانند آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه به عنوان یک مرجع تقلید و عالم دینی، نظرات و نگرش‌های خاصی درباره مکان‌های منتسب مهدوی و ارتباط آن با باورهای مهدویت دارند. وی با تأکید بر اهمیت مسجد جمکران و تشبیه آن به مسجد سهله، مردم را به زیارت مکرر و اقامه نماز در آن ترغیب می‌کرد و به کرامات و اتفاقات اعجاب‌انگیز در این مکان مقدس اشاره می‌نمود.

بررسی و تحلیل نظرات آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه در مورد اماکن مهدوی، می‌تواند در فهم بهتر جایگاه این اماکن در دین اسلام و چگونگی ارتباط با آن‌ها مؤثر باشد. علاوه بر این، این پژوهش می‌تواند به تبیین نقش اماکن مهدوی در تقویت ایمان و امیدواری شیعیان در عصر غیبت نیز کمک کند. پژوهش پیش‌رو به بررسی گونه‌های نگرش به اماکن مهدوی از منظر و نگاه آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه می‌پردازد و تلاش می‌کند با تحلیل این نگرش‌ها، ابعاد مختلف تأثیر آن بر فرهنگ و اعتقادات دینی را بررسی نماید.

با توجه به اهمیت این موضوع، پرسش اصلی نوشتار این است که آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه چه گونه‌هایی از نگرش به اماکن مهدوی را مطرح کرده است و این نگرش‌ها چگونه بر فهم مهدویت در جامعه تأثیر می‌گذارند؟ در این پژوهش با استفاده از منابع موجود و با روش کیفی-تحلیلی،

نظرات آیت‌الله بهجت رحمته‌الله در زمینه مهدویت و اماکن مهدوی جمع‌آوری و تحلیل شده است. در این راستا، ابتدا آثار و سخنرانی‌های مرتبط با موضوع، جمع‌آوری و سپس با دقت مورد مطالعه و تحلیل قرار می‌گیرد. در ادامه، دیدگاه‌های آیت‌الله بهجت رحمته‌الله در مورد اماکن مهدوی، استخراج و دسته‌بندی می‌شود. در نهایت، با استفاده از شواهد و استدلال‌های موجود، به تحلیل و تفسیر این دیدگاه‌ها پرداخته می‌گردد.

در این زمینه برخی مؤلفان، آثاری را در زمینه اماکن مهدوی به خود اختصاص داده‌اند که هرکدام آن‌ها مستقلاً در زمینه مکان‌های منتسب مهدوی می‌باشد؛ لکن هیچ‌کدام از آن‌ها در زمینه موضوع مشخص شده این مقاله (اماکن مهدوی از نظرگاه آیت‌الله بهجت رحمته‌الله) نیست. برخی از آن‌ها عبارت است از:

۱. اماکن مقدسه مرتبط با حضرت مهدی عجل‌الله‌فرجه، علی اصغر رضوانی؛
۲. میعادگاه عاشقان (مسجد سهله)، سید عباس موسوی مطلق؛
۳. شهر به شهر، کو به کو، سعید مقدس؛
۴. تاریخ مقام الإمام المهدی عجل‌الله‌فرجه فی الحلة، احمد علی مجید حلی؛
۵. تاریخ مقام الإمام المهدی عجل‌الله‌فرجه فی وادی السلام، احمد علی مجید حلی؛
۶. فصلنامه انتظار، ش ۵، مقاله «اماکن زیارتی منتسب به امام زمان عجل‌الله‌فرجه در ایران و جهان»، علی اکبر مهدی پور.

تبیین مفهوم اماکن مهدوی

اماکن مهدوی، مکان‌هایی مقدس و معنوی هستند که به امام دوازدهم شیعیان؛ حضرت مهدی موعود عجل‌الله‌فرجه، منسوب شده‌اند و در باورهای شیعی از جایگاهی والا برخوردارند. این اماکن با سازماندهی برنامه‌های متنوع فرهنگی، آموزشی و عبادی، بستری مناسب برای گسترش فرهنگ انتظار و آشنایی هرچه بیشتر مردم با معارف مهدویت ایجاد می‌کنند. این جاذبه‌های معنوی، نه تنها محل تجمع ارادتمندان و مشتاقان حضرت حجت عجل‌الله‌فرجه محسوب می‌شوند، بلکه به عنوان نمادهای زنده‌ای از امیدبخشی، انتظار سازنده و پیوند معنوی با امام غایب، در تعمیق ایمان و

انگیزه‌های جامعه شیعی نیز تأثیرگذارند.

شناخت اماکن مهدوی آثار و برکات فراوانی برای فرد و جامعه در پی دارد. بسیاری از عالمان و اندیشمندان شیعه به این مهم پرداخته‌اند. محدث نوری در این باره می‌نویسد:

مخفی نماند که در برخی از اماکن، جایگاه‌های ویژه‌ای به عنوان مقام آن حضرت شناخته می‌شود؛ مانند وادی‌السلام، مسجد سهله، حلّه و نظایر آن.^۱

همچنین حضرت آیت‌الله بهجت رحمته‌الله با اشاره به اهمیت مسجد جمکران می‌فرماید: «مسجد جمکران، مسجد سهله ایران است».^۲ وی همواره بر حضور در این مکان مقدس تأکید داشت و حتی در سنین پیری نیز از زیارت آن غافل نمی‌شد و دیگران را، به ویژه مشتاقان دیدار حضرت و کسانی که از ایشان دستورالعملی برای ملاقات امام زمان علیه‌السلام می‌خواستند، به زیارت مکرر این مسجد توصیه می‌کرد و بر اقامه نمازهای آن اصرار داشت. حتی زمانی که برخی بزرگان و شخصیت‌های اجتماعی به محضر ایشان می‌رسیدند، معظّم‌له از آن‌ها می‌پرسید: «آیا به جمکران مشرف شده‌اید؟» و سپس با تأکید، آنان را به زیارت این مسجد مقدس ترغیب می‌فرمود و می‌افزود: «کرامات، شگفتی‌ها و اتفاقات اعجاب‌انگیز بسیاری در این مسجد رخ داده است».^۳

البته شایان توجه است که در عصر و زمان غیبت، هر مکانی می‌تواند قداست انتساب به آن حضرت پیدا کند. علامه مجلسی نقل می‌کند: سلیمان بن عیسی از پدرش روایت می‌کند که گفت: به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: «هنگامی که نتوانم به زیارت شما بیایم و نزدتان حاضر شوم، چگونه شما را زیارت کنم؟» حضرت فرمودند: «ای عیسی، هنگامی که نتوانستی نزدم بیایی، روز جمعه غسل کن یا وضو بگیر، و بر پشت بام خانه‌ات برو و دو رکعت نماز بخوان و به طرف من توجّه کن [و زیارت بخوان]؛ زیرا هر کس در زمان زندگانی‌ام مرا زیارت کند، گویی پس از رحلتم مرا زیارت

۱. نوری، نجم الثاقب، ج ۲، ص ۵۹۹.

۲. حضرت حجت، ص ۲۹۳.

۳. همان.

کرده است، و هرکس پس از وفاتم مرا زیارت کند، گویی در زمان زندگانی ام زیارت نموده است.»^۱ سپس می‌نویسد: «این خبر، دلالت دارد بر اینکه زیارت امام زنده نیز به این شکل جایز است؛ لذا این سند و دلیلی می‌باشد بر اینکه در هر مکانی که خواست امام قائم عجل الله تعالی فرجه را زیارت کند، رو به سوی سرداب مقدس کند و آن حضرت را زیارت نماید.»^۲

اکنون که شیعیان در دوران غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه در هجران آن بزرگوار به سر می‌برند و نمی‌توانند همیشه به مکان‌های مقدس منسوب به آن بزرگوار، مانند سرداب مقدس، مسجد کوفه، مسجد سهله و مسجد جمکران و ...، شرفیاب شوند، می‌توانند با اهدای ثواب به آن حضرت، این کمبود و خسارت را جبران کنند.

در ادامه، به برخی از مهم‌ترین مکان‌های منتسب مهدوی، به ترتیب شامل مکه و مدینه (به عنوان مکان ظهور و زندگی در زمان غیبت)، عراق (محل زندگی در ابتدای تولد و غیبت و مکان‌های زندگی و حکومت در زمان ظهور)، مقام در قبرستان بزرگ شیعیان در نجف و مقام در کربلا و در پایان، یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های مهدوی ایران (مسجد جمکران) اشاره می‌شود:

۱. سرزمین وحی

در دوران غیبت و همچنین در عصر ظهور، از مهم‌ترین اماکن منتسب به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه، مکه و مدینه به شمار می‌آیند. در روایتی امام باقر ع می‌فرماید:

صاحب الامر به ناچار غائب می‌شود و در غیبت خود گوشه‌گیری می‌کند. و چه خوب منزلی است مدینه طیبه.^۳

بر اساس برخی روایات شیعه، مکه و به ویژه منطقه ذی طوی به عنوان یکی از مکان‌های حضور

۱. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۳۰۱؛ و روی سلیمان بن عیسی، عن أبيه قال: قلت لأبي عبد الله: كيف أزورك إذا لم أقدر على ذلك؟ قال: قال لي: «يا عيسى، إذا لم تقدر على المجيء، فإذا كان يوم الجمعة فاغتسل أو توضأ وأضعد إلى سطحك، وصل ركعتين وتوجه نحوي، فإنه من زارني في حياتي فقد زارني في مماتي، ومن زارني في مماتي فقد زارني في حياتي».

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۳۶۶.

۳. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۴۰.

و محل زندگی امام مهدی علیه السلام در دوران غیبت^۱ و همچنین محل ظهور ایشان،^۲ در نظر گرفته شده است. در این روایات آمده است که آن حضرت پیش از آغاز قیام از کنار کعبه، در ذی طوی منتظر یاران خود خواهند بود.^۳ ذی طوی در فاصله‌ای حدود یک فرسخی از مکه و در محدوده حرم قرار داشته و در گذشته از آنجا خانه‌های مکه دیده می‌شد؛^۴ اما امروزه به دلیل گسترش این شهر مقدس، چنین منظره‌ای به طور معمول قابل مشاهده نیست.^۵ مرحوم آیت‌الله بهجت رحمته الله درباره حضور حضرت حجت علیه السلام در سرزمین وحی این گونه می‌فرماید:

حضور حضرت در منا، عرفات، مزدلفه و... مسئله‌ای نیست که تنها یک یا دو نفر یا حتی ده نفر آن را نقل کرده باشند. این بزرگان تا این حد به این مکان‌ها اهمیت می‌دهند تا برای مسلمانان ثابت شود که این اماکن از مقدسات به‌شمار می‌روند.^۶

وی همچنین در جای دیگری با اشاره به حضور هر ساله امام در موسم حج می‌فرماید: به یکی از آقایان که برای حج مشرف می‌شد، گفتم: شما ملتفت باشید، شاید تشریفاتی برای شما حاصل شود. در آنجا خیلی‌ها مشرف شده‌اند. [امام عصر علیه السلام] هر سال در موسم حاضر می‌شود؛ منا، عرفات، مکه، مدینه.^۷

نیز آن بزرگوار تأکید می‌کند:

آنچه ما انتظار داریم، این است که قطعاً حضرت علیه السلام، آنجا [مراسم و مناسک حج] حاضر می‌شوند و بعضی حتماً ایشان را می‌بینند ولو نشناسند. کسانی که در جریانات حج حاضر می‌شوند، احتمال قوی دارد که به لقاء موفق بشوند.^۸

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۱۸۲.

۲. همان، ص ۳۱۵.

۳. همان، ص ۱۸۲.

۴. طریحی، مجمع البحرين، ج ۱، ص ۲۷۹.

۵. سلیمیان، فرهنگ‌نامه مهدویت، ص ۲۳۸.

۶. حضرت حجت، ص ۲۹۳.

۷. همان، ص ۳۳۶.

۸. همان، ص ۳۰۸.

آیت الله بهجت رحمته الله علیه درباره لزوم جدیت برای تشرّف به خدمت امام رحمته الله علیه در مناسک حج، این گونه می فرماید:

نمی دانم چرا این همه افراد که به حج می روند، خدمت امام زمان رحمته الله علیه نمی رسند؟ با اینکه قاعدتاً حضرت رحمته الله علیه در مراسم حج هستند. البته علتش به نظر بنده آن است که کسی در میل به تشرّف به محضر آن حضرت رحمته الله علیه جدی نیست و همه می گویند: اگر شد او را ببینیم، بد نیست؛ ولی واقعاً و از روی جد به دنبال ایشان نیستند. گویا خیلی برایشان مهم نیست که آن حضرت رحمته الله علیه را ملاقات کنند یا نه. برای این کار باید جدی بود؛ کاملاً جدی.^۱

۲. سامرا و حرم عسکریین رحمتهما الله علیهما

امام هادی رحمته الله علیه پس از انتقال اجباری به سامرا به دستور متوکل عباسی، خانه ای را در محله «عسکر المعتمصم» برای سکونت خریداری کردند.^۲ انتخاب این محل سکونت سبب شد تا آن حضرت به لقب «عسکری» مشهور شوند.^۳ امام هادی رحمته الله علیه پس از شهادت، در همین منزل به خاک سپرده شدند. فرزند ایشان، امام حسن عسکری رحمته الله علیه نیز در همین مکان زندگی کرده، پس از شهادت در جوار پدر بزرگوارشان دفن شدند. جالب اینکه منجی عالم بشریت، امام دوازدهم رحمته الله علیه نیز در همین خانه مقدس دیده به جهان گشودند. حرم مطهر عسکریین رحمتهما الله علیهما از اماکنی است که پیوندی ناگسستنی با امام زمان رحمته الله علیه دارد. شیخ کلینی با دو واسطه از شهادی عینی نقل می کند که امام مهدی رحمته الله علیه ده روز پیش از شهادت امام عسکری رحمته الله علیه از منزل خارج شده و می فرمودند: «پروردگارا، تو می دانی که این محل از محبوب ترین اماکن است، اگر جلوگیری و منع نمی کردند.»^۴ بدون تردید شهر سامرا و خانه پدری، محل تولد و دوران کودکی امام عصر رحمته الله علیه بوده است. روایات متعددی نیز حاکی از آن است که امام مهدی رحمته الله علیه با اجازه امام عسکری رحمته الله علیه برای برخی افراد خاص ظاهر

۱. حضرت حجت، ص ۳۳۹.

۲. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۵۷.

۳. امین، دایرة المعارف الاسلامیة الشیعیة، ج ۱۳، ص ۱۳۸.

۴. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۱، ح ۱۰.

می‌شدند و این ملاقات‌های معنوی عمدتاً در سامرا و در جوار مرقد پدر بزرگوارشان صورت می‌گرفته است.^۱ مرحوم آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه در خصوص توقیع امضاشده و حواله امام عصر رحمته‌الله علیه برای اعتلای مذهب چنین می‌فرماید:

آقا سید ابوالحسن اصفهانی رحمته‌الله علیه بر اساس خط و امضای امام غایب رحمته‌الله علیه برای یکی از علمای سنی یا فردی سنی، مجلس فاتحه اقامه کرد. شخصی با واسطه، به ایشان اعتراض کرده بود که چرا از سهم امام رحمته‌الله علیه این‌گونه مجالس را برگزار می‌کنید؟ ... مرحوم آقا سید ابوالحسن بعد از اعتراض، به شخص معترض ورقه سبزی را نشان داده بود که بنا بر نقل، به خط و امضای حضرت غایب رحمته‌الله علیه بود و ایشان هم یقین کرده بودند که ورقه از جانب آن حضرت رحمته‌الله علیه است که به مرحوم سید اصفهانی اجازه فرموده که سهم امام رحمته‌الله علیه را در آنچه موجب اعتلای مذهب حق است، مصرف نماید.^۲

نیز در جریان دیگری، حضرت آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه در همین خصوص (حواله امضاشده از سوی امام عصر رحمته‌الله علیه) می‌فرماید:

آقایی نقل می‌کرد وقتی کوچک بود و در سامرا با پدرش در خدمت میرزای شیرازی بزرگ بودند، شخصی می‌آید و ورقه سبزی به پدر این آقا می‌دهد. بعد ایشان ورقه را به مرحوم میرزا می‌دهد و ایشان به او مبلغ یک دینار می‌دهد. در آن ورقه، به میرزای بزرگ حواله شده بود که به حامل ورقه مبلغی به عنوان مساعدت داده شود. پدر این آقا هم یقین می‌کند که ورقه سبز با خط و امضای امام غایب رحمته‌الله علیه بوده است.^۳

۳. سرداب سامرا

بیشتر خانه‌های مناطق گرمسیر عراق در گذشته، دارای سرداب (زیرزمین) بودند تا ساکنان از گرمای شدید در امان باشند.^۴ خانه امام حسن عسکری رحمته‌الله علیه در سامرا نیز از این قاعده مستثنا نبود.

۱. همان، ج ۱، ص ۳۳۹، ح ۶؛ نیز، رک: همان، ج ۲، ص ۳۳۹، باب فی تسمیه من راه.

۲. حضرت حجت، ص ۳۳۷.

۳. همان، ص ۳۳۸.

۴. طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴۶۷.

در ضلع غربی صحن حرم عسکریین علیهم السلام، حجره‌ای زیرزمینی وجود دارد که امروزه در میان شیعیان به «سرداب امام زمان علیه السلام» معروف است. این سرداب مقدس، محل زندگی و عبادت امام هادی، امام حسن عسکری و حضرت مهدی علیه السلام بوده است. برخی ملاقات‌های خاص با حضرت ولی عصر علیه السلام در زمان حیات پدر بزرگوارشان نیز در همین مکان انجام می‌گرفت. زائران این مکان صرفاً به دلیل تقدسی که این محل به عنوان مکان زندگی و عبادت سه امام معصوم علیهم السلام دارد، به آن احترام می‌گذارند. بله، چه بسا روایتی که بفرماید بعد از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام، سربازان خلیفه، امام عصر علیه السلام را در این مکان دیده‌اند و پس از آن، دیگر غایب شده‌اند:

اصحاب کهف وقتی به سوی خدای متعال فرار کردند و از نزد دقیانوس خارج شدند و در غار مأوا گزیدند، پادشاه با گروهی در پی ایشان روانه شد. وقتی به در غار رسیدند و آنان را خوابیده یافتند، پادشاه متحیر ماند و به هیچ امر ناخوشایندی علیه آنان دست نزد و شگفت زده و حیران بازگشتند. [حضرت] صاحب الامر نیز پس از وفات پدر و تدفین ایشان، چنین بود. جعفر کذاب به سوی بنی عباس روانه شد و خبر [وفات] آن حضرت را به آن‌ها رساند. آن‌ها لشکری به طرف سامرا فرستادند، تا به خانه ایشان حمله ور شوند و هر کس را که در آن است، بکشند و سر او را برای خلیفه بیاورند. وقتی وارد خانه شدند، دیدند آن حضرت در انتهای سرداب ایستاده و بر حصیری که روی آب است، نماز می‌خواند، و پیش روی آن‌ها چونان دریایی بود، از فراوانی آب در سرداب. وقتی این وضعیت را دیدند، از دست‌یابی به او ناامید شدند و شگفت زده و حیران به سوی خلیفه بازگشتند. او هم دستور داد این قضیه را کتمان کنند. بعد از این ماجرا، لشکری بیشتر از قبل فرستادند. وارد خانه که شدند، از سرداب صدای قرائت قرآن شنیدند. پس همگی جلوی در سرداب جمع شدند تا آن حضرت نتواند بالا بیاید. اما آن حضرت از جایی که الآن ضریح است، خارج شد؛ در حالی که امیر لشکر ایستاده بود. وقتی ناپدید گشت، امیر گفت: پایین بروید و او را بگیرید. به او گفتند: او از مقابلت گذشت و تو دستور به دستگیری اش ندادی. گفت: او را ندیدم. [و این چنین] با دست خالی بازگشتند.^۱

۱. إِنَّ أَصْحَابَ الْكُهْفِ لَمَّا قَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ خَرَجُوا مِنْ عِنْدِ دَقْيَانُوسَ وَ أَوَّأُوا إِلَى الْعَارِ رَبِّكَ الْمَلِكُ مَعَ جَمَاعَةٍ خَلَفَهُمْ فَلَمَّا وَصَلُوا إِلَى بَابِ الْعَارِ وَ رَأَهُمْ نِيَاماً فِيهِ تَحَيَّرَ وَ لَمْ يَتَعَرَّضْ لَهُمْ بِسُوءٍ وَ انصَرَفُوا مَذْهُوشِينَ. فَكَذَلِكَ كَانَ صَاحِبُ الْأَمْرِ عليه السلام

لذا یکی از مکان‌های منتسب به حضرت، همین مکان شریف است و البته هیچ‌کس معتقد نیست که امام زمان علیه السلام اکنون در این سرداب سکونت دارند یا از این مکان ظهور خواهند فرمود.^۱ به سبب قداست این مکان، آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه درباره محل اخذ حکم تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی می‌فرماید:

آقای سید محمد فشارکی به میرزای شیرازی گفت: «... ای سید و فرزند پیامبر، چرا فتوای تحریم تنباکو را صادر نمی‌کنی؟» ... میرزای شیرازی در پاسخ فرمودند: «بله، وقتی به سرداب مقدس رفته و متوسل شدم، این فتوا به من الهام شد که: "الیوم استعمال تنباکو و توتون در حکم محاربه با امام زمان علیه السلام است".»^۲

مرحوم آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه درخصوص نذر برای مکان زیارت امام زمان علیه السلام، یکی از اماکنی که نام می‌برد سرداب مقدس است.

س: شخصی نذر کرده است که به زیارت حضرت بقیة الله علیه السلام برود. تکلیف او در ادای نذرش چیست؟ آیا به مکان خاصی باید برود و زیارت‌نامه خاص و آداب خاصی را باید انجام دهد؟

ج: نذر زیارت بقیة الله علیه السلام مختص به مکانی نیست، {البته} مگر با قصد نادر، یکی از ممکنه منسوبه را. و با قصد مکانی و عدم تعیین آن در قصد، اختیار سرداب مقدس که متیقن است، {هرچند} اضافه آن، اولی یا متعین است.^۳

بَعْدَ وَفَاةِ أَبِيهِ عليه السلام وَ دَفِنِهِ خَرَجَ جَعْفَرُ الْكَذَّابُ إِلَى بَنِي الْعَبَّاسِ وَ أَنْهَى حَبْرَةَ الْبَيْهَمِ فَبَعَثُوا عَشْرًا إِلَى سَرْمَنْ رَأَى لِيَهْجُمُوا دَارَهُ وَ يَقْتُلُوا مَنْ يَجِدُونَهُ فِيهَا وَ يَأْتُونَهُ بِرَأْسِهِ فَلَمَّا دَخَلُوهَا وَجَدُوهُ عَلَيْهِ السَّلَامِ فِي آخِرِ السَّرْدَابِ قَائِمًا يُصَلِّي عَلَى حَصِيرٍ عَلَى الْمَاءِ وَ قَدَّامَهُمْ أَيْضًا كَأَنَّهُ بَحْرٌ لِكَثْرَةِ الْمَاءِ فِي السَّرْدَابِ فَلَمَّا رَأَوْا ذَلِكَ تَبَسُّوا مِنَ الْوُضُوءِ إِلَيْهِ وَ انْصَرَفُوا مَدْهُوشِينَ إِلَى الْخَلِيفَةِ فَأَمَرَهُمْ بِكَيْسَانَ ذَلِكَ. ثُمَّ بَعَثَ بَعْدَ ذَلِكَ عَشْرًا أَكْثَرَ مِنَ الْأَوَّلِ فَلَمَّا دَخَلُوا الدَّارَ سَمِعُوا مِنَ السَّرْدَابِ قِرَاءَةَ الْقُرْآنِ فَاجْتَمَعُوا عَلَى بَابِهِ حَتَّى لَا يَضَعَدَ فَخَرَجَ مِنْ حَيْثُ الْأَنْ عَلَيْهِ سَبْكَةٌ وَ خَرَجَ وَ أَمِيرُهُمْ قَائِمٌ فَلَمَّا غَابَ قَالَ انْزِلُوا وَ خُذُوهُ فَقَالُوا إِنَّهُ مَرَّ عَلَيْكَ وَ مَا أَمَرْتَ بِأَخْذِهِ فَقَالَ مَا رَأَيْتُهُ فَأَنْصَرَفُوا خَائِبِينَ؛ راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۹۴۲؛ و نیز ر. ک: ج ۱، ص ۴۶۰.

۱. سلیمیان، فرهنگ نامه مهدویت، ص ۲۶۱.

۲. حضرت حجت، ص ۲۹۳.

۳. همان، ص ۳۶۴.

۴. مسجد سهله

مسجد سهله، از کهن‌ترین و مقدس‌ترین مساجد عراق، در فاصله دو کیلومتری شمال غرب مسجد کوفه قرار دارد. این مکان به حضرت بقیة الله علیه السلام منسوب است؛ چراکه در روایات، به عنوان محل سکونت و مقرّ امام عصر علیه السلام در دوران ظهور معرفی شده است. بر اساس احادیث، آن حضرت پس از قیام جهانی، در این مسجد اقامت خواهد گزید.^۱ در همین رابطه حضرت آیت الله بهجت رحمته الله در جواب سؤالی مبنی بر اینکه «آیا این منزل، برای زمان ظهور حضرت می باشد یا زمان غیبت را هم شامل می شود؟» این گونه پاسخ داده است: «لابد به آن حضرت اختصاص دارد، قبل ظهور یا بعد ظهور فرقی در آن نیست. گفته می شود که سیّد بحر العلوم، حضرت حجت علیه السلام را در آن خانه ملاقات نمود.»^۲ این مسجد همواره مورد توجه ویژه شیعیان بوده، یکی از مهم‌ترین مکان‌های مهدوی به شمار می‌رود.

امام صادق علیه السلام در بیانی ارزشمند به ابو بصیر فرمودند:

این مسجد از آن بقعه‌هایی است که خداوند دوست دارد در آن دعا شود. هیچ روز و شبی نمی‌گذرد، مگر آنکه فرشتگان به زیارت این مسجد می‌آیند و در آن به عبادت پروردگار مشغول می‌شوند. بدانید اگر من نزد شما [در کوفه] می‌بودم، هیچ نمازی را جز در این مسجد نمی‌خواندم.^۳

از این رو یکی از اعمال مهم در سلوک حضرت آیت الله بهجت رحمته الله برای برقراری ارتباط با امام زمان علیه السلام و حفظ و ارتقای این ارتباط، رفتن به اماکن منسوب به حضرت و انس گرفتن با آنجا و عمل کردن به اعمال مخصوص آن اماکن بود. ایشان وقتی در عراق به تحصیل علوم دینی می‌پرداخت، با وجود مشغله‌های علمی فراوان، از این امر غافل نبود و از اهمّ برنامه‌های

۱. ر. ک: ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۱۳۴-۱۳۵. از امام صادق علیه السلام وارد شده است: «كَأَنِّي أَرَى نُزُولَ الْقَائِمِ فِي مَسْجِدِ السَّهْلِ بِأَهْلِهِ وَعِيَالِهِ؛ گویی می‌بینم حضرت قائم را که همراه اهل و عیالش در مسجد سهله نازل شده است.»

۲. حضرت حجت، ص ۳۷۵.

۳. ر. ک: ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۱۳۴، ح ۷ «هُوَ مِنَ الْبِقَاعِ الَّتِي أَحَبَّ اللَّهُ أَنْ يُدْعَى فِيهَا، وَمَا مِنْ يَوْمٍ وَلَا لَيْلَةٍ إِلَّا وَالْمَلَائِكَةُ تَنْزُرُ هَذَا الْمَسْجِدَ، يَعْبُدُونَ اللَّهَ فِيهِ، أَمَا إِنِّي لَوَكُنْتُ بِالْقُرْبِ مِنْكُمْ مَا صَلَّيْتُ صَلَاةً لِفِيهِ.»

عملی اش، رفتن مستمر به مسجد مقدس سهله و بیتوته در آنجا بود.^۱ همچنین شب‌های طولانی را در آن مکان مقدس به عبادت می‌گذراند.^۲ آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه دعاهای وارده در مقام‌های مسجد کوفه، مسجد سهله، مسجد صعصعه، نزدیک مسجد سهله را اختصاصی نمی‌داند و این‌گونه دستورها را به نحو تعدد مطلوب صحیح می‌داند؛^۳ یعنی می‌توان آن دعاها را در غیر آن زمان و مکان خواند.

وی درباره عظمت و نورانیت مسجد سهله می‌فرمود:

این شب‌های چهارشنبه، نجفی‌ها به طرف مسجد سهله سرازیر می‌شدند و خدا می‌داند که شب‌های چهارشنبه و روزهایش و ... چه کرامت‌هایی و چه چیزهایی دیده شده است؛ عجایب و غرایب.^۴

همچنین او در بیانی درباره شنیدن بشارت ظهور از حضرت حجت رحمته‌الله‌علیه در اماکن مشرفه می‌فرماید:

آیا نباید در فکر این باشیم که از کسی که خداوند [او را] برای اصلاح جامعه قرار داده، بخواهیم که بیاید؟ خود او در مسجد سهله و جمکران، در خواب و بیداری، در گوش افرادی از دوستانش بدون اینکه او را ببینند، فرموده است: «فرج من نزدیک است؛ دعا کنید.»^۵

این بیانات، جایگاه رفیع مسجد سهله را به عنوان یکی از مهم‌ترین مکان‌های مهدوی در عرصه ظهور نشان می‌دهد.

۱. در همین رابطه یکی از نزدیکان مرحوم آقای بهجت رحمته‌الله‌علیه نقل می‌کند: «ایشان وقتی به عتبات عالیات مشرف شده بود، با اینکه هنوز یک سال به سن بلوغ ایشان باقی مانده بود، بر رفتن به مسجد سهله مواظبت داشت». رک: گلستان اول، راه وصال، ب. بعد عملی، ۲. دعا و عبادت، عشق‌ورزی به اماکن منسوب به حضرت حجت رحمته‌الله‌علیه.

۲. آیت‌الله شیخ عباس هاتف قوچانی می‌فرمود: «آیت‌الله بهجت -قدس سره- بسیار به مسجد سهله می‌رفت و شب‌ها تا صبح بیتوته می‌نمود». رک: همان.

۳. رخشاد، در محضر بهجت، ج ۱، ص ۲۱.

۴. حضرت حجت، ص ۲۹۲.

۵. همان، ص ۵۵۴.

۵. مسجد کوفه

مسجد کوفه یکی از کهن‌ترین مکان‌های زیارتی منتسب به حضرت بقیه‌الله عجل الله فرجه است که در روایات عصر ظهور، جایگاه ویژه‌ای دارد. این مکان مقدس، مرکز قضاوت،^۱ محل نصب منبر،^۲ پایگاه آموزش قرآن^۳ و محل اقامه نماز جمعه و جماعت آن حضرت^۴ در دوران ظهور خواهد بود. این روایات، نشان‌دهنده عظمت و جایگاه بی‌نظیر مسجد کوفه در عصر ظهور حضرت صاحب‌الزمان عجل الله فرجه است. مرحوم آیت‌الله بهجت رحمته الله در رابطه‌ی اقبال به این مسجد می‌فرماید:

خدا می‌داند چه کراماتی از علما در دو مسجد سهله و کوفه و مشاهد دیگر ظاهر و کشف شده بود که اهل علم نجف، به آن دو مسجد اقبال داشتند. آن تعبدها ناشی از واقعیاتی بود که از آنجا نشأت می‌گرفت.^۵

همچنین وی تشریح از سوی فردی از اهل هندوستان در مسجد کوفه برای گره‌گشایی^۶ و دیدن

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱. «دار ملکه الکوفة و مجلس حکمه جامعها...».

۲. ر.ک: نعمانی، الغيبة، ص ۴۶۸. «عن الصادق عجل الله فرجه: ... و الثالث مَوْضِعُ الْقَائِمِ».

۳. ر.ک: اربلی، کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۱؛ شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۱۵۸. «کانتی انظر الی القائم علی منبر الکوفة و حوله اصحابه ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلا عدّة اهل بدر و هم اصحاب الألوية و هم حکام الله فی ارضه علی خلقه...».

۴. ر.ک: شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۱، ح ۶۹۶؛ عن علی عجل الله فرجه: «وَلَيَأْتِيَنَّ عَلَيْهِ زَمَانٌ يَكُونُ مُصَلَّى الْمَهْدَى عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ وُلْدِي وَ مُصَلَّى كُلِّ مُؤْمِنٍ. وَ لَا يَبْقَى عَلَى الْأَرْضِ مُؤْمِنٌ إِلَّا كَانَ بِهِ، أَوْ حَسَنٌ قَلْبُهُ إِلَيْهِ».

۵. حضرت حجت، ص ۲۹۲.

۶. [قضیه دیگری هم اتفاق افتاده که] در زمان ما بوده است. [شخصی که از اهالی هندوستان بود، می‌گوید: در تردید بودم که چه کار کنم و از چه کسی تقلید کنم. در مسجد کوفه در یک حجره‌ای، خدمت امام زمان - سلام‌الله‌علیه - رسیدم. دیدم یک سیدی هم کنارش است. [حضرت به آن سید اشاره کرد و] فرمود: «اگر عملی بر شما مشکل شد، به ایشان مراجعه کنید». نه اسم او را برد و نه مکان او را به من نشان داد. به نجف آمدم؛ [اولی نمی‌دانستم] از چه کسی و جویای چه نامی باشم؟ اسمش را که نمی‌دانستم، مکانش را هم که نمی‌دانستم. گفتم بینم آیا می‌توانم او را در نجف ببینم یا نه. خیلی گشتم، تا آخر کسی را دیدم که او صورتاً به همان کسی شبیه بود که در مسجد کوفه دیده بودم. گفتم: حالا از خودش بپرسم از آن قضیه خبر دارد یا ندارد. رفتم از او بپرسم، با خود گفتم صبر کنم ببینم [خودش در جریان هست یا نه]. ابتدائاً [قبل از اینکه سخنی بگویم] به من گفت: «اگر مشکلی برای شما روی داد، به من مراجعه کنید». آن حواله بود و این هم وصول. ر.ک: حضرت حجت، ص ۱۶۵.

محل استراحت حضرت در این مسجد^۱ را نیز نقل کرده‌اند که برای رعایت اختصار، از نقل آن‌ها خودداری می‌شود. البته حضرت آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه در موارد متعدد از شیخ ابراهیم صاحب الزمانی رحمته‌الله‌علیه که در حال اعتکاف در مسجد کوفه، امام عصر رحمته‌الله‌علیه را زیارت کرد، چنین نقل می‌کرد که حضرت {به طور گلایه آمیز} فرمودند: «این‌هایی که به این مسجد آمدند، در فکر من نیستند.»^۲

۶. مقام وادی السلام

مقام به مکانی گفته می‌شود که به نحوی با معصومان، پیامبران یا اولیای الهی مرتبط باشد؛ خواه محل حضور، اقامت یا عبادت آن بزرگواران بوده باشد. برخی نمونه‌های بارز آن عبارتند از:

۱. مقام حضرت ابراهیم رحمته‌الله‌علیه در مسجدالحرام؛ ۲. مقام حضرت خضر نبی رحمته‌الله‌علیه در مسجد اموی دمشق؛
۳. مقام صاحب‌الزمان رحمته‌الله‌علیه در کربلا.

یکی از همین مکان‌های مقدس، مقام حضرت بقیه‌الله رحمته‌الله‌علیه در قبرستان وادی‌السلام نجف است که در مجاورت مرقد حضرت هود و حضرت صالح رحمته‌الله‌علیه واقع شده است. این مکان شریف که کرامات بسیاری از آن نقل شده، از دیرباز مورد توجه مؤمنان بوده است. بر اساس برخی روایات، این مکان، همان جایی است که امام صادق رحمته‌الله‌علیه در مسیر زیارت مرقد مطهر امیرالمؤمنین رحمته‌الله‌علیه در آن نماز خواندند و آن را محل منبر امام زمان رحمته‌الله‌علیه معرفی کردند.^۳ برخی منابع تاریخی نیز ساخت این

۱. بنده خودم دیده بودم آن آقایی را که یکی دو دفعه یا [بیشتر]، خدمت حضرت رحمته‌الله‌علیه مشرف شده و دیده بود [حضرت] در مسجد کوفه استراحت می‌نموده است. کسی هم [ایشان را] باد می‌زده، مثلاً خادم است. ر.ک: حضرت حجت، ص ۳۴۳.

۲. ر.ک: حضرت حجت، ص ۳۴۰؛ نیز ر.ک: همان، ص ۲۲۲.

۳. منسوب به طبری، دلائل‌الإمامة، ص ۴۵۹. گفتنی است وقتی امام صادق رحمته‌الله‌علیه به زیارت امیرالمؤمنین رحمته‌الله‌علیه رفتند، در سه جا از جمله منطقه‌ای به نام ثویه نماز خواندند. وقتی راوی از امام پرسید این چه نمازی است؟ فرمودند: «اینجا محل منبر قائم آل محمد است. دوست داشتم در آن، شکر خدا را به جا آورم.»

مقام را به سید بحرالعلوم در سال ۱۲۰۰ ق نسبت داده‌اند.^۱

محدّث نوری در توصیف این مکان می‌نویسد:

در غرب قبرستان معروف وادی السلام، مقام مقدس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه واقع است که دارای صحن، گنبد، مقام و بارگاه می‌باشد. در این مکان، محرابی منتسب به حضرت وجود دارد که ... تنها می‌دانیم این مقام شریف از قدیم‌الایام وجود داشته است.^۲

این مقام مقدس همچنان به عنوان یکی از مکان‌های ویژه منتسب به حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه مورد احترام و زیارت مؤمنان است. مرحوم آیت‌الله بهجت رحمته الله در یک حکایت نسبتاً طولانی - که خواندن آن خالی از لطف نیست - جریان تشرّف خدمت امام زمان عجل الله تعالی فرجه در مقام وادی السلام را نقل کرده است.^۳ البته ایشان جریان تشرّف دیگری در همین مکان با کیفیت دیگری نقل می‌کند.^۴ مرحوم بهجت در جای دیگری به مقام وادی السلام نجف اشرف این‌گونه اشاره می‌کند:

شاید اگر غیبت آن حضرت طول بکشد، در هر جایی مسجدی و یا... برای ارتباط و توسل به آن حضرت درست شود؛ چنانکه در وادی السلام نجف، مقام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه وجود دارد.^۵

آیت‌الله بهجت رحمته الله همچون عاشقی شیدا، هر مکانی را که به حضرت انتساب داشت و رایحه امام از آنجا به مشام می‌رسید - مانند مقام امام زمان عجل الله تعالی فرجه در وادی السلام - تعظیم می‌کرد و به زیارت آن مکان شریف می‌رفت. حتی خانه‌ای را که حضرت به آنجا پا گذاشته و یا صاحب آن خانه را مفتخر به شرف‌یابی کرده بود، مورد عنایت و تفقّد قرار می‌داد. ایشان عنایت خاصی برای آن مکان

۱. آل‌محبوبه، ماضی‌النجف و حاضرها، ج ۱، ص ۹۵. دلیل کافی برای اثبات این ادعا در دست نیست؛ اما برخی با توجه به ارتباط سید بحرالعلوم با امام زمان عجل الله تعالی فرجه و وجود سنگی در این مقام که در سال ۱۲۰۰ زیارت امام زمان عجل الله تعالی فرجه روی آن حک شده، احتمال می‌دهند این مقام همان محل منبر امام عصر عجل الله تعالی فرجه باشد.

۲. نوری، کشف‌الاستار، ص ۲۰۶.

۳. حضرت حجت، ص ۳۰۳.

۴. همان.

۵. همان، ص ۳۷۸.

قائل بودند:

[افراد] به محل‌هایی که منسوب به حضرت علیه السلام است، زیاد مشرف می‌شوند، اما اکثراً نمی‌دانند چه باید بخواهند. حضرت علیه السلام همه جا را می‌بیند، اما به بعضی امکانه عنایت مخصوصی دارد؛ مثل مقام حضرت مهدی علیه السلام در نجف اشرف که یک اتاق بیش نیست؛ اما در این اتاق چه روحانیتی محسوس است.^۱

۷. مقام کربلا

این زیارتگاه که در مجاورت رودخانه حسینیه کربلا واقع شده، یکی از مکان‌های منتسب به حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام شناخته می‌شود. شهرت این مکان عمدتاً بر اساس روایتی می‌باشد که از خواب یکی از علما نقل شده است؛ هرچند سند معتبری برای این روایت وجود ندارد. این مقام در سال ۱۴۱۴ق به همت یکی از تاجران متدین کربلا بازسازی شد. مرحوم آیت‌الله بهجت علیه السلام در این باره فرموده است:

شنیده‌ام در کربلا، در نزدیکی مقام حضرت صادق علیه السلام - که پیش از این اتاق کوچکی بود و مشخص نیست در کتب ادعیه ذکری از آن شده باشد - مقامی برای حضرت مهدی علیه السلام ساخته‌اند. علت این کار، روایتی است مبنی بر اینکه فردی در آنجا به محضر حضرت مشرف شده و دیده است که ایشان زیارت ناحیه مقدسه را در آنجا قرائت می‌فرمایند. برای این مکان، امکانات ویژه‌ای ایجاد کرده‌اند؛ همان‌طور که پیش از این، تپه بلندی در آنجا وجود داشت که فردی نقل کرده بود: «خانه ما بر روی این تپه قرار داشت. شخصی به ما گفت: این خانه را نفروشید؛ زیرا در منابع تاریخی آمده است که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام هنگام حضور در عراق، بر این تپه می‌آمد و اجداد طاهربین خود را زیارت می‌کرد و این مکان متبرک است.»^۲

هرچند این مکان از نظر تاریخی سندیت قطعی ندارد، به عنوان یکی از مکان‌های زیارتی، مورد

۱. همان، ص ۲۹۲.

۲. همان، ص ۳۰۶.

توجه برخی مؤمنان قرار گرفته است.

۸. مسجد جمکران

مسجد جمکران واقع در شهر قم، از مهم‌ترین و پربرکت‌ترین اماکن منتسب به حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام در ایران است. بنا بر روایات، این مسجد به دستور مستقیم امام زمان علیه السلام تأسیس شده و همواره محل عبادت، راز و نیاز و ارتباط معنوی با ایشان بوده است. کتاب نجم الثاقب از نخستین منابعی است که به تفصیل به حکایت ساخت این مسجد پرداخته است. این مکان مقدس، همواره مورد توجه ویژه علما و مراجع تقلید، از جمله آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه، قرار داشته است و بسیاری از بزرگان به زیارت آن، اهتمام خاصی داشته‌اند. آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه در این باره می‌فرماید: «جمکران، بقعه‌ای است همچون بقاع پیامبران»^۱. همچنین در بیان دیگری می‌فرماید: «گروهی از صالحان و اهل تقوا با حضرت صاحب‌الفرج علیه السلام گفت‌وگو می‌کنند، حاجت می‌طلبند و پاسخ می‌گیرند و در مسجد جمکران، صدای آن حضرت را می‌شنوند»^۲. و در عباراتی متعدد، این مکان را همانند مسجد سهله می‌داند: «مسجد جمکران، سهله ایران است»^۳. نیز «این جمکرانی که اینجا هست، انصافش این است که شباهت به همان مسجد سهله دارد». وی در ادامه می‌فرماید:

آن قدر اینجا کرامت‌ها دیده شده است، خدا می‌داند که عجایب و غرایب است؛ چه در خواب و چه در بیداری ... الی ماشاءالله کرامت‌ها از اینجا (مسجد مقدس جمکران) دیده‌اند. واقعاً همین کثرت کرامت‌هایی که اینجا دیده شده، خود قوی‌ترین سند است که این مکان مورد عنایت [امام زمان علیه السلام] است.^۴

آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه همچنین بهترین معرف این مکان را خود مکان می‌داند^۵ و البته دعا و راز و

۱. همان، ص ۳۰۳.

۲. همان، ص ۳۰۰.

۳. همان، ص ۲۹۳.

۴. همان، ص ۳۰۰.

۵. ر.ک: همان، ص ۳۰۲.

نیاز با خالق معبود در این مسجد را سفارش می‌کند.^۱ وی ضمن نقل حکایتی از قول مرحوم حاج شیخ حسنعلی نخودکی می‌گوید: «کار در جمکران درست می‌شود»^۲ و فضای عطرآگین مسجد را این‌گونه توصیف می‌کند:

همین تازگی، کسی که از مسجد جمکران کرامات زیادی دیده بود، نقل کرد - در شب بعد از تشرّف به آن امامزاده [در اطراف جمکران] و سپس آمدن به مسجد-: در وسط صحن مسجد، خدمت حضرت علیه السلام رسیدم و ایشان پولی به من داد و پس از چند لحظه دیدم کسی نیست؛ اما تمام فضای مسجد را بوی عطر پر کرده بود.^۳

وی همه روزه پایبند بود که صبح‌ها به همان طریقی که خود اهل بیت علیهم السلام توصیه کرده‌اند با امام زمان خویش تجدید پیمان کند و زیارت مأثوره امام زمان علیه السلام بعد از نماز صبح یعنی دعای «اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبِ الزَّمَانِ» را بخواند.^۴ همچنین در ضمن نقل حکایتی، درخواست دعای فرج از سوی امام عصر علیه السلام در این مکان مقدس را این‌گونه بیان می‌کند: «به دوستان ما، به دل سوختگان ما بگویید برای من دعا کنند».^۵ ایشان در جواب سؤال شخصی که دوست داشت به محضر حضرت مشرف بشود این‌گونه فرمود:

زیاد صلوات، اهدای وجود مقدسش نمایید، مقرون با دعای تعجیل فرجش، و زیاد به مسجد جمکران مشرف شوید، با آدای نمازهایش.^۶

نیز یکی از فضلا نقل می‌کند که یک بار حضرت آیت الله بهجت علیه السلام به من فرمودند: «مسجد مشرف می‌شوید؟» متوجه شدم منظور ایشان مسجد مقدس جمکران است. عرض کردم: «بله».

۱. همان، ص ۲۳۳.

۲. همان، ص ۳۰۱.

۳. همان، ص ۳۴۵.

۴. همان، ص ۶۸.

۵. همان، ص ۳۴۴.

۶. همان، ص ۳۶۵.

فرمودند: «در سجده با قلب صاف بگوئید: اللهم عجل لوليک الفرج»^۱. حکایات دیگری از ایشان نقل شده است که می‌توانید به کتاب حضرت حجت مراجعه کنید.^۲ این بیانات و شواهد تاریخی، جایگاه رفیع مسجد جمکران را به عنوان یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های معنوی در انتظار ظهور، به خوبی نشان می‌دهد.

گونه‌های نگرش آیت‌الله بهجت رحمته به اماکن مهدوی

یکی از اعمال مهم در سلوک حضرت آیت‌الله بهجت رحمته برای برقراری ارتباط با امام زمان عجل الله تعالی فرجه، رفتن به اماکن منسوب به حضرت و انس گرفتن با آنجا همراه با انجام اعمال مخصوص آن مکان‌ها بود. وی حتی در دوران تحصیل علوم دینی در عراق، با وجود مشغله‌های علمی فراوان، از این امر غافل نبود و رفتن مستمر به مسجد مقدس سهله و بیتوته در آنجا از برنامه‌های عملی مهمش به شمار می‌رفت. همچنین شب‌های طولانی را در آن مکان مقدس به عبادت می‌گذراند. وی پس از بازگشت به ایران نیز همان التزام را به مسجد جمکران داشت و مورد عنایت خاص بودن آن مکان را مسلم می‌دانست. ایشان می‌فرمود: «جمکران، سهله ایران است و خدا می‌داند چه اعظامی در آنجا چه کرامت‌هایی دیده‌اند».^۳ از حضرت آیت‌الله بهجت رحمته پرسیدند: انتساب مسجد جمکران به امام زمان عجل الله تعالی فرجه در نظر شما چطور است؟ معظم له جواب فرمودند: «ثابت است دیگر؛ سنن که این طور تدقیقات لازم ندارد؛ مستحبات است».^۴

با توجه به اهمیت موضوع پیش گفته و نوع اثراتی که می‌تواند در جامعه ایمانی ایفا کند، بررسی آن از منظر عارفی بزرگ چون آیت‌الله بهجت رحمته بسیار شایسته و دارای آثار خواهد بود. در ادامه به برخی دیدگاه‌ها، توصیه‌ها و عملکردهای این عارف واصل اشاره خواهد شد:

• احترام و تکریم: از جمله ویژگی‌های برجسته در نگرش آیت‌الله بهجت رحمته به اماکن مهدوی،

۱. همان، ص ۲۴۳.

۲. ر.ک: حضرت حجت، ص ۲۹۶ و ۲۹۸.

۳. همان، ص ۲۹۳.

۴. حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه، ص ۳۷۵.

ابراز احترامی ژرف و نگاه قدسی به این مکان‌ها بود. ایشان این اماکن را صرفاً مکان‌هایی تاریخی یا نمادین نمی‌دانست؛ بلکه آن‌ها را مجالی برای تقرب، تأمل معنوی و تعمیق ارتباط با امام عصر علیه السلام می‌شمرد. این رویکرد، نه در حد یک باور نظری، بلکه در سیره عملی ایشان کاملاً مشهود بود. از جمله مهم‌ترین اعمال در سلوک ایشان برای حفظ و تقویت ارتباط با حضرت ولی عصر علیه السلام، توجه خاص به زیارت، مداومت بر حضور در اماکن منسوب به آن حضرت، و انجام عبادات ویژه در آن مکان‌ها بود؛ چنانکه در دوران اقامت در نجف اشرف، وی با وجود اشتغالات فراوان علمی، از رفت و آمد مستمر به مسجد مقدس سهله و حتی بیتوته در آنجا غافل نبود. آیت‌الله شیخ عباس هاتف قوچانی می‌فرمود: «آیت‌الله بهجت بسیار به مسجد سهله می‌رفت و شب‌ها تا صبح بیتوته می‌نمود».^۱ چنین سلوکی، به روشنی بیانگر ایمان عملی او به تأثیر تربیتی و سازنده این اماکن در پرورش ایمان، تهذیب نفس و تعمیق ارتباط با ولی خدا است؛ تا جایی که احترام به این اماکن و انس با آن‌ها، بخشی از راهبرد حضور در عصر غیبت و زمینه‌سازی برای ظهور تلقی می‌شد.

• **تشویق به زیارت:** از مضامین پررنگ در سیره رفتاری و بیانات آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه، دعوت مؤکد به زیارت مستمر اماکن مهدوی، به ویژه مسجد جمکران بود. ایشان نه تنها خود در تمام مراحل عمر - حتی در کهولت - بر تشریف به این مکان مقدس مواظبت داشت، بلکه مکرراً شاگردان، مؤمنان و حتی شخصیت‌های اجتماعی را نیز به آن توصیه می‌کرد. این توصیه‌ها، به ویژه برای جویندگان لقای حضرت، رنگی خاص داشت و بر انجام نمازهای ویژه و زیارات مأثور در مسجد جمکران تأکید می‌شد. از منظر او، کرامات، عجایب و غرایب متعددی که در این مکان مشاهده شده، نشانه‌ای بر عنایت خاص حضرت حجت علیه السلام به این مسجد است. ایشان می‌فرمود: «مسجد جمکران، [مسجد] سهله ایران است». و حتی در پاسخ به پرسشی درباره صحت انتساب این مسجد به حضرت، با اطمینان پاسخ داد: «ثابت است دیگر؛ سنن که این طور تدقیقات لازم ندارد؛ مستحبات است.» این نگرش،

۱. ر.ک: گلستان اول، راه وصال، ب. بعد عملی، ۲. دعا و عبادت، عشق ورزی به اماکن منسوب به حضرت حجت علیه السلام.

نشانگر باور راسخ وی به نقش دگرگون‌کننده این مکان‌ها در تقویت پیوند با امام و پالایش معنوی فرد و جامعه است؛ به‌گونه‌ای که زیارت اماکن مهدوی، از منظر او، نه امری تشریفاتی، بلکه مسیری راهبردی برای آمادگی ظهور قلمداد می‌شد.

• **ترویج وحدت:** یکی از اضلاع مهم نگرش آیت‌الله بهجت رحمته‌الله به اماکن مهدوی، کارکرد وحدت‌آفرین این مکان‌ها در میان جامعه مؤمنان است. از منظر او، این اماکن صرفاً محل عبادت فردی نبودند؛ بلکه بستری زنده و فعال برای تجلی همبستگی ایمانی، هم‌افزایی روحی و شکل‌گیری هویت اجتماعی منتظران محسوب می‌شدند. وی به‌کرات توصیه می‌کرد که باید در این مکان‌ها، همچون مسجد جمکران، برای مسلمانان مظلوم و رزمندگان درگیر در میادین مقاتله دعا کرد؛ زیرا این مکان‌ها پایگاه‌های دعا و اجتماع دل‌های شکسته و جان‌های منتظرند. همچنین با یادآوری حضور مکرر حضرت ولی عصر علیه‌السلام در عرفات، منا و مشعر، و نقل آن از زبان بزرگان اهل معرفت، تأکید می‌کرد که این اماکن قدسی نه تنها دارای تقدس فردی، بلکه حامل بار هویتی جمعی برای امت اسلامی‌اند؛ گویی حضور حضرت در آن‌ها، حجتی است بر لزوم پاسداشت و توجه همه‌جانبه امت به این کانون‌های وحدت. از منظر آیت‌الله بهجت رحمته‌الله، هر بار حضور مؤمنان در این مکان‌ها، فرصتی است برای بازبایی هویت شیعی، تقویت تعلق خاطر به امام، و پیوند معنوی با دیگر منتظران، به‌گونه‌ای که این حضور دسته‌جمعی خود زمینه‌ساز فرج تلقی می‌شود.

• **اهمیت آموزشی:** در منظومه فکری آیت‌الله بهجت رحمته‌الله، اماکن مهدوی صرفاً جایگاه زیارت و عبادت نیستند؛ بلکه پایگاه‌هایی برای آموزش و انتقال مفاهیم بلند مهدوی، و احیای شعور تاریخی دینی شیعه محسوب می‌شوند. وی بر این نکته تأکید داشت که این اماکن مقدس، ظرفیت بالایی برای شکل‌گیری گفت‌وگوهای معنوی، جلسات تعلیم و تعلم معارف مهدوی، و تقویت گفتمان انتظار دارند. بر همین اساس، او با نقل روایاتی همچون فرموده امام صادق علیه‌السلام دربارهٔ نزول حضرت قائم علیه‌السلام در مسجد سهله همراه با اهل و عیال، چنین القا می‌کرد که این مکان، نه تنها در دوران ظهور، بلکه در زمان غیبت نیز منزل و جایگاه

اختصاصی امام است؛ مکانی که در آن، حضور امام استمرار دارد. همچنین آیت‌الله بهجت رحمته‌الله با اشاره به واقعه تاریخی توسل میرزای شیرازی به امام زمان عجل‌الله در سرداب مقدس و دریافت مستقیم حکم تحریم تنباکو، نشان می‌داد که این اماکن، محل افاضه الهام و تشخیص تکلیف تاریخی از ناحیه حضرت بوده‌اند. نقل این‌گونه روایات و خاطرات، نقش اماکن مهدوی در عمق بخشی به آگاهی تاریخی شیعه، تحکیم پیوند معرفتی با امام عصر عجل‌الله و ایجاد بستری برای تربیت دینی جامعه منتظر را نمایان می‌سازد. گویی هر یک از این مکان‌ها، کلاس درسی زنده در جغرافیای ولایتند که آموزه‌های مهدوی را در قلب مؤمنان نهادینه می‌سازند.

• **تأمل معنوی:** آیت‌الله بهجت رحمته‌الله اماکن مهدوی را نه صرفاً محل عبادت، بلکه میعادگاه‌هایی برای خودسازی، انس با امام و سیر و سلوک معنوی می‌دانستند. وی بارها تأکید می‌کرد که زائر، هنگام تشریف به این مکان‌ها به ویژه مسجد جمکران، باید با حضور قلب به دعا، تضرع و خودآزمایی باطنی بپردازد. توصیه‌های مکرر ایشان به مشتاقان تشریف درباره زیارت این مکان مقدس، جلوه‌ای از باور عمیق ایشان به نقش تربیتی و مکاشفه‌گر این مکان‌ها است. همچنین بارها با نقل کرامات رخ داده در جمکران، چه در جریان بنای اولیه و چه در دوران مرمت، این مکان را نه فقط مواضع دعا، بلکه محافلی برای تربیت روح، تلقی عنایت خاص حضرت، و بسترهای انس قلبی با امام عصر عجل‌الله می‌دانستند. چنین نگاهی، زیارت را به یک تجربه شخصی و باطنی عمیق بدل می‌سازد که در آن، زائر با حضور در فضای قدسی مکان، به تزکیه، رجوع درونی و طلب وصال دست می‌یابد.

• **نقش واسطگی اماکن:** یکی از مضامین محوری در بیانات آیت‌الله بهجت رحمته‌الله، آن است که اماکن مهدوی، مجاری ارتباط و تجلی خاص حضرت ولی عصر عجل‌الله در دوران غیبت هستند. وی بارها فرموده است که این اماکن، بسترهای میقات‌گونه برای تشریف یا نجوای باطنی با امام هستند؛ به‌گونه‌ای که جمکران، سهله و وادی‌السلام را مواضع محتمل ملاقات، رؤیت، و دریافت الهام دانسته‌اند. می‌فرمود: «همین تازگی، کسی از مسجد جمکران ... خدمت حضرت رسید و ایشان پولی به او داد ... تمام فضای مسجد را بوی عطر

پر کرده بود». نیز در جریان تشریف اینگونه بیان می‌کند: «به دوستان ما، به دل سوختگان ما بگویید برای من دعا کنند». همچنین می‌فرماید: «در مسجد سهله و جمکران، در خواب و بیداری، در گوش افرادی از دوستانش بدون اینکه او را ببینند، فرموده است: فرج من نزدیک است». این گونه، تأکید می‌کند که اماکن مهدوی، رسانه‌های غیبی ارتباط با امام در عصر غیبت هستند، نه صرفاً بناهایی تاریخی یا صرف مکان دعا.

• **ابعاد کرامت محور و شهودی اماکن:** حضرت آیت‌الله بهجت رحمته‌الله نگرش ویژه‌ای به ظهور کرامات، اشارات، الهامات و وقایع خارق‌العاده در این اماکن دارد. این نگرش، از جنس باور به معجزه‌گری مکان نیست؛ بلکه نشانه‌ای از عنایت خاص و تجلی نوری حضرت در این مواضع تلقی می‌شود. کرامات، شاهد و مؤید قدسی بودن آن مکان‌ها نزد ایشان است. مکرراً می‌فرمود: «خدا می‌داند چه عجایبی در اینجا دیده شده است». به عنوان نمونه ایشان این‌گونه می‌فرمود: «کرامات، شگفتی‌ها و اتفاقات اعجاب‌انگیز بسیاری در این مسجد (جمکران) رخ داده است». «نیز در جریان تشریف می‌فرماید: «در شب بعد از تشریف به آن امامزاده ... فضای مسجد را بوی عطر پر کرده بود!» یا بیان دیگر حضرت ایشان این‌گونه است: «که خدا می‌داند چه کراماتی از علما در دو مسجد سهله و کوفه ... ظاهر و کشف شده بود». این نگرش کرامت محور، وجه مهمی از تجربه عرفانی و زیست دینی آیت‌الله بهجت رحمته‌الله در مواجهه با اماکن مهدوی را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

با تحلیل سیره و نگرش‌های حضرت آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه در مورد اماکن مهدوی، در می‌یابیم که وی نگاهی چندلایه، عرفانی، فقهی و اجتماعی به این مکان‌ها داشته و آن‌ها را نه تنها محل زیارت، بلکه حلقه‌های ارتباطی فعال میان امام غایب و امت منتظر در عصر غیبت می‌دانسته است. این نگرش جامع، فهم جامعه از مهدویت را در چند بُعد اساسی متحول می‌سازد: **نخست**، تأکید او بر جنبه عملی و عبادی انتظار (مانند مواظبت بر زیارت مسجد جمکران و بیتوته در مسجد سهله)، انتظار را از مفهومی نظری به یک «سبک زندگی معنوی» فعال تبدیل می‌کند که در آن هر فرد از طریق عمل، پیوند خود با امام عصر رحمته‌الله علیه را مستحکم‌تر می‌سازد. **دوم**، نگاه وحدت‌بخش و هویت‌ساز وی، فهم مهدویت را از حصر فردی خارج کرده، آن را به «پروژه‌ای جمعی» بدل می‌سازد؛ بدین معنا که اجتماع در این مکان‌های مقدس، نه تنها تمرین همدلی برای دوران ظهور، بلکه خود زمینه‌ساز فرج و تقویت روحیه جمعی امت اسلامی محسوب می‌شود.

در سطحی عمیق‌تر، تأکید معظم‌له بر بُعد آموزشی و شهودی این اماکن (همچون نقل روایت نزول حضرت در مسجد سهله یا کرامات میرزای شیرازی)، فهم مهدویت را از یک امر تاریخی به یک «واقعیت زنده و اثرگذار» در زمان حال ارتقا می‌دهد. این نگرش به جامعه می‌آموزد که این مکان‌ها، کانون‌های فیض و عنایت حضرت هستند که می‌توانند محلی برای تشخیص تکلیف و تربیت نفوس باشند، همچنین نگاه عرفانی او که این اماکن را «مجاری ارتباطی» و «مواضع محتمل ملاقات» می‌دانست، امید به امکان ارتباط با حضرت را زنده نگاه می‌دارد و غیبت را به حجابی نازک تبدیل می‌کند. وی با ترغیب مؤمنان به حضور جمعی، این اماکن را به کانون‌های همگرایی و نشر معارف مهدوی تبدیل کرد.

در مجموع، نگرش جامع آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه به اماکن مهدوی، الگویی استوار برای زیست مهدوی در دوران غیبت به‌شمار می‌آید که در آن، پیوند میان انتظار، مکان، دعا، تربیت و ارتباط با امام در قالبی هماهنگ بازتعریف شده است. این نگرش، فهم مهدویت را به سمت «انتظاری فعال، آگاهانه، عارفانه و جامعه‌ساز» سوق می‌دهد و می‌تواند سهم بسزایی در تحکیم هویت مهدوی و آمادگی معنوی جامعه شیعه برای ظهور ایفا کند.

منابع

۱. آل محبوبه، جعفر بن باقر، **ماضی النجف و حاضرها**، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۶ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، **کمال الدین و تمام النعمه**، ترجمه پهلوان، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۰.
۳. _____، **من لا یحضره الفقیه**، قم: جامعه مدرسین، دوم، ۱۴۱۳ق.
۴. ابن قولویه، جعفر بن محمد، **کامل الزیارات**، نجف: دارالمرتضی، ۱۳۶۵.
۵. ابن مشهدی، محمد، **المزار الکبیر**، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ق.
۶. امین، حسن، **دایرة المعارف الاسلامیة الشیعیة**، بیروت: دار التعارف، ۱۴۱۲ق.
۷. جمعی از شاگردان آیت الله بهجت رحمته الله علیه، **کتاب حضرت حجت**، قم: مرکز تنظیم و نشر آثار، ۱۴۰۲.
۸. جوهری فارابی، اسماعیل بن حماد، **الصحاح**، بیروت: دار القلم، ۱۴۱۲ق.
۹. خامه یار، احمد، **مقام های امام زمان علیه السلام در عراق**، فصلنامه فرهنگ زیارت، ش ۳، ۱۳۹۶.
۱۰. خطیب بغدادی، ابوبکر، **تاریخ بغداد**، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۲۰۱۱م.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **المفردات فی غریب القرآن**، بی جا، نشرالکتاب، ۱۴۰۴.
۱۲. راوندی، قطب الدین سعید بن هبة الله، **الخرائج و الجرائح**، قم: مؤسسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ق.
۱۳. رخشاد، محمدحسین، **در محضر بهجت**، قم: دانش بنیان، ۱۳۹۵.
۱۴. سلیمان، خدامراد، **فرهنگ نامه مهدویت**، تهران: بنیاد فرهنگی مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۸۸.
۱۵. طریحی، فخرالدین، **مجمع البحرين**، قم: ذوی القربی، ۱۳۶۲.
۱۶. طوسی، محمد بن الحسن، **کتاب الغیبة**، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۱ق.
۱۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، **العین**، بیروت: دارالهجرة، ۱۴۱۰ق.
۱۸. محدثی، جواد، **فرهنگ نامه زیارت**، فصلنامه فرهنگ زیارت، ش ۲۱، ص ۹۲، زمستان ۱۳۹۳.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ق.
۲۰. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، بیروت: موسسه الطبع والنشر، ۱۴۱۰ق.

۲۱. مجید الحلّی، أحمد علی، تاریخ مقام الامام المهدي في الحلة، نجف: مركز الدراسات التخصصية في الامام المهدي، ۱۴۲۹ق.
۲۲. مهدي پور، علی اکبر، اماکن زیارتی منتسب به امام زمان عجل الله تعالی فرجه (وادی السلام)، مجله انتظار، ش ۱۲، ۱۳۸۳.
۲۳. موسوی اصفهانی، سید محمدتقی، مکیال المکارم، قم: جمکران، ۱۳۸۰.
۲۴. نوری، حسین، کشف الاستار، تهران: نینوی، ۱۴۰۰ق.
۲۵. ———، نجم ثاقب، محقق: صادق برزگر، قم: جمکران، ۱۳۸۴.

خوانشی بر اندیشه آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه پیرامون چگونگی غیبت و راهکار برون رفت آفات و بلیات آن

محسن رحیمی جعفری^۱

چکیده

در کنار توجه کامل به قرآن و روایات برای فهم و درک بهتر آموزه‌های دینی، سخنان و سیره مراجع عظام شیعه و علما، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه به عنوان یک مرجع و عارف عامل به دستورات اسلام، گزینه‌ای مناسب برای الگوی عملی آموزه‌های مهدویت در موضوعات مختلف است. این نوشتار، مسئله غیبت و علل آن و نیز ابتلائات در دوران غیبت و راهکار برون رفت از آن را در سخنان و بیانات وی، مورد مذاقه قرار داده است. روش این پژوهش، کتابخانه‌ای و مبتنی بر تحقیق کامل در کتاب حضرت حجت، مشتمل بر سخنان و نکات بیان شده آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه در سال‌های متمادی است که به دست شاگردان وی به رشته تحریر در آمده است. این پژوهش در پی پاسخ به این سؤالات است: نحوه زندگی حضرت در دوران غیبت، در سخنان آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه چگونه است؟ علل غیبت چیست؟ همچنین نبود امام زمان علیه‌السلام در دوران غیبت برای شیعیان موجب چه بلاهایی شده است؟ و سؤال پایانی، چگونگی برون رفت از این ابتلائات در دوران غیبت در کلام آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه است که در این نوشتار به تفصیل به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی: امام زمان علیه‌السلام، آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه، چگونگی غیبت، علل غیبت، ابتلائات غیبت، برون رفت از ابتلائات.

۱. دانش آموخته سطح ۴ مرکز تخصصی مهدویت، پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا

مقدمه

در طول تاریخ تشیع، عالمان دین همیشه در مقام بیان و شرح معارف احکام شرعی و مسائل اعتقادی شیعیان بوده‌اند. این مسیر با نام‌لایماتی روبه‌رو بوده است؛ ولی تلاش عالمان شیعه در این باره، ستودنی است.

روش علمای شیعه در انجام این رسالت خطیر متنوع بوده است؛ چرا که برخی به صورت روشمند و ارائه تألیفات، ایفای نقش می‌کردند و برخی به صورت تدریس و شاگردپروری که نوشتن مطالب تحت عنوان تقریر درس استاد، بر عهده شاگردان بود. برخی عالمان نیز با نوشتن نامه به افرادی خاص و تأثیرگذار، این وظیفه را به سرانجام می‌رساندند و در نهایت، برخی هم با سخنان خود در سالیان متمادی، این وظیفه را به سرانجام می‌رساندند.

البته برخی موضوعات، همانند مطالب فقهی و غیره، بیشتر حالت نوشتاری داشته است؛ ولی در مباحث مهدوی، برخی عالمان تراز اول در طول تاریخ غیبت، دست به قلم شده‌اند و غالب مراجع، مطالب خود را به صورت سخنرانی یا صحبت‌هایی در جمع خواص گفته‌اند. حتی امام خمینی ره یا برخی مراجع گذشته، همانند آیت‌الله گلپایگانی یا آیت‌الله اراکی، کتاب مستقلی درباره امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌ه ندارند. همچنین در مورد آیت‌الله بهجت ره تمام مطالب مهدوی وی از طریق پیاده کردن سخنرانی‌ها و صحبت‌های او در جمع شاگردان است.

مطلب دیگر اینکه در تألیف، مطالب بر اساس یک روش علمی و ترتیب منطقی است و مطالب پیرامون یک موضوع، طبق فهرستی منطقی که در ذهن نویسنده شکل گرفته، همه در یک جا آورده می‌شود؛ ولی در سخنرانی چنین نیست و محقق، خود باید تمام مطالب را با دقت بخواند و موضوع مورد تحقیق خود را از اصل یا فحوای کلام تحصیل، یا با تطبیق بر روایات اهل بیت علیهم‌السلام یک مطلب را برداشت کند؛ چرا که سخنرانی، برای افراد مختلف در مراسم و مناسبات مختلف و با سبک‌های گوناگون بیان شده است و نویسنده باید این مطالب را سیر منطقی و علمی ببخشد.

در مورد مرحوم آیت‌الله بهجت ره، کتاب‌های متعددی نوشته شده است که معمولاً ارتباطی با مهدویت ندارد و نوشته‌های مهدوی هم که وجود دارد، مطالبی است که نویسندگان به آیت‌الله بهجت ره نسبت می‌دهند که هیچ یک تحت نظر دفتر معظم له و شاگردان ایشان نیست. در کتب

پیااده شده از درس خارج وی هم به ندرت مطلب مهدوی هست. تنها کتاب مرجع درباره امام زمان علیه السلام کتاب حضرت حجت است که چون نص سخنان و نکات آیت الله بهجت رحمته الله علیه می باشد و از سوی مؤسسه نشر آثار و تحت نظر دفتر وی چاپ شده، بهترین متن برای استناد به کلام و نظر ایشان است. با توجه به کثرت موضوعات مهدوی در این کتاب، نویسنده در این نوشتار، فقط موضوع غیبت را در چهار محور بررسی کرده است: ۱. چگونگی غیبت؛ ۲. علل غیبت؛ ۳. ابتلائات شیعیان در دوران غیبت؛ ۴. راه برون رفت از این ابتلائات.

درباره پیشینه این مقاله، با تحقیق انجام شده، تنها مقاله مهدوی در مورد آیت الله بهجت رحمته الله علیه، مقاله «آیت الله بهجت رحمته الله علیه و جریان زندگی سیاسی در عصر غیبت» نوشته عبدالله فراتی از دانشگاه باقرالعلوم است^۱ که درباره مباحث سیاسی و حکومتی در دوران غیبت می باشد و با بحث ما ارتباطی ندارد. البته مقالاتی برای همایش العبد؛ بزرگداشت آیت الله بهجت رحمته الله علیه در حال نوشتن است که موضوعات مهدوی را شامل می شود؛ ولی هیچ کدام درباره غیبت حضرت نیست؛ لذا پیشینه خاصی یافت نشد.

دوران غیبت در کلام آیت الله بهجت رحمته الله علیه

همانند دیگر عالمان دغدغه مند برای جامعه شیعی حضرت آیت الله بهجت رحمته الله علیه در بحث غیبت، سه محور را در بیانات و سخنان خویش مد نظر قرار داده اند:

چگونگی غیبت

از آنجا که شیوه نوشتن کتاب حضرت حجت، پیااده کردن سخنان و نکات خاص آیت الله بهجت رحمته الله علیه در جلسات گوناگون درباره امام زمان علیه السلام است، طرح مباحث با ساختار یک نوشته روشمند از حضرت ایشان مبتنی بر کتاب حاضر، مقدور نیست و بدیهی است که نویسنده این سطور با دقت در گفته ها و نکات آیت الله بهجت رحمته الله علیه مطالب مربوطه را استخراج کرده است.

۱. فراتی، عبدالوهاب، «آیت الله بهجت و جریان زندگی سیاسی در عصر غیبت»، مجله علوم سیاسی، ش ۴۵، ص ۹-۲۸.

چگونگی غیبت حضرت حجت علیه السلام:

در این مورد، معظم له نوعی از ارتباط حضرت با شیعیان در زمان غیبت را با بیانات عاطفی مورد توجه قرار داده‌اند:

آیا حضرت صاحب علیه السلام که از دست دشمن‌ها در پشت پرده غیبت است، از دوستانش هم غافل است که هر چه بر سرشان آمد، آمد؟ ... خدا می‌داند آن حضرت تا به حال چه کرده و چه می‌کند.^۱

یا در سخن دیگری می‌فرماید:

بعضی وقت‌ها انسان می‌بیند یک حال خوشی دارد، حالت نورانی دارد؛ نمی‌داند علتش چیست. هر چه فکر می‌کند، نه کار خاصی کرده، نه نماز خاصی خوانده، هیچ کاری نکرده است. نمی‌داند در کوچه‌ای، در جایی، رد می‌شده و فقط به نحو گذرا حضرت از کنارش رد شده است. این نورانیت و حال خوش، به همین جهت در این شخص ایجاد شده است.^۲

سپس گفتند:

آخر می‌شود انسان از کنار کوه ایمان رد شود و در او تاثیر نگذارد؟!^۳ در هیچ منبعی چنین روشی برای بیان چگونگی غیبت حضرت نوشته نشده است. در عین سادگی و عاطفی بودن، خیلی زیبا انواع ارتباط منتظر و منتظر در دوران غیبت را بیان کرده باشد که عبارت است از:

یک. در دوران غیبت، امام از شیعیان و محبان خود جدا نیستند. غیبت بدین معنا نیست که شیعیان به امام خود دسترسی ندارند.

دو. امام در جامعه و در بین مردم زندگی می‌کنند و فرد در کنار حضرت قرار می‌گیرد. او اگر چه متوجه نمی‌شود، از حضرت تاثیر معنوی می‌گیرد. این معنا در روایات ما هم آمده است:

۱. بشارت‌های حضرت حجت، ص ۶۰.

۲. همان.

۳. همان.

عن أمير المؤمنين علي بن أبي طالب أنه قال يوماً لحذيفة بن اليمان: ... فوبر علي، إن حجتها عليها قائمة ماشية في طرقها، داخلة في دورها وقصورها جوالاة في شرق هذه الأرض وغيرها، تسمع الكلام، وتسلم على الجماعة، ترى ولا ترى إلى الوقت والوعد، ونداء المنادى من السماء ألا ذلك يوم [فيه] سرور ولد علي وشيعته؛

اميرالمؤمنين عليه السلام روزی به حذيفة بن یمان فرمودند: «به خدای علی قسم، حجت امت بر روی زمین، ایستاده و روی آن گام برمی دارد، به خانه ها و کاخ هایشان داخل می شود، در شرق و غرب زمین در گردش است، گفته ها را می شنود و بر جماعت آنان سلام می کند. او می بیند؛ اما دیده نمی شود، تا زمان و وعده مشخص و زمانی که منادی از آسمان آواز دهد که «هلا، آن زمان، روز شادی فرزندان علی و شیعیان او است.»^۱

سه. چنین نیست که در زمان غیبت، هر بلایی که بر سر شیعیان و مظلومان بیاید، امام زمان عجل الله تعالی فرجه دست روی دست بگذارند و کاری برای شیعیان و مظلومان جهان انجام ندهند؛ بلکه حضرت کارهای بزرگی برای حل مشکل آن ها انجام می دهند. اینکه ما نمی توانیم ببینیم، دلیل بر این نیست که حضرت برای مظلومان و محبان خویش در مشکلات و گرفتاری ها هیچ کاری انجام نمی دهند. غیبت، دست حضرت را برای کمک به مؤمنان و پیروان خویش نبسته است.

چگونگی تکلیف مداری شیعیان در زمان غیبت: در مورد چگونگی انجام تکالیف شرعی مکلفان در دوره غیبت می فرماید:

در زمان غیبت، ما باید به همین رساله های عملیه صحیحه عمل کنیم. حضرت عجل الله تعالی فرجه به عمل به همین، از ما راضی است.^۲

آنچه در زمان غیبت، شیعیان و پیروان اهل بیت علیهم السلام را در حیرت فرو برد، صرف چگونگی راه دسترسی به حضرت نبود؛ بلکه مطلب مهم، چگونگی انجام تکالیف شرعی بود که پاسخ سؤالات

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۱۴۱-۱۴۲؛ الغیبة، ترجمه محمدجواد غفاری، ص ۱۹۹.

۲. حضرت حجت، ص ۶۷.

شرعی و وظایف عملی خود را از سوی چه کسانی و از کجا به دست بیاورند. مرحوم آیت‌الله بهجت رحمته، برون رفت از این حیرت مهم را در مراجعه و عمل به رساله‌های عملیه صحیح می‌داند که همیشه در دسترس شیعیان بوده است.

در اهمیت این مسئله، همین بس که امام زمان علیه السلام در آخرین توفیق شریف، به این وظیفه مهم شیعیان چنین اشاره فرمودند: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ؛ در رویدادهایی که اتفاق می‌افتد، به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ زیرا آن‌ها حجت من بر شما و من حجت خدا بر آنان هستم.^۱»

امکان رؤیت در زمان غیبت: آیت‌الله بهجت رحمته طبق نوشته‌های رایج، چگونگی غیبت حضرت را به صورت دسته‌بندی بیان نکرده است؛ ولی در بحث تشرفات به خوبی این بیان را دارد: یک. برخی حضرت را ندیدند و فقط عنایت حضرت نصیب آن‌ها شد؛ بلکه در [روایت] «من ادعی المشاهده»^۲ آمده است. مشاهده، سماع صوت را که در بر نمی‌گیرد. خیلی‌ها می‌گویند: ما فرمایش آن حضرت را شنیدیم؛ به طوری که یقیناً [فهمیدیم صدای] خود حضرت است؛ در مسجد سهله، جمکران، این طرف و آن طرف.^۳

این بیان وی به روایاتی اشاره دارد که حضرت، قابل دیدن نیستند:

عبید بن زرارة قال: سمعت ابا عبد الله يقول: يفقد الناس امامهم يشهد الموسم فيراهم ولا يرونه؛^۴ عبید بن زراره می‌گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرمود: «مردم، امام خود را نیابند. امام در مراسم حج حاضر شود و مردم را ببینند؛ ولی آن‌ها او را نبینند».^۵

۱. صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۸۳.

۲. او حتی برای کسانی مثل سید بن طاووس که به قول محدث نوری باب دیدار برایشان مفتوح بوده، محدودیت قائل است و می‌گوید: «اما [این تشرفات] به اختیار حضرت بوده، نه به اختیار خودش» (حضرت حجت، ص ۲۳۲).

۳. حضرت حجت، ص ۳۱۵-۳۱۶ پاورقی و ص ۳۱۸.

۴. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۹۸.

۵. اصول کافی، ترجمه جواد مصطفوی، ج ۲، ص ۱۳۶.

دو. در بحث تشرفات، آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه به افرادی اشاره دارند که حضرت را دیده‌اند و نشناخته‌اند که بسیاری از تشرفات، این چنین بوده و هست: «می‌گوید [در ابتدا حضرت را] نشناختم، تا بعد از اینکه تشریف بردند، چیزهایی که دیده بودم، دلیل بود بر اینکه او خود حضرت ولی عصر رحمته الله علیه است.»^۱ یا تشریف سید مهدی قزوینی که آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه درباره‌اش چنین می‌گوید: «علی ای حال خبرهای زیاد و قضایای زیادی در این دیدار مطرح شده بود. با این احوال، ایشان متوجه نشده بود که این آقا کیست؟ می‌گوید: بعد از اینکه تشریف بردند...»^۲

این بیانات آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه هم به گروه دوم احادیث اشاره دارد: «مُحَمَّدُ بْنُ عَثْمَانَ الْعَمْرِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: وَ اللَّهُ إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ لَيُخْضِرُ أَمْوِسِمَ كُلِّ سَنَةٍ يَرَى النَّاسَ وَ يَعْرِفُهُمْ وَ يَرُونَهُ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ»^۳ به خدا قسم، صاحب الامر، هر سال در مراسم حج حاضر می‌شود و مردم را می‌بیند و می‌شناسد؛ ولی مردم، او را می‌بینند و نمی‌شناسند.

البته در نسبت دادن تشرفات به حضرت آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه خیلی باید دقت کرد. وی بیانات دقیقی دارد که خیلی از ملاقات‌های سؤال برانگیز را پاسخ می‌دهد: الی ماشاء الله حضرت را دیده‌اند و به محضر ایشان مشرف شده‌اند؛ ولو که نفهمیده‌اند. کسی را بنده سراغ ندارم و یادم نمی‌آید که بگویند من تشریف کرده‌ام و [همان لحظه] شناختم و فهمیدم که محضر چه کسی هستم.^۴

لذا بر خلاف آنچه در برخی نظر مرحوم آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه در رابطه با دیدار را جوری مطرح می‌کنند که ایشان نظری برخلاف دیدگاه مشهور دارند؛ سخنان ایشان همان نظر مشهور را تایید می‌کند.

۱. حضرت حجت، ص ۳۲۱ و ۳۲۲.

۲. همان، ص ۳۲۵-۳۲۷.

۳. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۰.

۴. همان، ص ۳۴۳.

حکمت ها و علل غیبت

از آنجا که این پژوهش، مبتنی بر سخنان و اشارات و نوشته‌های مرحوم آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه است، تنها به حکمت‌ها و دلایلی از غیبت پرداخته خواهد شد که در کلام او است و از فلسفه و علل دیگر در رابطه با غیبت، کمتر یاد خواهیم کرد.

عدم بیعت با ظالمان

مرحوم آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه، عدم بیعت حاکمان در زمان ظهور حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌ه را اولین علت غیبت حضرت بیان می‌کند:

سبب تأخیر ظهور آن کسی که صاحب ولایت است، به عقیده ما این است که ظالمین معاصر زمان او می‌گویند: یا بیعت کن، یا تو را می‌کشیم. حضرت مأمور نیست بیعت کند؛ لذا ظهورش تأخیر می‌افتد، تا زمانی که کسی نگوید یا بیعت کن یا کشته می‌شوی. حضرت با حکومت‌های زمان خودش اختلاف داشته است. حکومت‌ها می‌گفتند: باید به ما ایمان بیاوری و بیعت کنی؛ و الا تو را می‌کشیم.^۱ همه ائمه، مصیبت زده بودند به اینکه آن کسی که مدعی حکومت حقّه و از اولاد آن‌ها است و ظهور خواهد نمود، او دیگر با کسی از حکومت‌های فاسد بیعت

۱. «أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّهُ مَا مِنَّا أَحَدٌ إِلَّا وَبَعَّ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةَ لَطَاعِيَةِ زَمَانِهِ إِلَّا الْقَائِمَ الَّذِي يُصَلِّي رُوحَ اللَّهِ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ حَلَفَهُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُخْفِي وِلَادَتَهُ وَيُعْتَبِ شَخْصَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ؛ أَيَا نَمِي دَانِيدَ كِه هِيچ بَك از ما ائمه نيست، مگر اينكه بر گردن او بيعتي با طغيانگر و سرکش زمانش هست؛ به جز قائم كه روح خدا، عيسى بن مريم عليه السلام پشت سر او نماز مي‌خواند. پس همانا خدای عز و جل ولادت او را مخفی می‌کند و شخص او را از نظرها غایب می‌نماید، تا بیعتی با احدی بر گردنش قرار نگیرد» (صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۳۱۶).

نمی‌کند^۱ و اگر بیعت نکند، کشته می‌شود، و او هم مأمور به بیعت نیست؛ لذا ناچار از غیبت است، تا آن وقتی که [مصلحت] محقق شود و آن موقع، ظهور می‌کند.^۲

در رابطه با عدم بیعت بر گردن حضرت در هنگام ظهور، مجموعاً ده روایت در منابع شیعی آمده است^۳ که اگر بر این تعداد، «استفاضه» اطلاق شود، طبق مبنای عالمان رجال، از بحث سندی بی‌نیاز هستیم.^۴

معنای لغوی و اصطلاحی بیعت

در مجمع البحرین آمده است: «مبايعت، معاقدہ و معاھدہ است. گویی هر کدام از دو طرف بیعت، آنچه نزدش هست را به دیگری واگذار کرده و خود را کاملاً در اختیار طرف مقابل قرار می‌دهد.»^۵ فراهیدی می‌گوید: «والبیعه: الصَّفَقه علی ایجاب البیع و علی المبايعۃ والطاعة (وقد تبایعوا علی کذا؛ بیعت یعنی دست روی دست گذاشتن به انگیزه بیعت و اطاعت و پیروی از يك چیز خاص).»^۶

مرحوم موسوی اصفهانی صاحب مکمال المکارم نیز در توضیح بیعت می‌گوید: «با توجه به این معنا، بیعت‌کننده ملتزم شده و عهد محکم و پیمان استوار بسته است به اینکه شخصی را که با وی بیعت نموده، با جان و مال خود یاری کند و از هیچ چیز در راه یاری و نصرت او دریغ ننماید.»^۷

در این صورت اگر امام عصر عجلت‌الله‌فرجه غایب باشند، کسی بر گردن ایشان حقی نخواهد داشت که به پاس آن، ملزم به رعایت او باشند؛ چنانکه فرعون به حضرت موسی علیه‌السلام گفت: «ألم تُرَبِّکَ فینا ولیداً

۱. امام عصر عجلت‌الله‌فرجه در پاسخ نامه اسحاق بن یعقوب درباره یکی از وجوه غیبت خود چنین فرمودند: «إِنَّهُ لَمْ یَكُنْ لِأَحَدٍ مِنْ آبَائِي عِلاً وَ قَدْ وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِبَطَاغِيَّةِ زَمَانِهِ وَ إِنِّي أَخْرُجُ جِبْنَ أَخْرُجُ وَ لَا تَبِيعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاغِيَّتِ فِي عُنُقِي...» بر گردن همه پدرانم بیعت سرکشان زمانه بود؛ اما من وقتی خروج کنم، بیعت هیچ سرکشی بر گردنم نیست» (کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵؛ الغيبة (طوسی)، ص ۲۹۲).

۲. آیت‌الله بهجت، بشارت از حضرت حجت، ص ۱۶۹-۱۷۱.

۳. رحیمی جعفری، محسن، حقیقت غیبت از منظر روایات، ص ۱۱۶-۱۳۵.

۴. آیت‌الله خویی، معجم رجال‌الحديث، ج ۱۱، ص ۲۵۰.

۵. مجمع البحرین، ج ۲، ص ۳۴۵، ذیل بیع.

۶. کتاب العین، ج ۱، ص ۲۰۸، ذیل بیع.

۷. اصفهانی، مکمال المکارم، ج ۲، ص ۳۳۲.

وَلَيْتَ فِينَا مِنْ عُمَرُكَ سَنِينَ؛ آیا ما تو را میان خودمان از بچگی تربیت نکردیم و تو مقداری از عمر خود را میان ما نگذراندی؟». یا مشکلی که برای بیعت پیامبر ﷺ وجود داشت که پیامبر می‌فرماید: «اگر ترس از آن نبود که بگویند: محمد، قوم خود را دعوت کرد و ایشان او را خدمت و نصرت کردند، و چون ظفر یافت و به مقصود رسید، ایشان را از میان برداشت، هر آینه بسیاری را به هلاکت می‌رساندم.»^۲

از همان بیان ابتدایی مرحوم آیت‌الله بهجت رحمته‌الله پیدا است که اصل پیدایش علت غیبت، حاکمان ظالم معاصر در آن زمان هستند؛ چرا که در صورت عدم بیعت، به جز کشته شدن، راه دیگری در برابر حضرت وجود نداشت. التزام به بیعت با کفار، با قیام حضرت و گستراندن عدالت در تمام جهان منافات دارد و در آن صورت، دست حضرت برای اقدامات کامل و نتیجه‌ای که وعده حتمی الهی است باز نخواهد بود و باید با عده‌ای از ظالمان سازش داشته باشد؛ لذا هم در شروع و هم در امتداد این علت غیبت، حاکمان ظالم هر عصر نقش دارند و چاره‌ای جز غیبت نیست؛ چرا که وقتی حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالیه در غیبت است، بیعت با حاکمان ظالم هم منتفی خواهد بود.

بنابراین مطابق دیدگاه آیت‌الله بهجت رحمته‌الله در پیدایش این علت و امتداد آن، مؤمنان و شیعیان نقشی ندارند؛ بلکه وجود حاکمان ظالم و اجبار بیعت با آن‌ها سبب غیبت بیان شده است. شیعیان، به بیعت سفارش شده‌اند؛ چنانکه در روایت آمده است: **بَيْنَ الرَّكْنِ وَالْمَقَامِ بَيْنَ يَدَيْهِ جَبْرِيْلُ يَنَادِي: اَلْبَيْعَةَ لِلّٰهِ فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا.**^۳ بیعت مورد نهی در روایات، بیعت حضرت با حاکمان ظالم است؛ ولی بیعت مثبت و سفارش شده، بیعت پیروان با حضرت می‌باشد.

۱. سوره شعراء: ۱۸.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۴۱، ح ۱۲۳.

۳. الغيبة (طوسی)، ص ۴۵۳.

خوف از قتل توسط دشمنان

آیت‌الله بهجت رحمته‌الله می‌فرماید: «سبب غیبت امام زمان علیه‌السلام خود ما هستیم؛ زیرا دستمان به او نمی‌رسد؛ والا اگر در میان ما بیاید و ظاهر و حاضر شود، چه کسی او را می‌کشد؟ آیا جنیان آن حضرت را می‌کشند، یا قاتل او انسان است؟ ما از پیش، در طول تاریخ ائمه علیهم‌السلام امتحان خود را پس داده ایم که آیا از امام تحفظ و اطاعت می‌کنیم یا اینکه او را به قتل می‌رسانیم. انحطاط و پستی انسان به حدی است که قوم حضرت صالح علیه‌السلام ناقه صالح را با اینکه وسیله ارتزاق و نعمت آن‌ها بود، پی کردند. قرآن کریم درباره آن می‌فرماید: «لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبٌ يَوْمَ مَعْلُومٍ؛ سهمی از آب برای ناقه باشد و روز معینی هم سهمی از آب برای شما باشد». ^۱ آن ناقه، یک روز آب چاه را می‌خورد و در عوض به آن‌ها شیر می‌داد. بنابراین، همان‌گونه که ممکن است عقلاً خزینه و انبار نعمت خود را نابود کنند - همچنان که ناقه صالح را کشتند - امکان دارد که ما انسان‌های عاقل. ^۲ در منابع شیعه بیش از پانزده روایت درباره خوف از قتل هست ^۳ که با عبارات گوناگون بر این علت تأکید دارد. البته حفظ جان، بر حضرت هم لازم است. جناب سید مرتضی در **المقنع** می‌گوید: «دوری جستن از ضررها بر هر کس عقلاً و شرعاً واجب است». ^۴ شیخ طوسی در کتاب **الغیبة** می‌گوید: «در صورت ترس از قتل، غیبت بر حضرت واجب است». ^۵ همچنین این علت در بیشتر منابع شیعی آمده است. ^۶ حتی برخی علمای متاخر، این علت را تنها دلیل غیبت دانسته‌اند. شیخ طوسی می‌فرماید: «غیر از ترس از کشته شدن، هیچ علتی مانع از ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام نیست» و روایات فراوانی را در بیان این علت می‌آورد. ^۷ وی ذیل روایتی، استمرار غیبت را به استمرار خوف

۱. سوره شعراء: ۱۵۵.

۲. حضرت حجت، ص ۱۷۱-۱۷۲.

۳. رحیمی جعفری، حقیقت غیبت از منظر روایات، ص ۱۳۶-۱۵۸.

۴. سید مرتضی، امامت و غیبت در دیدگاه علم کلام (ترجمه المقنع فی الغیبة)، ص ۵۶.

۵. طوسی، الغیبة، ص ۹۰.

۶. کافی، ج ۱، ص ۴۰۳؛ مرآة العقول، ج ۴، ص ۳۹، ح ۵؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۱؛ الغیبة (طوسی)، ص ۳۳۳؛

الغیبة (نعمانی)، ص ۱۷۴.

۷. شیخ طوسی، الغیبة (طوسی)، ص ۹۰.

از قتل وابسته می‌داند و عنوان می‌کند که در صورت ترس از قتل، غیبت بر حضرت واجب است و سخن خود را به عمل پیامبر ﷺ در شعب ابی طالب و پناه بردن به غار مستند می‌کند.^۱ با توجه به وجود قرینه در کلام آیت‌الله بهجت رحمته‌الله و دلایل دیگر، سبب اینکه وی فرمود: «علت غیبت خود ما هستیم» به شیعیان و محبان اهل بیت علیهم‌السلام ارتباطی ندارد که به برخی موارد اشاره می‌شود:

یک. او می‌گوید: «حضرت را چه کسی می‌کشد؟ جنیان یا انسان؟» پس منظور او از «ما»، خارج کردن جنیان است و اینکه حضرت به دست انسان کشته خواهد شد.

دو. او دو مثال می‌آورد؛ یکی شهادت ائمه علیهم‌السلام و دیگری، پی کردن شتر حضرت صالح که هر دو واقعه به دست دشمنان خدا و دشمنان حجت‌های خداوند بین انسان‌ها اتفاق افتاده است و ارتباطی با مؤمنان و شیعیان در رابطه با اهل بیت علیهم‌السلام و مؤمنان و پیروان در رابطه با حضرت صالح نداشته است.

سه. کلمات دیگر آیت‌الله بهجت رحمته‌الله که می‌فرماید: «چه نعمت بزرگی را از ما گرفتند و چه گناه عظیمی را مرتکب شدند که بین ما و وصی پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جدایی انداختند»،^۲ همچنین: «آری؛ با حیلوت و فاصله انداختن میان مردم و امام، نگذاشتند حتی مسئله [شرعی] یاد بگیریم، تا چه رسد به عمل به مسائل؛ لذا منصور ملعون گفت: "وَاللّٰهُ، لَاقْدَمَنَ عَلَیْهِمْ تَیْمًا وَّ عَدِیًّا؛^۳ به خدا سوگند، تیم و عدی را بر آنان [علویان و اهل بیت علیهم‌السلام] مقدم خواهم داشت".^۴

چهار. این جمله ایشان هم تصریح دارد که ظالمین عالم خوف از قتل را رقم می‌زنند:

۱. همان، ص ۳۳۲، ح ۲۷۵.

۲. حضرت حجت، ص ۱۴۶.

۳. منهاج الکرامه (علامه حلی)، ص ۶۹؛ الصراط المستقیم، ج ۳، ص ۲۰۴. مقصود از تیم و عدی، قبیله‌های خلیفه اول و دوم است.

۴. همان، ص ۱۴۸-۱۴۹.

«الْمُحْتَجِبِ عَنِ أَغْيَنِ الظَّالِمِينَ وَ الْمُتَغِيبِ عَنِ دَوْلَةِ الْفَاسِقِينَ»^۱ که امام پنهان از دیدگان ستمکاران و غایب از ترس حاکمان فاسق هستند (نه محبان و شیعیان و مظلومان).

در موارد متعدد دیگری، آیت الله بهجت رحمته الله علیه فلسفه غیبت از طرف خداوند و این بلای بزرگ را از ناحیه انسان هایی دانسته است که دشمن حضرت بودند و همیشه تاریخ وجود داشتند: «همین ها - حاکمان جور قبل تا به امروز- آبا و ابناء هستند. همه این ها از همان روز اول، از سقیفه شروع شده تا به حالا. بعد از این هم تا چه زمانی هست، خدا می داند.»^۲ لذا با مطالعه مجموع کلمات آیت الله بهجت رحمته الله علیه صحت این دیدگاه که شیعیان و محبان اهل بیت علیهم السلام در برخی علل غیبت هیچ دخلی نداشته و ندارند به آسانی قابل برداشت است. او در این زمینه از عاملان امروزی هم غافل نبوده و می فرمود: «تمام بلاها از اهل کفر است. باز هم برای نجات به آن ها پناه می بریم؟ به دشمن خدا پناه می بریم؟» «متمدن ترین دولت های امروز دنیا، آمریکا و انگلیس هستند که در تمام جنگ های دنیا در رأس قرار دارند.»^۳ حتی به ظلم هایی که به ملت های مظلوم منطقه شده، مثل شیعیان عراق توسط صدام اشاره می فرمود.^۴ در نهایت به این عبارت او اشاره می کنیم: «از دست ما که غایب نشده است. ما که مریدش هستیم و منتظر فرج هستیم و مهیا هستیم و مصلح هستیم. دشمنان و اروپا و آمریکا و کافرها، آن ها دشمن هایش هستند؛ ما که نیستیم.»^۵

حفظ کیان اسلام

آیت الله بهجت رحمته الله علیه می فرماید: امام عصر عجل الله فرجه برای حفظ کیان اسلام غایب شده اند، نه برای شخص خودشان.^۶

۱. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۶۷.

۲. حضرت حجت، ص ۱۵۶-۱۵۷.

۳. همان، ص ۸۴-۸۵.

۴. همان، ص ۱۵۷.

۵. همان، ص ۳۳۷.

۶. همان، ص ۱۴۲.

به طور معمول یکی از مهمترین وظایف و شئون رسالت پیامبر اکرم ﷺ و امام معصوم ﷺ حفظ کیان اسلام است و این مطلب به وفور، مورد توجه متکلمان شیعه قرار گرفته است.^۱ شاید بتوان گفت در هیچ منبعی تا کنون به این مسئله به عنوان علت غیبت اشاره نشده باشد و این از دقت و ریزبینی و کیاست آیت‌الله بهجت رحمته‌الله بود که در عین سکوت و سیر و سلوک ممتازش، چنین دقت‌ها و ریزبینی‌هایی هم داشت. ان شاء الله در ادامه، به موارد دیگری هم اشاره خواهد شد.

امتحان ایمان مردم

جابر أنصاری گفت: سوال کردم از پیامبر ﷺ ... فرمودند: «...الَّذِي يَغِيْبُ عَنْ شِيعَتِهِ غَيْبَةً لَا يَثْبُتُ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ إِلَّا مِنْ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ بِالْإِيمَانِ».^۲

همچنین حضرت صادق رضی‌الله‌عنه می‌فرماید: [غیبت به قدری طولانی می‌شود که مردم] می‌گویند: «مَا بَالُ وَلِيِّ الْأَمْرِ لَا يَظْهَرُ وَقَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ».^۳ حتی روایتی هم دارد - اما سندش چطور است، یادم نیست - «حَتَّى يَرْجِعَ أَكْثَرُ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ».^۴ یک فتنه بزرگی است؛

۱. سبحانی، جعفر، الالهيات، ج ۴، ص ۱۶؛ و جمعی از نویسندگان، انسان، راه و راهنما شناسی، ص ۱۹۱-۱۹۲.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۲۸۹؛ حضرت حجت، ص ۲۲۱.

۳. گویی به روایاتی اشاره دارد که درباره طولانی شدن دوره غیبت و تزلزل ایمان مردم است. از امام صادق رضی‌الله‌عنه روایت شده است که فرمودند: «إِيَّاكُمْ وَالتَّنْوِيَةَ، أَمَا وَاللَّهِ لَيَغِيْبَنَّ إِمَامَكُمْ سِنِينَ مِنْ دَهْرِكُمْ، وَكَلَّمْتُمْ حَتَّى يُقَالَ: "مَاتَ أَوْ هَلَكَ، بِأَيِّ وَادٍ سَلَكَ"، وَتَلَدَّمَعَتْ عَلَيْهِ عُيُونُ الْمُؤْمِنِينَ، وَتَكْفَأُ كَمَا تُكْفَأُ الشُّغْرُ فِي أَمْوَاجِ الْبَحْرِ، وَلا يَنْجُو إِلَّا مَنْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُ، وَ كَتَبَ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَآيَدَهُ بِرُوحٍ مِنْهُ؛ از مشهور ساختن [آن حضرت و عمل کردن برخلاف تقیته] بپرهیزد. به خدا قسم، امام شما سالیانی از روزگارتان را در غیبت به سر می‌برد و شما [از ناپاکی‌ها] خالص شوید، تا آنجا که گفته شود: "او مُرد یا آنکه هلاک شد، به کدام موضع رفت؟" و قطعاً چشمان مؤمنان بر او خواهد گریست و منقلب و دگرگون خواهید شد؛ چنانکه کشتی‌ها در امواج دریا دگرگون می‌شوند. و کسی نجات نخواهد یافت، مگر آن کس که خدا میثاق او را [پیش از این] گرفته و ایمان را در قلبش نوشته و او را به روحی از جانب خویش مؤید کرده باشد» (الامامة والتبصرة، ص ۱۲۵).

۴. ر.ک: صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۸۵.

مثل همین فتنه و بلای غیبت. بزرگان ما این راه را برای ما درست و صاف کرده‌اند؛ راهی که تمامش غلط است؛ به خاطر چهار روز [خلافت] خودشان.^۱

در اهمیت امتحان ایمان مؤمنان به عنوان علت غیبت، می‌توان از کتاب شریف کافی نام برد که مرحوم شیخ کلینی یک باب آن را به «التمحیص و الامتحان» اختصاص داده است و در این باب، شش روایت آورده است. جمعا در منابع حدیثی، سیزده روایت در رابطه با این علت وارد شده است.^۲

علاوه بر وجود روایات متواتر دال بر ضرورت امتحان برای انسان‌ها در تمام دوره‌ها خصوصاً عصر غیبت، آیات متعدد قرآن هم به این ضرورت اشاره دارد که برای تبیین بهتر به دو آیه اشاره می‌شود: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخُوفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ؛^۳ البته شما را به ترس و گرسنگی و بینوایی و بیماری و نقصان در محصول می‌آزماییم و شکیبایان را بشارت ده». «لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ»^۴ خداوند، آن‌ها را می‌آزماید، تا بداند چه کسی در نهان، از او می‌ترسد».

تعدادی از روایات امتحان، تصریح به علت بودن این عامل ندارند؛ ولی از بعضی روایات که به علت بودن آن، اشاره دارد نیز نمی‌توان به آسانی عبور کرد؛ از جمله زرارۀ از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند: «ان للقاءم غيبة قبل ان يقوم؛ قائم، پیش از قیامش غیبتی خواهد داشت» و وقتی از علت این غیبت می‌پرسد، می‌فرمایند: «[الی ان يقول] ان الله تبارک و تعالی یحب ان یمتحن الشیعه فعند ذلک یرتاب المبتلون». در این روایت، امام صادق علیه السلام تصریح می‌کنند که خداوند دوست دارد در این دوره غیبت، شیعه را امتحان کند.

۱. حضرت حجت، ص ۱۵۴ و چه بسا کلام مرحوم آیت الله بهجت به این حدیث امام صادق علیه السلام اشاره داشته باشد: «یا منصور، إن هذا الأمر لا يأتيكم إلا بعد إياس ولا والله حتى تميزوا، ولا والله حتى تمحصوا، ولا والله حتى يشقى من يشقى و يسعد من يسعد» (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۷).

۲. رحیمی جعفری، حقیقت غیبت از منظر روایات، ص ۱۹۵-۲۱۵.

۳. سوره بقره: ۱۵۵.

۴. سوره مائده: ۹۴.

آفات و بلیات دوره غیبت

یکی از نکاتی که در کلام مرحوم آیت الله بهجت رحمته به صورت برجسته مطرح شده، مطالب ایشان درباره مشکلاتی است که در دوره غیبت برای امام و شیعیان ایشان به وجود آمده است.

فاصله بین شیعیان و زعیم آنان

آیت الله بهجت رحمته در این باره می گوید:

همه می دانیم زعیم ما در این زمان غیبت، دست بسته و زندانی است و حق ندارد در میان جمعیت، خود را معرفی کند و نشان دهد ... بالاخره در این عصر، بین ما و زعیم ما فاصله افتاده و او گرفتار است.^۱

چنانکه قبلاً هم اشاره شد، یکی از ویژگی‌ها و اختصاصات مرحوم آیت الله بهجت رحمته این است که معارف اهل بیت علیهم السلام را برای فهم عوام مردم آنقدر ساده می کرد تا همه مخاطبان متوجه شوند و مطلب مبهمی برای ایشان باقی نماند؛ اما چگونگی دست بسته بودن حضرت و زندانی بودن ایشان برای در مجامع علمی، در جای خودش نیازمند تفصیل است.

دست بسته و زندانی بودن حضرت یا گرفتاری ایشان معنا ندارد؛ چرا که حضرت در توقیع شریف فرمودند: ... فَغَمَّمْنَا ذَلِكَ لَكُمْ لَا لَنَا وَ سَاءَ مَا فِيكُمْ لَا فِينَا لِأَنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَلَا فَاقَةَ بِنَا إِلَىٰ غَيْرِهِ وَ الْحَقُّ مَعَنَا فَلَنْ يُوْحِشَنَا مَنْ قَعَدَ عَنَّا...؛ اخباری از شما به من رسیده که موجب ناراحتی و غم و اندوه ما شده است، آن هم برای شما نه برای خودمان؛ چرا که خداوند با ما است و به غیر او هیچ نیازی نداریم. حق با ما است؛ پس از کسی که از ما دوری بجوید و با ما نیاید، هرگز وحشتی نداریم.^۲

نگرانی و غصه حضرت به دلیل گمراهی‌ها و گرفتاری‌های محبان ایشان و انسان‌های مظلوم عالم است و دست بسته بودن حضرت، در حقیقت به همان علت‌های غیبت و عدم ظهور حضرت برمی گردد؛ چرا که معرفی حضرت و نمایان شدن ایشان قبل از اذن خداوند برای ظهور، بر خلاف همه حکمت‌ها و علت‌های غیبت است و رسالت حضرت نیمه تمام خواهد ماند؛ لذا فرمودند:

۱. بشارت از حضرت حجت، ص ۱۴۵.

۲. طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۶۷؛ طوسی، الغیبة، ص ۲۸۵.

خَرَجَ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ عُثْمَانَ الْعُمَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ائْتِدَاءً مِنْ غَيْرِ مَسْأَلَةٍ لِيُخْبِرَ الَّذِينَ يَسْأَلُونَ عَنِ الْإِسْمِ إِمَّا السُّكُوتَ وَ الْجَنَّةَ وَ إِمَّا الْكَلَامَ وَ النَّارَ فَأَيُّهُمْ إِنْ وَقَفُوا عَلَى الْإِسْمِ أَذَاعُوهُ وَإِنْ وَقَفُوا عَلَى الْمَكَانِ دَلُّوا عَلَيْهِ؛ مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ عُمَرَى - رَحِمَهُ اللَّهُ - ابْتِدَاءً وَ بَدُونَ أَنْكَهْ أَوْ سَوَالِي پُرسیده باشد، برای خبر دادن به کسانی که از اسم حضرت سؤال کرده بودند، [توقیعی به این مضمون] بیرون آمد: یا سکوت و بهشت، یا کلام و جهنم؛ چون اگر آن‌ها بر اسم حضرت آگاه شوند، آن را منتشر می‌سازند و اگر به مکان او دسترسی یابند، [مردم را] به آنجا راهنمایی می‌کنند.^۱

از طرفی هم تحمل مصائب بر مظلومان عالم در 1200 سال دوره غیبت برای حضرت خیلی گران است. گویی ایشان دست بسته و در زندان هستند. حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه همیشه یاد شیعیان هستند و به داد آنان می‌رسند^۲ و امدادهای زیادی برای درخواست‌کنندگان دارند.^۳ نگاهی به روایات عصر ظهور، برچیدن بساط ظالمان در عالم^۴ و آرامشی که خداوند برای مؤمنان پس از ظهور وعده داده است، پرده از این ناگواری‌های حضرت برمی‌دارد. حضرت فرمودند: «... وَلَيَبْدِلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يُعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا...» و یقیناً ترس و بیمشان را تبدیل به امنیت کند، [تا جایی که] فقط مرا بپرستند [و] هیچ چیزی را شریک من نگیرند...».^۵

محرومیت از منبع علم و حکمت

مرحوم آیت‌الله بهجت رحمته الله در این قسمت، محرومیت و دورافتادگی شیعیان از منبع فیض بی‌انتهای ولی خدا را مطرح می‌کند و اینکه ما خودمان باید دنبال حل مسائل اعتقادی و شرعی خودمان باشیم؛ در حالی که آنان که در زمان حضور بودند، پای صحبت ولی خدا، همه چیز را فرا

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۳؛ طوسی، الغیبه، ص ۳۶۴.

۲. «إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِيْنَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ» (طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۵-۴۹۸).

۳. حضرت حجت، ص ۳۱۰-۳۵۷.

۴. طبسی، نشانه‌هایی از دولت موعود، ۱۳۸۶: ص ۱۴۹-۱۶۴.

۵. سوره نور: ۵۵.

می‌گرفتند و بدون تردید، در فرصت کم، مسیر زیادی را طی می‌کردند؛ چون کلام ولی خدا موجود بود:

پیامبر ﷺ در آن روایت فرمودند: اُن تَفْعَلْ كَذَا (این کار را بکنند) اُن تَفْعَلْ كَذَا، اُن تَفْعَلْ كَذَا تا چهل تا، یا سنن یا تکالیف یا مجموع سنن و تکالیف، تا چهل حدیث را جمع می‌کند در یک حدیث. در یک مجلس، چهل حدیث را این جور می‌فرماید ... چقدر محرومیت برای ما آورده شده است از اینکه ما باید چهل روز سر یک مسئله گیر باشیم و طول بدهیم. شنیده‌ام و یادم می‌آید که بعضی در یک ماه، تقریباً شانزده روز سر یک مسئله مباحثه کردند و آخرش هم مثل اینکه با احتیاط خارج شدند. این‌ها از چیست؟ از این است که [دست] عالمِ مطلق -عالم به حقایق شریعه که دیگر نگوید نمی‌دانم ... و نگوید احتیاط در مسئله- را بسته‌اند. [آن آقا] رساله نوشته است، محقق حسابی است؛ اما آخرش می‌گوید: «المسئلة غیر خالیة عن شائبة الاشکال» مسئله از شائبه اشکال خالی نیست. بیچاره چه بکند؟ نمی‌تواند؛ راه ندارد.^۱

آری؛ با حیولت و فاصله انداختن میان مردم و امام ﷺ نگذاشتن حتی مسأله [شرعی] یاد بگیریم، تا چه رسد عمل به مسائل.^۲ چه می‌شد اگر کسی [امام معصوم ﷺ] را داشتیم که عالم به حقایق و شریعت بود و فیض حضور او را نیز داشتیم، تا در زمان کم، احکام را به ما تعلیم می‌کرد و نمی‌گفت: «نمی‌دانم» و یا اینکه: «آیا چنین هست و یا نیست؟» و احتیاط کنید. و به جای این همه سرگردانی و حیرت و صرف وقت در تحصیل و تعلیم، به عمل می‌پرداختیم و مشغول عمل می‌شدیم، و به معرفت خدا که برای او آفریده شده‌ایم (وَمَا خَلَقْتُ

۱. بشارت از حضرت حجت، ص ۱۴۷.

۲. همان، ص ۱۴۸.

الْحِنِّ وَالْإِنْسِ إِلَّا لِيُعْبُدُونِ؛ و جن و انس را جز برای اینکه مرا بپرستند، نیافریدیم^۱
دست می‌یافتیم.^۲

آیت‌الله بهجت رحمته‌الله در این مبحث، دو نکته را مورد مذاقه قرار داده‌اند؛ یکی عمل به مسائل شرعی و علم به آن‌ها و دیگری، عمل به سیر و سلوک الی الله است. در بحث مسائل شرعی در زمان غیبت امام معصوم علیه‌السلام فهم مسئله صحیح، با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو است؛ برای نمونه، اختلاف در عید فطر و لیالی قدر. در بحث قضاوت نیز در عصر ظهور، به این همه دستگاه‌های عریض و طویل نیاز نیست. در روایت آمده است:

... ثُمَّ يَا مُرُّ مُنَادِيًا فَيُنَادِي هَذَا الْمُهْدِي يَقْضِي بِقَضَاءِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ لَا يُسْأَلُ عَلَى ذَلِكَ بَيِّنَةٌ؛ و او (ملک) آواز می‌دهد: این همان مهدی است که بر طبق قضاوت داوود و سلیمان قضاوت می‌کند و برای آن، گواهی نمی‌طلبد.^۳

در روایت دیگری نقل شده است:

تَقُولُ هَذَا الْمُهْدِي يُحْكُمُ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَلَا يَرِيدُ بَيِّنَةَ؛ این همان مهدی است که بر طبق حکم داوود حکم می‌کند و به گواه نیاز ندارد.^۴

عدم نیاز به گواه، به این معنا نیست که بدون دلیل، حکمی صادر شود؛ چرا که این با فلسفه ظهور حضرت که برپایی قسط و داد است در تناقض می‌باشد؛ بلکه به این معنا است که در حکومت حضرت در دادگاه عدل ولی خدا، گناهکار از بی‌گناه قابل تشخیص است و تشخیص آن برای حضرت و فرمانبران آن حضرت، به بیینه نیاز ندارد و بدون استثنا، حق به حق‌دار می‌رسد. در آن زمان، ظلم و جنایتی رخ نخواهد داد، مگر اینکه ظالم، مجازات خواهد شد.

۱. سوره ذاریات: ۵۶.

۲. بشارت از حضرت حجت، ص ۱۴۹.

۳. نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۳.

۴. همان، ص ۳۱۴-۳۱۵.

همچنین در بحث عمل و سیر و سلوک الی الله در زمان ظهور، یاران و شیعیان حضرت این مسیرها را به سرعت طی می‌کنند. در روایتی آمده است:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ بَعَثَ فِي أَقْلِيمِ الْأَرْضِ فِي كُلِّ إِقْلِيمٍ رَجُلًا يَقُولُ: عَهْدُكَ فِي كَفِّكَ فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ أَمْرٌ لَا تَفْهَمُهُ وَلَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فِيهِ فَانظُرْ إِلَى كَفِّكَ وَاعْمَلْ بِمَا فِيهَا قَالَ: وَيَبْعَثُ جُنْدًا إِلَى الْقُسْطَنْطِينِيَّةِ فَإِذَا بَلَغُوا الْخَلِيجَ كَتَبُوا عَلَى أَقْدَامِهِمْ شَيْئًا وَمَشَوْا عَلَى الْمَاءِ فَإِذَا نَظَرُوا إِلَيْهِمُ الرُّومُ يَنْشُونَ عَلَى الْمَاءِ قَالُوا: هَؤُلَاءِ أَصْحَابُهُ يَنْشُونَ عَلَى الْمَاءِ فَكَيْفَ هُوَ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَفْتَحُونَ لَهُمْ أَبْوَابَ الْمَدِينَةِ فَيَدْخُلُونَهَا فَيَحْكُمُونَ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ؛ هنگامی که قائم قیام کند، در هر سرزمین، یک نفر را برمی‌انگیزد و به او می‌گوید: «فرمان تو در کف دست تو است. هر گاه کاری برای تو پیش آمد که آن را نفهمیدی و ندانستی چگونه در آن حکم کنی، به کف خود بنگر و به آنچه در آن [مکتوب] است عمل کن.»؛ فرمود: و سپاهی به قسطنطنیه گسیل می‌دارد و چون آنان به کنار خلیج برسند، بر قدم‌های خویش چیزی نویسند و بر روی آب روان شوند. پس رومیان ایشان را بنگرند که بر آب راه می‌روند، گویند: «اینان که اصحاب اویند، این چنین بر آب گام بر می‌دارند؛ خود او چگونه خواهد بود؟» در این هنگام، دروازه‌های شهر را برای آنان می‌گشایند و آنان داخل آن شهر می‌شوند، و در آنجا آنچه بخواهند حکم می‌دهند.^۱

البته روایات متعددی در این باب هست؛ اما از باب شرح و بیان کلام آیت الله بهجت رحمته الله علیه و برای بیان مستندات کلام او در روایات، نمونه‌ای از هر کدام آورده شد.

غیبتی با وقت نامعلوم

آیت الله بهجت رحمته الله علیه در این باره می‌گوید:

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۹-۳۲۰.

در عالم، چنین سابقه نداشته و ندارد که رئیس و رهبری، از مریدان و لشکرش این قدر غیبت طولانی داشته باشد. چه باید گفت؟ معلوم نیست تا کی. در تمام امت‌های گذشته، غیبت شده است؛ ولی در هیچ امتی چنین غیبتی با وقت نامعلوم و غیر مقدر اتفاق نیفتاده است.^۱

با نگاهی به تاریخ انبیای الهی در امت‌های گذشته، این خطر و هشدار، رنگ حقیقت به خود می‌گیرد؛ برای نمونه، بنی اسرائیل در دوران غیبت چهل‌روزه حضرت موسی علیه السلام از دین منحرف شدند.^۲ نکته مهم این بود که وصی حضرت موسی یعنی جناب هارون در بین مردم بود؛ ولی آن‌ها منحرف شدند. مرحوم شیخ صدوق در نقلی بیان می‌کند که قوم نوح علیه السلام از او فرج و گشایش درخواست کردند و چون تأخیر می‌شد، دوسوم پیروان از دین خارج شدند و تنها عده قلیلی ماندند^۳ و این به خاطر تأخیر حدود پنجاه‌ساله و حتی کمتر بود.

بنابراین غیبت امام با وقت نامعلوم که اکنون بیش از ۱۲ قرن از آن می‌گذرد، دوران سختی برای دین‌داری شیعیان و مواظبت بر شناخت و معرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه است. آیت‌الله بهجت رحمته الله درباره طولانی شدن ایام غیبت و تزلزل ایمان مردم چنین بیان کرده است:

مگر آن روایت را ندیدند که حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید: [غیبت به قدری طولانی می‌شود که مردم] می‌گویند: «... مَا بَأُلِّ وَلِي الْأَمْرِ لَا يَظْهَرُ وَ قَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ...؛ چرا ولی امرت ظهور نمی‌کند؛ در حالی که زمین از جور، آکنده شده است»؟^۴

۱. حضرت حجت، ص ۱۳۹-۱۴۰.

۲. «وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأْتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتٍ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ» (سوره اعراف: ۱۴۲).

۳. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۶۷-۲۶۸.

۴. همان، ج ۲، ص ۵۱۲.

این عبارت مورد استناد آیت بهجت علیه السلام قسمتی از دعای زمان غیبت است که شیخ صدوق رحمته الله در کتاب کمال الدین آورده است و اصل و منطوق دعا، درخواست از خداوند است که من از افرادی باشم که هیچ‌گاه نگویم: «چرا ولی امر تو ظهور نمی‌کند؛ در حالی که زمین پر از ظلم و جور شده است». مفهوم این فراز از دعا، این است که عده زیادی از مردم در اعتراض به طولانی شدن غیبت می‌گویند: چرا حضرت ظهور نمی‌کنند؟ و این، واقعیت جهان امروز، حتی در بین شیعیان است که مرحوم آیت‌الله بهجت علیه السلام به همین مطلب اشاره دارد:

در بیانی دیگر می‌گویند: (حتی شاید هم روایتی دارد؛ اما سندش چطور است، یادم نیست) «حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ»^۱ یک فتنه بزرگی است؛ مثل همین فتنه و بلای غیبت»^۲.

آنچه از روایت در کمال الدین و کتاب شریف کافی آمده، واژه «بامامته» را ندارد. ضمیر «به» قطعاً به امام برمی‌گردد؛ با این حال، نویسنده این نوشتار در پی جست‌وجوی عین عبارت در منابع حدیثی برآمد و حاصل این استقرا، برخورد با مطلبی در کتاب بحار الانوار بود که جناب سید بن طاووس در وصیت خود به فرزندش محمد درمورد محافظت از خود در دوره غیبت، درباره امام زمان علیه السلام این واژه را به کار برده است: «...أَنَّهُ يَغِيبُ غَيْبَةً طَوِيلَةً حَتَّى يَرْجِعَ عَنِ إِمَامَتِهِ بَعْضُ مَنْ كَانَ يَقُولُ بِهَا...»^۳. تفاوت‌های دیگری در متن وجود دارد؛ لذا همان عبارت کمال الدین نزدیک‌ترین متن به کلام ایشان است.

۱. عین عبارت کمال الدین (ج ۲، ص ۳۸۵) چنین است: «حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ الْقَائِلِينَ بِهِ وَلَا يَبْقَى إِلَّا مَنْ أَخَذَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَهْدَهُ لَوْلَايَتِنَا». در کتاب شریف کافی (ج ۱، ص ۳۳۶)، مرحوم کلینی این روایت را چنین نقل می‌کند: «لَا بَدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبَةِ حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَقُولُ بِهِ إِنَّهَا هِيَ مَخْنَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ امْتَحَنَ بِهَا خَلْقَهُ».

۲. حضرت حجت، ص ۱۴۱.

۳. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۰۴.

چگونگی برون رفت از فتنه های غیبت

با توجه به این بلیات که در کلام حضرت آیت الله بهجت علیه السلام آمده است، ضرورت پرداختن به راهکار برون رفت از آن بلیات دوران غیبت آشکار می شود. این ضرورت با تفکر در این حدیث نبوی افزون می شود:

مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛ کسی که بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، مانند مردن زمان جاهلیت، مرده است.^۱

در کلام آیت الله بهجت علیه السلام، راه برون رفت از تحیر موجود در دوران غیبت، دو گونه آمده است:

برون رفت شخصی

آیت الله بهجت علیه السلام درباره برون رفت از این ابتلائات، راهکارهایی را برای افراد به عنوان وظیفه شخصی بیان می کند؛ همانند خواندن نماز حضرت که کار جمعی نیست بلکه فردی باید عمل کنند. دقت کنیم که سفارش های ایشان برای شیعیان جهان است، نه فقط مردم ایران؛ لذا وظایف شخصی برای همه فرد شیعیان جهان، از اهمیت خاصی در حفظ دین در دوره غیبت برخوردار است. در کنار رفتارهای شخصی برای برون رفت از ابتلائات، وی سفارش هایی برای عموم دارد که همه انسان ها باید بدان سمت حرکت کنند؛ همانند توبه و استغفار. در ادامه به بیان برخی وظایف شخصی در کلام آیت الله بهجت علیه السلام می پردازیم:

رابطه خصوصی با حضرت

آیت الله بهجت علیه السلام در مورد برون رفت شخصی، چند چیز را سفارش کرده است: دعا، توسلات و نماز حضرت، و این موارد را بهترین راه برای برقراری ارتباط خصوصی با حضرت دانسته است. در رابطه با دعای شخصی چنین گفته است:

۱. خزاز رازی، کفایة الاثر، ص ۲۹۶.

راه خلاصی از گرفتاری‌ها، منحصر است به دعا در خلوت، برای فرج ولی عصر عجل الله تعالی فرجه؛ نه دعای همیشگی و لقلقه زبان و صرف گفتن «عَجِّلْ فَرَجَهُ»؛ بلکه دعای با خلوص و صدق نیت و همراه توبه.^۱

همچنین در مورد توسل و نماز، چنین سفارش کرده است:

چه کاری برای رفع این بلاها مؤثر است؟ چیزی که هست، این توسلات به حضرت، نماز حضرت و سایر منسوبات به ایشان، قطعاً مؤثر است. نباید انسان [این توسلات را] فراموش کند.^۲

اول اصلاح خود

آیت الله بهجت رحمته الله در چندین مورد به این بحث پرداخته که خلاصه آن چنین است:

آیا راهی برای اصلاح خود و اصلاح دیگران و جامعه داریم یا نه؟ آیا راهی جهت حفظ خود از فساد و اصلاح فاسدهای قابل اصلاح در جامعه وجود دارد یا خیر؟ آن راه، این است که هر شخصی باید برنامه اصلاحیه‌ای برای خود تهیه کند؛ در زمینه توحید و نبوت و امامت و غیره و این‌ها معتقدات بنده است و از روی دلیل بدان عقیده دارم. هر اتفاقی بیفتد، بدان ملتزم باشم. باید اول خودش به آن التزام عملی داشته و به آن متعهد شود؛ پس از اصلاح خود با این برنامه می‌تواند دیگران را اصلاح کند. خداوند می‌فرماید: «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا؛ هر کس نفسی را زنده کند، گویا همه مردم را زنده کرده است.»^۳ اشکال در این است که خودمان را اصلاح نمی‌کردیم و نکردیم و نخواهیم کرد. اگر خودمان را اصلاح می‌کردیم، به این بلاها مبتلا نمی‌شدیم. [رسول خدا صلی الله علیه و آله] فرمودند: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِدَائِكُمْ مِنْ دَوَائِكُمْ؟ قُلْنَا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: دَاوُكُمْ

۱. بشارت از حضرت حجت، ص ۲۷۴؛ حضرت حجت، ص ۲۲۷.

۲. همان، ص ۱۵۳.

۳. سوره مائده: ۳۲.

الدُّنُوبُ وَ دَوَاؤُكُمْ اِلْتِغْفَارًا؛ آیا شما را به دردتان و داروی دردتان راهنمایی نکنم؟

بدانید که درد شما گناهان است و دارویتان استغفار.^۲

دل، جایگاه امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام

آیت الله بهجت رحمته الله می فرماید:

ما باید حضرت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام را حاضر فرض کنیم. هر جا می رود، برویم؛ هر چه می کند، بکنیم و هر چه را ترک می کند، ترک کنیم...؛ ولی گویا ما نمی خواهیم در راه رضای آن حضرت باشیم.^۳

برون رفت عمومی

در ادامه به چهار مورد توصیه آیت الله بهجت رحمته الله در زمینه برون رفت عمومی اشاره می کنیم:

دعا بالاترین سلاح

در رابطه با توجه و خواندن دعا و تأثیر آن در حفظ خود در دوران غیبت و برون رفت از این وضعیت ناگوار فقدان امام می گوید:

از هزار سال پیش، ائمه ما از این گونه ابتلائات خیر داده اند و راه خلاص و نجات از آن ها را هم برای ما بیان فرموده و نشان داده اند. فرموده اند فلان دعا، از جمله دعای فرج را بخوانید و آن را از نشانه های مؤمن شمرده اند.^۴

همچنین در بحث خواندن دعای فرج چنین گفته است:

نَجَا فِي الْفِتَنِ مَنْ دَعَا بِالْفَرَجِ؛ در فتنه ها کسی نجات پیدا می کند که برای فرج دعا می کند.^۵

۱. بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۲۸۲.

۲. حضرت حجت، ص ۱۸۹-۱۹۵.

۳. همان، ص ۲۱۹.

۴. بشارت از حضرت حجت، ص ۱۵۶.

۵. همان، ص ۱۵۲. نویسنده در منابع حدیثی جست و جو کرد؛ اما این عبارت یافت نشد؛ لذا به نظر می رسد کلام شخص آیت الله بهجت یا متعلق به یکی از بزرگان باشد.

در جای دیگر فرمود:

کاری که از دست ما ساخته نیست، لااقل باید دو کار را مواظبت کنیم؛ یکی اینکه خراب تر نکنیم. ... دوم بدانیم «من این اوتینا؛ از کجا این گرفتاری‌ها بر ما وارد شده است». ... باید با دعای مضطرانه متوجه یک امر و یک جهتی بشویم که فقط فرج از آن ناحیه است.^۱ لذا پاداش او را چنین گفتند: «... وَاللَّهِ مَا الشَّهِيدُ إِلَّا شَيْعُنَا وَ لَوْ مَاتُوا عَلَى فُرُشِهِمْ».^۲ شیعه چون منتظر است و دعا برای تعجیل فرج می‌کند، مثل این است که همراه امام خود مشغول جهاد باشد.

ما الان به حسب ظاهر، سلاحی بالاتر از دعا نداریم و دعای ما یقیناً مؤثر است. حتی اگر هم فرض کنید اثرش بالفعل نباشد، تأثیرش [این است که فرج] یک مقدار جلوتر می‌افتد. دعای تعجیل فرج دوی دردهای ما است.^۳

بندگی خدا

باید بدانیم مطلب فقط یکی است؛ آن چیست؟ بندگی خدا.^۴ اگر قبل از ظهور دولت حق، خاطر جمع باشیم که بر صراط مستقیم بندگی هستیم، بهتر است؛ لذا باید از گناهان که زمینه ظهور دولت حضرت غایب را برای ما فراهم نمی‌کند، پرهیز نماییم. «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ؛ و هر آسیبی به شما رسد، به سبب اعمالی است که مرتکب شده‌اید».^۵

ترک معصیت

آیت‌الله بهجت رحمته‌الله در این رابطه می‌فرماید:

۱. همان، ص ۲۷۵.
۲. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۲۶.
۳. حضرت حجت، ص ۲۲۲-۲۵۰.
۴. همان، ص ۲۰۶.
۵. سوره شوری: ۳۰؛ بشارت از حضرت حجت، ص ۲۰۷.

اگر ظهور حضرت حجت عجل الله فرجه نزدیک باشد، باید هر کس خود را برای آن روز مهیا سازد؛ از جمله اینکه از گناهان توبه کند. همین توبه باعث می‌شود که این همه بلاهایی که بر سر شیعه آمده که واقعا بی سابقه است و بلاهایی دیگری که تا قبل از ظهور آن حضرت پیش می‌آید، از سر شیعه رفع و دفع شود.^۱

همچنین می‌فرماید:

آمدگی در این است که تارک معصیت و منتظر فرمان [او] باشیم.^۲ باید از گناهان که زمینه ظهور دولت حضرت غایب را برای ما فراهم نمی‌کند، پرهیز نماییم.^۳

انتظار خالصانه

آیت الله بهجت رحمته الله می‌فرماید:

انتظار فرج با عافیت طلبی سازگاری ندارد؛ ما باید انتظار فرج حضرت غایب را داشته باشیم و فرجش را فرج عموم بدانیم. در هر وقت و هر حال باید منتظر باشیم؛ ولی آیا می‌شود انتظار فرج آن حضرت را داشته باشیم، بدون مقدمات و تحمل ابتلائاتی که برای اهل ایمان پیش می‌آید؟^۴

در عبارتی دیگر اشاره دارند که اهل گناه بودن با ادعای انتظار آمدن امام زمان عجل الله فرجه

همخوانی ندارد:

۱. همان، ص ۲۰۸؛ حضرت حجت، ص ۱۸۴.

۲. بشارت از حضرت حجت، ص ۱۷۴.

۳. حضرت حجت، ص ۱۸۳.

۴. بشارت از حضرت حجت، ص ۲۰۸؛ حضرت حجت، ص ۱۸۴.

اهم مقدمات انتظار فرج را که توبه و طهارت از گناهان است، تحصیل کنیم.^۱
و در ویژگی سوم انتظار خالصانه می‌فرماید:
کسانی منتظر فرج هستند که برای خدا و در راه خدا منتظر آن حضرت باشند، نه
برای برآوردن حاجات شخصی خود.^۲

نتیجه‌گیری

آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه مباحث دوران غیبت امام زمان عجل‌الله‌فرجه‌الاولی را در چهار عنوان زنجیره وار تبیین کرده
اند؛ ابتدا در این نوشتار چگونگی غیبت در بیانات ایشان مورد بحث واقع شد که از کلمات ایشان
سه مورد برداشت شد. یک. برخورداری از تفضلات حضرت بدون رؤیت؛ دو. دیدار بدون رؤیت
حضرت و سه. دیدار با رؤیت امام زمان عجل‌الله‌فرجه‌الاولی.
در ادامه به حکمت‌ها و ادله غیبت در بیانات آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه پرداخته شد که از منطوق
کلمات و مفهوم سخنان ایشان به چهار علت عدم بیعت با طاغوت زمانه، خوف از قتل، حفظ
کیان اسلام، امتحان مردم پرداخته شد.
بحث سومی که در رابطه با دوران غیبت در کلمات ایشان برجسته بود ابتلائات دوران غیبت و
محرومیت‌هایی بود که با غیبت امام زمان عجل‌الله‌فرجه‌الاولی برای شیعیان به وجود آمده است که به فراخور
استطاعت مقاله‌گنجینی از بیانات ایشان مورد بررسی قرار گرفت.
در نهایت آنچه ضرورت پیدا کرد برون رفت از این ابتلائات برای شیعیان بود که در کلمات گهربار
آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه متعدد پرداخته شده بود که نیاز به مطالعه دقیق و برداشت بهره‌بردار از مطالب
این مرجع و عارف عظیم‌الشان بود در بسیاری از موارد به متن کلام ایشان بسنده شد و از تحلیل
و زیاده‌گویی پرهیز شد.

۱. همان، ص ۲۰۹.

۲. همان، ص ۲۱۹.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه قمی، علی، الامامة و التبصرة، قم: مدرسة الامام المهدي عليه السلام، ۱۳۶۳.
۲. اصفهانی، میرزا محمدتقی، مکیال المکارم، تحقیق: سیدعلی عاشور، بیروت: الأعلمی، ۱۴۲۱ق.
۳. بهجت، محمدتقی، بشارت از حضرت حجت، تدوین: جمعی از شاگردان آیت الله بهجت رحمته الله، قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی بهجت، ۱۴۰۲.
۴. _____، حضرت حجت، تدوین: جمعی از شاگردان آیت الله بهجت رحمته الله، قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی بهجت، ۱۴۰۲.
۵. جمعی از نویسندگان، انسان، راه و راهنماشناسی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴.
۶. حلی علامه، حسن بن یوسف، منهاج الکرامة، مشهد: مؤسسه تاسوعا، ۱۳۷۹.
۷. خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الاثر، مصصح: عبداللطیف حسینی کوهکمری، قم: بیدار، ۱۴۰۱ق.
۸. خوبی، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، بیروت: دارالزهراء، ۱۴۰۳ق.
۹. رحیمی جعفری، محسن، حقیقت غیبت از منظر روایات، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۳۹۰.
۱۰. سبحانی، جعفر، الالهیات، قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.
۱۱. صدوق، محمد بن علی؛ کمال الدین و تمام النعمه، مصصح: علی اکبر غفاری، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۵.
۱۲. _____، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه: منصور پهلوان، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۰.
۱۳. طبرسی، احمد بن علی، احتجاج، مترجم: بهراد جعفری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵.
۱۴. طبسی، نجم الدین، نشانه‌هایی از دولت موعود عليه السلام، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶.

۱۵. طریحی، فخرالدین، **مجمع البحرين**، تحقیق: احمد الحسینی، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۱۶. طوسی، محمد بن الحسن، **الغیبة**، قم: دار المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق.
۱۷. _____، **تهذیب الاحکام**، مصصح: حسن موسوی خراسان، تهران: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۰۷ق.
۱۸. علم الهدی، سیدمرتضی، **المقنع** (امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام)، قم: جمکران، ۱۳۸۳.
۱۹. فراتی، عبدالوهاب، «**آیت الله بهجت** و جریان زندگی سیاسی در عصر غیبت»، مجله علوم سیاسی، ش ۴۵، بهار ۱۳۸۸.
۲۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، **کتاب العین**، تصحیح: اسعد الطیب، قم: اسوه، ۱۴۱۴ق.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۲. _____، **اصول کافی**، ترجمه: جواد مصطفوی، تهران: الاسلامیه، ۱۳۶۹.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۴. _____، **مرآة العقول**، تصحیح: سیدهاشم رسول محلاتی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹.
۲۵. نعمانی، محمد بن ابراهیم، **الغیبة**، مصصح: علی اکبر غفاری، تهران: صدوق، ۱۳۷۹ق.
۲۶. _____، **الغیبة**، ترجمه: محمد جواد غفاری، تهران: صدوق، ۱۳۷۹.

بررسی تکالیف فردی و اجتماعی مؤمنان در قبال حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه از دیدگاه

آیت الله بهجت رحمته الله

حجت الله رجبی^۱

چکیده

از آنجا که یکی از مباحث مهم مهدوی، وظایف و تکالیف شیعیان در دوران غیبت آخرین حجت الاهی است، در میان آثار مرحوم آیت الله بهجت رحمته الله می توان به نکاتی دقیق و راهبردی در رابطه با این موضوع بسیار مهم دست یافت که بیانگر رابطه عمیق معنوی ایشان با حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه می باشد. آنچه در این مقاله به روش توصیفی به آن پرداخته شده، تکالیف فردی و اجتماعی مؤمنان در قبال حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه از دیدگاه این عارف فرزانه می باشد که نکات راهبردی و دقیقی از نظرات او - که نشأت گرفته از آیات و روایات می باشد- فرا روی تشنگان معارف مهدوی قرار می دهد.

کلیدواژگان: تکالیف فردی، تکالیف اجتماعی، حضرت حجت، معرفت، ترک گناه و انجام

واجبات

مقدمه

در روایات فراوانی که در مورد معارف مهدوی از حضرات معصومین علیهم السلام به یادگار مانده، به وظایف و تکالیف فردی و اجتماعی منتظران اشاره شده است که در منابع معتبر ذکر گردیده و بسیاری از نویسندگان در کتاب‌ها و نوشته‌های خود به این موضوع مهم ورود کرده و نکات ارزشمندی ارائه داده‌اند؛ از جمله سید محمدتقی موسوی اصفهانی در کتاب "مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم" تا هشتاد وظیفه برای منتظران حضرت مهدی علیه السلام برشمرده است. از دیدگاه حضرت آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه مهم‌ترین نعمت‌هایی که خداوند به مردمان این عصر موهبت کرده، هم عصری با خاتم الاوصیاء، حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد که امتیازات ویژه‌ای را برای آن‌ها به ارمغان آورده است؛ لذا مهم‌ترین موضوعی که انسان مؤمن در این زمانه باید پیگیری کند، ایجاد پیوند قلبی با آن حضرت است.

وی تأکید فراوانی بر لزوم ارتباط با امام زمان علیه السلام در دوران غیبت داشت و خود، تمام اعمال خویش را با رضای حضرت تطبیق می‌داد و تمام حرکات و سکنات و برنامه‌های روزانه‌اش در جهت رضای حضرت بود. ارتباط با حضرت مهدی علیه السلام یعنی تقرب جستن به ایشان به واسطه اعمالی که مورد رضا و موجب سرور حضرت است.

رهنمودها و توصیه‌های ناب و حکیمانه آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه در مسائل مختلف مربوط به معارف مهدوی با توجه به شخصیت جامع او در عرصه‌های مختلف علمی، عرفانی و عملی باید در سطح جامعه منتظر، بازنشر و ترویج و تبیین شود، تا شاهد شکل‌گیری یک جامعه ایده‌آل مهدوی با عمل به تکالیف منتظران برای زمینه‌سازی ظهور حضرت حجت باشیم.

شناخت دقیق این وظایف، منتظر را در مسیر تحقق اهداف مهدوی و رسیدن به مقام انتظار واقعی یاری می‌دهد. تبیین وظایف، موجب تقویت روحیه انتظار، افزایش آگاهی از جایگاه امام عصر علیه السلام و ایجاد انگیزه برای عمل به وظایف مربوطه خواهد شد.

روش این تحقیق، توصیفی بوده و وجه تمایز این نوشتار با دیگر آثار مرتبط، تمرکز این مقاله بر رهنمودها و سیره عرفانی و عملی حضرت آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه به عنوان چهره برتر عرفانی و مهدوی عصر حاضر می‌باشد.

شخصیت‌شناسی

آیت الله العظمی محمدتقی بهجت (۱۲۹۴ - ۱۳۸۸ ش)، فقیه عارف، مرجع تقلید شیعه و از شاگردان برجسته سید علی قاضی و محمدحسین غروی اصفهانی بود. آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه از اوان جوانی، مراحل عرفان و سیر و سلوک را آغاز کرد و دارای کرامات و مکاشفات غیبی بود.

او به راستی مصداق «علمای دعوت‌کننده به حضرت رحمته‌الله‌علیه بود که به فرموده امام هادی علیه‌السلام اگر در زمان غیبت وجود نداشتند، دام‌های ابلیس و یارانش، مردم را گرفتار می‌ساخت و دین آن‌ها را سلب می‌کرد؛ عالمانی که دل‌های شیعیان را از فتنه‌های دوران غیبت حفظ می‌کنند؛ همان‌طور که ناخدا، سواران کشتی را از امواج خروشان دریا محافظت می‌نماید. آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه از مصادیق تام و تمام «راویان حدیث» است که در توقیع شریف امام زمان رحمته‌الله‌علیه حجت برای شیعیان قرار داده شده‌اند و امر شده‌ایم به آن‌ها رجوع کنیم.^۱

وی از زمان کودکی در مسیر کسب رضای امام زمان رحمته‌الله‌علیه قدم گذاشت و خداوند نیز به پاس تلاش صادقانه‌اش نزدیک‌ترین راه را به او نشان داد و در قرابت با امام زمان رحمته‌الله‌علیه به بالاترین درجات نائل شد، تا جایی که به وصال محبوب دست یافت و در معرفت و محبت به امام خویش، گوی سبقت را از دیگران ربود. برای برخی از خواص، فرموده بود که بیش از چهل، پنجاه مرتبه خدمت حضرت، شرفیاب شده است.^۲

اصیل‌ترین جنبه زندگانی حضرت آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه امام‌محوری و مولی‌مداری عاشقانه و برخاسته از شوق و رغبت قلبی او بود. بی‌تردید سخن گفتن از شخصیت این فقیه عارف، بدون ذکر ظهور و بروز عشق و محبت و افارش به حضرت مهدی رحمته‌الله‌علیه سخنی ناقص و ابتر است. او به عنوان عبد صالح الاهی و مطیع محض امام عصر رحمته‌الله‌علیه هرگز عهد خویش را با امام زمان نقض نکرد و به شهادت مقامات عالی‌اش و به اذعان علمای عظام ربانی، از مقربان ساحت

۱. طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۸.

۲. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۴۸۴.

۳. جمعی از شاگردان، حضرت حجت، ص ۳۰.

مقدس امام زمان علیه السلام و همچنین از فائزان به تشرفات نفیسه بود؛ از این رو مطالعه سیره عملی که این ولی صالح خدا در تعامل با مولایش حضرت حجت داشت و نحوه تحکیم و راسخ کردن این دلدادگی در اطاعت امام عصر اهمیت مضاعف می‌یابد و الگوی نیکو و راهنمای عملی برای مؤمنان خواهد بود.^۱

الف. تکالیف فردی مؤمنان در قبال حضرت حجت علیه السلام

با توجه به جایگاه حیاتی و بی‌بدیل امامت در ساختار اعتقادی شیعه^۲ و اهمیت وجود امام در نظام هستی^۳ به عنوان ولی و حجت الهی و مبیین احکام و مفسر آیات و واسطه فیض خدا در روی زمین، وجود ایشان در جامعه و دسترسی عموم مردم به ایشان امری بدیهی و ضروری است. با توجه به غیبت طولانی امام زمان علیه السلام و مشکلات و مصائب فراوانی که از قبل، این موضوع متوجه مردم و جامعه بشری شده است، می‌توان به اهمیت این موضوع دست یافت که شیعیان و منتظران حضرت در قبال مقدمه‌سازی و زمینه‌سازی ظهور حضرت حجت علیه السلام تکالیف و وظایف سنگینی بر عهده دارند که در روایات حضرات معصومین علیهم السلام به آن‌ها اشاره شده است. این تکالیف، در دو ساحت فردی و اجتماعی قابل بررسی و تمایز می‌باشد که هر یک از این تکالیف هم از شاخصه‌ها و ابعاد مختلفی قابل بررسی است. در این مقاله با توجه با آثار آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه به این تکالیف در حوزه‌های فردی و اجتماعی و شاخصه‌های آن در این دو حوزه پرداخته‌ایم.

۱. همان، ص ۴۵.

۲. «إِنَّ الْإِمَامَةَ مَنْزِلَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَارِثَةُ الْأَوْصِيَاءِ. إِنَّ الْإِمَامَةَ خِلَافَةُ اللَّهِ وَخِلَافَةُ الرَّسُولِ وَ مَقَامُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مِيرَاثُ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ؛ إِنَّ الْإِمَامَةَ زَمَامُ الدِّينِ وَ نِظَامُ الْمُسْلِمِينَ وَ صِلَاحُ الدُّنْيَا وَ عِزُّ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّ الْإِمَامَةَ أُنْسُ الْإِسْلَامِ النَّامِي، وَ قُرْعَةُ السَّمَاءِ، بِالْإِمَامِ تَمَامُ الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصِّيَامِ وَ الْحَجِّ وَ الْجِهَادِ وَ تَوْفِيرُ الْفِيءِ وَ الصَّدَقَاتِ وَ إِمضَاءُ الْحُدُودِ وَ الْأَحْكَامِ وَ مَنَعُ الثُّغُورِ وَ الْأَطْرَافِ الْإِمَامُ يُجِلُّ حَلَالَ اللَّهِ وَ يُحْرِمُ حَرَامَ اللَّهِ وَ يُقِيمُ حُدُودَ اللَّهِ وَ يُدَبِّعُ عَن دِينِ اللَّهِ وَ يَدْعُو إِلَى سَبِيلِ اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ الْحُجَّةِ الْبَالِغَةِ». الله وَ يُحْرِمُ حَرَامَ اللَّهِ وَ يُقِيمُ حُدُودَ اللَّهِ وَ يُدَبِّعُ عَنهُ وَ يَدْعُ بِبِيلِ اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ الْحُجَّةِ الْبَالِغَةِ... (کلینی، الکافی، ج ۱؛ ص ۲۰۰).

۳. عَنْ سَعِيدِ بْنِ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرِ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ: تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ حُجَّةٍ؟ فَقَالَ: «لَوْ خَلَّتِ الْأَرْضُ طَرْفَةَ عَيْنٍ مِنْ حُجَّةٍ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا» (شيخ صدوق، علل الشرايع، ج ۱، ص ۱۹۸).

۱. بعد اعتقادی

حضرت آیت الله بهجت رحمته الله علیه همواره تأکید داشت که اولین قدم برای ارتباط با امام عصر رحمته الله علیه تحصیل معرفت به آن حضرت و تقویت لحظه به لحظه این معرفت است. انسان در نخستین گام، باید امام زمان خویش را بشناسد. البته معرفت امام، مراتب و درجات گوناگون دارد. درجات اولیه این شناخت، دامن انسان را از مرگ جاهلی پاک می‌کند^۱ و درجات بالاتر آن، اکسیری است که لقمان را زبینه صفت حکمت می‌سازد؛^۲ بلکه سلمان را بالاتر از لقمان می‌کند،^۳ آن هم لقمانی که خلافت الاهی بر او عرضه شد.^۴

خدای متعال درخواست هدایت یافتن به امام زمان رحمته الله علیه را با گفتن عبارت «اهدنا الصراط المستقیم» روزانه ده بار بر بندگان واجب کرده است.^۵ صراط معرفت امام، تنها راهی است که انسان را به معرفت و عبودیت خدای متعال می‌رساند.^۶

آیت الله بهجت رحمته الله علیه اعتقاد یقینی داشت که اهل بیت علیهم السلام بر ما اشراف کاملی دارند، همه نور واحدی هستند و از حال ما غافل نیستند. وی راه رسیدن به معارف الاهی را شناخت آن بزرگواران می‌دانست و می‌فرمود:

معرفت ائمه وقتی بالا برود، به معرفت خدا می‌رسد؛ چون این‌ها باب الله هستند.

۱. «...هرکس بمیرد و او را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است» (شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۰۹).

۲. «... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، قَوْلُهُ «وَلَقَدْ آتَيْنَا لَقْمَانَ الْحِكْمَةَ» قَالَ: «أُوتِيَ مَعْرِفَةَ إِمَامٍ زَمَانِيهِ»؛ ابو بصیر می‌گوید که از امام صادق رحمته الله علیه درباره این سخن خدای متعال سؤال کردم: «و به هر کس حکمت برسد، خیر کثیری به او رسیده است»، حضرت فرمود: «این (حکمت)، همان اطاعت از خدا و معرفت به امام است» (برقی، محاسن، ج ۱، ص ۱۴۸).

۳. عن ابی عبدالله «سلمان خیر من لقمان؛ سلمان، برتر از لقمان است» (صفار، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۸).

۴. قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۶۳.

۵. امام صادق رحمته الله علیه درباره آیه «اهدنا الصراط المستقیم» فرمودند: «یعنی راه و معرفت امام» (قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۸).

۶. جابر می‌گوید که از امام باقر رحمته الله علیه شنیدم که می‌فرمودند: «فقط کسی خدای عز و جل را می‌شناسد و او را عبادت می‌کند که هم خدا و هم امام او از میان ما اهل بیت علیهم السلام را بشناسد» (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۸۱).

«نزلونا عن الربوبیه و قولوا فینا ما شئتم»^۱ ما را از خدایی پایین بیاورید؛ و هر چه می‌خواهید درباره ما بگویید.^۲

اعتقاد به وجوب اطاعت از امام

کمترین میزان معرفت امام که بر هر انسانی واجب است اعتقاد به «مفترض الطاعه» بودن آن حضرت است. آیت‌الله بهجت رحمته در این باره می‌فرماید:

درباره معرفت و اعتقاد به امام «ادنی المعرفه» کافی است و آن این است که فقط معتقد باشیم که او امام «مفترض الطاعه» و وصی پیغمبر صلی الله علیه و آله است؛ و لو اسم او را ندانیم. همچنین دانستن ترتیب آن‌ها و اینکه امام چندم است، لازم نیست.^۳

البته این مرتبه از معرفت که ذکر شد، پایین‌ترین درجه واجب و لازم در معرفت امام است که امکان تحقق آن برای هر شخص غیر مستضعفی در هر جای عالم و به هر زبان و لغتی وجود دارد و هیچ عذری برای کسی در دست نیافتن به این مرتبه از شناخت باقی نمی‌گذارد.

اعتقاد به «مفترض الطاعه» بودن امام، بدین معنا است که خداوند سبحان از روی شفقت و عطوفت به بندگان، اطاعت از امام را در تمام امور بر آن‌ها واجب کرده و اطاعت از ایشان، اطاعت

۱. این مضمون با عبارات متفاوتی در جوامع روایی آمده است: «اجعلونا عبیدا مخلوقین و قولوا فینا ما شئتم؛ ما را بندگان آفریده شده قرار دهید؛ سپس هر چه می‌خواهید درباره [مقام و منزلت] ما بگویید» (صفار، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۴۱) و نیز از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است: «لا تتجاوزوا بنا العبودیه ثم قولوا فینا ما شئتم و لن تبلغوا؛ ما را از بندگی بالاتر ندانید؛ سپس هر چه می‌خواهید درباره [مقام و منزلت] ما بگویید که بدان نمی‌رسید» (طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۳۸).

۲. بهجت، علی، صحبت سال‌ها، ص ۳۱۷-۳۱۸.

۳. این سخن برگرفته از روایات اهل بیت علیهم السلام است. روایات متعددی به این مطلب اشاره دارد که برای اینکه فردی از دوستان و موالیان اهل بیت علیهم السلام محسوب شود کافی است اعتقاد و باور قلبی داشته باشد که در هر زمان، امامی از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله وجود دارد که دوستی و پیروی از او، و بیزاری جستن از دشمنانش واجب است؛ حتی اگر نام امام زمان خود را نداند یا ترتیب او در میان امامان را مطلع نباشد. برای مثال، عیسی بن عبدالله از امام صادق علیه السلام می‌پرسد: «اگر من امام زمان خود را نشناسم و ندانم که او کجاست، چه کنم؟» امام به او پاسخ می‌دهند: «تقول: اللهم انی اتولی من بقی من حججک، من ولد الامام الماضی، فان ذلك یجزیک ان شاء الله؛ [در این صورت با خود] این چنین بگو: خدایا، من پیرو آن حجت باقی مانده تو هستم که از فرزندان امام سابق است. اگر چنین بگویی، همین برای تو کافی است» (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۰۹).

از خداوند متعال است؛^۱ چراکه خداوند، آن‌ها را از هر خطا و گناهی مصون و معصوم و مطهر داشته است.^۲ تمام اوامر و نواهی ایشان، مطابق مصالح و مفاسد و منافع و مضارّ بندگان است و از رضایت و حکمت الاهی فاصله نمی‌گیرد. البته این اطاعت و انقیاد، زمانی شیرین و دلنشین می‌شود که انسان یقین داشته باشد بالاترین مصلحت و نفعش در دل سپردن به امر امام معصوم خواهد بود؛^۳ همو که پدری دلسوز و رفیقی شفیق برای انسان است.^۴

اعتقاد به عصمت امام

از دیدگاه آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه اعتقاد راسخ به عصمت امام از جمله ارکان اصیل ایمان حقیقی است. امام، هم از خطیئه معصوم و مصون است و هم از خطا. خطیئه به معنای معصیت و گناه است؛ اما خطا شامل هر گونه اشتباه کلی و جزئی و لو غیر عامدانه می‌شود. عصمت از خطیئه برای بندگان که همیشه از نفس خویش مراقبت می‌کنند امکان‌پذیر است؛ اما عصمت از خطا جز برای امامان میسر نیست.

۱. اشاره به آیه «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولوالامر منكم» (سوره آل عمران: ۵۹).

۲. اشاره به آیه «انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهركم تطهيرا» (سوره احزاب: ۳۳).

۳. او تسلیم و اطاعت از امام را ثمره معرفت می‌داند و معتقد است آنگاه که معرفت به امام و مقام او در دل مؤمن، راسخ و مستحکم شود، عشقی عمیق از آن پدید می‌آید که با تمام وجود، تسلیم امر امام می‌شود. مؤمن واقعی، چنان دل سپرده امام خویش است که حتی اگر امام معصوم امری کند که در ظاهر، کاملاً خلاف مصلحت بنماید، با یقین و آرامش قلبی و با رغبت، به امثال امر ایشان دل و جان دهد و چون و چرا نمی‌کند؛ زیرا ایمان دارد که امام، او را به بهترین و حکیمانه‌ترین عمل فرا خوانده است. نمونه چنین اطاعت عاشقانه‌ای را می‌توان در قضیه «هارون مکی» یافت که داستان شگفت‌انگیزش در منابع معتبر ما ذکر شده است. ر.ک: ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۲۳۷.

۴. در روایتی از امام رضا رحمته‌الله علیه چنین می‌خوانیم: «الإمام كالشمس الطالعة المجللة بنورها للعالم وهي في الأفق بحيث لا تنالها الأيدي والأبصار، الإمام البدر المنير، والسراج الزاهر، والنور الساطع، والنجم الهادي في غياهب الدجى وأجواز البلدان والقفار، ولجج البحار، الامام الماء العذب على الظماء، والداد على الهدى والمنجى من الردى، الامام النار على اليفاع، الحار لمن اصطلى به والدليل في المهالك من فارقة فهالك، الامام السحاب الماطر، والغيث الهاطل، والشمس والمضيئة، والسماء الظليلة، والأرض البسيطة، والعين الغزيرة، والغدير والروضة. الإمام الأئیس الرفیق، والوالد الشفیق، والأخ الشفیق، والام البرة بالولد الصغیر» (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۹۸-۲۰۵؛ شیخ صدوق، أمالی، ص ۷۷۳؛ شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا رحمته‌الله علیه، ج ۲، ص ۱۹۴-۲۰۰؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۶۷۵).

با آگاهی از این مطلب که امام، مصون از هر گونه گناه و اشتباه است و تمام افعال و اقوال و اوامرش عین صواب و مصلحت و حکمت می باشد، انسان با اشتیاق قلبی و اراده باطنی و با تمام وجود، دل به خواست او می دهد؛ چراکه می داند نه تنها نجات اخروی، بلکه حتی اقبال دنیوی اش در پرتو دل دادن به امر امام است.

و چه زیبا است این گونه دل سپردن به امام علیه السلام همچنان که عبدالله بن ابی یعفر به امام زمان خود، امام صادق علیه السلام عرض کرد:

سوگند به خدا، اگر اناری را از وسط دو نیم کنی و بفرمایی که نصف آن حلال و نصف دیگرش حرام است، مطمئناً گواهی خواهیم داد نیمی را که حلال شمردی، حلال، و نیمه دیگر را که حرام شمردی، حرام است.^۱

یقین به عنایات امام

از جمله مراتب معرفت به امام این است که یقین داشته باشد در زمان غیبت، عنایات و افاضات حضرت صاحب الزمان علیه السلام دائماً شامل حال انسان ها می شود؛ همچون خورشید پشت ابر که اهل زمین را بهره مند می کند.^۲ مرتبه پایین این افاضات برای هر انسانی، این است که اگر زمین یک روز بدون امامی از اهل بیت علیهم السلام بماند، اهلش را در خود فرو می برد؛^۳ اما مراتب بالاتر آن، به اهل ایمان اختصاص دارد و تشرفات متعددی که در طول تاریخ غیبت نقل شده، گواه آن است. آیت الله بهجت علیه السلام تأکید فراوان داشت که با وجود محدودیت های ایام غیبت و عدم بروز ظاهری

۱. «وَاللَّهِ لَوْ فَلَقْتُ رَمَانَةَ بِيَضْفَيْنِ، فَقُلْتُ هَذَا حَرَامٌ وَ هَذَا حَلَالٌ، لَشَهِدْتُ أَنَّ الَّذِي قُلْتُ حَلَالٌ حَلَالٌ وَ أَنَّ الَّذِي قُلْتُ حَرَامٌ حَرَامٌ» (طوسی، محمد بن حسن، رجال الکشی، ج ۱، ص ۲۴۹).

۲. «قال سليمان: قُلْتُ لِلصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَكَيْفَ يَنْتَفِعُ النَّاسُ بِالْحُجَّةِ الْعَائِبِ الْمَسْتُورِ؟ قَالَ: كَمَا يُنْتَفَعُ بِالسَّمْسِ إِذَا سَتَرَهَا السَّحَابُ؛ سليمان می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مردم چگونه از داشتن حجت غایب و پنهان، سود می برند؟ حضرت فرمود: همان گونه که وقتی ابر، خورشید را پنهان می کند، مردم از خورشید سود می برند.» (شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۰۷).

۳. امام صادق علیه السلام: «لولا الحجج لساخت الارض باهلها؛ اگر حجت خدا نبود، مسلماً زمین، ساکنانش را فرو می برد» (نعمانی، الغیبه، ص ۱۵۵).

و عمومی امام در جامعه، عنایات آن حضرت به آنچه بیان شد، محدود نیست و حضرت حجت علیه السلام در هر ساعت از شبانه روز، مشکلات مؤمنان را در سراسر عالم رسیدگی و حوائج آن‌ها را برطرف می‌کند و از استغاثه‌کنندگان دستگیری می‌نماید.

معظم‌له همواره این نعمت‌ها را یادآوری می‌نمود و اهل ایمان را به استفاده از آن ترغیب می‌کرد و می‌فرمود:

چقدر حضرت مهربان است به کسانی که اسمش را می‌برند و صدایش می‌زنند و از او استغاثه می‌کنند. از پدر و مادر هم به آن‌ها مهربان‌تر است.^۱

حاضر و ناظر دیدن امام

یکی از اساسی‌ترین و بارزترین ویژگی‌های آیت‌الله بهجت علیه السلام - که ریشه سایر صفات و ملکات و رفتارهایش بود - این بود که در همه حالات و لحظات، امام عصر علیه السلام را حاضر و ناظر می‌دید و فعل و ترک خود را با رضای ایشان تنظیم می‌کرد. او نه تنها خود را در محضر حضرت حجت علیه السلام می‌دید، بلکه واقعا در محضر ایشان بود.

بدیهی است کسی که خود را در محضر آقا علیه السلام ببیند، نمی‌تواند بر خلاف رضای ایشان عمل کند و نیاز به هیچ وعظ و نصیحتی ندارد. این احساس حضور، بالاترین واعظ و هادی او است. هنگامی که عبد به این مرتبه از عبودیت رسید، سزاوارتر است که مولایش از او دستگیری کند و حجاب‌ها را از جلوی چشمانش بردارد و او را در جایگاه صدق در جوار خود قرار دهد.^۲ بر تمام مؤمنان لازم است که امام زمان علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام را که چشم بینای خدا و گوش شنوای او هستند، حاضر و ناظر بر اعمال خود ببینند؛ چنانکه در روایت زیر به شیعیان دستور داده شده است:

آیا عقیده دارید برای ما در مورد شما چشمانی نظاره‌گر و گوش‌هایی شنوا وجود ندارد؟ چقدر بد است آنچه به آن عقیده دارید! به خدا قسم، بر ما هیچ چیزی از اعمال شما

۱. جمعی از شاگردان، حضرت حجت، ص ۵۴.

۲. «فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ؛ در قرارگاه صدق نزد پادشاهی توانابند» (سوره قمر: ۵۵)

مخفی نیست؛ پس همه، ما را حاضر نزد خود بدانید و نفس‌های خود را به کارهای خیر عادت دهید و اهل کارهای نیک شوید، تا این حقیقت را بشناسید. من به آنچه گفتم، فرزندان و شیعیان خود را امر می‌کنم.^۱

آیت‌الله بهجت رحمته‌الله در این باره می‌فرماید:

امام زمان عین‌الله الناظره و اذنه السامعه و لسانه الناطق فی خلقه و یده المبسوطه (چشم بینا، گوش شنوا، زبان گویا و دست گشاده خداوند) است و از اقوال، افعال و نیات ما اطلاع دارد؛ مع ذلک گویا ما ائمه، به خصوص امام زمان علیه‌السلام را حاضر ناظر نمی‌دانیم؛ بلکه گویا -مانند عامه- اصلاً زنده نمی‌دانیم و به کلی از آن حضرت غافل هستیم.^۲

اعتقاد به ولایت فقیه در عصر غیبت

در دیدگاه آیت‌الله بهجت رحمته‌الله همه اختیاراتی که برای پیامبر و امام علیه‌السلام در زمان ظهور هست، در زمان غیبت هم برای فقیه وجود دارد؛ مگر اینکه خلاف تقیه باشد. نمی‌توانیم بگوییم آنچه در زمان حضور حضرت واجب است، در زمان غیبت از وجوب می‌افتد. قهراً تمام امور مربوط به حفظ نظام شرع و متشرعان را باید فردی عهده‌دار شود که شایسته و اولی به این مقام باشد؛ و او کسی نیست مگر فقیه جامع‌الشرایطی که امین و مأمون باشد که بتواند همه احکام الهی را در حد توان از حدود، دیات، قصاص، اخذ خمس، زکات، قضاوت و ... در جامعه اسلامی اجرا کند.^۳

اعتقاد و پیروی از علمای اسلام

آیت‌الله بهجت رحمته‌الله با استناد به روایت معروف عمر بن حنظله^۴ رد کردن و قبول نکردن حکم حاکم شرع و فقیه را رد حکم امام معصوم دانسته و طبق حدیث، آن را در حد شرک می‌داند و با

۱. مجلسی، بحارالأنوار، ج ۴۶، ص ۲۴۳.

۲. جمعی از شاگردان، حضرت حجت، ص ۵۶-۵۷.

۳. همان، ص ۱۶۲.

۴. «... فَأَتَى قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا. فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يَقْبَلْهُ مِنْهُ فَانْمَا اسْتَخَفَّ بِحُكْمِ اللَّهِ وَعَلَيْنَا رَدُّ وَ الرَّادُّ عَلَيْنَا الرَّادُّ عَلَى اللَّهِ وَ هُوَ عَلَى حُدِّ الشَّرْكِ بِاللَّهِ» (حر العاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۹۹).

استناد به روایت «...ارجعوا فیها الی رواه حدیثنا...»^۱ اطاعت و فرمانبری از فقهای عادل را در زمان غیبت امری لازم و واجب شمرده است؛ چراکه بدون اطاعت و فرمانبری از او، اجرای احکام الهی در جامعه اسلامی متوقف شده و تعطیل می‌گردد و حال آنکه شارع حکیم قطعاً راضی به این امر نیست و احکام شریعت به هیچ وجه نباید تعطیل شود.^۲

۲. بعد عملی

گام نخست در رابطه با امام، بعد اعتقادی، شناخت و معرفت به مقام و جایگاه ایشان است. پس از آنکه امام را با وصف عصمت و مفترض الطاعة بودن شناختیم، گام بعدی، عمل به خواست و دستورات ایشان است، تا بتوانیم از صمیم قلب و عاشقانه به آن حضرت تقرب جوییم. آیت الله بهجت رحمته می‌فرمود:

در هر واقعه و در هر حرکت و سکون، مشکل اصلی، تشخیص تکلیف است و بعد مشکل‌تر از آن، عمل به آن تکلیف.^۳

ترک گناهان و عمل به واجبات

در روش تربیتی آیت الله بهجت رحمته مهم‌ترین وظیفه مؤمن، توبه از گناهان و التزام به ترک محرمات و انجام واجبات شرعی است که خود منجی و هادی فرد به سوی سائر وظایف می‌باشد. او توبه از گناهان را از مهم‌ترین اسباب آماده شدن هر شخص برای ظهور می‌دانست. صد البته مهم‌ترین این واجبات شرعی، اعتقاد به جمیع معتقدات حقه است که بدون آن، سایر اعمال و وظایف نیز بی‌ارزش خواهد بود. معظم له به ترک معصیت در اعتقادات و اعمال بسیار تأکید داشت.

۱. «أَمَّا الْخَوَادِثُ الْوَأَقْعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةٍ حَدِيثِنَا، فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ» (طوسی، محمد بن حسن، الغيبة، ص ۲۹۱، ح ۲۴؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۴؛ ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین، ج ۱، ص ۴۸۵، ح ۴؛ طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۷۱؛ أبو جعفر الأربلی، ابن ابی الفتح، کشف الغمة، ج ۳، ص ۳۳۸).
۲. همان، ص ۱۶۰.

۳. جمعی از شاگردان، حضرت حجت، ص ۶۱.

وی در جمله‌ای بسیار ارزشمند در مورد ارزش ترک گناه در مهیا شدن برای ظهور حضرت حجت علیه السلام چنین می‌فرماید:

اگر ظهور حضرت حجت علیه السلام نزدیک باشد، باید هر کس خود را برای آن روز مهیا سازد؛ از جمله اینکه از گناهان توبه کند. همین توبه باعث می‌شود که این همه بلاهایی که بر سر شیعه آمده است - که واقعا بی سابقه است - و بلاهای دیگری که تا قبل از ظهور آن حضرت می‌آید، از سر شیعه رفع و دفع گردد.^۱

آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه در گفتاری دیگر، ترک واجبات و ارتکاب محرمات را حجاب دیدار از امام عصر علیه السلام می‌داند و چنین می‌فرماید:

کجا رفتند کسانی که با صاحب الزمان علیه السلام ارتباط داشتند؟ ما خود را بیچاره کرده‌ایم که قطع ارتباط نموده‌ایم و گویا هیچ چیز نداریم. آیا آن‌ها از ما فقیرتر بودند؟ اگر بفرمایید به آن حضرت دسترسی نداریم، جواب این است که چرا به انجام واجبات و ترک محرمات ملتزم نیستید؟ حضرت به همین از ما راضی است؛ زیرا: «اورع الناس من تورع عن محارم الله»^۲ پرهیزکارترین مردم، کسی است که از کارهای حرام بپرهیزد». ترک واجبات و ارتکاب محرمات، حجاب و نقاب دیدار ما از آن حضرت است.^۳

• راه شناخت وظایف دینی

آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه بسیار تأکید می‌کرد که انسان، رساله عملیه صحیحیه را بگیرد و مطالعه کند و بر طبق آن عمل نماید. این گونه او به حضرت حجت علیه السلام نزدیک می‌شود و رضای ایشان را تحصیل می‌کند. این چنین می‌فرمود:

در زمان غیبت، ما باید به همین رساله‌های عملیه صحیحیه عمل کنیم. حضرت به عمل به همین از ما راضی است.^۴

۱. همان، ص ۱۸۴.

۲. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۷۷؛ شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۵۸.

۳. جمعی از شاگردان، حضرت حجت، ص ۱۷۶.

۴. همان، ص ۶۲.

عقیده وی این بود که پس از معرفت به امام زمان علیه السلام و اعتقاد قلبی به ایشان، باید به شناخت دستورات و اوامر حضرت حجت مبادرت کرد. به همین منظور از همان کودکی به شناخت احکام دینی مبادرت کرده، پای در مسیر فقاقت و اجتهاد گذارد. سپس به آنچه می‌آموخت عمل می‌کرد و به واسطه عمل به همین دستورالعمل، به آن مقامات عالیه و آن درجه از قرب نائل شد. البته او معتقد بود که صرف چاپ و انتشار رساله، مجوز عمل به آن نمی‌شود. لازم است که مؤمن، با حال توسل به حضرت حجت علیه السلام، مجتهد جامع الشرایط و جایز التقلید را بیابد و به رساله وی عمل کند.^۱

• مراقبت دائم

آیت الله بهجت علیه السلام تأکید زیادی داشت که برای حفظ ارتباط با امام علیه السلام انسان باید مراقبت دائمی اختیار کند تا در نتیجه این مراقبه، میزان این ارتباط قلبی را بداند و تغییرات آن را حس کند. میزان ارتباط قلبی انسان با امام زمان علیه السلام دارای درجات متفاوتی است و شدت و ضعف دارد. هر قدر انسان مراقبه قلبی بیشتری داشته باشد، دماسنج قلبش دقیق‌تر خواهد شد و کم و زیاد شدن این درجات را سریع‌تر و دقیق‌تر حس خواهد کرد.

• وظیفه در فتنه‌های آخرالزمان

آیت الله بهجت علیه السلام قاعده اولی در مواجهه با فتنه‌ها را لزوم احتیاط عملی و توقف نظری می‌دانستند که البته این راه حل، برای هر کسی ممکن و همچنین عمده‌ترین سلاح برای اهل ایمان است. می‌فرمود:

انسان باید در موارد شبهه که نمی‌داند وظیفه‌اش چیست، توقف کند، تا خدا وظیفه‌اش را برایش روشن نماید و نیز در قبال وقایع و رویدادهای تازه و حادث، همان‌گونه عمل کند که در گذشته عمل می‌نمود: «تمسکوا بالامر الاول».^۲

۱. همان، ص ۶۲-۶۳.

۲. عن ابی عبدالله انه قال: «کیف أنتم إذا بقیتم دهرأ من عمرکم لا تعرفون إمامکم؟» قیل له: «إذا کان ذلک کیف نصنع؟» قال: «تمسکوا بالامر الأول حتی یستیقن [حتی یستبین لکم]»؛ از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: «چگونه هستید...»

آیت الله بهجت رحمته الله علیه همچنین تأکید داشت که با توجه به شدت فتنه‌های آخرالزمان و اینکه عده زیادی، از ایمان خارج می‌شوند و سختی‌ها و ابتلائات شدیدی متوجه مؤمنان خواهد شد، همواره باید دعا کنیم که حصول فرج برای ما توأم با عافیت بوده، انسان از حیث حفظ ایمان و جمیع لوازمش تا آخر کار، در عافیت مطلق باشد.^۱

دعا و تضرع برای تعجیل فرج

آیت الله بهجت رحمته الله علیه با توجه به روایات وارده^۲ که عبادت در زمان غیبت را افضل از عبادت در زمان حضور می‌داند، دعا برای تعجیل فرج را از مهم‌ترین وظایف مؤمن می‌دانست که اگر این دعا با شرایطش باشد - که همان ترک معاصی و انجام واجبات و توبه است - در تعجیل فرج، تأثیر دارد. التزام به این دعا در سیره عبادی ایشان، بسیار مشهود بود؛ به نحوی که به جرأت می‌توان گفت ساعتی از ساعات بیداری ایشان نبود که برای فرج حضرت حجت دعا نکرده باشد.

یکی از توصیه‌های ایشان که برای تشنگان وصال بسیار بهجت‌انگیز است، چنین بود:

حتی اگر با دعا برای ظهور حضرت به مصالحی فرج عام حاصل نشود، قطعاً برای خود دعاکننده فرج شخصی حاصل می‌گردد.^۳

زمانی که به سر برید مدتی از عمر خود را؛ در حالی که امامتان را نشناسید؟» عرض شد: «در چنان زمانی، چگونه باید رفتار کنیم؟» حضرت فرمودند: «به آنچه از سابق عمل می‌کردید و برایتان مسلم و آشکار بوده از دین، متمسک شوید تا [حق] برای شما روشن و هویدا گردد (صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۸).

۱. جمعی از شاگردان، حضرت حجت، ص ۶۴.

۲. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «طوبی لمن رآنی و آمن بی ثم طوبی [بقولها سبعا] لمن لم یرنی و آمن بی؛ مرحباً به حال کسی که مرا دید و به من ایمان آورد و مرحباً و مرحباً [تا هفت بار] به حال کسی که مرا ندید و به من ایمان آورد» (شیخ صدوق، خصال، ج ۳، ص ۳۴۲). در روایتی دیگر چنین فرمودند: «العباده فی الغیبه افضل من الحضور؛ عبادت در زمان غیبت، برتر از زمان حضور است». نیز به اصحاب خود می‌فرمودند: «انتم اصحابی و اولئک اخوانی، فواشوقا الی اخوانی، آمنوا بسواد علی بیاض؛ شما یاران من هستید و آن‌ها - که در آخرالزمان می‌آیند - برادرانم هستند. چقدر من مشتاقم به دیدار برادرانم. آن‌ها به سیاه‌هایی بر روی کاغذها ایمان آورده‌اند» (رک: شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۵؛ شیخ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۹۲؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۸).

۳. جمعی از شاگردان، حضرت حجت، ص ۶۷.

البته تنها کسانی که صادقانه به دنبال حضرت هستند، اهمیت این مطلب را درک و آثار آن را تحصیل می‌کنند.

استقامت بر ایمان، از مهم‌ترین مؤلفه‌های ضروری برای مؤمن است. اگر کسی بخواهد بداند که با وجود فتنه‌های فراوان در آخرالزمان، آیا همچنان بر ایمان خود ثابت قدم مانده است یا نه، باید ببیند که آیا برای تعجیل فرج حضرت حجت عجل الله فرجه دعا می‌کند یا نه. آیت‌الله بهجت رحمته الله در این خصوص می‌فرمود: دعا برای تعجیل فرج، نشان دهنده این است که دعاکننده هنوز بر ایمان خود ثابت و استوار است.

وی دعا برای فرج را «نوعی ارتباط روحی با امام زمان عجل الله فرجه و مرتبه‌ای از فرج» می‌دانست و همچنین آثار بسیار بلند مرتبه‌ای برای آن بر می‌شمرد. غفلت از این نعمت بزرگ، مصداق کفران نعمت است؛ به ویژه برای کسی که واقعا طالب رضای امام عجل الله فرجه و شیدای وصال و دیدار ایشان است؛ به خصوص با توجه به این همه تأکیدی که از ناحیه خود حضرت به ما رسیده است.

التزام به دعاهای مربوط به امام زمان عجل الله فرجه و عصر غیبت

آیت‌الله بهجت رحمته الله از بهترین راه‌های برقراری ارتباط با حضرت حجت عجل الله فرجه را توسل و استغاثه به ایشان، خواندن زیارات ماثوره، اهدای صلوات، تشریف به مراقد مطهره معصومان علیهم السلام و اماکن منسوبه به حضرت، همچون مسجد سهله و جمکران و ادای اعمال آن اماکن بر می‌شمرد. او همه روز پایبند بود که صبح‌ها به همان طریقی که خود اهل بیت علیهم السلام توصیه کرده‌اند با امام زمان خویش تجدید پیمان کنند و زیارت ماثوره امام زمان عجل الله فرجه بعد از نماز صبح یعنی دعای «اللهم بلغ مولای عن صاحب الزمان» را بخواند. او دوستان و اطرافیان را نیز به این دعاها تشویق می‌کرد و حتی تأکید می‌نمود که آداب و ظرائف این دعاها حفظ شود؛ مثلا سفارش می‌کردند پس از خواندن این دعا مطابق روایت، انسان به نشانه بیعت با امام زمان، دست روی دست خویش بگذارد. وی همچنین مقید بود که بعد از نماز عشا، ساعتی را در اتاق خلوت و تاریک برای توسل به امام زمان عجل الله فرجه و زیارت ایشان اختصاص دهد و این‌گونه شب و روز خود را در محضر حضرت طی می‌کرد.

افزون بر این، معظم له تأکید داشت در خلوت‌ها و اوقات تضرع، دعای «الهی عظم البلاء»^۱ بسیار خوانده شود. همچنین به خواندن دعای «اللهم کن لولیک...»^۲ به خصوص در هنگام اذان و صلوات ابوالحسن ضراب اصفهانی^۳ بعد از نماز عصر روز جمعه و برخی ادعیه دیگر توصیه می‌کردند و خود نیز به این دعاها و به طور خاص، تمام ادعیه وارد شده از ناحیه مقدسه، همچون زیارت رجبیه و دعای «اللهم انی اسالک بمعانی جمیع ما یدعوک به...»^۴ ملتزم بودند.

عشق ورزی به اماکن منسوب به حضرت حجت

یکی از وظایف منتظران در سلوک حضرت آیت‌الله بهجت^۵ برای برقراری ارتباط با امام زمان^ع و حفظ و ارتقای این ارتباط، رفتن به اماکن منسوب به حضرت و انس گرفتن با آنجا و انجام اعمال مخصوص آن اماکن بود.^۵ بر همین اساس، او وقتی در عراق به تحصیل علوم دینی

۱. مرحوم شیخ عباس قمی در کتاب شریف مفاتیح الجنان درمورد این دعا می‌گوید: کفعمی در بلد الامین می‌گوید: «این دعای حضرت صاحب الامر امام زمان^ع است که آن را به شخصی که محبوس بود تعلیم فرمود پس خلاص شد». این دعا در کتاب جمال الأسبوع ابن طاوس؛ المزار (شهید اول)؛ مصباح کفعمی؛ المزار الکبیر ابن مشهدی، با اندکی تفاوت ذکر شده است.

۲. دعایی که برای سلامتی امام مهدی^ع دوازدهمین امام شیعیان خوانده می‌شود. این دعا با «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ» آغاز می‌شود و در تهذیب الأحکام شیخ طوسی از امام باقر و امام صادق^ع نقل شده است. به گفته علامه مجلسی، سند دعا مرسل است؛ با این حال، شواهدی همچون وجود دعا در کافی و تهذیب الأحکام و کتب معتبری مانند المزار الکبیر اثر ابن مشهدی، المصباح اثر کفعمی و اقبال الاعمال اثر سید بن طاوس و سازگاری مضامین دعا با عقل و نقل و اینکه تمام جملات و عبارات این دعا در ادعیه دیگر نیز آمده است، بر اعتبار و صحت دعا دلالت می‌کند.

۳. یکی از اعمالی که مرحوم آیت‌الله بهجت مقید بود عصرهای جمعه به آن بپردازد، خواندن صلوات ضراب اصفهانی است که از امام عصر^ع روایت شده است (بهجت الدعاء، ص ۱۷۷). همچنین این دعا در ابتدای مفاتیح الجنان در اعمال روز جمعه آمده است.

۴. از توقیعات حضرت بقیه الله^ع است که به دست جناب محمد بن عثمان از ناحیه مقدسه صادر شده و تمام فقرات این دعا در فضائل ائمه^ع و اسرار توحید است.

۵. وی ضمن برشمردن اماکن منسوب به حضرت حجت^ع از جمله مسجد سهله و جمرکان و منا و عرفات و سرداب مقدس در سامرا و مقامات منسوب به حضرت در مسجد سهله و وادی السلام و نجف اشرف و کربلا، کرامات و تشرفات و عنایات متعددی از امام زمان^ع نسبت به علما و بزرگان نقل نموده و منتظران و شیفتگان حضرت را به حضور در این

می‌پرداخت، با وجود مشغله‌های علمی فراوان، از این امر غافل نبود و از اهم برنامه‌های عملی‌اش، رفتن مستمر به مسجد مقدس سهله و بیتوته در آنجا بود. همچنین شب‌های طولانی را در آن مکان مقدس به عبادت می‌گذراند.

وی بعد از مراجعت به ایران، همان التزام را به مسجد مقدس جمکران داشت و مورد عنایت خاص بودن آن مکان را از مسلمات می‌دانست و می‌فرمود:

جمکران، سهله ایران است و خدا می‌داند چه اعظمی در آنجا چه کرامت‌هایی دیده‌اند.^۱

ب. تکالیف اجتماعی مؤمنان در قبال حضرت حجت علیه السلام

در دیدگاه آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه، منتظران امام علیه السلام علاوه بر تکالیف فردی، یک سری وظایف اجتماعی هم در قبال ایشان دارند که با عمل به آن‌ها، زمینه‌ساز ظهور حضرت ایشان می‌شوند.

راهنمایی به سوی امام

او به بندگی و عشق‌ورزی شخصی خود به امام زمان علیه السلام اکتفا نمی‌کرد و دیگران را هم به این مسیر سعادت راهنمایی می‌نمود و مطابق دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علم خویش را به کسانی که شایستگی دریافت گوهر معرفت امام را داشتند، نشر می‌داد. او معتقد بود که هدایت انسان‌ها به ایمان و ولایت امام زمان علیه السلام در حقیقت، زنده کردن آن‌ها است و مهم‌ترین مصداق هدایت انسان‌ها، راهنمایی آنان به سوی امام آن‌ها است، تا از مرگ جاهلی در امان بمانند. در این راستا، تمام حرکات و سکنات وی در جهت هدایت مردم به امام زمانشان بود و مصداق عملی این روایت بود که: «جروا الینا کل موده؛^۲ هر محبتی را به سوی ما بکشانید.»

او معتقد بود آنچه به اعمال و رفتار اهل علم معنا می‌بخشد، خواست و رضایت امام عصر علیه السلام است. اهل علم همواره باید به دنبال این باشند که پای اعمال و خدمات خود، امضا و مهر و تأیید

اماکن مقدسه و ارتباط معنوی با حضرت و دعا و استغاثه و انجام اعمال عبادی توصیه می‌نماید (ر.ک: جمعی از شاگردان، حضرت حجت، ص: ۲۹۲-۳۰۹).

۱. جمعی از شاگردان، حضرت حجت، ص ۲۹۲.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۷۲.

امام زمان علیه السلام را بگیرند و توصیه می‌کردند که اهل علم، وظایف فردی و اجتماعی (همچون تحصیل، مطالعه، تدریس، تألیف، امامت جماعت، تبلیغ و...) خود را در راستای تحصیل رضا و تأیید حضرت حجت علیه السلام و خدمت به ساحت قدسی ایشان انجام دهند.

در نظر داشتن منافع امت اسلام

یکی از مسائلی که آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه را رنج می‌داد، این بود که بسیاری از کسانی که طالب دیدار یا ظهور حضرت هستند، انگیزه اصلی‌شان منافع شخصی است. خودشان را برای امام زمان علیه السلام نمی‌خواهند؛ بلکه آن حضرت را برای خودشان می‌خواهند. او این طریقه را درست نمی‌دانست و معتقد بود مردم باید خود و جان و مال خود را برای امام زمان علیه السلام و هدف بزرگ او بخواهند و برای او دعا کنند. برای سلامتی، ظهور، عافیت، پیروزی و از همه مهم‌تر، سلامت ماندن شیعیانش تا ظهور دعا کنند. امام برای عالم است، نه فقط برای من و تو. آن وقت آیا درست است که هر کس به جمکران می‌رود و عبادات طولانی می‌کند، فقط در فکر خودش باشد، نه به فکر آن حضرت؟^۱

قدر دانستن نعمت ولایت و میراث اهل بیت علیهم السلام

در سیره اعتقادی و عملی آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه، اهل بیت علیهم السلام از جایگاه بسیار ممتاز و بی‌بدیلی برخوردار بودند و ایشان شیعیان را به شکرگزاری از این نعمت بسیار ارزشمند و بی‌بدیل توصیه می‌نمود و می‌فرمود:

چقدر شیعیان باید شکرگزاری کنند که سر و کارشان با اهل بیت علیهم السلام است و خداوند نعمت ولایت را به آن‌ها عطا نموده. طنطاوی^۲ درباره صحیفه سجادیه می‌گوید: «دون كلام الخالق و فوق كلام المخلوق»^۳ پایین‌تر از کلام خالق و برتر از کلام مخلوق». اکثر

۱. جمعی از شاگردان، صحبت سال‌ها، ص ۳۴۱.

۲. شیخ طنطاوی بن جوهری از علمای اهل سنت و صاحب تفسیر الجواهر است.

۳. «وانی کلماتها رأيتها فوق کلام المخلوق و دون کلام الخالق؛ و من هر چه در آن تأمل کردم، آن را برتر از سخن مخلوق و پایین‌تر از سخن خالق دیدم» (صحیفه سجادیه، با مقدمه آیه‌الله مرعشی نجفی، مقدمه، ص ۳۰. نیز ر.ک: هاشمی خویی، تکمله منهاج البراعه، ج ۱۶، ص ۱۱۷).

مردم دنیا نصرانی و مسیحی هستند و از قرآن محروم‌اند و بیشتر فرقه‌های اسلامی سنی و غیر شیعه‌اند و از صحیفه سجادیه، ادعیه ماثوره از اهل بیت و نهج البلاغه محرومند.^۱ آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه در جایی دیگر چنین بیان می‌کند:

این همه ودایع، کتب، مخازن علم، روایات و ادعیه در اختیار ما گذاشته‌اند؛ به گونه‌ای که اگر کسی بخواهد امامی را حاضر بیابد یا صدایش را از نوار گوش دهد یا در خدمتشان باشد تا مطالب آن‌ها را استماع کند، بهتر از این‌ها پیدا نمی‌کند. همه چیز در دسترس ما است؛ ولی حالمان مانند حال کسانی است که هیچ ندارند.^۲

نتیجه

با توجه به آثار و سیره علمی و عملی حضرت آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه در موضوع مهدویت، به حق می‌توان او را یکی از چهره‌های شاخص و تأثیرگذار مهدویت در عصر حاضر دانست. ایشان که یکی از شیفتگان دل‌باخته حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالیه بود، در آثار علمی و رفتاری و گفتاری خود همواره مردم را به حضرت حجت رهنمون کرده، نام و یاد حضرت را در فرصت‌های مختلف زنده نگه می‌داشت و برای منتظران ظهور آن حضرت، تکالیف فردی و اجتماعی متعددی قائل بود که بدون عمل به آن تکالیف، زمینه‌ها و شرایط ظهور حضرت فراهم نخواهد شد. از نظر آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه هر شیعه منتظری در قبال امام زمان خویش وظایف و تکالیفی دارد که بدون عمل به آنان، جامعه مهدوی شکل نخواهد گرفت و امر ظهور و فرج حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالیه محقق نخواهد شد. شرط ارتباط قلبی و معنوی با حجت و ولی خدا در دوران سخت غیبت، عمل به این تکالیف است.

در دیدگاه وی، امام عجل‌الله‌تعالیه به عنوان حجت‌الاهی از شیعیان و محبان خود، غافل نبوده، همواره به یاد ایشان و برطرف‌کننده هموم و غموم ایشان هستند؛ پس منتظران ایشان هم باید ایشان را حاضر و ناظر بر اعمال خویش دانسته، همواره به یاد امام زمان عجل‌الله‌تعالیه خویش باشند.

۱. مرکز تنظیم و نشر آثار آیه الله بهجت (ره)، رحمت واسعه، ص ۶۲.

۲. همان، ص ۶۳.

منابع

قرآن کریم

صحیفه سجادیه

۱. ابن بابویه، علی بن حسین، **الامامة والتبصرة من الحيرة**، چاپ اول، قم: مدرسه الامام المهدي عليه السلام، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، **مناقب آل ابی طالب** عليه السلام، چاپ اول، قم: علامه، ۱۳۷۹ق.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی، **الاقبال بالاعمال الحسنه** (اقبال الاعمال)، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۹ق.
۴. _____، **جمال الاسبوع**، چاپ اول، قم: دارالرضی، ۱۳۳۰ق.
۵. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، **المزار الکبیر**، چاپ اول، قم: النشر الاسلامی، ۱۴۱۹ق.
۶. ابن منظور، ابوالفضل، **لسان العرب**، چاپ سوم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۱ق.
۷. برقی، احمد بن محمد بن خالد، **المحاسن**، چاپ دوم، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۸. بهجت، علی، **صحبت سالها**، تحقیق مرکز تنظیم و نشر آثار آیت الله بهجت علیه السلام، چاپ اول، قم: واژه پرداز اندیشه، ۱۴۰۳ش.
۹. بهجت، محمد تقی، **بهجة الدعاء**، قم: مؤسسه فرهنگی هنری البهجه، ۱۴۰۲ش.
۱۰. جمعی از شاگردان آیت الله بهجت علیه السلام، **رحمت واسعه**، قم: مؤسسه فرهنگی هنری البهجه، ۱۴۰۰ش.
۱۱. _____، **حضرت حجت**، چاپ پانزدهم، مرکز تنظیم و نشر آثار آیه الله العظمی بهجت، قم، ۱۴۰۲.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، **حق و تکلیف در اسلام**، قم: اسراء، ۱۳۸۴.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه**، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **معجم مفردات الفاظ القرآن**، دارالکاتب العربی،

۱۳۹۲ق.

۱۵. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۱۶. صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، چاپ دوم، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۵ق.
۱۷. _____، من لایحضره الفقیه، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۱۸. _____، الخصال، چاپ اول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۲.
۱۹. _____، امالی، چاپ ششم، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶.
۲۰. _____، عیون اخبار الرضا علیه السلام، چاپ اول، تهران: جهان، ۱۳۷۸ق.
۲۱. _____، التوحید، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ق.
۲۲. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، چاپ دوم، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۲۳. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، مشهد: مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال (رجال کشی)، چاپ اول، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۴ق.
۲۵. _____، الغیبه، چاپ اول، قم: دارالمعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق.
۲۶. _____، تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴.
۲۷. _____، الاقتصاد، چاپ اول، نجف: جمعیه منتدی النشر، ۱۳۹۹ق.
۲۸. قمی، عباس، مفاتیح الجنان، قم: مشرقین، ۱۳۸۰.
۲۹. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، چاپ سوم، قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ چهارم، تهران: دارالاکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۳۱. کفعمی، ابراهیم بن علی، البلد الامین، بیروت: اعلمی، ۱۴۱۸ق.
۳۲. _____، المصباح (جنة الامان الواقية)؛ چاپ دوم، قم: دارالرضی (زاهدی)،

۱۴۰۵ق.

۳۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.

۳۴. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، چاپ اول، تهران: صدوق، ۱۳۹۷ق.

۳۵. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، چاپ اول، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام،

۱۴۰۸ق.

۳۶. هاشمی خویی، حبیب الله، تکمله منهاج البراعه، بیروت: انوار الهدی، ۱۳۹۲ق.

واکاوی آینده‌پژوهی با رویکرد آیت‌الله بهجت علیه السلام به آموزه مهدویت

پرستو مصباحی جمشید^۱

چکیده

دانش آینده‌پژوهی، درصدد ایجاد و توسعه رهیافت‌های متحول‌کننده‌ای در زیست بشر است. مهدویت نیز به‌عنوان آموزه‌ای که در امتداد زمان، گسترده شده است، ظرفیت‌های تازه‌ای از برنامه دین برای آینده جهان را منکشف می‌کند. پرداختن به وجوه هماهنگ این دو جریان، بر غنای مطالعات آینده‌پژوهانه می‌افزاید. هدف این پژوهش، واکاوی آینده‌پژوهی از خلال بیانات آیت‌الله بهجت علیه السلام در باب آموزه مهدویت است. روش پژوهش، توصیفی تحلیلی است و یافته‌ها حاکی از این است که بیانات و تجربیات عرفانی آیت‌الله بهجت علیه السلام، ظرفیت مناسبی برای بازآفرینی مباحث ناظر به آینده، خلق معانی تازه برای دانش آینده‌پژوهی و توسعه قلمرو آن دارد. ترسیم مبادی آینده‌پژوهی از طریق پرداختن به اضلاع مثلث آینده‌پژوهی و تحلیل توحیدی آن صورت گرفته است. در این پژوهش با نظر به سلوک علمی و عملی آیت‌الله بهجت علیه السلام، به تفکیک آینده‌پژوهی مردمی از سیستمی و نقش حوادث غیرمترقبه در آینده پرداخته شده است. همچنین با ارائه تفسیری از اصل عدم قطعیت، به دلالت‌های پذیرش یا نفی این اصل برای آینده دینی رسیده و نهایتاً مفاهیم و مصادیقی که در جهان پیشاظهار و پساظهار، فرج شخصی را منجر به فرج عمومی می‌کند، واکاوی شده است.

کلیدواژگان: آموزه مهدویت، آینده‌پژوهی، آیت‌الله بهجت علیه السلام، مبادی آینده‌پژوهی، فرج.

مقدمه

با وجود اختلاف معنایی و ادراکی مردمان در مورد آینده، در توجه به آینده، اشتراک قابل توجهی میان انسان‌ها وجود دارد. در دوران معاصر، دانش آینده‌پژوهی برای مطالعه در باب وجوه ممکن، محتمل و مطلوب آینده/آینده‌ها به وجود آمده است. آینده‌پژوهان تلاش می‌کنند با روش‌های ساختارمند و هوشمند به پیش‌بینی آینده بپردازند؛ به گونه‌ای که با بالاترین میزان عقلانیت، قدرت تبیین و دفاع همراه باشد. در دین اسلام نیز در باب آینده و رویدادهای حتمی آن، آموزه‌های متقنی وجود دارد. محوریت آن بر باور به وجود و حضور دائمی حجت خداوند در زمین، غیبت ظاهری و مقطعی، و ظهور او در آخرالزمان می‌باشد. در این پژوهش، تلاش شده است از منظر سلوک عرفانی آیت‌الله بهجت علیه السلام به آموزه مهدویت نگریسته شود، ظرفیت‌های این رویکرد آشکار گردد و سپس درباره ایده‌ها، راهکارها و چشم‌اندازهایی که نظریه‌پردازان حوزه آینده‌پژوهی دارند، به بررسی و تحلیل پرداخته شود. واکاوی آینده‌پژوهی با رویکرد عرفانی به آموزه مهدویت، اهمیت بنیادی دارد؛ زیرا آینده‌پژوهی به عنوان علم درجه دوم^۱ به بررسی وجوه نظری، انگیزشی و مهارتی علوم می‌پردازد و برخلاف فلسفه علم که متمرکز بر ابعاد نظری علم است، امکان واکاوی عمیق‌تری را در مواجهه با آموزه مهدویت که صبغه الهی و ابعاد «تاریخی-تربیتی» دارد، پیش روی محقق قرار می‌دهد؛ همچنین بستر مناسبی برای همخوانی، ارزیابی، اصلاح، تکمیل و نقد آینده‌پژوهی از منظر آموزه مهدویت فراهم می‌کند.

شایان ذکر است که در این تطبیق مفهومی، عرفان نه به عنوان دستگاہ مراد و مریدی که قدمت چندهزار ساله دارد، بلکه به عنوان نظام‌واره‌ای در نظر گرفته شده است که متصل به توحید است و در ارتباط انسان با خدا قائل به وجود واسطه‌ها و تدبیر آن‌ها در عالم است. عرفای برجسته‌ای مانند امام خمینی، آیت‌الله حسن‌زاده آملی و آیت‌الله بهجت، توحید را در امتداد ولایت‌پذیری فهم

۱. از آنجا که علوم درجه دوم به دنبال تحلیل یک علم از بیرون هستند تا بتوانند سیر آن علم را نشان دهند، آینده‌پژوهی از علوم درجه دوم است. متعلق علوم درجه دوم معارف و آگاهی‌های انسان هستند نه واقعیت‌های عینی؛ مانند آنچه در علمی چون فیزیک و شیمی دنبال می‌شود (کاپالدی، فلسفه علم، ص ۳۱-۲۸).

کرده‌اند. از نظر امام خمینی مصادیق کامل خلیفه اعظم، هم‌اکنون در وجود مقدس امام زمان علیه السلام متبلور است و راه صواب را به درستی و کمال، از طریق ایشان می‌توان شناخت.^۱ محقق در این پژوهش، آموزه متقن مهدویت را از خلال فهم عارف وارسته؛ آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه، مورد مذاقه قرار داده است. به برخی از دلایل این امر اشاره می‌شود:

۱. حضرت آیه الله بهجت در مقام عارف، آموزه مهدویت را چشیده و زیسته است. این پژوهش نیز به مثابه مبرهن کردن امر مشهود است. پیش فرض محقق، این است که در رفت و برگشت مفاهیم از مقام نظر به عمل، نوعی بلوغ و پختگی در مفاهیم رخ می‌دهد که جامعه جهانی برای زمینه‌سازی ظهور به آن نیازمند است. آموزه مهدویت با اتکا به وحی، برخوردار از عینیت وجودی امام است و از دلان‌های مختلفی چون ذهن و قلب عارف، فیلسوف، مجتهد و ... عبور کرده است و اکنون در فرایند بلوغ مفهومی و عینی خود در عرصه جهانی، با همه جریان‌هایی که ادعای پیش‌بینی آینده و ساخت آن را دارند، هم‌اوردطلبی می‌کند. تعدد این هم‌اوردی از دلان ذهن و قلب عارف و اصلی چون آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه آغاز شده است؛ زیرا وی با سلوک عملی خود توانست مصلح و احیاگر فرهنگ انتظار در عصر حاضر باشد و ضمن مبارزه علمی و معنوی با جریان انحرافی مهدویت که به‌ویژه در دهه هفتاد با موج ادعای ارتباط با حضرت و گرم شدن بازار تطبیق روایات علائم ظهور اشاعه یافته بود، در توسعه معارف و توسلات مهدوی در جامعه شیعیان، ارتقا و تعمیق شگرفی ایجاد کند.

۲. آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه صراحتاً به اهمیت آینده و رویدادهای آن می‌پردازد: دشمنان برای پنجاه سال آینده ما نقشه کشیده‌اند... آیا اکنون که آرامش هست، نباید فکر بمباران را بکنیم؟^۲ الهام‌گیری از ادراکات و دریافت‌های علمی و عینی او برای سنجش مطالعات آینده‌پژوهانه، پرفایده خواهد بود.

۳. در بیانات آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه بر بعد معرفتی آموزه مهدویت تأکید بسیار شده است که این امر برای نقد گفتمان‌ها در باب آینده، راهگشا می‌باشد.

۱. امام خمینی، صحیفه امام خمینی، ج ۲۱، ص ۵.

۲. بهجت، حضرت حجت، ص ۱۷۲.

مسئله‌های اصلی پژوهش چنین است: آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه چه ترسیمی از آموزه مهدویت ارائه داده است؟ اگر با رویکردی که ایشان به آموزه مهدویت داشت، به واکاوی آینده پرداخته شود، چه ظرفیت‌ها و ملاحظات امیدبخشی پیش روی دانش آینده‌پژوهی خواهد بود؟

مبنای پژوهش حاضر در فرمایش‌های آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه، کتاب حضرت حجت می‌باشد که حاوی مجموعه‌ای از بیانات وی در باب موضوع مهدویت است. شایان ذکر است درباره ارتباط آینده‌پژوهی و مهدویت، مقالات متعددی نگاشته شده است؛ اما در این پژوهش‌ها، ابعاد فردی و اجتماعی سلوک عرفای شیعی، به ویژه آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه، مورد مذاقه قرار نگرفته است.

۱. مبانی نظری

مطالعات آینده‌پژوهانه و آموزه مهدویت

آینده‌پژوهی،^۱ حوزه‌ای جدید و میان‌رشته‌ای است که در خاستگاه خود (مغرب زمین) به شکلی مدرن، متولد و بالنده شده است. «وندل بل» معتقد است آینده‌پژوهی در پی شناسایی، ابداع، ارائه، آزمون و ارزیابی آینده‌های ممکن و محتمل است، تا بر پایه ارزش‌های جامعه، آینده‌های مرجح را انتخاب و برای پی‌ریزی ساخت مطلوب‌ترین آینده، کمک کند.^۲ اصولی در این دانش وجود دارد که آینده‌پژوهان، ادراکات و اقدامات خود را بر آن مبتنی می‌کنند:

- بهبود آزادی و سطح رفاه بشر؛^۳
- شناخت تغییرات زمان حال و همگام شدن با آن؛^۴
- عدم قطعیت در باب آینده؛^۵

1. Future studies.

2. Bell, Foundations of Fututes Studies, p 73.

3. Ibid, p59.

۴. بل، مبانی آینده‌پژوهی، ص ۱۸۵.

5. Silva, A systematic review of foresight in project Management literature, p 792-799.

- تأثیر انسان در سرنوشت خود و شکل دادن به آینده.^۱

آینده پژوهی به مقوله سعادت بشر توجه داشته و می‌کوشد آینده‌های ممکن را که به این نتیجه می‌انجامد، شناسایی و معرفی کند. در آینده پژوهی، سعادت صرفاً در بعد مادی دنبال می‌شود؛ زیرا خاستگاه سکولاری دارد؛^۲ اما در جهان، جریان فراگیری به نام دین وجود دارد که سعادت را در بعد مادی و معنوی دنبال کرده، نظام یافتگی خود را در باب آینده با ساختاری توحیدی ارائه می‌نماید؛ نه با شاکله‌ای که بتوان نام آینده پژوهی اسلامی بر آن نهاد. دین اسلام در باب آینده بشر، ساکت نبوده و با مفاهیمی مانند دوراندیشی و عاقبت‌نگری، توجه بشر را به پیامدهای عملکرد خود جلب کرده است. آیه ۴۵ سوره یاسین و ۱۳۷ سوره آل عمران از جمله آن‌ها می‌باشند. همچنین در آیه ۱۱ سوره بلد که به واژه «العقبه» اشاره می‌فرماید و آن را به مثابه گرده‌ای توصیف می‌کند که بالارفتن از آن، فلاح و رستگاری را به دنبال دارد. خداوند، مصداق‌های عینی آن را آزاد سازی بنده، طعام دادن روز قحطی و طعام دادن به مسکین می‌داند.

در دهه‌های اخیر، تلاش‌هایی از سوی برخی شخصیت‌های مسلمان برای ارائه دیدگاهی منسجم در باب آینده صورت گرفته است. بر اساس یک ارتکاز عمومی، سخن از آینده‌گرایی اسلامی با آموزه مهدویت درهم تنیده شده و از جهات متعددی باب نسبت‌سنجی میان آموزه مهدویت با آینده پژوهی را گشوده است.

رویکرد آیت‌الله بهجت رحمته‌الله به آموزه مهدویت

معرفت و محبت به امام و اطاعت از ایشان، لوازم اصلی مهدویت باوری آیت‌الله بهجت رحمته‌الله است. وی، گام نخست در برقراری ارتباط با امام عصر علیه‌السلام را معرفت به ایشان می‌دانست و بر تقویت لحظه به لحظه این معرفت تأکید داشت.^۳

1. Voros, A generic foresight process framework. Foresight, p 10-12.

2. Bell, Foundations of Fututes Studies, p 3.

۳. بهجت، حضرت حجت، ص ۴۸.

توجه او به معرفت، با فرمایش معصوم که آغاز دینداری را شناخت خداوند دانسته‌اند،^۱ هماهنگی معناداری دارد. با اینکه معرفت به امام بر سایر عناصر تقدم دارد، نسبت وجودی در مواجهه مؤمن با امام، در یک شبکه معنایی [نه یک رویه خطی] با اثر متقابل، متبلور می‌شود و صرفاً معرفتی نیست. معرفت مؤمن به وجود مقدس امام عجله الله تعالی فرجه بر میزان و کیفیت محبت او تأثیر مستقیم دارد؛ به همین منوال فزاینده‌گی محبت و معرفت، به اعتلای عملکرد مؤمنان و بلوغ رفتاری آن‌ها منجر خواهد شد. رفتارهای متعالی، بر غنای معرفتی می‌افزاید و این خود بر توسعه محبت دامن می‌زند. این پیوستار تا بی‌نهایت ادامه می‌یابد و این ارتباط شبکه‌ای، گستره هستی را در برگرفته و به التهاب تمام کائنات و بی‌تابی آن برای ظهور حضرت و برپایی مطلوب‌ترین صورت زیست بشر در نشئه مادی عالم منجر می‌شود. بر همین اساس، نحوه برنامه‌ریزی و اقدام انسان معاصر دیندار برای آینده، روشن و متمایز می‌شود و به همان مؤلفه‌هایی دست می‌یابد که آینده‌پژوه‌هان می‌خواهند در افراد ایجاد شود. آن‌ها در پی ایجاد بینش، گرایش و کنش‌های خردمندانه در باب آینده هستند.

بر اساس فرمایش‌های آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه معنای معرفت، محبت و اطاعت نسبت به امام، چنین است:

انسان از طریق بندگی خدا، رابطه خود با امام را حفظ کند،^۲ واسطه خدا را دوست بدارد و تحت هدایت او باشد،^۳ در حب و بغض‌ها تابع امام باشد^۴ و برای ظهور او مسلح و آماده باشد.^۵

وی برای معرفت به امام، مراتب و درجاتی قائل است. مرتبه نخست، اعتقاد به وجوب اطاعت از امام است؛ زیرا میان معرفت و اطاعت، پیوندی ناگسستنی است:

۱. نهج البلاغه، ص ۳۲.

۲. بهجت، حضرت حجت، ص ۱۷۹.

۳. همان، ص ۱۸۰.

۴. همان، ص ۱۸۱.

۵. همان، ص ۱۸۵.

حداقل معرفت به امام (ادنی معرفة)، فهم مفترض الطاعه بودن امام است؛ ولو اینکه اسم او را نداند.^۱

این حداقل معرفت، عاملی برای پیوند همه انسان‌ها است؛ زیرا همه افراد، عدالت و سایر مفاهیم اخلاقی که در امام وجود دارد را دوست دارند و طالب آنند و امکان تحقق آن برای هر شخص غیر مستضعفی در هر جای عالم و به هر زبانی وجود دارد.^۲ این بدان معناست که عموم مردم به دلیل درستی، معقولیت و محبوبیت مشی امام، مطیع ایشان خواهند شد؛ ولو اینکه شناختی از او نداشته باشند. مرتبه دیگر، معرفت اعلا به امام است که از نظر آیت‌الله بهجت رحمته «برای فهم آن باید به سراغ سلمان رفت و البته بین آن حداقل و این حداکثر، مراتب فراوان وجود دارد».^۳ اعتقاد به عصمت امام، یقین به عنایات امام و حاضر و ناظر دیدن امام از دیگر مراتب معرفت به امام است.

درک مراتب شناخت امام، در امور متکثری از حیات انسان تأثیرگذار است. آیت‌الله بهجت رحمته، اثرات معرفت به امام را در دو سطح بیان میکنند: در درجه اولیه، معرفت منجر به رهایی از مرگ جاهلی می‌شود و در درجات بالاتر اکسیری است که ظرفیتی ایجاد می‌کند تا صفت حکمت در فرد ایجاد شود.^۴ او به اهمیت و دشواری معرفت و اطاعت نیز توجه داشت: «در هر واقعه و در هر حرکت و سکون، مشکل اصلی، تشخیص تکلیف است و بعد مشکل‌تر از آن، عمل به آن تکلیف».^۵ وی معتقد بود راه رفع این دشواری، «عمل به قطعیات و یقینیات دین است. در وقت خواب و محاسبه پی می‌بریم که از کدام یک از کارهایی که کرده‌ایم قطعاً حضرت امام علیه السلام از ما راضی است و

۱. همان، ص ۵۰.

۲. همان، ص ۵۱.

۳. همان.

۴. همان، ص ۴۹.

۵. همان، ص ۶۱.

از چه کارهایمان قطعاً ناراضی است»^۱. از منظر آیت‌الله بهجت رحمته، معرفت امام به احوال عالم، لازمه مهمی دارد که عبارت است از «مُطَرِد (فراگیر) بودن علم امام»؛ لذا می‌فرماید: «ما قطع داریم به اینکه در عین حال که حضرت غایب هستند، خیلی از کارهایی که حاضرها انجام می‌دهند، ایشان هم انجام می‌دهند»^۲. این آگاهی، بر مسئولیت امام در برابر بشریت دلالت دارد. امام علی علیه السلام درباره مسئولیت پنج‌گانه امام می‌فرمایند: «مواعظ الهی را به همه ابلاغ کند، تلاش و کوشش در خیرخواهی، احیای سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، اجرای حدود الهی نسبت به تمام مستحقان و پرداختن حقوق و سهم همگان»^۳. انجام این امورات از سوی امام، نیازمند آگاهی امام به کلیه احوال انسان‌ها است. در این باره آیت‌الله بهجت رحمته می‌فرماید:

عمودی از نور برای امام است که اعمال بندگان در هر شهری را در آن می‌بیند و یا ملکی برای او خبر می‌آورد. همچنین روح القدس مؤید او است؛ غیر از آن روحی که هر سال یکبار در شب قدر بر او نازل می‌شود.^۴

این سطح وسیع از علمیت، حفظ کیان اسلام را نتیجه خواهد داد. آیت‌الله بهجت رحمته در اشاره به حکمت‌های غیبت، صراحتاً به این امر پرداخته است.^۵ از آنجا که امام مجاری امور است، بدون اعمال نقش در عالم، بساط اسلام برچیده خواهد شد. علامه طباطبایی در کتاب طریق عرفان از روایات نقل کرده است که حضرت قائم اسرار شریعت را آشکار می‌سازند و از حقیقت آن‌ها پرده بر می‌دارند و قرآن نیز ایشان را تصدیق می‌کند.^۶

با توجه به معرفتی که امام به احوال عالم دارد و متقابل بودن این معرفت در میان موجودات

۱. همان، ص ۱۸۷.

۲. همان، ص ۱۵۷.

۳. نهج البلاغه، ص ۱۹۵.

۴. بهجت، حضرت حجت، ص ۱۱۱.

۵. همان، ص ۱۲۸.

۶. همان، ص ۱۲۱.

۷. طباطبایی، طریق عرفان، ص ۲۲.

عالم هستی، انسان این شأنیت را دارد که نسبت به امام شناخت پیدا کند. از منظر آیت‌الله بهجت رحمته، شناخت انسان نسبت به امام، مفاد و ثمراتی را به همراه دارد که عبارت است از:

الف. ادراک جامعیت حضور امام در عالم هستی

حضور امام در منظومه هستی، علاوه بر کارکردهای اجتماعی، شئون هستی‌شناسانه‌ای دارد که از تحلیل هویت انسان کامل به دست آمده است و برای عموم مردم به منزله واسطه فیض محسوب می‌شود. در همین معنا آیت‌الله بهجت رحمته می‌فرماید:

امام علیه السلام از ما دور نیست و مانند خداوند که غیب الغیوب است، همه جا با ما است.^۱ امام زمان علیه السلام عین الله الناظره و اذنه السامعه و لسانه الناطق فی خلقه و یده المبسوطة (چشم بینا، گوش شنوا، زبان گویا و دست گشاده خداوند) است و از اقوال، افعال و افکار و نیات ما اطلاع دارد؛ مع ذلک گویا ما ائمه و به خصوص امام زمان علیه السلام را حاضر و ناظر نمی‌دانیم؛ بلکه گویا - مانند عامه - اصلاً زنده نمی‌دانیم و به کلی از آن حضرت غافل هستیم.^۲

از برکات ادراک جامع امام این است که هر قدر تشبه مردم به امام بیشتر شود، امکان بهره‌گیری از فیوضات توجه امام به مردم نیز توسعه یافته و برای همه فراهم می‌شود. در واقع همه افراد از نورانیت امام بهره‌مند می‌شوند:

اگر ما نیز به اندازه توان خود در هدایت مردم تلاش و کوشش کنیم، آیا امکان دارد که مورد عنایت «عین الله الناظره» و امام زمان علیه السلام نباشیم؟^۳

ب. تقرب انسان به خدا

امام‌شناسی، باعث شناخت خدا و تقرب به او می‌شود. این رابطه از نظر آیت‌الله بهجت رحمته متقابل است. وی می‌فرماید:

۱. بهجت، حضرت حجت، ص ۱۱۰.

۲. همان، ص ۵۷ و ۱۱۰.

۳. همان، ص ۷۲.

اگر مسئله امام‌شناسی بالا رود، خداشناسی هم بالا می‌رود؛ زیرا چه آیتی بالاتر از امام؟ امام آئینه‌ای است که حقیقت تمام عالم را نشان می‌دهد.^۱

ج. پذیرش ریاست امام بر مؤمنان

از منظر آیت‌الله بهجت رحمته‌الله «امام از اعمال ما آگاه هستند و کلیه اعمال به ایشان عرضه می‌شود و امضای ایشان، نیاز هست»^۲. ریاست امام بر ما در امتداد ربوبیت الهی است و به همین دلیل می‌فرمایند: «ما رئیسی داریم که بر احوال ما ناظر است»^۳.

د. لحاظ رضایت و نارضایتی امام در تمام امور

از آنجا که امام واسطه فیض الهی است، رضایت او رضایت الهی را در پی دارد:

در هر فیضی، خصوصی باشد یا عمومی، داخلی باشد یا خارجی، جسمانی باشد یا روحانی، بلاکلام، واسطه او است.^۴

به اعتبار اینکه حضور امام به معنای موجودیت نورانی و کامل در عالم هستی است که اصلاح امور بدون رضایت ایشان واقع نمی‌شود، جلب نظر ایشان مهم است. در واقع، رضایت امام به اعمال مؤمنان معنا می‌دهد و این امر به مثابه معیار و اصولی برای آینده‌پژوهی دینی است. آیت‌الله بهجت رحمته‌الله می‌فرماید:

همه ادوات و ابزار را از خود او می‌گیریم و به نفع دشمن به کار می‌بریم و آلت دست کفار و اجانب می‌شویم و به آن‌ها کمک می‌کنیم. چقدر سخت است اگر برای ما این امر ملکه نشود که در هر کاری که می‌خواهیم اقدام کنیم و انجام دهیم، ابتدا رضایت و عدم رضایت او را در نظر بگیریم و رضایت و خشنودی او را جلب نماییم.^۵

۱. همان، ص ۱۱۲.

۲. همان، ص ۱۱۳.

۳. همان، ص ۱۱۴.

۴. همان، ص ۳۱۳.

۵. همان، ص ۱۱۴.

ه. مورد عنایت امام واقع شدن

از آنجا که «تطلع امام بر مؤمنین غیر از تطلع او بر همه عالم است؛ حضرت نظر خاص به مؤمنین دارند»،^۱ دخل و تصرف امام در قلوب مؤمنان به قدری است که قادر هستند بی آنکه فرد بداند، احوال خاصی را در مؤمنان ایجاد کنند:

بعضی وقت‌ها انسان می‌بیند که یک حال خوشی دارد، حالت نورانی دارد. نمی‌داند علتش چیست. هر چه فکر می‌کند، هیچ علتی نمی‌یابد. نمی‌داند که در کوجه‌ای رد می‌شده و فقط به نحو گذرا حضرت از کنارش رد شده است. این نورانیت و حال خوش، به همین جهت در این شخص ایجاد شده است. آیا حضرت صاحب علیه السلام که از دست دشمن‌ها در پشت پرده غیبت است، از دوستانش هم غافل است که هر چه بر سرشان آمد، آمد؟ خدا می‌داند آن حضرت تا به حال چه کرده و چه می‌کند.^۲

و. تبلور محبت

محبت در سایه معرفت روی می‌دهد. کسانی که نسبت به امام شناخت یافته‌اند، با قلبی آماده در جنبش جهانی حضرت، همراهی خالصانه‌تری خواهند داشت. این ارتباط عاطفی، امری متقابل است؛ لذا آیت الله بهجت رحمته الله علیه می‌فرماید:

آیا می‌شود که انسان به راستی و نه به دروغ در خود حس کند که محبتش به امام زمان علیه السلام زیادتر شده است؛ ولی حضرت عنایتش بیشتر نشده باشد و یک قدم به سوی او نیامده است؟ آیا قلب او نعوذ بالله از قلب ما کمتر است؟^۳

امام مستقیماً با قلب شیعیان ارتباط دارد؛ «چقدر بگوییم که امام زمان علیه السلام در دل هر شیعه‌ای یک مسجد دارد»؛^۴ «چقدر حضرت مهربان است به کسانی که اسمش را می‌برند و صدایش می‌زنند

۱. همان، ص ۱۱۹.

۲. همان، ص ۵۴.

۳. بهجت، حضرت حجت، ص ۱۸۲.

۴. همان.

و از او استغاثه می‌کنند. از پدر و مادر هم به آن‌ها مهربان‌تر است»^۱.

ز. اطاعت امام در سایه معرفت

آیت‌الله بهجت رحمته‌الله بر وجهه عملی در سلوک دیندارانه افراد، تأکید بسیاری دارد. برخی از عبارات او این امر را تأیید می‌کند. وی می‌فرماید: «ما باید امضا و تعهد بدهیم و موافقت دسته‌جمعی کنیم که امام غائب را در عمل به دستورات دینی یاری و نصرت می‌کنیم و نقض عهد و پیمان شکنی نکنیم، تا او از پس پرده بیرون بیاید»^۲. این تأکید بدین معنا است که محبت صرف، کافی نیست و حضرت «به قلبی احتیاج دارد که مهیا شوند برای اینکه عدل مبسوط روی زمین اقامه شود»^۳. به این معنا در کنار معرفت و محبت، اطاعت از امام و اقدام عملی نیز لازم است. زمانی که مطاع امام است، تردیدی برای مأموم وجود ندارد که بدون محاجه یا شاهدطلبی، به اطاعت بپردازد و این از مقدمات سلوک عرفانی است؛ لذا می‌فرماید: «بنده چه کار دارد که بخواهد جمال امام را ببیند؟ باید مطیع ایشان باشیم»^۴ و «امام، اشخاصی را می‌خواهند که تنها برای آن حضرت باشند. برای خدا و در راه خدا منتظر آن حضرت باشند؛ نه برای برآوردن حاجات شخصی خود»^۵. آیت‌الله بهجت رحمته‌الله مشی خود را از کسانی که منتظر منفعل هستند، تفکیک کرده، می‌فرماید: «تنها انتظار فرج کافی نیست. تهیاً، بلکه طاعت و بندگی نیز لازم است»^۶.

۲. ظرفیت‌های «رویکرد آیت‌الله بهجت رحمته‌الله به آموزه مهدویت» در مواجهه با آینده

آموزه مهدویت دلالت دارد بر اینکه جامع‌ترین شریعت الهی، به نسبت «انسان و زمان» توجه ویژه داشته است. وقایع آینده، عهده‌دار بخشی از مسئولیت شریعت از یک سو و مسئولیت انسان

۱. همان، ص ۱۸۳.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان، ص ۱۸۷.

۵. همان، ص ۱۸۳.

۶. همان، ص ۱۸۶.

در هستی، از سوی دیگر است؛ لذا پرداختن به اینکه این آموزه با توسل به چه عناصری ظرفیت‌های خود را برای عهده‌داری مسئولیت آینده و رساندن بشر به سعادت نشان می‌دهد، امر مهمی است.

ترسیم مبادی آینده‌پژوهی

مهم‌ترین مبادی‌ای که آینده‌پژوهی، مسیر خود را از آنجا آغاز کرده، فهم عمیق و ناظر به کشف و حل مسئله‌هایی است که با عنصر زمان (تحولات، چالش‌ها و امیدهای مربوط به زمان حال، گذشته و آینده) در هم تنیده بوده‌اند. در کنار این عناصر زمانی، اصلی به نام عدم قطعیت برای آینده‌پژوهان وجود دارد که به دلیل اهمیت آن، پیش فرض گرفته شده است. در چنین وضعیتی پرداختن به نقش و رسالت رویه‌های وحیانی، راهگشا خواهد بود. در واقع اگر از منظر این مبادی به آینده فرد، جامعه، جهان و تاریخ نگریسته شود، در عین حال تفکر عرفایی چون آیت‌الله بهجت رحمته‌الله مدنظر باشد، ترسیم آینده با ابزار، روش، محتوا و غایتی متفاوت از آنچه تاکنون تحت عنوان آینده‌پژوهی مرسوم انجام شده است، صورت خواهد گرفت.

مثلث آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی برای اینکه بتواند فضای آینده را بهتر بفهمد، بیان کند، پیش‌بینی نماید و در ترسیم و تحقق آن نقش داشته باشد، درک سه بعدی از زمان را مدنظر قرار داده است و با ابزاری به نام «مثلث آینده‌ها»، به مجموعه‌ای از محرک‌ها و بازدارنده‌هایی می‌پردازد که برای شناسایی آینده ضروری‌اند. این مثلث، سه گوشهٔ وزنی، فشاری و کششی دارد. فشار حال^۱ شامل روندها، پیشران‌ها و تصمیمات یا اقداماتی است که به دگرگونی منجر می‌شوند. کشش آینده^۲، تصویر یا دیدگاهی است که به مسئله تبدیل می‌شود و در مراحل بعدی مورد بررسی قرار می‌گیرد. وزن گذشته^۳، وزنی تاریخی است و شامل دسته‌ای از عوامل ساختاری از قبیل ساختارهای سازمانی،

1. Weight of the past.
2. Pull of the future.
3. Push of the present.

سیاست‌ها، قوانین، مقررات، ساختارهای علمی یا روایت‌های تاریخی است که مانع از تغییر می‌شود و از دستیابی ما به آینده جلوگیری می‌کند.^۱ با نظر به این سه‌گانه زمانی، به ترسیم وضعیت گذشته، حال و آینده از منظر جهان‌بینی توحیدی پرداخته می‌شود، تا موضع انسان در قبال وضعیت موجود، برنامه‌ها و سیاست‌هایی که باید اتخاذ کند، چشم‌اندازی که باید ترسیم و درک نماید و غایتی که بدان امیدوار باشد، ترسیم شود.

- ترسیم گذشته در جهان‌بینی توحیدی

گذشته، از منظر انسان موحد، سرشار از عبرت‌آموزی است. قرآن کریم تعبیر عبرت را برای صاحبان چشم‌ها و اندیشه‌ها به کار برده است. حتی تعبیر «سیر در ارض» که در فرهنگ قرآنی به کار رفته است، نوعی جهان‌گردی بی‌هدف نیست؛ بلکه بررسی حوادث تاریخی به منظور بصیرت‌افزایی است. گذشته جهان در جهان‌بینی توحیدی، از حجت خدا خالی نبوده است؛ کما اینکه در آینده نیز چنین نخواهد شد. البته این امر از نظر آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه «از مراتب پائین افاضات برای عموم انسان‌ها است؛ به‌گونه‌ای که اگر یک روز زمین بدون امامی از اهل بیت علیهم‌السلام بماند، اهلش را در خود فرو می‌برد؛ اما مراتب بالاتر آن، اختصاص به اهل ایمان دارد»^۲.

- ترسیم حال در جهان‌بینی توحیدی

برای انسان باورمند به توحید، وضعیت کنونی جامعه بشری وضعیتی ناگوار است. بی‌عدالتی و فقدان صلاحیت در تصدی امور کلان جهانی، موج می‌زند و قدرت‌های برتر، اقداماتی ظالمانه در حق سایر جوامع اعمال می‌کنند. البته امکان اصلاح وضعیت، تا حدودی وجود دارد. وقوع تحولاتی مانند انقلاب اسلامی ایران، حرکت عظیمی در همین راستا بوده است. خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی که از مؤلفه‌های اصلی بیانیه گام دوم می‌باشد، مسیر اصلاح وضعیت موجود را روشن کرده است. از نظر آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه، اصلاح امور صرفاً به دست خود انسان صورت

۱. عنایت‌الله، پرسش از آینده، ص ۲۳۸.

۲. بهجت، حضرت حجت، ص ۵۳.

نمی‌گیرد و حجت خداوند به صورت حی و حاضر در حال تدبیر امور است. این نوع تدبیر، مختص جهان پس از ظهور نیست و «خدا می‌داند که حضرت همین الآن چه کارها و چه دستگیری‌هایی دارد»^۱.

فشار حال در سطوح مختلف قابل بررسی است؛ از سطح سیاست‌گذاری‌های کلان گرفته تا عمومی‌ترین نیازهای مردم در حیات متعارف آنان. سیاست‌های آمریکا و اسرائیل در قبال وضعیت خاورمیانه، مصداقی از نیروهایی است که بر زمان حال، فشار وارد می‌کند. این وضعیت به مثابه ابتلائاتی است که برای مؤمنان در دوران غیبت ایجاد شده است و از نظر آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه «مؤمنان باید برای آن‌ها مسلح و آماده باشند و با دیدن آن ابتلائات، قلبشان متزلزل نشود»^۲.

- ترسیم آینده در جهان بینی توحیدی

آینده‌ای که برای انسان موحد توصیف و مقدر شده، اولاً آینده مطلوب است، ثانیاً قبل از تحقق آن، نامطلوبی به نهایت اندازه خود خواهد رسید، ثالثاً جهان مطلوب، مستقیماً به دست ولی خدا اداره خواهد شد. روایات متعددی وضعیت جهان پس‌الظهور را توصیف و تحلیل کرده‌اند؛ برای مثال، آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه درباره اینکه در آخرالزمان اهل بلاد، همدیگر را می‌بینند، می‌فرماید:

با ابزاری نظیر اشعه یا برق می‌شود آن سوی دیوار یا داخل بدن انسان را دید؛ منتهی ارزان و همگانی نیست و خودشان را نمی‌بینند؛ بلکه تنها عکسشان را می‌بینند؛ ولی آیا مقصود از این روایت، دیدن با ابزار است یا اینکه دیده‌ها به‌گونه‌ای قوی می‌شود که خود اهل بلاد را می‌بینند، نه عکس آن‌ها را؟

روایت بر این موضوع تأکید دارد که همانا وقتی قائم ما قیام کرد، خداوند عزوجل به گوش‌ها و چشم‌های شیعیان ما قوتی می‌دهد که بین آن‌ها و قائم هیچ پیکی وجود ندارد؛ حضرت با آن‌ها سخن می‌گوید و آن‌ها می‌شنوند و به ایشان نظر می‌کنند؛ در حالی که او در مکان خودش است.^۳

۱. همان، ص ۱۷۲.

۲. همان، ص ۱۸۵.

۳. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۲۴۱.

از امام صادق علیه السلام نقل است که در زمان قائم، مؤمن در حالی که در مشرق است، برادرش را در مغرب می‌بیند و بالعکس^۱؛ کشف معادن زیر زمین^۲ و مواردی مانند آن، تنها نمونه‌هایی از جذابیت و کشش آینده می‌باشد که از طریق روایات به شیعیان رسیده است.

ایده دینی، این ظرفیت را دارد که در لیست آینده‌های مطلوب برای آینده‌پژوهان قرار بگیرد؛ زیرا مبتنی بر فطرت نورطلب آحاد بشر است. اگر تا کنون چنین اتفاقی نیفتاده، دلیل آن از منظر آیت‌الله بهجت علیه السلام کم بودن عاملان به دین است^۳. تحلیل مثلث آینده‌پژوهی، از طریق تفسیر آیت‌الله بهجت علیه السلام بر روایت پیامبر صلی الله علیه و آله که فرموده‌اند: «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» صورت می‌گیرد. بر اساس تفسیر وی می‌توان فشار حال را با واژه «ظلم و جور» و کشش آینده را از طریق واژه «ملتت» تحلیل کرد. در این فرمایش، محور سخن معصوم، ظلم و جور است؛ زیرا همه بشر ادراک مشترکی از این موضوع دارند:

معصوم نفرموده است: "ملتت کفرا"؛ چون هر کافری می‌گوید: "دین من خوب است"؛ بلکه فرمودند: "ملتت ظلما" که دیگر وجدانی هر کس است که باید یک منجی بیاید^۴.

از این تأکید چنین برداشت می‌شود:

۱. با توجه به همه‌فهمی واژه ظلم، تمام آحاد بشر، مخاطب رویدادی به نام ظهور می‌باشند و آن را درک کرده، خواهان آن هستند. مفهوم ظلم می‌تواند مصادیقی داشته باشد که مورد اجماع همگان نیست؛ اما کسی در ظالمانه بودن اموری چون کودک‌کشی‌های پیوسته‌ای که در جریان جنگ اسرائیل و فلسطین رخ داده، تردیدی ندارد. به تعبیر آیت‌الله بهجت علیه السلام:

همه، اعم از بی‌دین و دیندار اعتراف می‌کنند که وضعی که در آن قرار دارند، وضع

۱. مجلسی، بحارالانوار، ص ۳۹۱.

۲. بهجت، حضرت حجت، ص ۲۹۱.

۳. همان، ص ۲۸۶.

۴. همان، ص ۲۵۷.

عقلایی که ممکن باشد بشر در سایه آن زندگی انسانی کند، نیست.^۱

۲. معصوم به جای «قسط» (برای مثال) نفرموده است «ایمان» و به جای «ظلم» نفرموده است «کفر»؛ زیرا کفر و ایمان، ظرفیت تفاسیر وارونه دارند و عامه مردم را با دگرگونی معنایی چنین واژگانی می‌توان فریفت؛ کما اینکه صهیونیسم با شعارهایی که ظاهر انسانی دارند، در حال اغوای افکار عمومی جهان بوده و هستند. از آنجا که تاب‌آوری عموم مردم برای پذیرش ظلم، بسیار کمتر از کفر است، فرموده‌اند جامعه با کفر اداره می‌گردد و با ظلم نمی‌شود.^۲ شایان ذکر است که در آینده جهان، سخن از تکثیر ظالم نیست؛ بلکه بر کثرت ظلم تأکید شده است که با همه گستردگی آن می‌تواند از سوی عده قلیلی صورت گیرد.

۳. معنای حقیقی «یملأ الارض» این است که فشار حال و حرکتی که به سوی آینده دارد، به اندازه‌ای فراگیر است که حتی سرزمین کفار را هم در بر می‌گیرد و این یکی از صحنه‌های مواجهه ارزشی در عالم است که در آن، بشر به اعلام موضع در خصوص عدل یا ظلم موجود در پهنه جهان می‌پردازد. سهم عمده‌ای از رویکردهای پسااستعماری شکل‌گرفته در سراسر دنیا، برآمده از جنبش‌های مردمی یا حتی علمی و تکنولوژیکی است؛ نه لزوماً جنبش‌های دینی. این وضعیت، مؤید این فرمایش آیت‌الله بهجت علیه السلام است:

به حدی که حتی بلاد کفر و کفار هم احساس کنند که ظلم و ستم بر سر آن‌ها سایه افکنده است؛ لذا آن‌ها هم خواهان فرج و گشایش و نجات جهانیان به دست منجی عالمند.^۳

مطلوبیت آینده به تعبیر آیت‌الله بهجت علیه السلام، نوعی شیرینی ضروری است:

شیرینی‌ها از تفکعات زائد بر ضرورت است؛ اما شیرینی ظهور آن حضرت، از اشدّ ضرورات است.^۴

۱. همان، ص ۲۵۴.

۲. شعیری، جامع الاخبار، ص ۱۱۹.

۳. بهجت، حضرت حجت، ص ۲۵۴.

۴. همان، ص ۲۸۳.

و به همین دلیل:

ممکن است کسی در بلاد کفر سکونت داشته باشد؛ ولی ایمان و اعتقادش بر خلاف حکومت‌های بی‌دین و یا بی‌عقل، و یا بی‌دین و بی‌عقل باشد و با این حال، منتظر فرج باشد.^۱

۴. تأکید بر واژه «یماً» ناظر به آینده است و بر شرط دیگری برای تحقق وعده الهی دلالت دارد، و آن، مرتبه لازمی از ظلم است. آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه می‌فرماید:

بعضی خیال می‌کنند وقتی که حضرت ظهور کنند، کشتار واقع می‌شود؛ ولی چنین نیست؛ بلکه کشتار قبل از ظهور آن حضرت است. در روایتی آمده است: سفیانی، صد و هفتاد هزار نفر را در فلان محله یا منطقه عراق می‌کشد.^۲

وی معتقد است:

جهان هم‌اکنون از ظلم پر شده است؛ اما اینکه هنوز ظهور اتفاق نیفتاده است، به دلیل درجاتی است که این امر (پر شدن) دارد و هنوز درجه مورد نظر، محقق نشده است. مقصود از پر شدن، رسیدن به درجه‌ای از ظلم است که ما نمی‌دانیم چیست که اذن ظهور آن موقع صادر شود؛ اما می‌دانیم که نزدیک است. البته علاوه بر اندازه ظلم، میزان مطالبه مردم هم اثرگذار است و تا قبل از به نهایت رسیدن ظلم، هنوز ما نمی‌خواهیم که اهل بیت علیهم‌السلام بر ما حکومت کنند.^۳

از نظر آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه:

«ملتت ظلما و جورا» دارای مراتب است و در گذشته تاریخ به شکل‌های مختلفی بروز یافته است؛ مانند ماجرای سقیفه و شهادت امام حسین علیه‌السلام که بشریت را تا ابد مبتلا نموده است.^۴

۱. همان، ص ۱۹۷.

۲. همان، ص ۲۷۶ و ۲۷۷.

۳. همان، ص ۱۷۳.

۴. همان، ص ۲۵۵.

اما آن مرتبه خاص از ظلم که خروج امام را در پی خواهد داشت، هنوز اتفاق نیفتاده است؛ لذا از نظر آیت‌الله بهجت رحمته، ما نمی‌توانیم تعیین و تحدید کنیم که چه مرتبه‌ای از ظلم منظور بوده است. آنچه مسلم است این است که «پر شدن از ظلم مدنظر است، نه پر از ظلم باقی ماندن زمین»^۱. ممکن است در حال حاضر و در آینده‌های پیش رو، پر شدن از ظلم به شکل‌های متنوعی ظاهر شود؛ بنابراین: «ظهور مقید است به زمانی نه زمان»^۲.

۵. فراگیری ظلم صرفاً از بُعد کنشی نیست و ظهوراتی از نوع عاطفی نیز دارد. آیت‌الله بهجت رحمته می‌فرماید:

با اینکه اندوه و شادی مؤمن به دیگر مؤمنان سرایت می‌کند، چرا ما با این همه بلاها و مصائب که بر اهل ایمان وارد می‌گردد، بی‌تفاوت هستیم؟ یا ما ایمان نداریم یا آن‌ها و یا قلب‌ها قسی شده است. در روایت است که ظهور قائم آل محمد صلی الله علیه و آله «بعد قسوة القلوب» خواهد بود^۳.

او با اشراف کامل بر نظریه و دلایل دو گروهی که در باب زمان ظهور، مبعود و مقرب هستند، خود را در دسته دوم قرار می‌دهد و شاهد این امر را به تعبیر خودش «در و دیوار» می‌داند^۴. مقصود این است که اگر با نظری بصیرانه به امور نگریسته شود، فریاد و هیاهوی پدیده‌ها و حتی جمادات از شدت ظلمی که در زمین ایجاد شده و عطش و افری که در همین زمین، برای برقراری عدل وجود دارد، قابل درک است. این نگرش برآمده از رویکرد عرفانی او به عالم هستی است که وقتی ذیل چتر توحید قرار می‌گیرند و از عوامل معرفت‌زدا که مهم‌ترین آن ارتکاب گناه است، اجتناب می‌نمایند، به ادراک اموری نائل می‌شوند که عامه مردم از آن بی‌بهره‌اند. مهم‌ترین آن امور، دیدار امام عصر عجل الله فرجه است؛ لذا می‌فرماید:

۱. همان، ص ۲۵۶.

۲. همان، ص ۲۷۲.

۳. همان، ص ۲۶۴.

۴. همان، ص ۷۹.

ترک واجبات و ارتکاب محرمات، حجاب و نقاب دیدار ما از آن حضرت است.^۱ از تحلیل آیت‌الله بهجت رحمته بر فرمایش معصوم، دلالت‌های زیر برای آینده‌پژوهی به دست می‌آید:

الف. تفکیک آینده‌پژوهی مردمی از آینده‌پژوهی سیستمی

تفکیک برخی دوگانه‌ها در مباحث آینده‌پژوهانه به فهم بهتر این نوع مطالعات یاری می‌کند؛ مانند رویکرد آینده‌پژوهی توصیفی از آینده‌پژوهی مدیریتی، رویکرد فردی از رویکرد اجتماعی، گرایش عمومی و مردمی به وقایع آینده از گرایش صاحبان قدرت‌های نظامی سیاسی به مدیریت آینده. در این میان، وظیفه اصلی آینده‌پژوهی توصیفی، این است که نشان دهد از جهت مقوله‌های کلان حیات بشر یعنی ظلم و عدل، بر اساس عملکردهای صاحبان قدرت و نگرش عمومی مردم، آینده چگونه پیش می‌رود؟ به عبارت دیگر در آینده، نمودار ظلم و جور چگونه خواهد بود؟ این مباحث کمک می‌کند که مبادی آینده‌پژوهی به دقت ترسیم شود.

آنچه از فرمایش آیت‌الله بهجت رحمته در باب آینده برداشت می‌شود، این است که میان آینده‌سازی مردمی و آینده‌سازی سیستمی، لزوماً همراهی و همسویی وجود ندارد. در واقع، مسیر آینده با قطعیت در همان مسیری که صاحبان قدرت آنرا طراحی کرده‌اند، پیش نمی‌رود و گرایش‌های اصیل عموم مردم در سطح جهان، معادله قدرت را بر هم خواهد زد. این امر، ظرفیت مهمی پیش روی مطالعات ناظر به آینده توحیدی و نیز جمع‌آوری مؤیداتی برای آمادگی‌های پیش‌آزمایشی قرار می‌دهد. آیت‌الله بهجت رحمته با بیان اینکه ساختارهای قدرت در میان کفار، مانع اتصال مردم به امام و تسهیل شرایط مطلوب می‌شوند، بر وظایف عامه مردم برای عدم تحقق تصمیمات آنان تأکید کرده، می‌فرماید:

کأنه در و دیوار به ما می‌گویند که کفار در فکر شما هستند. باید بر دو کار مواظبت کنیم: یکی اینکه خراب‌تر نکنیم. شهوت و غضب داریم؛ چیزی هم خودمان روی این دو نگذاریم. دوم بدانیم «من این اوتینا» [از کجا این گرفتاری‌ها بر ما وارد شد؟] بفهمیم که بین ما و کسی که همه مفسد بر نبود او مترتب است، جدایی

۱. همان، ص ۱۷۶.

انداخته‌اند.^۱

این فرمایش بدان معنا است که جوّ حاکم بر فضای درک عموم مردم چیزی است غیر از ساختار و روابط سیاسی دولت‌ها. آینده‌پژوهی مردم‌مدار با آینده‌پژوهی سیستم‌مدار از این جهت تفاوت دارد که سرمایه اجتماعی مردم را جدی گرفته و از طریق نوعی فهم بصیرانه، به اقدامی ساده و راه‌گشا مانند رعایت اصول اخلاقی و دعا برای فرج دعوت می‌کند؛ بنابراین می‌توان گفت نمودار «مُلِئْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» در مطالعات آینده‌پژوهی از منظر عموم بشر، صعودی و از منظر ساختارهای سیاسی، به صورت نزولی القا می‌شود.

ب. ناگهانی بودن رویداد اصلی ناظر به آینده و حوادث غیر مترقبه

یکی از وجوه جامعیت آموزه مهدویت، این است که هم به لحاظ ایدئولوژیک و هم کاربردی، پیش‌بینی و محاسبه تمام جوانب امور مربوط به حال و آینده را دارد. این موضوع که عموم مردم از زمان دقیق وعده‌های مربوط به آینده مطلع نیستند، بر ظرفیت غنی آموزه مهدویت دلالت دارد. آینده‌پژوه‌هان بر اساس توصیفی که از آینده صورت می‌دهند، زمان وقوع رویدادها را محاسبه می‌کنند. از نظر آن‌ها مهم است بدانیم که در چه زمانی و تحت چه شرایطی، وضعیت نامطلوب به اوج خود خواهد رسید و وضعیت مطلوب ایجاد خواهد شد. یکی از معیارهای مهمی که آینده‌پژوه‌هان مورد ملاحظه قرار می‌دهند، حادثه‌های دفعی غیر مترقبه است. از نظر آن‌ها همواره باید آماده انواع رویدادهای غیرقابل پیش‌بینی بود. همین موضوع در آینده دینی به شکل هوشمندانه‌ای گنجانده شده است. روایات بسیاری وجود دارد که ظهور را از منظر ناگهانی بودن زمان وقوع آن به قیامت شبیه می‌دانند. آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه نظر به آیه شریف ۱۸۷ سوره اعراف «لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً» داشته و می‌فرماید:

امر ظهور حضرت ص معلوم نیست چند هزار سال طول خواهد کشید؛ با این همه، می‌گویند قریب است؛ مانند نزدیک بودن قیامت^۲.

۱. همان، ص ۲۶۰.

۲. همان، ص ۷۹.

حادثه‌های دفعی غیر مترقبه، هم نزد آینده‌پژوهان و هم در بطن آموزه مهدویت وجود دارد و این حاکی از مواجهه‌ای متقن با دعاوی دینی ناظر به آینده است.

در جدول زیر تطبیق برخی از مؤلفه‌های مربوط به مثلث آینده‌پژوهی و آموزه مهدویت صورت گرفته است:

گزاره‌هایی مربوط به آموزه مهدویت/ موضوعات و مسائل آینده	قلمرو/ عرصه تأثیر	بعد زمانی
<p>راه‌گشایی تمدن اسلامی برای تمدن نوین اسلامی</p> <p>انعکاس فشار گذشته در پیشران‌هایی همچون تغییرات جمعیت‌شناسی، رشد فناوری‌ها، برهم خوردن معادلات قدرت، اولویت یافتن اقتصاد و ...</p> <p>پیشینه سلطه‌طلبی از سوی کشورهای صاحب قدرت</p> <p>خسارت‌هایی که تغییر وضعیت، برای استعمارگران ایجاد می‌کند (موانع تغییر)</p> <p>تلاش قدرت‌های برتر برای حفظ هژمونی</p>	<p>کلان روندهای تاریخی</p>	<p>وزن گذشته</p>
<p>افزایش گرایش به موعودباوری در سطح جهان (در ایران بعد از انقلاب اسلامی)</p> <p>افزایش سطح آگاهی و مطالبات عدالت‌خواهانه مردم از دولت‌ها</p> <p>افزایش میزان مطالبه عمومی مردم دنیا برای اتمام جنگ‌های داخلی</p> <p>مخالفت کشورها با سلطه‌طلبی استعمارگران</p> <p>استقبال از موضوعات و پدیده‌های نوپدید</p> <p>رشد فزاینده فناوری و افزایش دسترسی به آن (عمومی شدن فناوری‌ها) در راستای عدالت اجتماعی</p> <p>توسعه گرایش‌های پسااستعماری در اشکال نظری و عملی</p> <p>بی‌اعتمادی به روایتگری صاحبان قدرت</p> <p>علاقه‌مندی به شفاف‌سازی اطلاعات (حق‌طلبی)</p> <p>تداوم جهانی‌سازی (آمادگی برای مدیریت کلان جهان)</p> <p>تأکید آینده‌پژوهان بر چهره غیر غربی جهانی شدن در آینده</p>	<p>روندها (تغییرات منظم در داده‌ها یا پدیده‌ها در خلال زمان)</p>	<p>فشار حال</p>

گزاره‌هایی مربوط به آموزه مهدویت / موضوعات و مسائل آینده	قلمرو/ عرصه تأثیر	بعد زمانی
<p>فلسفی: چندصدایی شدن و خروج از ساختارهای سلطه محور در اثر غلبه تفکر پست مدرنی</p> <p>سیاسی: عملکرد قدرت‌های نوظهور؛ مانند جمهوری اسلامی ایران / گسترش موج استقلال طلبی در کشورهای در حال توسعه؛ به ویژه در کشورهای آمریکای لاتین</p> <p>اقتصادی: قرار گرفتن رشد اقتصادی تحت تأثیر فشارهای سیاسی / چندقطبی شدن ساختار نظام بین‌الملل و تضعیف جایگاه قدرت هژمون آمریکا در سطح جهان و منطقه / فراملی شدن مبادلات اجتماعی فرهنگی: آرمان شهرگرایی</p> <p>زیست محیطی: توسعه تولیدات غذایی و انرژی / چالش آب، تغییرات اقلیمی و افزایش گرمای زمین</p> <p>فناوری: توسعه فناوری‌های شزان (شناختی، زیستی، اطلاعاتی و نانو)</p> <p>نقش جهان اسلام: توسعه مفاهیمی چون مقاومت، تمدن‌سازی اسلامی، مردم‌سالاری دینی و ...</p>	<p>پیشران‌ها (نیروهای عمده تغییر)</p>	
<p>ارتقای آگاهی، آمادگی و توانایی منتظران (اعم از منتظران آگاه و ناآگاه ظهور)</p> <p>ایستادگی در برابر ظالم (مانند فعال شدن جبهه مقاومت)</p> <p>توسعه فردی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی از طریق درک رابطه بین فرد، ساختار و امر متعالی</p> <p>اتخاذ تصمیمات در حال و آینده منوط به ارتباط متقابل امام و مأموم</p>	<p>تصمیمات</p>	
<p>آموزه مهدویت به مثابه پیونددهنده دین و آینده است</p> <p>توسعه انگیزه‌ها و نیروهایی که عموم مردم را مشتاق آینده آرمانی می‌کند</p> <p>جذابیت موجود در کشف ناشناخته‌ها</p> <p>آینده مرفهانه، آینده ایده‌آل است</p> <p>آینده مرجح، آینده‌ای همسو با نیازهای فطری بشر است</p> <p>اتکا به عصمت امام، به مثابه گزینش خردمندانه مسیر پیش رو است</p>	<p>تمام جنبه‌ها و مراتب وجودی انسان (جسمی، ذهنی، قلبی و رفتاری)</p>	<p>کشش آینده</p>

اصل عدم قطعیت

آینده‌پژوهان معتقدند که هیچ چیز یقینی درباره آینده وجود ندارد:

آینده‌پژوهی، نظامی است که آینده‌های نامحتموم را می‌کاود و در مورد رسیدن به آنچه می‌تواند مقصد تصمیم‌گیری‌های اکنون باشد، بحث می‌کند.^۱

خاستگاه اصل عدم قطعیت، اشاعه اندیشه‌های غیر وحیانی در گستره تحولات فلسفی غرب در طی قرون متمادی بوده است؛ وضعیتی که با ظهور تفکرات پست‌مدرنی و پس‌اساختارگرایی به اوج خود رسید. اصل عدم قطعیت از دو منظر قابل بررسی است:

الف. با توجه به ضوابط آینده‌پژوهی، اصل عدم قطعیت، اصلی پذیرفتنی است؛ حتی از منظر یک فرد مسلمان که معتقد به حتمیت برخی رویدادها مانند ظهور و قیامت است؛ زیرا این اصل مانع القای حتمیت سلطه‌ایدیولوژیک رویه‌های قدرت می‌شود. آینده‌پژوهان در کنار اصل عدم قطعیت، از آینده‌های باورپذیر، سخن به میان می‌آورند؛ آینده‌هایی که «از احتمال وقوع معقولی برخوردار می‌باشند؛ چراکه آن‌ها در راستای معرفت و فهم عمومی موجود در خصوص چگونگی کارکرد جهان می‌باشند»^۲. بر این اساس، آن‌ها معتقد به معقولیت آینده‌اند و نه حتمیت آن. نامحتمومی، در ذات آینده‌پژوهی نهفته است.

ب. منظر دوم، نفی مطلق بودن این اصل است؛ از این جهت که اولاً تحقق آینده دینی، قطعی است؛ ثانیاً آینده قطعاً با آموزه مهدویت ارتباط دارد. از منظر آیت‌الله بهجت^۳:

منظور از غلبه اسلام بر ادیان، غلبه برهانی نیست؛ زیرا در زمان حضرت رسول اکرم^ﷺ هم، چنین غلبه‌ای وجود داشت. مراد، غلبه تکوینی است، نه غلبه تشریحی؛ پس باید زمانی باشد که دین اسلام بر ادیان غلبه تکوینی کند و آن، بعد از ظهور حضرت حجت است.^۲

1. Silva, A systematic review of foresight in project Management literature, p 792-799.

2. Habegger, Strategic foresight in public policy, p 51.

۳. بهجت، حضرت حجت، ص ۲۸۸.

ارتباط امام و امورات عالم، امر دائمی و متوسع است. مؤمنان یقین دارند که حتی «در زمان غیبت، عنایات و افاضات حضرت صاحب الزمان علیه السلام دائماً شامل حال انسان‌ها می‌شود»^۱. بدین منظور باید به پیوند لابدیت و ابدیت پرداخت. آینده‌پژوهی، تمشیت امور دنیایی انسان است؛ اما مقوله امامت، از گذشته تا آینده امتداد یافته است و علاوه بر تمشیت امور دنیایی بشر که تا حدودی با اهداف آینده‌پژوهی، مشترک است، ابدیت انسان را تأمین می‌کند. لابدیت حضور امام، به ابدیت بشر گره خورده است و این دو از یکدیگر تفکیک پذیر نیستند. این مفاهیم، بر قطعیت اموری ناظر به آینده دلالت دارند. آینده‌پژوهان به کاربردهای یقین در آینده‌پژوهی نپرداختند؛ اما این موضوع می‌تواند بابتی بگشاید به سوی وجوه تازه‌ای از این دانش.

توجه به این اصل و پیش‌بینی دقیق امور، به تصمیمات به‌هنگام منجر خواهد شد و بر وجه سیال و منعطف آینده دلالت دارد. امام خمینی ره مرتبط با این بحث می‌فرماید:

چه بسا شیوه‌های رایج اداره امور مردم، در سال‌های آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کند. علمای بزرگوار اسلام از هم‌اکنون باید برای این موضوع فکری کنند^۲.

از این منظر که آینده به درک شدن، تصویرسازی و خلق شدن، نیاز دارد، به دانش آینده‌ها، تفکر آینده‌اندیش و سیستم آینده‌ساز نیاز است، تا ساختارهای اداره جوامع به شکل معقولی بازبینی و بازسازی شوند.

فرج شخصی و عمومی

حضرت آیت‌الله بهجت ره بحث از گشایشی را که ناظر به وجود امام در پهنه عالم هستی است، از دو منظر بررسی می‌کند: نخست تفکیک فرج عمومی از فرج شخصی، و دیگر، منجر شدن فرج شخصی به فرج اجتماعی. از منظر نخست، آیت‌الله بهجت ره معتقد است:

حتی اگر با دعا برای ظهور حضرت، به مصالحی فرج عام حاصل نشود، قطعاً برای

۱. همان، ص ۵۳.

۲. امام خمینی، صحیفه امام خمینی، ص ۲۹۲.

خود دعاکننده، فرج شخصی - که امری اختیاری است - حاصل می‌شود.^۱

از منظر دوم، اصلاح فردی به اصلاح اجتماعی می‌انجامد و «اگر ما خودمان را اصلاح کنیم، به تدریج همه بشر اصلاح می‌شود»^۲. بدین منظور لازم است «اقدام به طراحی برنامه و التزام عملی به آن داشته باشیم و پس از اصلاح خود به اصلاح دیگران همت بگماریم. لازم است این امر با طرح ادله و اقناع سازی کافی صورت گیرد»^۳. موانعی که برای فرج وجود دارد، عمدتاً از جنس بشری است و لذا آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه تأکید دارد که انجام محرمات و ترک واجبات عملاً باعث تأخیر در فرج می‌شود؛ لذا می‌فرماید:

توبه از گناهان، از مهم‌ترین اسباب آماده شدن هر شخص برای ظهور است.^۴

تحقق فرج عمومی از جنس ایجاد آرمان شهرهایی است که همواره در طول تاریخ بشر، به عنوان صورتی برانگیزاننده و پیشرو از نوع زیست مردم، توجه اندیشمندان و عامه مردم را به خود مشغول داشته است. آرمان شهرها بعد از قرن هجدهم، «زمانی» شدند، نه «مکانی»؛ اما وقت و زمان وقوع آن‌ها معلوم نبوده است. آگاهی از زمان پدیده ظهور و ایجاد آرمان شهر مهدوی نیز جز برای خداوند و هر آن کس که خداوند اراده فرموده است، میسر نیست؛ اگرچه برخی تعیین وقت کرده‌اند؛ آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه به استناد روایات، آن‌ها را کذبون می‌نامد.^۵

آرمان شهرگرایی مهدوی، حرکت تاریخ به سمت ظهور با انواع زمینه‌سازی‌های آگاهانه و ناآگاهانه است. در واقع حتی جریان‌هایی که علی‌الظاهر با ایده ظهور، نسبتی ندارند، به‌گونه‌ای در زمینه‌سازی ظهور اثرگذار خواهند شد. این همان حرکت تاریخ به سوی آینده قطعی وعده داده شده در دین است. فرجی که در آرمان شهر مهدوی وجود دارد، عینیت مطلق دارد و متمایز از آرمان شهر افلاطون، آگوستین، فارابی، مید، هاکسلی و دیگران است. برخی عناصر وفاق‌آفرین

۱. بهجت، حضرت حجت، ص ۶۷.

۲. همان، ص ۷۳.

۳. همان، ص ۱۹۱.

۴. همان، ص ۶۱.

۵. همان، ص ۵۵۸.

میان آرمان شهر مدرن و آرمان شهر مهدوی عبارت است از:

- تغییر از مکان محوری به زمان محوری در آرمان شهرگرایی؛
- گذر از اجتماع شهروندی با اوصاف آرمانی به جامعه‌ای با شهروندان معمولی؛
- فاصله گرفتن از اسطوره‌پروری در آرمان شهرگرایی؛
- تصور ویران شهری یا مدینه ضاله در صورت عدم تشکیل جامعه مطلوب.

شایان ذکر است که نوعی فهم نادرست نیز در باب فرج عمومی وجود دارد. آیت‌الله بهجت رحمته‌الله می‌فرماید:

برخی گمان می‌کنند که هر قدر تفریق میان مسلمانان بیشتر شود، ظهور و فرج عمومی زودتر واقع می‌شود؛ لذا بر این امر همت می‌گمارند^۱.

در حالی که باید توجه به جهات مشترک کرد تا فرج عمومی رخ دهد. اگر از منظر دینی به آینده حیات بشر نگریده شود، در جهت ایجاد فرج در معنای همگانی، همه‌مکانی و همه‌زمانی آن پرداختن هوشمندانه و مستمر به امور دیگری نیز لازم است که مهم‌ترین آن عبارت است از دعا کردن. توجه و اقدام به دعا در آینده‌پژوهی مهم است؛ زیرا عموم مردم و مطالبه آن‌ها در تحقق وعده الهی اثر دارد. این تأثیر هم برای خود شخص است و هم برای کیفیت مدیریت حضرت ولی عصر علیه‌السلام. در واقع نقش مردم در تحولات آینده از دو منظر قابل بررسی است: نخست نقش اجرایی، و دیگری نقش ایمانی که با دعا، ظهور می‌یابد؛ به همین دلیل است که آیت‌الله بهجت رحمته‌الله می‌فرماید: «حضرت ولی عصر علیه‌السلام به همه گفته‌اند: برای من دعا کنید»^۲.

در جدول زیر با توجه به دو عنصر فرج شخصی و فرج عمومی به مفاهیم و مصادیق جهان پیشاظهار و پس‌اظهار پرداخته شده است:

۱. همان، ص ۲۰۷.

۲. همان، ص ۶۸.

	آینده نزدیک (جهان پیشاظهاره)		آینده محتوم (جهان پسازظهاره)	
	مفاهیم	مصادیق عینی	مفاهیم	مصادیق عینی
فرج شخصی	خودشناسی خودسازی	امیدواری / صالح شدن / تخلق به فضائل اخلاقی / شکوفایی اندیشه / ارتباط قلبی با امام / مشهود امام شدن / عمل به وظایف انسانی	توسعه عقل، محکم شدن قلب، ظهورات رفتاری مطلوب	خودشناسی خودسازی
فرج عمومی	زمینه‌سازی وعده الهی	برپایی انقلاب‌ها مانند انقلاب اسلامی	ظهور حضرت مهدی <small>عج</small>	تحقق وعده الهی
	آمادگی عقول	توسعه علم و فناوری	پرورش علم و نابودی جهل کشف ۲۷ حرف دانش	شکوفایی عقول
	آمادگی قلوب	توسعه مهرورزی؛ مانند برپایی پیاده روی اربعین	انتشار محبت و غنای قلب‌ها / تبدیل دشمنی‌ها به دوستی / شیوع مهر حتی بین حیوانات	شکوفایی قلوب
	اقدامات	تقویت جبهه مقاومت / اعتراضات مردمی بر ضد ظلم حتی در بلاد کفر / مبارزه مردمی با حداقل امکانات	برپایی عدل / حاکمیت امنیت و ثبات در همه شئون زندگی / توزیع اموال عمومی و امکانات حکومتی براساس استحقاق شهروندان و قانون وحی / صدور حکم براساس واقع، نه شواهد / احیای احکام و قوانین معطل مانده اسلام / اجرای احکامی که زمینه اجرای آن‌ها فراهم نبوده است / عمران و توسعه شهری / توسعه مساجد / پرداخت زکات از سوی ثروتمندان و انباشته شدن آن در معابر عمومی و...	اقدامات

نتیجه‌گیری

در آموزه‌های دینی در خصوص آینده و رویدادهای حتمی و محتمل آن اظهار نظرهای متقنی انجام شده و اساساً حیات دین اسلام وابسته به آموزه مهدویت است. یافته‌های این پژوهش نشان داد:

۱. توافق اندیشمندان برای مطالعه در باب آینده، ظرفیت قابل توجهی برای فرایند آینده‌سازی با محوریت وعده‌های ادیان در باب ظهور منجی به طور کلی و آموزه مهدویت به طور خاص، در فهم عمومی جهان فراهم می‌نماید؛

۲. اگر با منطق اسلامی و اتکال به آموزه مهدویت به رویکردهای موجود در باب آینده نظر شود، این رویکردها از جهات متعددی قابل قبول، اصلاح و تکمیل است؛

۳. نظر به نقدهای صورت گرفته در باب آینده‌پژوهی، با براهین متقن برآمده از اندیشه توحیدی، می‌توان ایده‌های جایگزین معرفی کرد که از آسیب‌های مطرح شده در امان باشد؛

۴. پیوند اندیشه و عمل در آموزه مهدویت، طراحی جدیدی از انگاره‌ها در باب آینده را پیش روی انسان معاصر قرار می‌دهد که با وضعیت مطلوب او سازگاری بیشتری داشته باشد.

در این پژوهش، رویکرد آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه به آموزه مهدویت و آینده‌پژوهی در کنار یکدیگر قرار گرفته و تأثیر و تأثرات آن‌ها با تمرکز بر اکتشاف ظرفیت‌های کلام آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه و تجربیات عرفانی وی در باب معرفت، محبت و اطاعت در برابر امام، بررسی شد. با پیوند این سه مفهوم، نگرش این عارف وارسته تحلیل گردید و از آن برای شناسایی وضعیت کنونی و آتی و رسیدن به توصیف و تجویزهایی برای حیات مطلوب بشر بهره‌برداری شد.

ترسیم مبادی آینده‌پژوهی از طریق مثلث آینده‌پژوهی و اصل عدم قطعیت نشان داد که از منظر توحیدی، وضعیت گذشته، حال و آینده بر امور قطعی چون پرشدن زمین از ظلم، باقی نماندن این وضعیت و مطالبه عدالت از سوی همگان حتی بلاد کفر استوار است. این آگاهی مواجهه مؤمنان با ایده‌هایی که در باب آینده طراحی و اجرا می‌شوند را خردمندانه‌تر می‌نماید. ادراکات

آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه مؤید و شاهدی هستند بر اینکه روند آینده را نه ساختارهای قدرت، بلکه اقبال عمومی مردم تعیین خواهد کرد. از نتایج گرایش‌های مردمی به اصلاح امور جهان و تدبیری که حضرت صاحب‌الامر علیه‌السلام بر عالم دارند، فرج شخصی و عمومی در جهان پیشاظهر و پس‌اظهر رخ خواهد داد.

منابع

قرآن.

نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: مشرقین، ۱۳۷۹.

۱. بل، وندل، **مبانی آینده‌پژوهی**، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی، ۱۳۹۲.

۲. بهجت، محمدتقی، **حضرت حجت**، قم: مرکز نشر آثار آیت‌الله بهجت رحمته، ۱۴۰۲.

۳. خمینی، سید روح‌الله، **صحیفه امام خمینی**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۰.

۴. _____، **سیمای معصومین علیهم‌السلام** در اندیشه امام خمینی رحمته، تهران: تبیان، ۱۳۷۸.

۵. شعیری، محمد بن محمد، **جامع الاخبار**، نجف: مطبعة حیدریة، چاپ اول، بی‌تا.

۶. شیخ عباس قمی، **مفاتیح الجنان**، قم: نبوغ، ۱۳۷۴.

۷. طباطبایی، محمدحسین، **طریق عرفان**، قم: آیت اشراق، ۱۳۹۳.

۸. عنایت‌الله، سهیل، **پرسش از آینده**، ترجمه مسعود منزوی، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی، ۱۳۹۳.

۹. قمی، عباس، **مفاتیح نوین**، قم: علی بن ابی‌طالب، ۱۳۹۱.

۱۰. کاپالدی، نیکلاس، **فلسفه علم**، ترجمه علی حقی، تهران: سروش، ۱۳۷۷.

۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، **اصول کافی**، ترجمه صادق حسن زاده، تهران: قائم آل محمد علیهم‌السلام، ۱۳۸۵.

۱۲. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، لبنان: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۲.

۱۳. وستفال، ریچاردو، **تکوین علم جدید**، ترجمه عبدالحسین آذرنگ و رضا رضایی، تهران: طرح‌نو، ۱۳۷۹.

14. Bell, w. Foundations of Fututes Studies (2th ed.), New Jersey: Transaction Publishers.(2003).

15. Habegger, B. Strategic foresight in public policy: Reviewing the experiences of the UK, Singapore, and the Netherlands. Futures.(2010).

16. Voros, J. A generic foresight process framework. Foresight, 5(3), 10-21.(2003).

17. Silva, M. A systematic review of foresight in project Management literature. Procedia Computer Science, 64, 792-799.(2015).

18. Slaughter,R.Reflections on 40 Years of studies and futures, 40 (10), pp: 912-914. (2008).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وفضلاً من علي ترونجي
پژوهشنامه موعود

مجلة دراسات الموعود - فصلتان علميتان
السنة السابعة - العدد ١٤ - خريف وشتاء ١٤٠٤

تم وبناءً على الرسالة المرقمة ١٥٧٢٨ والصادرة بتاريخ ٢٧ / ٢ / ١٤٠١ من قبل شوري إصدار ومنح التراخيص العلمية للحوزة العلمية ترقية مجلة دراسات الموعود الفصليتين من العدد الأول وجعلها في مصاف المجلات العلمية - الترويجية . ووفقاً للمادة الأولى من الاجتماع المرقم ٦٢٥ للمجلس الأعلى للثورة الثقافية والمنعقد بتاريخ ٢١ / ٣ / ١٣٨٧، تتمتع المجلات ذات الامتياز والطابع الحوزوي بنفس الامتياز والطابع الذي تتمتع به المجلات الصادرة عن وزارة العلوم والبحوث والتكنولوجيا .

هيئة التحرير (حسب الحروف):

الهي نجاد، حسين (أستاذ مساعد في معهد العلوم والثقافة الإسلامية).

بهرزوي لك، غلام رضا (أستاذ في جامعة باقر العلوم في قم).

سليمانى بهبهانى، عبد الرحيم (أستاذ في الحوزة العلمية في قم).

شاكري زواردهي، روح الله (معيد في جامعة طهران برديس فارابي).

صفرى فروشاني، نعمة الله (أستاذ في جامعة المصطفى العالمية).

عرفان، أمير محسن (أستاذ مساعد في كلية العلوم والمعارف الإسلامية في قم).

كلباسي، مجتبي (أستاذ في الحوزة العلمية في قم).

مروجي طبسي، نجم الدين (أستاذ في الحوزة العلمية في قم).

يوسفیان، مهدي (فاضل حوزوي، مدير معهد الدراسات والبحوث المهدوية والموعود للإنتظار البناء).

صاحب الإمتياز:

معهد الدراسات والبحوث المهدوية والموعود للإنتظار البناء.

مركز المهدوية التخصصي التابع للحوزة العلمية في قم.

المدير المسؤول:

حجة الإسلام والمسلمين مجتبي الكلباسي

رئيس التحرير:

حجة الإسلام والمسلمين مهدي يوسفیان

المدير الإجرائي والتنفيذي وسكرتير التحرير:

حجة الإسلام والمسلمين السيد علي الكاظمي

المحرر:

محمد رضا المجيري

مترجم اللغة الإنجليزية:

حجة الإسلام والمسلمين حميد سعادت



عنوان مكتب المجلة: شارع الشهداء (صفائية) زقاق آمار، مركز المهدوية التخصصي، معهد و مركز الدراسات المهدوية وموعود الإنتظار البويا. رقم الهاتف: ٠٢٥٣٧٨٤١٠٤١٠؛ رقم الفاكس: ١٢٥٣٧٧٢٧١٦٠؛ الصندوق البريدي: ٣٧١٣٥١١٩
البريد الإلكتروني: mouoodmag@gmail.com
الموقع المجلة: www.mouoodmag.ir
قناة افتراضية: @mahdaviatmag
الشايا: ٢٧١٧-٠٢٤١
سعر المجلة: ٤,٠٠٠,٠٠٠ ريال

تحليل للإشارات القرآنية عند آية الله الشيخ بهجت في المعارف المهدوية

سعيد توسلى خواه^١

الملخص:

تُعد المهدوية من العقائد الإسلامية الأصيلة التي تحظى بمكانة خاصة في القرآن وكلام أهل البيت (عليهم السلام). وقد قدّم آية الله الشيخ محمد تقى بهجت رحمته الله، بصفته عارفاً وفقهياً بارزاً في العصر الحاضر، رؤيةً سلوكية وباطنية للمهدوية في ضوء الآيات القرآنية. يسعى هذا البحث، بمنهج تحليلي-وصفي، إلى تحليل خصائص نظريته القرآنية-السلوكية للمهدوية، ودراسة كيفية استناد سماحته إلى الآيات القرآنية في تبين مباحث كالغيبية، والظهور، ووظائف المنتظرين، ومراتب التشرف باللقاء. تشير النتائج إلى أن آية الله الشيخ بهجت، وبرؤية تختلف عن التفاسير اللفظية الظاهرية، يركز على ربط الآيات بالسلوك الفردي والتربية المعنوية للمنتظرين. إن التأكيد على كون القرآن والإمام عدلين (قرنين)، والاهتمام بآيات الصبر والتقوى والتضرع والعبودية كعناصر أساسية للانتظار، والنظر إلى الظهور كعملية باطنية، تُعد من مميزات هذه الرؤية. تقدم إشارات القرآنية نموذجاً عملياً وأخلاقياً لـ "الحياة المنتظرة" والتي يمكن أن تكون دليلاً للمؤمنين في عصر الغيبة.

الكلمات المفتاحية: المهدوية، آية الله الشيخ بهجت، القرآن الكريم، التفسير الباطني، السلوك المنتظر.

۱. دكتوراه في الأسس النظرية للإسلام، جامعة قم؛ وباحث في المركز التخصصي للمهدوية، إيران.

تحليل استراتيجيات مواجهة فتن آخر الزمان في حياة المؤمنين مع التأكيد على وجهة نظر آية الله الشيخ بهجت

حجت حيدري جراتي^١

مرضية عيواضي^٢

الملخص

يُقَدَّم "آخر الزمان" في الأدبيات الدينية كحقبة مليئة بالفتن والاختبارات العظيمة؛ وهي فترة تواجه فيها حياة المؤمنين تحديات أخلاقية واجتماعية ومعنوية جمّة. ومن هنا، يكتسب العثور على سُبُلٍ لحفظ الإيمان، وتقليل الأضرار، وعبور هذه المرحلة الحرجة أهميةً بالغة. يقدّم آية الله الشيخ بهجت، بنظرته العميقة للتعالم الدينية، حلولاً تتضمن توصيات لتقوية البنية الإيمانية والأخلاقية للفرد، فضلاً عن إيجاد الثبات والانسجام الاجتماعي. وعليه، يهدف هذا المقال، المعتمد على المنهج الوصفي-التحليلي واستخدام تحليل "سوات (SWOT)" (نقاط القوة والضعف والفرص والتحديات) بالاستناد إلى الدراسات المكتبية، إلى دراسة سُبُل الخلاص من الفتن أو الحد من أضرار آخر الزمان في حياة المؤمنين من منظور آية الله الشيخ بهجت. تُشير نتائج الدراسة إلى أن أهم العوامل الموصى بها من قبل سماحته لمواجهة فتن آخر الزمان تشمل: تهذيب النفس (تركيز النفس)، والاهتمام بالدعاء والارتباط بالله، والالتزام بالأصول الأخلاقية والشريعة. من جانب آخر، تم تحليل التأكيد على البناء الذاتي، وتعزيز المعنوية الاجتماعية، وانسجام المؤمنين، والمشاركة في الأعمال الخيرية كنقاط قوة وفرص استراتيجية ذات فاعلية عالية في تقليل الأضرار المهدوية. في المقابل، حُلِّلت التحديات مثل فقدان الاستراتيجيات المؤسسية، والتحديات الثقافية، وضعف التعليم الديني الرسمي كعقبات وتهديدات قائمة.

الكلمات المفتاحية: آخر الزمان، فتن آخر الزمان، المهدوية، آية الله الشيخ بهجت، الأضرار،

الاستراتيجيات.

١. باحث في معهد بحوث المهدوية والموعودية "الانتظار النشط" (انتظار بوي).

٢. ماجستير في العلوم الاجتماعية للمسلمين، جامعة طهران.

تحليل العوامل المؤثرة في "الدعاء لظهور الحجة ﷺ" من منظور آية الله الشيخ بهجت

علي رباني فروتقه^١

الملخص

من منظور آية الله الشيخ بهجت، يُعدّ "الدعاء للظهور" أهم الأدعية وأكثرها عمومية ومحبوبة. وبناءً على رؤيته، فإن الدعاء لتعجيل الفرج مؤثر في ظاهرة الظهور مع مراعاة الشروط؛ حيث يبلغ مدى هذا التأثير حداً بحيث أنه "يمكن تقديم وقت الظهور من خلال الدعاء". لكي يكون الدعاء مثمراً، يجب ملاحظة شروط الدعاء وموانع الاستجابة؛ لذا توجد عوامل تؤثر على أصل الدعاء وقد تناولتها النصوص الدينية. ولكن يبقى السؤال: ما هي العوامل المؤثرة على الدعاء بمقاربة خاصة أي "الدعاء للظهور"، وما هي مصاديقها من منظور آية الله الشيخ بهجت؟ في هذا المقال، تم استكشاف هذه العوامل من كلام هذا العالم الفقيه، وتم الإشارة إليها عبر تقسيمها إلى "مُعزّزات التأثير" و"مُضعفات التأثير". باعتماد المنهج المكتبي، جُمعت آراؤه في هذا الخصوص أولاً. تُعد عوامل مثل "الالتزام بالتكليف" (محورية التكليف)، و"التوبة والاستغفار"، و"الإخلاص وصدق النية" من معززات التأثير، بينما عوامل مثل "الذنب"، و"قساوة القلب"، و"مودة أعداء الدين" من مُضعفات التأثير. إن العمل العلمي الرئيس الذي يميز هذا البحث عن غيره هو التحليل الدقيق لكلام آية الله الشيخ بهجت في هذا الخصوص.

الكلمات المفتاحية: آية الله الشيخ بهجت، الدعاء للظهور، التعجيل، تأخير الظهور، أداء الواجبات، ترك المحرمات، التوجه إلى الإمام.

پژوهشنامه موعود

سال ششم / شماره ۱۴ / پاییز و زمستان ۱۴۰۴

١. باحث في معهد بحوث المهدوية والموعودية "الانتظار النشط" (انتظار بویا)، وأستاذ في المركز التخصصي للمهدوية.

العنوان: دراسة في أنماط الرؤية إلى الأماكن المهدوية من منظور آية الله الشيخ بهجت

محمد غلامي^١

الملخص

تحتل عقيدة المهدوية مكانة خاصة في معتقدات وسلوك الشيعة، وتؤدي الأماكن المنسوبة إلى الإمام المهدي عليه السلام - باعتبارها رموزاً ملموسة لهذا المعتقد- دوراً محورياً في تعزيز الهوية الثقافية والاجتماعية للمنتظرين. تتناول هذه الدراسة رؤية آية الله الشيخ بهجت حول الأماكن المهدوية وتأثيرها على فهم المهدوية في المجتمع. باعتماد المنهج الكيفي-التحليلي والاستناد إلى المصادر المكتوبة والمقابلات مع الخبراء، تم استخراج وتحليل آرائه في هذا المجال. تُشير نتائج البحث إلى أن آية الله الشيخ بهجت كان يعتبر الأماكن المهدوية - كمسجد جمكران، ومسجد السهلة، والسرداب المقدس - قنواتٍ للارتباط بإمام الزمان عليه السلام وبوراً للتربية المعنوية. وقد أكد سماحته على الزيارة المستمرة لهذه الأماكن، وأداء أعمال خاصة فيها، والالتفات إلى كراماتها، معتقداً أن هذه الأماكن ليست مجرد محالٍ للعبادة، بل هي قواعد للوحدة، وتعليم المعارف المهدوية، وتزكية النفوس. إن رؤية آية الله الشيخ بهجت كانت مزيجاً من الأبعاد العرفانية، والفقهية، والاجتماعية، مما يمكن أن يقدم أنموذجاً لـ "الحياة المهدوية" في عصر الغيبة. الكلمات المفتاحية: آية الله الشيخ بهجت، الأماكن المهدوية، مسجد جمكران، مسجد السهلة، المهدوية، الارتباط بإمام الزمان عليه السلام.

پژوهشنامه موعود

سال ششم / شماره ۱۳ / پاییز و زمستان ۱۴۰۴

١. باحث في مرحلة السطح الرابع (الدكتوراه)، المركز التخصصي للمهدوية، الحوزة العلمية في قم.

قراءة فى فكر آية الله الشيخ بهجت حول كيفية الغيبة وسبل الخلاص من آفاتها وبلياتها

محسن رحيمي جعفري^١

الملخص

إلى جانب الاهتمام الكامل بالقرآن والروايات لفهم وإدراك التعاليم الدينية، تحظى كلمات وسيرة مراجع الشيعة العظام بأهمية خاصة. ويُعدّ آية الله الشيخ بهجت، بصفته عارفاً عاملاً بالأحكام الإسلامية، خياراً مناسباً كأ نموذج عملي للمعارف المهدوية فى مختلف الموضوعات. يسلّط هذا المقال الضوء بدقة على مسألة الغيبة وعللها، وكذلك الابتلاءات فى عصر الغيبة وسبل الخلاص منها فى كلماته وبياناته. يعتمد البحث المنهج المكتبى القائم على الاستقصاء الكامل فى كتاب "حضرت حجت" (الإمام الحجة)، الذى يشتمل على كلمات ونكات آية الله الشيخ بهجت التى دُوّنت على يد تلامذته طوال سنوات عديدة. يسعى هذا البحث للإجابة عن الأسئلة التالية: كيف هى حياة الإمام عليه السلام فى عصر الغيبة وفقاً لكلمات آية الله الشيخ بهجت؟ وما هى علل الغيبة؟ وما هى البلايا التى حلت بالشيعة جراء غياب إمام الزمان عليه السلام؟ والسؤال الختامى يتعلق بكيفية الخلاص من هذه الابتلاءات فى عصر الغيبة من منظور سماحته، حيث سيتم تناول هذه المحاور بالتفصيل فى هذا المقال.

الكلمات المفتاحية: إمام الزمان عليه السلام، آية الله الشيخ بهجت، كيفية الغيبة، علل الغيبة، ابتلاءات الغيبة، الخلاص من الابتلاءات.

پژوهشنامه موعود

سال ششم / شماره ۱۴ / پاییز و زمستان ۱۴۰۴

١. خريج السطح الرابع (الدكتوراه) فى المركز التخصصى للمهدوية، وباحث فى معهد بحوث المهدوية والموعودية "الانتظار النشط" (انتظار بوبا).

دراسة التكاليف الفردية والاجتماعية للمؤمنين تجاه الإمام الحجة عليه السلام من منظور آية الله الشيخ بهجت

حجت الله رجبی^۱

الملخص

بما أنَّ إحدى المباحث المهدوية الهامة تتعلق بوظائف وتكاليف الشيعة في عصر غيبة آخر حجة إلهية، فإنه يمكن العثور على نكات دقيقة واستراتيجية حول هذا الموضوع البالغ الأهمية في آثار المرحوم آية الله الشيخ بهجت؛ مما يكشف عن علاقته المعنوية العميقة بالإمام الحجة (عجل الله تعالى فرجه الشريف). يتناول هذا المقال، بالمنهج الوصفي، التكاليف الفردية والاجتماعية للمؤمنين حيال الإمام الحجة عليه السلام من منظور هذا العارف الحكيم، ويضع بين يدي المتعطين للمعارف المهدوية نكاتاً استراتيجية ودقيقة من آرائه المستنبطة من الآيات والروايات.

الكلمات المفتاحية: التكاليف الفردية، التكاليف الاجتماعية، الإمام الحجة عليه السلام، المعرفة، ترك المعصية وأداء الواجبات.

۱. خریج السطح الثالث (الماجستير) في المركز التخصصي للمهدوية، الحوزة العلمية في قم.

تحليل للدراسات المستقبلية وفق مقارنة آية الله الشيخ بهجت للعقيدة المهدوية

برستو مصباحي جمشيد¹

الملخص

يسعى علم المستقبلية (الدراسات المستقبلية) إلى إيجاد وتطوير مقاربات تحولية في حياة البشر. والمهدوية كذلك، بصفتها عقيدة ممتدة في الزمان، تكشف عن طاقات جديدة لبرنامج الدين لمستقبل العالم. إن تناول الوجوه المتناغمة لهذين التيارين يُضفي ثراءً على الدراسات المستقبلية. يهدف هذا البحث إلى تحليل الدراسات المستقبلية من خلال كلمات آية الله الشيخ بهجت حول العقيدة المهدوية. المنهج المتبع هو الوصفي-التحليلي. تشير النتائج إلى أن كلمات وتجارب آية الله الشيخ بهجت العرفانية تمتلك قابلية مناسبة لإعادة صياغة المباحث الناعمة للمستقبل، وخلق معانٍ جديدة لعلم المستقبلية وتوسيع نطاقه. تم ترسيم مبادئ الدراسات المستقبلية عبر تناول أضلاع «مثلث الدراسات المستقبلية» وتقديم تحليل توحيدى لها. في هذا البحث، وبالنظر إلى السلوك العلمي والعمل لسماحته، تم التفريق بين «المستقبلية الشعبية» (الجماهيرية) و«المستقبلية المنهجية» (النظمية)، ودور الحوادث غير المترتبة في المستقبل. كما تم تقديم تفسير لـ «مبدأ عدم اليقين» (اللاحتمية)، والوصول إلى دلالات قبول أو نفي هذا المبدأ بالنسبة للمستقبل الديني. وأخيراً، تم تحليل المفاهيم والمصاديق التي تؤدي بالفرج الشخصي إلى الفرج العام في عالم ما قبل الظهور وما بعده.

الكلمات المفتاحية: العقيدة المهدوية، الدراسات المستقبلية، آية الله الشيخ بهجت، مبادئ الدراسات المستقبلية، الفرج.

پژوهشنامه موعود

سال ششم / شماره ۱۴ / پاییز و زمستان ۱۴۰۴

۱. أستاذ مساعد في قسم العلوم التربوية، جامعة فارهنغيان (جامعة إعداد المعلمين)، طهران، إيران.

An Analysis of Futurology via Ayat-Allah Bahjat's Approach to the Doctrine of Mahdism

Parastou Mišbāhi-Jamshid¹

Abstract

The discipline of Futures Studies seeks to establish and develop transformative approaches in human life. Similarly, Mahdism, as a doctrine extending across time, reveals fresh capacities regarding religion's plan for the global future. Addressing the harmonious facets of these two currents adds richness to futures-oriented studies. The objective of this research is to analyze Futures Studies through the lens of Ayat-Allah Bahjat's statements on the doctrine of Mahdism. The research method is descriptive-analytical. Findings indicate that Ayat-Allah Bahjat's mystical statements and experiences possess suitable capacity for regenerating future-oriented discussions, creating new meanings for Futures Studies, and expanding its scope. Delineating the principles of Futures Studies is achieved by addressing the sides of the "Futures Studies Triangle" and providing a monotheistic analysis thereof. In this research, with regard to Ayat-Allah Bahjat's scientific and practical conduct, a distinction is made between "Grassroots Futures Studies" and "Systemic Futures Studies," as well as the role of unforeseen events in the future. Furthermore, by offering an interpretation of the "Uncertainty Principle," the study arrives at the implications of accepting or rejecting this principle for a religious future. Finally, concepts and instances in the pre- and post-Reappearance eras, where "Personal Deliverance" (*Faraj*) leads to "General Deliverance," are analyzed.

Keywords: Doctrine of Mahdism, futurology, Ayat-Allah Bahjat, principles of futurology, deliverance.

¹ Assistant Professor of Farhangian University. p.mesbahij@cfu.ac.ir

A Study of the Individual and Social Duties of Believers towards Imam Mahdi from the Viewpoint of Ayat-Allah Bahjat *Hujjat-Allah Rajabi*¹

Abstract

Given that one of the significant topics in Mahdavi teachings concerns the duties and obligations of Shi'as during the era of the Occultation of the last Divine Proof (Imam al-Mahdi), precise and strategic insights regarding this crucial issue can be found within the works of the late Ayat-Allah Bahjat. These insights reflect his deep spiritual bond with the Imam. Employing a descriptive method, this article addresses the individual and social duties of believers towards Imam Mahdi from the perspective of this wise mystic. It presents strategic and precise points from his views—derived from Quranic verses and Hadiths—to those seeking Mahdavi knowledge.

Keywords: Individual duties, social duties, His holiness Hujjat (Imam al-Mahdi), epistemology (Ma'rifat), abandoning sins and performing obligatory acts.

Reviewing the Ayat-Allah Bahjat's Thought Regarding the Nature of Occultation and Strategies for Deliverance from its Afflictions and Calamities

Muhsin Rahimi Ja'fari¹

Abstract

Alongside full attention to the Quran and Hadith for a better understanding of religious teachings, the words and conduct (*Sirah*) of the grand Shiite authorities (*Maraji'*) are of special importance. As a practicing mystic devoted to Islamic mandates, Ayat-Allah Bahjat serves as a suitable practical model for Mahdavi teachings in various aspects. This article scrutinizes the issue of Occultation, its causes, the tribulations during this era, and the strategies to escape them, based on his statements. The research method is library-based, relying on a comprehensive investigation of the book "*Hazrat-e Hujjat*", which contains the transcribed notes and points made by Ayat-Allah Bahjat over many years, compiled by his students. This research seeks to answer these questions: How is the lifestyle of His Holiness described during the Occultation in Ayat-Allah Bahjat's view? What are the causes of Occultation? Furthermore, what calamities have befallen Shiites due to the absence of the Imam of the Time? And finally, what are the ways to escape these tribulations according to Ayat-Allah Bahjat? These issues are discussed in detail in this article.

Keywords: Imam of the Time, Ayat-Allah Bahjat, nature of Occultation, causes of Occultation, tribulations of Occultation, deliverance from tribulations.

1 Graduate at level 4 of the Mahdism Specialized Center, Researcher at the Research Center of Mahdism and Messianism; Rahimi.mohseno@gmail.com

A Research on the Typology of Attitudes toward Mahdavi Sites from the Viewpoint of Ayat-Allah Bahjat *Muhammad Ghulāmi*¹

Abstract

The doctrine of Mahdism holds a unique position in the beliefs and behavior of Shi'as, and places attributed to Imam Mahdi—as tangible symbols of this belief—play a key role in strengthening the cultural and social identity of those awaiting him (*Muntazirin*). This research examines Ayat-Allah Bahjat's attitude toward Mahdavi sites and its impact on understanding Mahdism in society. Employing a qualitative-analytical method and utilizing written sources and interviews with experts, his views in this field have been extracted and analyzed. Research findings indicate that Ayat-Allah Bahjat considered Mahdavi sites—such as Jamkarān Mosque, Al-Sahla Mosque, and the Holy Sardab (Cellar)—as conduits for connection with the Imam of the Time (A.S.) and centers for spiritual upbringing. He emphasized continuous pilgrimage (*Ziyārat*) to these places, performing specific rituals, and paying attention to their miracles (*Karāmat*). He believed that these sites are not merely places of worship, but bases for unity, teaching Mahdavi knowledge, and the purification of souls (*Tazkiyah*). Ayat-Allah Bahjat's attitude was a combination of Gnostic, jurisprudential, and social dimensions, which can offer a model for a "Mahdavi lifestyle" in the era of Occultation.

Keywords: Ayat-Allah Bahjat, Mahdavi Sites, Jamkarān Mosque, al-Sahla Mosque, Mahdism, connection with the Imam of the Time.

¹ Student at level 4 of Mahdist Specialized Center of Qom Seminary.

montazer.mohammad@gmail.com

**An Analysis of the Factors Influencing the "Prayer for the Reappearance
of Imam al-Mahdi" from the Perspective of Ayat-Allah Bahjat
*Ali Rabbāni*¹**

Abstract

From the perspective of Ayat-Allah Bahjat, the most significant, universal, and beloved prayer is the "Prayer for the Reappearance". Based on his view, praying for hastening the Deliverance (*Faraj*) is effective in the phenomenon of Reappearance, provided the conditions are met. The extent of this influence is such that "one can advance the Reappearance through prayer." To be fruitful, the conditions of prayer and obstacles to its fulfillment must be considered. While religious texts address factors affecting prayer in general, the question remains: what factors influence the prayer with the specific approach of "praying for the Reappearance," and what are these according to Ayat-Allah Bahjat? In this article, these factors are extracted from the words of this Jurist (*Faqih*) and are presented by categorizing them into "influence enhancers" and "influence reducers." Using a library-based method, his views were first collected. Factors such as "commitment to religious duty", "repentance and seeking forgiveness," and "sincerity" are identified as enhancing factors, while factors like "sin," "hardheartedness", and "friendship with enemies of religion" are identified as diminishing factors. The main scientific contribution distinguishing this research is the analysis of Ayat-Allah Bahjat's discourse on this specific matter.

Keywords: Ayat-Allah Bahjat, prayer for reappearance, hastening (*Ta'jil*), delaying reappearance, performing obligations, abandoning prohibitions, paying attention to the Imam.

¹ Researcher at the Research Center of Mahdism and Messianism of Entizar-e Pouyā Rabbanyali@chmail.ir

Analysis of Strategies for Confronting Apocalyptic seditions in the Lives of Believers; Emphasizing the Viewpoint of Ayat-Allah Bahjat *Hujjat Heydari Charāti*¹ *Mardiyah 'Iywaḍi'*

Abstract

In religious literature, the End Times (*Akhir al-Zamān*) is portrayed as an era fraught with seditions (*Fitnah*) and great trials, where the lives of believers are beset by numerous ethical, social, and spiritual challenges. In this context, finding ways to preserve faith, mitigate harm, and navigate this critical period is of paramount importance. With a profound insight into religious teachings, Ayat-Allah Bahjat offers solutions encompassing recommendations for strengthening individual faith and ethical foundations, as well as establishing social stability and cohesion. Therefore, employing a descriptive-analytical method and utilizing *SWOT analysis* (identifying Strengths, Weaknesses, Opportunities, and Threats) based on library research, this article aims to examine ways to escape seditions or limit and reduce apocalyptic harms in the lives of believers from Ayatollah Behjat's perspective. The results indicate that the most significant factors recommended by Ayat-Allah Bahjat for countering apocalyptic tribulations include spiritual self-purification (*Tazkiyah*), attention to supplication and connection with God, and adherence to ethical principles and Sharia. Furthermore, emphasis on individual self-improvement, strengthening social spirituality, cohesion among believers, and participation in charitable acts are analyzed as strategic strengths and opportunities with high potential for reducing apocalyptic harms. Conversely, challenges such as the lack of institutional strategies, cultural threats, and weaknesses in formal religious education are analyzed as existing obstacles and threats.

Keywords: End Times, apocalyptic seditions, Mahdism, Ayat-Allah Bahjat, harms, strategies.

1 Researcher at the Research Center of Mahdism and Messianism of Entizar-e Pouyā. heydarihcharati@gmail.com

2 M.A in major of Social knowledge of Muslims, (Tehran University)

An Analysis of Ayat-Allah Bahjat's Quranic Allusions in the Doctrine of Mahdism

Sa'īd Tawassuli-Khāh¹

Abstract

Mahdism is one of the fundamental doctrines of Islam, holding a special status in the Quran and the sayings of the Ahl al-Bayt (A.S.). As a distinguished contemporary mystic and jurist, Ayat-Allah Muhammad Taqi Bahjat offered a spiritual and esoteric perspective on Mahdism in the light of Quranic verses. Employing a descriptive-analytical approach, this research aims to analyze the characteristics of his Quranic-spiritual view on Mahdism and examines how he utilized Quranic verses to elucidate topics such as Occultation, the duties of those awaiting, and the levels of meeting the Imam (*Tasharruf*). Findings indicate that Ayat-Allah Bahjat, with an approach distinct from text-oriented (literal) exegesis, focuses on linking verses with individual spiritual conduct and the spiritual upbringing of the *Muntazirin*. Emphasizing the Quran and the Imam as counterparts, focusing on verses regarding patience, piety, supplication, and servitude as essential elements of Waiting, and viewing the Reappearance as an inner process are characteristics of this perspective. His Quranic allusions offer a practical and ethical model for a "waiting lifestyle" that can guide believers during the era of Occultation.

Keywords: Mahdism, Ayat-Allah Bahjat, the Holy Quran, esoteric interpretation, waiting conduct.

¹ PhD in Theoretical Foundations of Islam, University of Qom, and researcher at the Mahdism Specialized Center, Iran: saeedtawasoli@chmail.ir

Pursuant to the letter No. 15728 issued by the Council for Granting Scholarly Licenses and Privileges of Seminaries on May 17, 2022, the biannual Research Journal on the Promised has been elevated from Grade 1 to the scholarly-promotional rank.

As per the article approved in session 625 on March 21, 2008, by the Supreme Council of the Cultural Revolution, publications with theological accreditation hold the same validity as those of the Ministry of Science, Research, and Technology.

**In the Name of Allah, the Most
Beneficent, the Most Merciful**



Two-Quarterly Scientific-Promotional Journal of Mahdism
Seventh YEAR, NO. 14, AUTUMN/ WINTER 2025-2026

Magazine Owner:

Mahdism and Messianism Research Center of
Intezar Pooya (Dynamic Awaiting),
Specialized Center of Mahdism of Qom
Seminary

Managing Editor:

Clergy of Islam Mojtaba Kalbasi **Editor in
Chief:**

Clergy of Islam Mahdi Yousefian

Internal Manager and Editorial Staff:

Hujjat al-Islam Sayyid Ali Kazemi

Editor:

Mohammad Reza Mojiri

English Translator:

Hujjat al-Islam Hamid sa'adat

Editorial Board (Alphabetically Ordered):

Elahinezhad, Hussein (Associate Professor of
Islamic Sciences and Culture Research Center)

Behrouzi Lak, Gholamreza (Professor at Baqir
al-Ulum University)

Solaymani Behbahani, Abdul-Rahim
(Professor at Qom Seminary)

Shakeri Zavardehi, Rouhollah (Assistant
Professor at Tehran University)

Safari Foroushani, Nematollah (Professor at
Al-Mustafa International University)

Erfan, Amir Mohsen (Assistant Professor at
Islamic Maaref University)

Kalbasi, Mojtaba (Professor at University and
Seminary)

Moravveji Tabasi, Najm al-Din (Professor at
Qom Seminary)

Yousefian, Mahdi (Seminary Scholar,
Assistant Professor Al-Mustafa International
University)



Address: Mahdism and Messianism Research Center of Intezar Pooya,
Specialized Center of Mahdism, Amar Alley, Shohada St. (Safaeyeh),
Qom. Tel: 025-37841410, Fax: 025-37737160, P.O.B: 37135119

Website: <http://mouoodmag.ir>

Email: mouoodmag@gmail.com

Social network channel Address: @mahdaviatmag

ISSN: 2717-0241

Price: 4.000.000 Rials